انتشارات دانشگاه تهران
۴۶۶

تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران

جلد اول

از گلناباد تا ترکمن چای

۱۱۳۴ - ۱۲۴۳ (هجری)

(چاپ دوم)

تألیف

دکتر علی اکبر بینا

استاد تاریخ ایران دانشکده ادبیات تهران

تهران

۱۳۳۷

چاپخانه دانشگاه

فهرست علائم اختصاری

A. F. IV	Archives Nationales Fonds de la Secretairerie d' Etat Consulat et Empire
London P. R O. P. FO 60:	London Public Record Office· Foreign Office Records Persia FO 60
Paris: A. F. P. :	Paris. Archives du Ministére des Affaires Etrangères

فهرست مندرجات

از صفحه تا صفحه

	از صفحه	تا صفحه
مقدمه	» ۱	» ٤

قسمت اول

	از صفحه	تا صفحه
آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران	» ٥	» ۱۰

فصل اول

	از صفحه	تا صفحه
۱ـ انحطاط دولت صفویه و آغاز سیاست متجاوزانه دولت روسیه تزاری	» ۱۱	» ۱۷
۲ـ رقابت روس وعثمانی درایران ومعاهدهٔ اسلامبول	» ۱۸	» ۲۲
۳ـ نادرشاه افشارـ استقرار امنیت درداخله واخراج روس وعثمانی ازایران	» ۲۳	» ۲۷
٤ـ جانشینان نادر	» ۲۸	» ۳۲
٥ـ ایران هنگام ظهور سلسله قاجاریه ـ پیدایش سلسله قاجاریه	» ۳۳	» ۳٦
٦ـ سیاست دولت روسیه تزاری در گرجستان	» ۳۷	» ٤۰
۷ـ لشگرکشی بسمت گرجستان	» ٤۱	» ٤٤
۸ـ اشغال اراضی ایران ازطرف لشگریان روس	» ٤٥	» ٥۱
۹ـ ایرن هنگام جلوس فتحعلیشاه	» ٥۲	» ٥٥

فصل اول

	از صفحه	تا صفحه
۱ـ نظری بوضع جغرافیائی ایران	» ٥٦	» ٦۱
۲ـ طبقات مختلف مردم	» ٦۲	» ٦۹
۳ـ قدرت پادشاه وعوامل متنفذ درتشکیلات مملکتی	» ۷۰	
٤ـ مالیات وطرز وصول آن	» ۷۱	» ۷۳

فصل دوم

	از صفحه	تا صفحه
سازمان نظامی ایران دراوایل قرن سیزدهم	» ۷٤	
الف ـ وضع نظامی ایران قبل ازرسیدن مربیان ومتخصصین اروپائی	» ۷٤	» ۷۷

از صفحه تا صفحه

ب - وضع نظامی ایران پس از رسیدن مربیان ومتخصصین اروپائی « ۷۷ « ۸۶

قسمت دوم

آغاز جنگهای ایران وروس تا معاهدهٔ گلستان « ۸۷

فصل اول

نخستین مراحل تیرگی روابط ایران وروس

۱- الحاق گرجستان « ۸۸ « ۹۰

۲- اشغال گنجه واز بین بردن آثاروتأسیسات ملی وتعمیم نفوذ روس درنواحی اشغالی « ۹۱ « ۹۳

فصل دوم

۱- مرحلهٔ اول جنگهای ایران وروس از ۱۲۱۸ تا امضای معاهدهٔ تیلیست ۱۲۲۲ « ۹۴ « ۹۶

۲- اوضاع اروپا و روسیه در برابر فتوحات ناپلئون « ۹۷ « ۱۰۰

۳- مذاکرات فتحعلیشاه با دولتین انگلستان وفرانسه رقابت انگلیس وفرانسه درایران « ۱۰۱

الف - مذاکرات با دولت انگلستان « ۱۰۱ « ۱۰۵

ب - « « فرانسه « ۱۰۶ « ۱۱۵

معاهدهٔ فین کین اشتاین و سمت نمایندگی ژنرال گاردان « ۱۱۶ « ۱۲۳

فصل سوم

۱- مرحلهٔ دوم جنگهای ایران وروس از معاهدهٔ تیلیست ۱۲۲۲(۱۸۰۹) تا ۱۲۲۷(۱۸۱۲) « ۱۲۴ « ۱۲۶

۲- شکست نقشهٔ وساطت دولت فرانسه وعزیمت ژنرال گاردان « ۱۲۷ « ۱۳۹

۳- تجدید نفوذ دولت انگلستان ومعاهدهٔ انگلیس وایران در ۱۲۲۹ (۱۸۰۹) « ۱۴۰ « ۱۴۶

۴- بی نتیجه ماندن، مذاکرات عسگران ونقشی که سرهارفوردجونس دراین مذاکرات بازی میکرد « ۱۴۷ « ۱۵۶

۵- اتحاد ایران وعثمانی از رجب ۱۲۲۵ تا جمادی الاول ۱۲۲۷ « ۱۵۷ « ۱۵۹

از صفحه تا صفحه

فصل چهارم

۱ـ مرحلهٔ سوم جنگهای ایران وروس ازامضای معاهدهٔ
بخارست تا امضای معاهدهٔ گلستان ذیقعدهٔ ۱۲۲۸ » ۱۶۰ » ۱۶۱
۲ـ مقدمات انعقاد معاهدهٔ گلستان ـ بی نتیجه بودن
وساطت انگلستان ومذاکرات اصلاندوز » ۱۶۲ » ۱۶۹
۳ـ آخرین زدوخوردهای سال ۱۲۲۷ (۱۸۱۲) » ۱۷۰ » ۱۷۳

فصل پنجم

۱ـ معاهدهٔ گلستان » ۱۷۴ » ۱۷۶
۲ـ بررسی موادمعاهدهٔ گلستان » ۱۷۷ » ۱۸۲
۳ـ نتایج معاهدهٔ گلستان دراوضاع داخلی ایران » ۱۸۳ » ۱۸۶
۴ـ » » خارجی ایران » ۱۸۷ » ۱۹۴

قسمت سوم

دورهٔ فترت میان دو جنگ

فصل اول

۱ـ علل سیاسی واجتماعی جنگ دوم ایران وروس
۱۲۴۱-۱۲۲۳ (۱۸۲۶) (۱۸۲۸) » ۱۹۶ » ۲۰۰
۲ـ علل آنی جنگ دوم ایران وروس
مذاکرات دربارهٔ تعیین سرحدات » ۲۰۱ » ۲۰۵
۳ـ تغییرسیاست عباس میرزا پس ازمرگ الکساندر
اول واعلان جهاد » ۲۰۶ » ۲۱۴

قسمت چهارم

جنگ دوم ایران وروس (۱۲۴۱-۱۲۴۳)

فصل اول

مرحلهٔ اول ـ پیشرفتهای عباس میرزا ازذیحجهٔ ۱۲۴۱
تا آخرمحرم ۱۲۴۲ » ۲۱۶ » ۲۲۱

فصل دوم

مرحلهٔ دوم ـ جنگ ایران وروس
۱ـ شکستهای ماه صفر ۱۲۴۲ تاسقوط قلعهٔ
عباس آباد ذیحجهٔ (۱۲۴۲) » ۲۲۲ » ۲۲۵

از صفحه تا صفحه

۲- بی نتیجه ماندن آخرین اقدامات دولت ایران
برای استقرار صلح « ۲۲۶ « ۲۳۰
۳- آغاز مجدد عملیات جنگی « ۲۳۱ « ۲۳۴

فصل سوم

مرحلهٔ سوم - جنگ ایران وروس - سقوط ایروان
وتبریز و آغاز مذاکرات صلح « ۲۳۵ « ۲۴۲

فصل چهارم

۱- معاهدات ترکمانچای « ۲۴۳ « ۲۴۸
۲- نتایج معاهدات ترکمانچای
حادثهٔ قتل گریبایدوف « ۲۴۹ « ۲۵۴
انقلابات مشرق ایران « ۲۵۴ « ۲۵۵
قضیهٔ هرات و افغانستان « ۲۵۵ « ۲۵۸
تجارت وعواید گمرکی « ۲۵۹ « ۲۶۱
امتیازات کنسولی « ۲۶۱ « ۲۶۳
نتیجه « ۲۶۴ « ۲۶۷

ضمائم

I- معاهدات منعقده بادولتین روس وانگلیس « ۲۶۹ « ۳۱۳
II- منابع ومآخذ « ۳۱۳ « ۳۱۹
III- اسامی اشخاص وطوایف « ۳۲۱ « ۳۳۱
IV- اسامی امکنه و بلاد « ۳۳۳ « ۳۴۰

مقدمه

آشنائی کامل بتاریخ جدید ومعاصرایران بدون داشتن اطلاعات کافی ازدورهٔ صدونه سالهٔ اخیراین کشور (۱۱۳٤تا ۱۲٤۳هجری قمری) مطابق (۱۷۲۲-۱۸۲۸ میلادی) خالی ازاشکال نیست .

قبل ازسال ۱۱۳٤ که مصادف با حملهٔ افاغنه و شکست سپاهیان صفوی در گلناباد بدست محمود افغان است دامنهٔ متصرفات ایران تا قفقاز میرسید و استقلال ایران کامل بود .

پس ازحملهٔ افغان دولتهای روس وعثمانی هم از اوضاع آشفتهٔ داخلی کشورما استفاده کردند وازشمال و مغرب بدست اندازی پرداختند . مخصوصاً دولت روسیهٔ تزاری برای پیشرفت نقشه‌های امپراطوری خود و انتزاع قفقاز از ایران آنی غافل نمی‌نشست .

سال ۱۲٤۳ (۱۸۲۸) درتاریخ معاصرایران سال مشخصی بشمار میرود . انعقاد پیمان ترکمن چای دراین تاریخ ختم بحران طولانی وشروع دورهٔ جدیدی را در تاریخ ایران آغاز میکند . دراین دورهٔ جدید ایران از نظرسیاسی ضعیف وازلحاظ ارضی کوچك وبسیاری از ولایات خود را ازدست داد وحتی استقلالش بخطرافتاد .

در سال ۱۲٤۳ (۱۸۲۸) ثروتمند ترین ایالات ایران مابین کوههای قفقاز و رودخانهٔ ارس جزء متصرفات دولت تزاری روسیه درآمد .

بااستقرار رژیم قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) فتحعلی شاه برای جانشینان ضعیف خود کشوری را بارث گذاشت که پیوسته گرفتارطغیان وقیام رؤسای خوانین وایلات برضد دولت مرکزی بود . تاریخ سلطنت فتحعلی شاه که درواقع پایه و اساس تاریخ معاصرایرانرا تشکیل میدهد تاریخ یك دورهٔ بحرانی است که سیاست ودیپلوماسی دولتهای اروپائی بخصوص دول روس وانگلیس وفرانسه در آن نافذبوده

اثرات مهمی بخشیده است .

تاریخ این دوره کـه بی‌شك ازمهم ترین ادوار تاریخ ایرانست چنانکه بایـد روشن نیست کتب ورسالات متعددی راجع بمعاهدات سن پطرزبرگ و استامبول و ترکمن‌چای وطرز حکومتی که درنتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ اخیر درایران بوجود آمده نوشته شده است .

ولی مطالعاتی که راجع بشرایط و کیفیات انعقاد این معاهدات تاکنون بعمل آمده ناقص وبلکه نادراست.اسنادومدارك سیاسی وزارت امورخارجهٔ فرانسه وانگلستان مربوط باین دوره درحقیقت گنجینه های گرانبهائی است که هنوزهم کاملا مطالعه و بررسی نشده است .

باید متذکر بود که دولت انگلستان زودتراز رقیبان سیاسی خودباسناد ومدارك ایرانی وروسی دست می‌یافت . چنانکه امروزهم اینگونه اسناد در انگلستان بیشتر بدست میآید زیرا باوجود مأمورین سری بریطانیای کبیر هیچگونه فعالیت اجنبی درایران ازدولت مزبور مخفی نمی‌ماند . وجود همین اسناد است که اغلب مـا را از شرح وقایع مطلع میسازد ـ البته‌پی بردن‌بهمه‌فعالیت‌های مأمورین سری‌بریطانیای کبیر که غالباً اسرارآمیز بنظرمیرسد بسیارمشکل است و شواهدی برای اثبات این مدعا وجود دارد .

ما کوشش خواهیم کرد نکات برجستهٔ این دوره را مورد مطالعه قراردهیم و طبعاً درجریان این‌تحقیق‌بامطالبی مواجه خواهیم‌بود که مستلزم شرح وبسط‌بیشتر خواهد بود .

درآغاز این دوره ازتاریخ ایران دولتهای معظم اروپائی که درمغرب باهم‌در تماس‌بودند درممالك شرق نزدیك بخصوص در ایران بایکدیگرمواجه شده صحنهٔ دیگری درمبارزات سیاسی ودیپلماسی تشکیل دادند .

زیرا کشورباستانی ایران که مهدیکی ازتمدنهای درخشان روی زمین بود با انحطاط وزوال خاندان صفویـه روبقهقرا و انحطاط رفت واین انحطاط در بحبوحهٔ

سیاستهای متجاوزانهٔ دولتهای غربی لاینقطع شدیدتر میشد وبالمآل ایرانرا در کشاکش رقابتهای جهانی بصورت دولتی ضعیف و مغلوب در آورد .

تاریخ داخلی ایران دراین دوره یك قسمت از جریانهای سیاسی دول ذینفع خارجی رانیز روشن میسازد .

بحرانهای داخلی درهر کشورغالباً یکی ازعلل تجاوزات وپیشرفتهای دولتهای خارجی بشمارمیرود چنانکه ضعف وفتور درارکان دولت صفویه مسبب ومحرك فتنه افغان وتجاوزروس وعثمانی بایران بود وضعف دولت قاجارنیز فکرتوسعه طلبی روس وانگلیس را تقویت کرد . البته تعیین وتشخیص میزان تحریکات ومداخلات دولتهای بیگانه درایجاد بحرانها واغتشاشات داخلی ایران کارآسان نیست .

در روابط خارجی ایران از گلناباد تا ترکمن چای سه دورهٔ متمایز تشخیص داده میشود .

دورهٔ اول از ۱۱۳٤ تا ۱۲۱۷ (۱۷۲۲ـ ۱۸۰۳) که در این دوره دولت ایران در داخله باانقراض خاندان صفویه وتسلط یاغیان افغانی ودرخارج بادشواریهای سیاسی بزرگ مواجه شد . زمام داران روس وعثمانی ازاشکالات داخلی ایران استفادهٔ کامل کردند وبی اطلاع دولت ایران درسن پطرزبرگ وقسطنطنیه بتقسیم متصرفات شمال و شمالغربی ماپرداختند . البته باید حکومت باعظمت نادررا ازاین جریان مستثنی دانست زیرا دولت مقتدر وی خوش درخشید ولی مستعجل بود .

دورهٔ دوم از ۱۲۱۷تا۱۲۲۸ (۱۸۰۳-۱۸۱۳) دراین دوره سیاست ودیپلوماسی دولت ناپلئون درایران باسیاست ودیپلوماسی دولتین روس وانگلیس مواجه گردید وتغییرات وتحولاتی که درحوادث جنگهای روس وایران مشاهده میشود مستقیماً با وقایع اروپا مربوط است .

بطوریکه درجریان این حوادث میتوان ایرانرا بمهرهٔ شطرنجی درصحنهٔ جنگهای ناپلئون ودشمنان اروپائی اوتشبیه نمود .

دورهٔ سوم از ۱۲۲۸تا۱۲٤۳(۱۸۱۳-۱۸۲۸) فرانسویان دراین دوره ازصحنهٔ

سیاست ایران طرد شدند وروسها بسهولت سیاست استعمار و توسعه طلبی خود را تعقیب کردند. در این سیاست روسها تا حدی بکمک انگلیسها در نتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ ترکمن چای توانستند ارادهٔ خود را بدولت ضعیف ایران تحمیل کنند .

در جلد اول این کتاب درضمن مطالعهٔ روابط سیاسی و دیپلوماسی ایران بادولتهای روس وعثمانی وانگلیس وفرانسه آغاز توجه دولت روس رابطرف ایران شرح واستقرار آن دولت را در قفقاز در اراضی ایران بـا انعقاد معاهدهٔ گلستان بیان خواهیم کرد . سپس به پیشروی دولت روسیهٔ تزاری تا رود ارس که بموجب معاهدهٔ ترکمن چای صورت گرفت اشاره خواهیم نمود ودراطراف نتایج معاهدهٔ ترکمن چای که مواد آن فشار وتحمیلات ناروا وفوق العاده سنگین در مدت یکقرن بایران وارد آورده و در روابط سیاسی ایران بـا سایر دولتهای اروپائـی نیز تأثیر فراوان داشتـه است سخن خواهیم گفت .

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

قسمت اول

آغاز توجه دولت روسیه بجانب ایران

سیاست متجاوزانهٔ دولت روس درتاریخ دو کشور مدتها قبل از تشکیل دولت واقعی روسیه آغازمیشود . پیش‌ازتشکیل دولت واقعی و واحد روسیه امرای مسکو مکررمصمم شدند که برای دسترسی بدریای خزر واستقرار درناحیهٔ قفقازمتصرفات خود را بطرف جنوب توسعه بدهند . قبل از کشف راه هندوستان بوسیلهٔ واسکو دو گاما در۱٤۹۷ (۹۰۳ هجری قمری) قسمت عمدهٔ مال التجاره‌های هند از طریق دریای خزروارد روسیه‌میشد . مقداری‌ازاین کالاها درداخلهٔ روسیه باپوستهای‌قیمتی مبادله میگشت وبقیه بکشورهای شمال اروپا فرستاده میشد . این تجارت وخرید و فروش پوستهای قیمتی‌برازدیادثروت روسیه‌فوق‌العاده کمك میکرد. پس جای‌تعجب نیست وقتی مشاهده میشود که امرا وتجار روس درادوارمختلف بانواع‌وسائل‌متشبث میشده اند تا بـا هندوستان تجارت مستقیم دایر نمایند و بتوانند محصولات کشور خویش را بلا واسطه بهندوستان بفرستند و در عوض محصولات هند را از دست اول دریافت نمایند .

با توجه باین نکته باید متذکرشد که نه تنها شاهراه مشهور ابریشم ازداخلهٔ ایران میگذشت و بطرف آسیای صغیر وسوریه متوجه میشدبلکه جادهٔ دیگری‌نیز از سراسر خاك ایران عبور میکرد و از طریق قفقاز داخلهٔ روسیه را بـا هندوستان مربوط میساخت .

این تجارت که از راه خشکی با هندوستان انجام مییافت با تجارتی که پس‌از کشف واسکودو گاما از راه دریا ایجاد گردید قابل مقایسه نیست زیرا پیش از این اکتشاف‌بارکاروانهاعبارت‌بود ازمال‌التجاره‌های سبك وزن وسنگین‌قیمت‌مانندپارچه های قیمتی‌سنگهای پربهاانواع ادویه وغیره که بعلت مسافت واشکالات راه وخطرات

جانی بقیمت گزافی بفروش میرسید .

مدام که تجارت‌اشیاء قیمتی‌وسبك وزن وجود داشت مساعی‌شاهزادگان روس برای‌اینکه حتی‌الامکان بایالات ساحلی‌دریای‌خزر وناحیه قفقازنزدیك شوندمنطقی وموجه‌بنظرمیرسیدولی‌ازوقتی‌که پرتقالیها ازدماغهٔ امیدواری گذشتند ومال‌التجارهٔ آسیا را بقیمت نازلتری باروپا حمل کردند بالطبع از اهمیت این سیاست کاسته شد بطوریکه قیمت محصولاتی که قبلا ازمغرب ایران بآسیای صغیر میرسید ودر اروپای غربی بوسیلهٔ تجار بنادر ونیزوژن توزیع میگشت ویا ازشمال ایران بروسیه میرفت ودر اروپای شمالی بوسیله روسها پخش میشد ، با قیمت ارزان محصولات پرتقالیها قابل مقایسه نبود .

با این ترتیب ازاین زمان روسیه منابع تجارت فوق‌العاده مهمی راکه قرنها باعث ازدیاد ثروت آندولت شده بود ازدست داد . ولی باز تزاران روسیه که ازعلت واقعی انحطاط این تجارت بی اطلاع نبودند برمساعی خود برای پیدا کردن راه تازه بطرف هندوستان افزودند و این یکی از علل مهمی است که ایوان واسیلویچ [1] وجانشینان وی را بر آن داشت که متصرفات خود را تاقفقازوآنطرف رود ترك بسط وتوسعه دهند وروابط قدیمی روسیه را با هندوستان وفرمانروایان آسیای مرکزی بر قرار سازند .

دراین زمان که پرتقالیها تسلط خود را براوقیانوس هند مستقر ساخته بودند انگلیسها تصمیم گرفتند نواحی شمالی راکشف کنند وراه دیگر بطرف آسیا بیابند. درسال ۹٦۰ هجری قمری (۱۵۵۲ـ میلادی) ریشاردشانسلور [2] که بقصد سیاحت‌به لاپونی [3] در شمال اسکاندیناوی حرکت کرده بود بعلت طوفان دریا به بندر ارخانگلس [4] از متصرفات روسیه رسید وبا اجازهٔایوان مخوف تزار روسیه درمسکو شرکتی بنام « شرکت مسکو » تأسیس کرد .

---

1 – Yvon – Vassilievitch
2 – Richard – Chancellor
3 – Laponie
4 – Archangelsk

پس از مرگ ریشارد درسال ۹٦٤ (۱۵۵۷) آنتونی جنکینسن[1] انگلیسی که درمسافرت روسیه همراه وی بود فرمانده کشتیهای شرکت مسکو گردید وباتفاق دو نفر دیگر ازاعضاء شرکت مأموریت یافت که ازطریق دریای مازندران باب تجارت‌را میان روسیه وممالك آسیای مرکزی مفتوح سازد .

پس ازمراجعت جنکنسن ازاین سفر شرکت مسکو باصواب دید ایوان مخوف برای تعقیب نقشهٔ دیرین خودمصمم شدوی‌را مأمورایران نماید تا با ولایات شمالی ایران درساحل بحرخزر که مرکزتهیه ابریشم بودرابطهٔ تجارتی مستقیم دایر کند وبدینطریق باتجارپرتقالی که تجارت ابریشم ایرانرا منحصره بخود ساخته و از را خلیج فارس وجنوب افریقا باروپا حمل میکردند رقابت نماید .

جنکنسن برای پیشرفت کار خویش از طرف ایوان مخوف با درنظر گرفتن اینکه این مأموریت به‌نقشهٔ دیرین روسیه کمك میکرد و همچنین از طرف ملکه الیزابت انگلستان عنوان سفارت تحصیل کردودرسال ۹٦۹ (۱۵٦۲) بریاست هیئتی راه ایران را پیش گرفت .

هیئت درذیحجه ۹٦۹ به دربند واز آنجا بقزوین پایتخت شاه‌طهماسب صفوی رفت. فرمانده کشتی‌های شرکت‌مسکوبا تجلیل تمام ازطرف شاه طهماسب پذیرائی شد ولـی بعلل سیاسی و مذهبی در انجام مأموریت توفیق حاصل نکرد و بمسکو مراجعت نمود .

جنکنسن زمستان ۹۷۰ (۱۵٦۳) را درمسکوماند ومجدداً عازم ایران شد . ولی درضمن مسافرت یکی ازهمراهان وی بقتل رسید وخود اونیزبدون‌اخذنتیجه مراجعت نمود .

دوسال‌بعد یعنی‌در۹۷۲شرکت‌مسکوهیئتی بریاست آرتورادوارد[2] بقزوین فرستاد . شاه‌طهماسب نهایت مساعدت وملاطفت را درحق این هیئت مبذول داشت

1– Anthony-jenkinson

2-Arthur - Edward

وفرمانی صادر کرد که مطابق آن شرکت مسکواز پرداخت حقوق گمرکـی و راه داری معاف شد و تجار انگلیسی اجازه یافتند که در تمام ایران مسافرت کنند و تجارت نمایند .

بالاخره مأموریت سرآنتونی شرلی(۱) ازطرف دولت انگلستان بایـران در سال ۱۰۰۶ (۱۶۹۸) و اقدامات روبرت شرلی ومأموریت وی ازطرف دربـار ایران باروپا درسال ۱۰۱۶ (۱۵۰۸) بروابط سیاسی وتجاری ایران باانگلستان افزود تـا اینکه درنتیجهٔ تأسیس شرکت هند شرقی ازطرف انگلستان باب تجارت ازراه خلیج فارس بوسیله کشتی های شرکت هندشرقی و تجارت نواحی شمالی ایران از طریق روسیه باروپا دایر گردید .

ایجاد روابط تجارتـی مناسبات سیاسی دولتین ایران و روسیه را رفته رفته نزدیکتر کرد واین روابط تا ۱۱۳۰ (۱۷۱۷) ادامه داشت . معاهدات سیاسی که در این دوره میان دولتین منعقد شده بخصوص برضد دولت عثمانی بوده ودرامور تجارتی ازبرقراری این روابط حسنه سیاسی استفاده شده است. بطوریکه درطول قرن هیجدهم بازهم یك فعالیت مهم تجارتی میان روسیه وهند وجودداشته که بیشترمدیون وضع جغرافیائی ایران وموقع حساس این کشور بوده است بنابراین اشغال ایالات شمال غربی ایران برای تزاران روسیه دو فایدهٔ بزرك داشت : یکی آنکه بـا اشغال این ناحیه یك منزل بهندوستان نزدیکتر میشدند و دیگر آنکه اجـرای این تصمیم بهره برداری ازایـالات ثروتمند شمالی ایران را تأمین مینمود بطوریکه تعقیب و اجرای سیـاست توسعهٔ ارضی پیشرفت سیاست توسعهٔ اقتصادی را تقویت میکرد .

1- Sir Anrhony Cherldy

فصل اول

۱ ـ انحطاط دولت صفویه و آغاز سیاست متجاوزانهٔ دولت روسیهٔ تزاری

با جلوس شاه سلطان حسین بر تخت سلطنت ایران که انقراض خاندان صفویه را تسریع نمود و با ظهور قدرت پطر کبیر در روسیه در روابط ایران و روس که تا آن زمان جنبهٔ تجارتی داشت تغییراتی حاصل شد و روابط حسنهٔ موجود میان دو دولت بروابط خصمانه مبدل گردید .

تا آنزمان دولت روسیه باتمام وسائل کوشش میکرد که تماس خود را با دولت ایران بیشتر نماید و حتی در بعضی موارد تقاضای کمك مالی و نظامی نیز از ایران مینمود . با سلطنت پطر کبیر در روسیه این وضع بکلی دگرگون شد بطوریکه نمایندگان شاه سلطانحسین و پسرش تقاضای کمك از روسیه برضد افاغنهٔ مهاجم نمودند و بامداخلهٔ روسیه بعنوان کمك مقدمهٔ دست‌اندازیها و تجاوزات مداوم تزاران روسیه درخاك ایران آغاز گشت و این حالت قریب دو قرن یعنی از ۱۱۳۵ تا ۱۳۳۶ (۱۷۲۲ - ۱۹۱۷) ادامه داشت و باسقوط رومانفها ازمیان رفت .

قبل از آنکه خاندان رومانف بقدرت برسد مسکوی دولت بزرگی بود که بهیچ یك از دریاهای آزاد دسترسی نداشت بنابراین برنامه‌اساسی وسیاست اصلی زمامداران روسیه دست یافتن بدریای آزاد و توسعهٔ سرحدات آنکشور تادریاهای گرم و آزاد بود . برای انجام این مقصود روسها از چهار طرف بجانب دریا های آزاد پیشرفتند .

۱ـ ازشمال بطرف اوقیانوس منجمد شمالی

۲ـ ازمشرق بسوی اوقیانوس ساکن

۳ـ ازمغرب بجانب اروپای غربی ودریای بالتیك

٤ـ ازجنوب بطرف آسیای مرکزی وخلیج فارس

وازاین جمله موضوع پیشرفت روسیه بسوی خلیج فارس واوقیانوس هندمورد بحث ما خواهد بود .

پطر کبیر سلطان مقتدر وفعال که درنتیجهٔ قدرت ونفوذ وی روسیه داخل در جرگهٔ دول اروپائی گردید ، ازدیرزمانی مصمم بودایالات شمالی ایرانرا که در راه هندوستان اولین منزل بشمارمیآید بتصرف خوددرآورد . علت اتخاذ این تصمیم با وصیتی که بوی نسبت داده میشود روشن ترمیگردد . گرچه درصحت این وصیت نامه تردید است ولی نظر باینکه بندنهم آن : سیاست امپراطوری روس را درمشرق بطور جالب توجهی بیان میکند بدرج آن مبادرت میکنیم : «هرچه بیشتر بایدباسلامبول وهندوستان نزدیك شد . کسی که دراینجاها حکومت کند سلطان حقیقی جهان خواهد بود . بنابراین بایستی جنگهای مداوم گاهی برضد ایرانیها ایجاد کرد . لازم است مؤسسات کشتی سازی درساحل دریای سیاه ایجاد نمودوبتدریج این دریا ودریای بالتیك را که دونقطهٔ لازم و ضروری برای پیشرفت و انجام نقشهٔ ماست بتصرف آورد .

دراضمحلال ایران باید تسریع کرد و برخلیج فارس دست یافت و درصورت امکان راه تجارتی قدیم مشرق را از طریق سوریه تا هندوستان که بمنزلهٔ انبار دنیاست دایر کرد . وقتی به آنجا رسیدیم میتوانیم ازطلای انگلستان صرف نظر کنیم [1] »

اغتشاشات داخلی ایران در ابتدای قرن هیجدهم میلادی (دوازدهم هجری) عامل مؤثری در اجرای طرح دولت روسیه یعنی نزدیك شدن بهندوستان و عبور ازقفقاز بود .

پس ازسلطنت باعظمت شاه عباس کبیردولت شاهنشاهی صفویه درنتیجهٔ ضعف دولتهای مرکزی بخانات متعددومستقلی تجزیه شده ومخصوصاً مخالفت شدیدی بین

1-jillet: «La perse dans l'équilibre politique universel›P·3 Thieury-(Ivles) : «Documents pour servir des relations entre la France et la Perse P.26»

ایرانیان شیعه وافغانان سنی وجود داشت وشاید یکی از علل ضعف ایران درقرن جدید مخالفت دوملت سنی درمشرق ودرمغرب یعنی افغانها وعثمانیها با ایرانیها باشد. این ضعف وتجزیهٔ ایران درست با دوره‌ای مطابقت میکند که روسیه باوج قدرت خود رسیده وپطر کبیر در۱۷۰۹ میلادی (۱۱۲۱ هجری) درپولتاوا [1] به بزرگترین فتح خود برشارل دوازدهم پادشاه سوئد نایل آمده است .

شاهزادگان گرجی که مکرر حمایت تزاران روسیه رابرضد تسلط ایران خواسته بودند برای تجدید تقاضاهای خود موقع رامناسب یافتند وبدین منظور حاکم گرجستان پسرعموی خود را برای جلب توجه تزار بطرف ایالات جنوبی دریای خزر بمسکو اعزام داشت .

این تقاضا کمك مؤثری برای اجرای نقشه‌های پطر کبیر بود ولی نظر باینکه تزار بدون کسب اطلاع قبلی دربارهٔ ایران مایل نبود هیچ نوع اقدامی کند درسال ۱۱۲۷ هجری (۱۷۱۵) مصمم شد آرتمی والنسکی [2] را بـا اختیارات تام برای انعقاد یـك معاهدهٔ تجارتی با ایران اعزام دارد . پطر کبیر میخواست اطلاعات صحیحی راجع بایالات مجاور بحر خزر وبنادر ورودخانه‌های این دریا کسب کند . بعلاوه مایل بود مطلع شود آیا رودخانه‌ای وجود دارد که ازهند سرچشمه گرفته وبدریای خزر بریزد ! والنسکی مخصوصاً مأموریت داشت اطلاعاتی راجع بایالت گیلان تحصیل کند وازشاه سلطان حسین بخواهد ارامنه را که تجارت ابریشم ایران دردست آنهاست مجبور کند کالای خود را بجای اینکه مثل سابق بازمیر وحلب بفرستند به سن پطرزبرگ روانه کنند. نمایندهٔ روس درمـاه جمادی الاول ۱۱۲۹ (مارس ۱۷۱۷) باصفهان رسید و موفق شد معاهده‌ای منعقد کند که مطابق آن معاهده حقوق گمرکی ومبادلهٔ کالاهای مجاز بین دو کشور تعیین میشد. بعلاوه انعقاد این معاهده بروسیه حق میداد یك نفر کنسول دائمی در گیلان داشته باشد .

1– Poltava

2– Arthemy–Valinsky

والنسکی با پشت کاروذکاوتی که داشت خیلی زود ازاوضاع ایران مطلع شدو تشخیص داد که باوجود جنگ بین دولتین سوئد وروسیه دولت اخیر قادراست باقوای مختصری نقشه‌های خودرا بسهولت درآسیا بموقع اجرا بگذارد در مراجعت خود در ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) سفیر روسیه زمستان رادرشماخی گذرانید و درآنجا تشخیص داد که رابطه میان قفقازوایران خیلی بی‌بنیان است وازعلاقهٔ ملل عیسوی قفقازمخصوصاً گرجی‌ها اطلاع حاصل کرد.[۱] والنسکی در گزارشهای خود شروع اغتشاشاتی را پیش‌بینی مینمود وراجع بخطر حتمی وقریب‌الوقوع افغان درایران وبخصوص ایالات جنوبی دریای‌خزر ایمان داشت. نامبرده معتقد بود که برای ازدیاد نفوذ روسیه در قفقازدولت امپراطوری ناچاراست دیریا زود باین ناحیه وحتی بداخلهٔ ایران لشکر کشی کند.

این گزارش طوری با نظریات ونقشه‌های تزارموافق بود که والنسکی ازطرف دولت روسیه‌بحکومت حاجی‌طرخان منصوب گردیدتا درآنجا بتواند نقشه‌های‌خود را تکمیل نماید.

کمی‌بعد پیش‌بینی والنسکی تحقق یافت وبمرحلهٔ‌عمل رسید. هجوم‌واستیلای افغان زوال‌قدرت‌ایرانرا اعلام‌نمود. برای‌اطلاع‌ازوضع‌ایران درآن‌زمان مختصری‌از چگونگی‌حملهٔ افغان را درزیرشرح میدهیم:

شاهنشاهی ایران که در دوران حکومت شاه‌عباس کبیراز نوعظمت سابق‌خود

۱ــ آرتمی والنسکی که بعدها بمقام وزارت رسید درتاریخ ۱۷۱۵ درمراجعت از اصفهان بامپراطور پطر کبیرمیگفت: «تصورمیکنم که نابودی واضمحلال نهائی ایران نزدیك است هر گاه سلطان جدیدی بر تخت‌نه‌نشیند ووضع کشوررا بهبود ندهد درهمه‌جاانقلابات واغتشاشات رخ خواهد داد وجائی نخواهد ماند که درآنجاآتش اغتشاش زبانه نکشد با اینکه جنگ فعلی ما باسوئد اشکالاتی برای ما تولید میکند بعلت ضعف ایران میتوانیم بدون هیچ ترسی‌مخاصمات را برضدآندولت شروع کنیم تنها یکدستهٔ کوچك سرباز برای ضمیمه کردن قسمتی‌ازخاك ایران کافیست ولی برای گرفتن نتیجه بایستی ازموقع استفاده شود زیرا هر گاه درآتیه‌تشکیلات این کشور درنتیجهٔ مساعی شاه جدیدی منظم گردد وضع بکلی تغییر خواهد کرد.. M. Pavlowitch : La Briga de Russe en Perse P.

را بدست آورد پس از وی مجدداً بحکومتهای کوچك مستقلی تجزیه گردید. شاهزاده گرگین خان از خانوادهٔ سلطنتی باگراتی[1] ازطرف شاه سلطانحسین بحکومت کرمان و گرجستان منصوب شده بود ودر دربار میزیست . وزرا وخواجه سرایان وحتی خود پادشاه از وجود این شاهزاده دراصفهان نگران بودند بهمین مناسبت وی رابعنوان سرکوبی قندهار که همواره درحال عصیان وسرکشی بود ازپایتخت دورساختند . گرگین با همراهان گرجی خود موفق شد بآسانی انقلاب آنجا را خاتمه دهد. ولی تعدیات واجحافات وی وبدرفتاری سربازان گرجی باندازه‌ای باهالی آن سامان صدمه رسانید که این بار مقدمات یك انقلاب عمومی فراهم گردید .

طوایف افغان قندهار میرویس یکی از رؤسای ایل را بریاست برداشتند. میرویس گرگین راکشت ودریك شبیخون قندهار را متصرف شد وگرجیان رابیرون راند . میرویس که گرگین رایکنفر یاغی بدربار قلمداد کرده بود موافقت شاه را نیز بدست آورد. وقتی دربار ازاین قضایا اطلاع یافت دیر بود ومیرویس وسایل دفاعی متصرفات خویش را تقویت کرده بود بطوریکه لشگریان ایران که ازسربازان هراتی وگرجی وتبریزی و غیره تشکیل می یافت یکی پس ازدیگری منهدم شدند میرویس پس ازپنجسال حکومت درقندهار درسال ۱۱۲۷ (۱۷۱۵) درگذشت .

اختلاف افاغنه سنی باایرانیان شیعی مذهب بامرگ میرویس متوقف نشد میر محمود پسر میرویس عنوان پادشاهی اختیار کرد ووضع نامطلوب شاهنشاهی ایران جاه طلبی وبلندپروازی افاغنه راتقویت وتأییدمیکرد زیرا هجوم بیگانگان وانقلابات داخلی درسال ۱۱۳۰ (۱۷۱۷) استقلال ایران را تهدید مینمود :

درنتیجهٔ شورش ابدالی‌های هرات حاکم شهر بقتل رسیده وشهر هرات بدست یاغیان افتاده بود وابدالی‌ها باکمك ازبکان یکدسته ازقوای سلطنتی رامغلوب کرده از پای درآورده بودند .

در سال ۱۱۳۱ (۱۷۱۹) کردان یاغی نیز بحوالـی همدان و اصفهان دست

1– Bagration.

اندازی کردند.

لزگیهای داغستان هم بشهرهای همجوار می‌تاختند و خسارت میزدند و در گرجستان‌شاهزاده کارتیل[1] (ازنواحی گرجستان) بعنوان‌جلوگیری‌ازلزگیهامشغول جمع آوری اسلحه بود.

بااین وضع میرمحمود دریافت که فرصت برای فتح‌ایران مناسب است. برای اجرای‌تصمیم‌خودباده هزارتن‌راه صحرای‌سیستان و کرمان‌پیش گرفت وشهر کرمان را بتصرف‌آورده و درآنجا منتظر ورود لطفعلی خان فرمانده کل قوای دولتی شد. لطفعلی‌خان بـا بیست هزار نفرسرباز افاغنه را درپای دیوار شهر کـرمان مغلوب و متفرق ساخت ۱۱۳۲ (۱۷۲۰) ولی بسبب همین پیروزی مورد حسد درباریان‌واقع‌شد وبزندان‌افتاد. درسال۱۱۳۳ (۱۷۲۱) حادثهٔ دیگری برمشکلات کارشاه‌سلطانحسین اضافه شد.

کوه نشینان لزگی‌شماخی راتصرف کردند واهالی‌را قتل‌عام وشهرشماخی را که انبارکالاومرکزتجارتی‌مهمی‌بین‌ایران وروسیه‌بودغارت نمودند. ضررتجارروسی دراین حادثـه دو میلیون روبل تخمین زده میشد و از قتل یك شاهزاده روسی بنام چرکاسکی[2] اختلافاتی پدیدآمد.

دراین‌موقع محمود مجدداً با ۱۵ هزارتن افغان از صحرا گذشت و کرمان را یکبار دیگربتصرف‌آورد ربیع‌الثانی۱۱۳٤ (ژانویه ۱۷۲۲). چون‌قلعه واستحکامات یزد مانع عبورقوای افغان بود ازصحرای ریگزاربجانب اصفهان تاخت و درگلناباد سه فرسخی آنشهر اردو زد. درآنجا مهاجمین بفتح بزرگی‌نائل شدند وپایتخت را تهدید نمودند ۲۲ رجب ۱۱۳٤ (۸مه۱۷۲۲) نبرد گلناباد بایستی پایتخت وخودشاه سلطان حسین را تسلیم افاغنه نماید ولی مقاومت باعث شد که اهالی ببدترین وضعی گرفتار شده و زجر و شکنجه ببینند مخصوصاً بعلت بروز قحطی حتی گوشت آدم

1– Car Talie

2– Tcherkasski

درمقابل بیرحمی‌های محمود حتی افاغنه‌نتوانستند تسلط یکنفرجابردیوانه‌ومریض را تحمل کنند وبالاخره محمود در۱۲ شعبان ۱۱۳۷ (۲۶ آوریل ۱۷۲۵) در ۲۷ سالگی بدست افغانان بقتل رسید واشرف برادرزادهٔ میرویس پسر میر عبدالله (میر عبدالله بدستور محمود بقتل رسیده بود) بجانشینی محمود منصوب گشت . اشرف با رعایت احترام نسبت باجساد صد نفر شاهزادگان صفویه که بدست محمود بقتل رسیده بودند ازایرانیان دلجوئی نمود .

۲ - رقابت روس وعثمانی درایران

ومعاهدهٔ اسلامبول ۱۱۳۶ (۱۷۲۴)

پطر کبیر دو اعتراض برایران داشت : یکی غارت مال‌التجاره های اتباع روس درشماخی ازطرف‌لزگیها ودیگرقتل شاهزاده چرکاسکی بدست ازبکان صحرا گرد. بنابراین ایران بایستی خطای قطاع‌الطریقانی‌راکه خود ازدست آنان فوق‌العاده در زحمت بود بنام اتباع‌ایران جبران نماید . جنك شمال مانع این بود که تزاربطرف ایران توجه کند. بهمین سبب درسال ۱۱۳۲(۱۷۲۰) یك هیئت‌نظامی‌تحت‌سرپرستی بوسکاکوف [1] برای تنظیم نقشهٔ سوق‌الجیشی مأمور شد درهٔ ترك را ازراه خشکی تا گیلان از نظر اکتشاف نظامی مطالعه کند واطلاعات لازم را بستاد کل روس بفرستد .

همینکه تزاربانعقاد معاهدهٔ صلح نیستاد [2] در ۱۷۲۱ (۱۱۳۳) از طرف سوئدآسوده خاطرشد توجه خود را بنواحی جنوبی امپراطوری روسیه معطوف داشت . پطر کبیر برای تصرف ایالات ساحلی بحرخزر وممانعت از نزدیك شدن عثمانیها باین ناحیه میخواست ازهرج ومرجی که در داخلهٔ ایران حکمفر ماست استفاده کند .

هنگامیکه کار سلسلهٔ صفویه درایران یکسره میشد پطر کبیرسفیری بدربار شاه سلطان حسین فرستاد .

نمایندهٔ روس وقتی باصفهان رسید که شاه اسیر محمود افغان بود ۱۱۳٤ (۱۷۲۲) سفیر ناچار خود را بافغان فاتح معرفی کرد وازوی تقاضای تنبیه قاتلین شاهزاده چرکاسکی‌وجبران خسارت نسبت به‌تجاری که درشماخی مال‌التجاره های

---

1 - Boskakoff
2 - Nystadt

خودرا ازدست داده بودند کرد .

محمود که ازسیاست خارجی اطلاعی نداشت بنمایندهٔ مسکو اظهار نمود که نمیتواند عملیات از بکها ولز گیهارا مراقبت کند ودرحقیقت با این بیان بنمایندهٔ مسکو تلویحاً گفت که تزار میتواند منافع اتباع خویش‌را در ناحیهٔ شمال غرب حمایت نماید .

درنتیجهٔ این اتفاقات ومذاکرات بود که درماه شوال ۱۱۳٤ (ژوئیه ۱۷۲۲) سی‌هزارسربازمنظم ازجنگجویان نبرد سوئد وسی‌هزار ازافراد چریك بفرماندهی تزاربقصد حاجی طرخان ازولکا گذشتند .

پطر کبیردرسرراه خود ایالات ساحلی را مطیع ساخته‌وبه‌مصب رود ترك در داغستان رسید ۲۱ شوال ۱۱۳٤ (٤ اوت ۱۷۲۲) درداغستان تزاربیانیه‌ای‌صادر کرد واعلام نمود که منظور وی ازاین لشکر کشی توسعهٔ ارضی نیست و این اقدام فقط برای نجات شاه ازظلم وتعدی افاغنه است . تزارحرکت خودرا بطرف جنوب‌ادامه داد وپس ازمطیع‌ساختن لز گیهاازداغستان عبورنمود ودربندرا گرفت بیستم‌ذیقعده ۱۱۳٤ (سپتامبر ۱۷۲۲) سپس برای اجرای این منظوربمعاونین خود تعلیمات‌لازم داد وبمسکومراجعت کرد .

درزمستان سال بعدسپاهیان افغان رشت‌را محاصره کردند.حکام‌ایالات‌شمالی نماینده‌ای‌به حاجی‌طرخان فرستاده پیشنهاد کردند لشکریان روس‌وارد این منطقه شوند . روسها از این موقع وفرصت خوب استفاده کردند و گذشته از رشت تمام مازندران واسترآبادرانیزمتصرف‌شدند تابستان ۱۱۳۵(۱۷۲۳) باکونیزمورد حمله سپاهیان روس گردیدوبالاخره تسلیم شد .

بااین ترتیب تمام ساحل جنوبی بحرخزر بدست لشکریان تزار افتاد ولی بعلت بدی‌آب وهوا وظهورمالاریا تلفات‌زیادی بروسها واردآمدواین نقاط درواقع قبرستان سربازان روس شد .

ازطرف دیگر درمقابل روسها باب عالی که باانعقاد معاهدهٔ پاسار وویتز [۱] ۱۱۲۶ (۲۱ژوئیهٔ۱۷۱٤) ازجنك بااطریش خلاص‌شد وشهرهای صربستان‌وبانات[۲] وتمسوار [۳] و قسمتی ازوالاشی راازدست داده بود میخواست خسارات مذکور را ازطرف‌مشرق جبران‌نمایدوبهمین‌سبب جنك‌مذهبی‌رابرضدایرانیان شیعه آغاز کرد.

بنابراین محمود پس از رسیدن بقدرت ناچار بود با دو دولت قوی جنك کند . عثمانیهای‌سنی برضدمحمود که وی نیزسنی بود جنك مذهبی‌را ادامه دادند ودرمقابل فتوحات روس گرجستان‌را باتفلیس اشغال کردندولی در نزدیکی گنجه شکست خوردند .

دراین مدت شاه‌طهماسب سعی داشت اساس متزلزل سلطنت خویش‌را برپایهٔ استواری مستقرسازد. درموقع تصرف‌باکوازطرف روسها ۱۱۳۵ (۱۷۲۳)پطر کبیر سفیری بایران فرستاده واطلاع داده بود که اشتغال این‌شهرفقط بمنظور قلع وقمع اشرار است. نمایندهٔ روس‌درضمن مأموریت‌داشت بدربارایران اخطار کند درصورتی که شاه طهماسب مایل‌باشد ، دولت روس حاضراست برای خاتمه دادن باغتشاشات داخلی ایران مبادرت‌بلشکر کشی نمایدودرمقابل‌این کمك روسیه واگذاری‌ایالات شمالی‌را ازطرف ایران تقاضا میکرد . وقتی نمایندهٔ روس بایران رسید که محمود دراصفهان مستقرشده بود .

سفیرروس مجبورشدبسمت قزوین مقرفرماندهی شاه طهماسب حرکت کند. شاه طهماسب ضعیف که قادرنبود باافاغنه مهاجم مقابله نماید پیشنهاد های نمایندهٔ روس‌را قبول کرد و اسماعیل‌بیك از محترمین دربارراب‌نمایندگی بسن پطرزبورك فرستاد . نمایندهٔ ایران در تاریخ ۱۱ ذیحجه ۱۱۳۵ (۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳) معاهدهٔ ائتلافی‌امضاء نمود که‌بموجب آن ایران دربندو گیلان ومازندران را بروسیه‌واگذار

۱- Passarowitz ازشهرهای صربستان معاهدهٔ ۱۱۷٤ میان اتریش و ونیزوباب عالی دراین شهر منعقد شده

2 - Banat

3 – Temesvar

میکرد و در عوض تزار روس وعده میداد که برای اخراج محمود از ایران بشاه کمك کند.

درحالیکه روسیه حاضر شده بود بانمایندگان شاه طهماسب داخل مذاکره شود عثمانیها هم که جز محمود باهیچکس نمیخواستند داخل مذاکره گردند بفرستادگان شاه طهماسب اظهار داشتند که آیا دربار ایران حاضر است تبریز و ایروان راکه بابعالی مصمم است بزوراشغال کند بدولت عثمانی واگذار کند؟

سرعت فتوحات روس درایران زمامداران عثمانی رانگران ساخت و وحشت فراوان درقسطنطنیه حکمفرماشد. عثمانیها نمیخواستند که کشورهای اسلامی بدین نحوبدست کفار بیفتد. داماد ابراهیم صدراعظم سلطان احمدسوم شورای محترمین کشوروروٴسای مذهبی را دعوت کرده وآنانرا برضد تسلط روسها در کشور های مسلمان تهییج نمودودرآنجا تصمیم گرفته شد که اعلان جهادبرضد روسیه دادهشود ودرنتیجه بدستوردولت عثمانی نپلویف(۱) سفیرروس بزندان افکنده شد.

دوبوناك(۲) سفیر فرانسه در قسطنطنیه که اصرارداشت ازبروز اختلاف میان روسیه وعثمانی جلوگیری کند نمایندهٔ خودرا نزد صدراعظم فرستادتاویرا متوجه سازد که جنك عثمانی وروسیه فقط بنفع اطریش تمام خواهد شدوبرای احتراز از چنین پیش آمدی وساطت دولت فرانسه را پیشنهاد کرد. وساطت دوبوناك ازطرف دولت عثمانی مورد قبول گشت ومذاکرات آغاز شد.

سفیرفرانسهبدون دریافت تعلیمات ازطرف دولتخوددرتاریخ اول شوال ۱۱۳٦ (۲۳ژوئن ۱۷۲٤) بامضای معاهدهٔ اسلامبول توفیق یافت که مطابق آن داغستان و شمال شیروان وایالات ساحلی دریای خزروگیلان ومازندران متعلق بروسیهمیشد وعثمانیها نواحی متصرفی خوددرشمالغرب ایران یعنی جنوب شیروان و گنجه و ایروان ومغان وقرهباغ وآذربایجان وعراقرا نگه میداشتند.

---

1 - Neplcuief

2 - De - Bonac

برای آن قسمتی که جهت دولت ایران باقی میماند دولتین روسیه و عثمانی توافق حاصل کردند اگر شاه طهماسب معاهدهٔ اسلامبول را قبول کند حقوق وی محترم شمرده خواهد شد درغیر اینصورت دو دولت پس از مشاوره برای انتخاب پادشاه دیگری جهت سلطنت ایران اقدام خواهند نمود .

سه سال بعد یعنی در ۲۶ صفر ۱۱٤۰ (۱۳ اکتبر ۱۷۲۳) فرستادگان اشرف جانشین محمود با عثمانیها معاهده‌ای منعقد کردند کـه مطابق آن دولت ایـران فتوحات عثمانی را برسمیت شناخت وسلطان را جانشین حقیقی خلفا قبول کرد.سلطان نیز بنوبهٔ خود اشرف را پادشاه قانونی ایران شناخت . باستنادوبااستفاده ازانعقاداین معاهده روسیه نیز موفق شد نواحی اشغالی خودرا برسمیت بشناساند وبدین ترتیب تجزیهٔ ایران عملا انجام یافت وخط سرحدی میان دو منطقهٔ اشغالی روس و عثمانی بعدها ازطرف دولتین تعیین گردید .

۳ ــ نادرشاه افشار

استقرار امنیت در داخله
و اخراج روس و عثمانی از ایران

اشرف افغان بمحض اینکه ازخطرعثمانی آسوده شد باخطر بزرگتری مواجه گردید .

طهماسب میرزای ولیعهد در هنگامی کــه اصفهان درمحاصرهٔ افغانها بــود بصوابدید جمعی از رجال دولت بــرای تهیه وسایل نجات اصفهان به قزوین اعــزام شد ولی تاسقوط اصفهان کاری ازپیش نبرد وپس ازمدتها سرگردانی باسترآباد رفته مساعدت وهمکاری متنفذین آن ناحیه وازجمله فتحعلیخان رئیس ایل قاجار رابرای سرکوبی اشرف تقاضا کرد . دیری نگذشت که شاهزاده صفوی از کمك نادرقلی که بعدها بدستیاری اوازخطر افغان نجات یافت ودربرابر اراده ویافشاری وی روسها و عثمانیها نیز مجبور شدند از کلیهٔ فتوحات خــود در ایران صرف‌نظر کــنند برخوردارشد .

نادرباپنجهزارتن سواران‌جنگی خود بکمك طهماسب میرزا که بافتحعلیخان قاجارعازم خراسان شده بود شتافت. دراولین جنك وبرخورد مشهدرا تسخیر کرده سپس بدفع افاغنه ابدالی که برهرات مسلط شده بودند پرداخت و پس از سه روز جنك ابدالیهارا وادار بتسلیم کرد وازجانب سرحدات شرقی خراسان آسوده خاطر شد درنتیجه این فتوحات نادر بدریافت عنوان فرماندهی کل قوای سلطنتی و لقب طهماسبقلی نائل گردید . پس ازاین موفقیت ها نــادر جنك را بر ضد اشرف افغان ادامه داده وشکست فاحشی بقوای وی ابتدا درمهماندوست دامغان وسپس در مورچه‌خورت اصفهان واردآورد اشرف باصفهان فرار کرد وچون اهالی شهربرضد

وی قیام کردند درحال یأس و نا امیدی پایتخت را ترك گفت وبطرف فارس فراری شدنادراصفهان‌را متصرف‌شدوبرای ورود طهماسب‌میرزا تهیه مجللی‌دیدشاه‌طهماسب دوم با جلال وشکوه خاصی وارد اصفهان شد و بدیدار مادر پیر خود که مدت هفت سال درلباس‌مبدل کنیزی میکرد نائل‌آمد .

(رجب ۱۱٤۲ ژانویه ۱۷۳۰) نادر اشرف را تعقیب کرد لشکریان‌افغان‌را در حوالی زرقان فارس ازپای درآورد . اشرف به لار گریخت واز آنجا عازم قندهار شد ودربلوچستان بدست بلوچها بقتل رسید .

پس ازاخراج افاغنه ازایران شاه طهماسب تصمیم گرفت برای استردادنواحی اشغالی باعثمانیها وارد مذاکره شود داماد ابراهیم صدراعظم عثمانی پس از انقلابی که دراسلامبول در ۱۸ربیع‌الاول ۱۱٤۳ (اول اکتبر ۱۷۳۰) رخ داد ازکاربر کنار وسلطان احمدسوم درنتیجه این انقلاب ازسلطنت خلع وسلطان محمد اول‌جانشین وی گردید وبروز این حوادث در اسلامبول باعث قطع مذاکرات با ایران شد . نادر که بادامهٔ مذاکرات مخالف بود جنك را درآذربایجان وعراق برضد عثمانی ادامه داد .

عملیات نادر بانهایت موفقیت پیش میرفت ولشکریان وی که در کرمانشاه فاتح بودند تبریز واردبیل را نیز اشغال کرده بودند . هنگامیکه نادربمحاصرهٔشهر ایروان‌مشغول بود بعلت بروز انقلاب درمشرق ایران مجبور شد بسمت خراسان حرکت کند .

نادر برای تجدید مذاکرات سفیری باسلامبول نزد دولت جدید عثمانی فرستاد قبل ازآنکه‌نتیجه این‌سفارت معلوم گردد شاه طهماسب که نسبت بموفقیت های نادر حسادت میورزید تصمیم گرفت شخصاً باعثمانیها وارد جنك شود .

پس از دوبار شکست در ظرف یکماه آنچه را که نادر در نتیجهٔ فعالیت‌و فداکاری تحصیل کرده بود شاه طهماسب ازدست داد ودربغداد در خیمهٔ احمد پاشا درتاریخ رجب ۱۱٤٤ (ژانویه ۱۷۳۲) معاهدهٔ موهونی امضاء کرد .

مطابق این معاهده شهرهای گنجه وتفلیس و ایروان ونخجوان و شماخی و داغستان یعنی تمام گرجستان وارمنستان تاسرحدارس به عثمانیها واگذارشد تبریز و کرمانشاه و لرستان برای ایران باقیماند . بعلاوه دولت عثمانی تعهد کرد که لشکریان خودرا برای اخراج روسها ازنواحی که بوسیلهٔ پطر کبیر فتح شده ودر تصرف آنها است بکمك لشکریان ایران اعزام دارد .

دراین هنگام نادر که بعلت بی‌مهری شاه طهماسب درخراسان بسر میبرد مشغول تقویت سپاهیان خود بود .

شکست‌های پی‌درپی شاه طهماسب‌ومعاهدهٔ ننگین بغداد بمخالفت‌واعتراضات نادر کمك میکرد . شاه‌طهماسب بی‌مطالعه وبدون توجه به‌نتایج اقدام خود نادر را باصفهان احضار کرد وی دررأس‌پنجاه هزار سواران زبده خود وارد پایتخت گردید وشاه را خلع و باسارت بخراسان اعزام داشت . چون نادر هنوز مصلحت نمیدید عنوان سلطنت اختیار کند بهمین‌جهت پسرشیرخوارشاه طهماسب را باسم شاه عباس سوم به‌پادشاهی انتخاب کرد وخودرا نایب‌السلطنه خواند .

پس از این موفقیت نادر بلافاصله ضمن یادداشت تمسخر آمیزی استرداد ایالات اشغالی ایران را از دولت عثمانی تقاضا کرد بابعالی که از این یادداشت نادر متوحش‌بودتوپال‌عثمان پاشای‌طرابوزان‌را که‌لایقترین‌ومعروفترین‌سرداران‌عثمانی بود مأمورتمرکزقوای عثمانی نمود ۱۱٤٦ (۱۷۳۳) نادرپس ازیك‌نبردخونین‌بعلت بروزانقلاب‌درشیراز و کرمان مجبورشدپیمان متارکه‌ای دربغداد بااحمدپاشاامضاء و برای سرکوبی یاغیان بجنوب ایران عزیمت کند ۳ رجب ۱۱٤٦ (۱۰ دسامبر ۱۷۳۳) .

نادر روسهارا فراموش نکرده بود باخنده میگفت بایك‌جاروب آنهاراازایران بیرون خواهد کرد .

نادرقبلاًاسترداد ایالات اشغالی را ازدولت سن‌پطرز بورگ درخواست کرده بود، با مرگ پطر کبیر سیاست توسعه طلبی دولت روسیه خاتمه پیدا کرد ملکه

آنا [۱] امپراطریس صلحجو که تشخیص داد وضع ایران بکلی عوض شده باانعقاد معاهدهٔ رشت اول فوریه ۱۷۳۲ (٤ شعبان ۱۱٤٤) که درضمن پیمان اتحادی برضد دولت عثمانی بود ایالات مازندران و گیلان‌را بایران مسترد داشت.

بعلت خودداری سلطان محمداول ازامضای معاهدهٔ منعقد میان نادر وحاکم بغداد جنك ایران و عثمانی مجدداً شروع شد دراین جنك عبدالله کپرلی پاشا فرماندهی قوای عثمانی را عهده‌دار بودنادر بجای اینکه بطرف بغدادمتوجه گردد ازراه تبریزبسمت تفلیس حرکت کرد شکست سختی دردشت آرپا چای نصیب لشکریان عثمانی شد ۲۱ محرم ۱۱٤۸ (۱٤ ژوئن ۱۷۲۵) و در نتیجهٔ این فتح گرجستان وشیروان بتصرف نادر درآمد.

باب عالی که درصدد بود جنك‌را برضد دولت روسیه شروع کند باعجله به نادر پیشنهاد صلح کرد وباانعقاد معاهدهٔ اسلامبول در ۱۱٤۹ (۱۷۳٦) دولت‌عثمانی باستثنای بغداد ازتمام فتوحات خود درایران صرفنظر کرد.

نادر ازبروز جنك بین دولتین عثمانی وروس استفاده کرده وازدولت اخیر استرداد شهرهای باکو ودربندرا خواست ودرضمن دولت روسیه را تهدید کرد که درصورت عدم قبول‌این تقاضا دولت ایران پیمان اتحادی بادولت عثمانی برضددولت روسیه منعقد خواهد کرد دولت روس که در وضع سیاسی بدی قرار داشت ناچار تقاضای‌قهرمان‌ایران‌رااجابت کردوشهرهای‌باکوودربندراتخلیه‌ومستردداشت‌تبایداز نظر دورداشت.مادامیکه‌دولت‌عثمانی‌نواحی‌مجاوردریای‌خزرراتهدیدمیکردسیاستی که ازطرف پطرکبیرتعیین گردیده بود بقوت خود باقی بود منتهی باسلطنت‌مقتدر نادر درایران که‌توانست در مقابل تجاوزات احتمالی دولتین روس‌وعثمانی مقاومت کند سیاست دولت روس موقتاً بحال وقفه باقیماند.

نادرپس ازآنکه ایران را ازخرابی واضمحلال قطعی نجات داد موقع‌رابرای

---

1 – Anna

انتخاب عنوان سلطنت مناسب دید بزرگان کشور ورؤسای قبایل کـه برای تعیین تکلیف سلطنت ایران دردشت مغان جمع شده بودند بادرنظر گرفتن فداکاریها و خدمات گرانبهای نادر که ازسقوط حتمی ایران جلوگیری کرده بود ویرادرهشتم رمضان ۱۱٤۸ (۲۲ ژانویه ۱۷۳٦) بسلطنت ایران برگزیدند .

مراسم تاجگذاری قهرمان ونجات دهنده ایران درماه شوال همین‌سال‌انجام پذیرفت .

در سالهای اول سلطنت منطقه قندهار راکـه مرکزاصلی فتنه وفسادبشمار میرفت وطغیان افغانها ازآنجا شروع شده بود ازوجود گردنکشان مصفا ساخت وبا تسخیرهندوستان صحنه پرافتخاری درتاریخ ایران گشود و سپس با فتح ترکستان حدود ایران را به دورهٔ ساسانیان رسانید .

بدبختانه سلطنت کوتاه نادر درتاریخ طولانی ایران بمنزلهٔ سرعت صاعقه‌ای بود وی درشب یازدهم جمادی‌الثانی ۱۱٦۰ (۲۰ ژوئن ۱۷٤۷) درفتح‌آباد قوچان بدست چندتن ازسران قزلباش بقتل رسید وقتل وی ایران را باردیگرتسلیم تخطی ودست‌اندازی مداوم همسایگان کرده خرابکاریها وهرج ومرج و لجام گسیختگی داخلی را دامن‌زد ودرحقیقت باید گفت دولت مقتدر نادر خوش درخشیدولی‌دولت مستعجل بود .

٤ ـ جانشینان نادر

بین مرگ نادروتاجگذاری آغامحمدخان ٥٠ سال طول کشید ١١٦٠ ـ ١٢١٠ (١٧٤٧ ـ ١٧٩٥) که آن را میتوان بسه دوره تقسیم کرد .

دورۀ اول از ١١٦٠ تا ١١٧٢ دراین دوره دوازده ساله تاریخ ایران صحنۀ خونین وتأثرانگیزی است که بگفته صاحب مجمع التواریخ «ارادۀ ازلی قرار یافت که عموم اهل ایران بچهارموجه بحور بلاافتاده سزا وجزا یابند تازمانیکه قابل ترحم و تفضّل باریتعالی گردند» قدرت عظیمی که نادر بچنگ آورده بود پرده ضخیمی در مقابل دیدگان اونهاد واورا ازتقدیر وسرنوشت بی‌خبر گذاشت بطوری که نتوانست آینده‌را به‌بیند وپس ازخودبرای مملکت چاره‌ای بیندیشد اخلاف وی نیز فرزانگی اورا نداشتند .

پس ازقتل نادر علیقلی‌خان برادرزادۀ او که درهرات بود به‌مشهد آمد وتحت عنوان سلطان علی‌عادلشاه به‌تخت نشست وبقتل‌عام‌شاهزادگان خاندان‌خودپرداخت ازجمله رضاقلی میرزا ونصرالله میرزا و امامقلی میرزا فرزندان نادر را کشت فقط شاهرخ میرزا پسر رضاقلی میرزارا باقی گذاشت که اگر کارسلطنتش بنیانی نگیرد ازعلاقه مردم‌بخاندان صفوی استفاده کرده اورا که دخترزادۀ شاه سلطان حسین‌بود بسلطنت انتخاب نماید وباسم اوحکمرانی کند .

عادلشاه برادر کوچك خود ابراهیم خان را سردار عراق نموده روانۀ اصفهان ساخت‌سال بعد ابراهیم خان‌براوشوریده‌خودرا ابراهیم شاه خواند. عادلشاه از طریق مازندران متوجه‌جنك برادرشد ونخست بامحمدحسنخان قاجار در کناررودسیمبار جنگی سخت کرده اورا منهزم وفراری نمودوپسر صغیراو آقامحمدخان‌را گرفتار کرده مقطوع‌النسل ساخت ولی در جنك با برادر که در سلطانیه روی داد شکست

خورده بتهران گریخت حاکم تهران اورا دستگیرساخته بفرمان ابراهیم شاه کور کرد . خبرنابیناشدن اوبوسیلهفراریان که ازجنك بین دو برادر گـریخته بودند بخراسان رسید امرا وسرداران خراسان متفق شدند وشاهرخ میرزای سابق الذکر را بسلطنت برداشتند ومستعد جنك باابراهیم‌شاه شدند ابراهیم‌شاه نیز کـه مهیای جنك بود کاری از پیش نبرد و بدست هواداران شاهرخ بین قـزوین و ساوه بقتل رسید .

میر سید محمد متولی استان قدس رضوی دخترزاده شاه سلیمان صفوی کـه سلطنت را حق خاندان خود میدانست شاهرخ را دستگیر ونابینا کـرد وخود بنام شاه سلیمان ثانی به‌تخت نشست ولی پس ازچهل روز مردم مشهد او را کور کرده شاهرخ نابینارا دوباره بسلطنت برداشتند .

این حوادث خونین که درخراسان رخ داد خاندان نادری ومدعیان سلطنت راازپای درآورد وباینجهت‌شاهرخ توانست‌تاسال ۱۲۰۱ که سال وفات‌اواست‌بآرامی وبدون مدعی‌برحوزهٔ خراسان حکومت کند اما هرج‌ومرج وجنك وجدال‌درساير نقاط ایران طولانی‌ترشد .

احمدخان ابدالی‌یکی ازسران افاغنه که بنام طایفهٔ مخصوص خود به احمد خان درانی نیز اشتهارداشت سپاهیان افغان اردوی نادری را بقندهار بردومقدمات استقلال افغانستان را فراهم کرد ویکی ازعاملین بزرك جدا شدن ایران شرقـی از ایران غربی گردید .

یکی دیگر ازسرکردگان افغانی نادر بنام‌آزادخان افغان در آذربایجـان قدرتی فراهم کرده بنای سرکشی گذاشت .

حکومت اصفهان که بدستور شاهرخ‌بهابوالفتح‌خان‌بختیاری تعلق گرفته بود سبب طغیان یکی دیگرازسرداران بختیاری بنام علیمردان خان شد و اصفهان‌را ما به‌النزاع این دوسردارساخت .

مدعی دیگر محمد حسنخان قاجار بود که عده‌ای از ترکمانان قاجاررا در گرگان ومازندران بدورخود گردآورده بود .

مدعی قوی پنجه وزورمند دیگر کریمخان رئیس ایل‌زند بود .

جنگ بین این مدعیان نیزقریب به ۸ سال طول کشید و سبب خونریزیهای فراوان درشمال‌ومغرب ومرکزایران گردید و بکلی آسایش وآرامش را سلب کرد درپایان این منازعات طولانی وخونین کریمخان زند فاتح وفیروز درآمدوبا کشته شدن‌آخرین‌سردارمدعی یعنی محمد حسنخان قاجاررئیس طایفه زند برتمام‌ایران دست یافت وبنام وکیل‌الرعایابتخت‌سلطنت ایران جلوس نمود ۱۱۷۲ (۱۷۵۸)تنها بپاس حق نعمت نادرشاه متعرض خراسان وشاهرخ میرزا نشد و تا سال فوت خود ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) بعدل وانصاف حکومت کرد .

در دورهٔ سلطنت ۲۱ ساله کریمخان که‌آن را دورهٔ دوم مینامیم واقعه مهمی که آرامش مردم را برهم زند رخ نداد در نقاط مختلف ایران بخصوص در فارس خرابیهای وارده تا حدی ترمیم شد . طغیانهای پی درپی که درسالهای آخر سلطنت نادر براثر ستمکاریهای بی‌حدوحصر او ودر دورهٔ جانشینانش روی داد تجارت ایران را باخارج مختل ساخت ورشته ارتباط ایران را ازهم گسیخت ولی سکونتی که‌در دوران حکومت کریمخان پیش آمد باردیگراروپا را بفکرایران انداخت وتجدید روابط متروک مورد‌توجه شد انگلیسیهاوروسها اجازه گرفتند که درسواحل خلیج فارس دربحرخزر دارالتجاره تأسیس کنند هلندیها و پرتقالیها در جزیره هرمز و خارك بگرفتن این امتیاز نائل آمدند ولی انقلابات دوران جانشینان کریمخان باعث شد که دول مذکور باستثنای انگلیس‌ها تجارتخانه‌های خودرا رها ساختند ادامهٔ ارتباط آنان نیز بمناسبت منافعی بود که درهندوستان داشتند واین ارتباط هم غیرمداوم‌وچندان‌مثمر ثمر نبود .

دوره سوم‌دورهٔ جانشینان کریمخان است وتا سال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) یعنی ۱۷

سال طول کشید. فوت کریمخان باردیگر ایران را میدان تاخت وتاز ستیزه جویان ومدعیان سلطنت قرارداد بازماندگان کریمخان بوضع شگفت انگیزی بجان یکدیگر افتاده خاك فارس را ازخون هم رنگین ساختند خونریزی واغتشاش از ساعت فوت کریمخان شروع شد تاجائیکه نعش کریمخان سه روز برزمین ماند زکیخان برادر مادری کریمخان ۱۵ تن ازبزرگان زندیه‌را بقتل رسانید وپس از این فجایع ابوالفتح خان پسربزرك کریمخان‌را بسلطنت برداشت وبرادرش محمد علیخان‌را نیز که داماد اوبود درسلطنت شریك ساخت وخود زمام اموررا بدست گرفت‌علیمردان یکی ازسرداران کریمخان که از طرف او مأمور اصفهان شده بود بر زکی خان شورید زکیخان بقصد دفع او عازم اصفهان شد ولی درایزدخواست بدست سپاهیان خود بقتل رسید صادقخان برادر دیگر کریمخان وپسرش جعفرخان اطاعت‌ابوالفتح خان را گردن نهادند وچون ابوالفتح‌خان لاابالی وعشرت طلب‌بود وباموز حکومت وسلطنت چندان توجهی نداشت اگرچه درظاهرعنوان پادشاهی داشت ولی درواقع رتق و فتق امور باصادق خان بود .

صادقخان درجنك با علیمردان خان کشته شدوبدستورعلیمردان‌خان‌ابوالفتح خان وسایر فرزندان کریمخان نابینا گردیدند علیمردان خان ازاین پس مجبوربود ازیکطرف بادشمنان خانکی وازسوئی با آقا محمدخان قاجار که شرح حال او عنقریب خواهدآمد بجنگد وبدون اینکه موفقیتی تحصیل کند سرانجام درمورچه خورت در گذشت وجعفرخان جانشین او گردید .

جعفرخان دونوبت باآغا محمدخان جنگید وشکست یافت وسرانجام‌مسموم شد پسر رشید وزیبای او لطفعلیخان که مأمور بنادروسواحل خلیج بود همین که ازقتل پدراطلاع حاصل نمود شیرازرا گرفت وقاتلین پدررا کشت .

زندگانی او از۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ یعنی مدت شش سال بازدوخورد باخان‌قاجار وتوأم با آوارگی ودربدری گذشت ودراین مدت قهرمانیها ودلاوریهائی از خود

نشان داد که ازفصول جالب توجه تاریخ ایران بشمار میرود سرانجام در کرمان از آغا محمدخان شکست خورده گرفتار وبوضع فجیعی بدستور خان قاجار زندگی وی پایان یافت .

۵ ـ ایران هنگام ظهور سلسلهٔ قاجار

پیدایش سلسلهٔ قاجاریه

درطی مدت ۱۷ سالی که جانشینان کریمخان برای رسیدن بقدرت و زد و خورد بودند آغامحمد خان یکی ازمؤسسین سلسلهٔ قاجار موفق شد وحدت ظاهری ایران را عملی کند چون ظهور این سلسله مقارن باورود دولت روسیه درصحنه سیاست ایران بود وازهمین تاریخ تامدت قریب یکقرن ونیم مقدرات کشورمارا این سیاست دردست‌داشت وعامل مؤثر آن بشمارمی‌آید لازمست برای اطلاع از سیاست همسایگان ووضع داخلی ایران جریانات این دوران تحول را با دقت بیشتری مطالعه کنیم .

ایل قاجار از طوایف ترکی هستند که درحدود قرن هشتم هجری بنواحی مغرب‌رفته درسرزمین های‌بین‌ایران وشام ونیزدرحدود ارمنستان‌سکونت گزیده‌اند ودرهنگام ظهورسلسلهٔ صفویه یکی از ۷ طایفهٔ قزلباشی بوده‌اند که بشاه اسمعیل صفوی دررساندن او بسلطنت کمك کرده‌اند واز آن پس درتاریخ ایران نام و نشان یافته درا کثروقایع وحوادثی که در تاریخ ایران روی داده است دخالت داشته‌اند شاه عباس بزرگ آنان را سه دسته کرد دسته‌ای را در خراسان و حدود مرو برای جلوگیری از حملهٔ ازبکان سکونت داد و دسته‌ای را هم بحدود گرگان برای جلوگیری از حملهٔ ترکمانان فرستاد و دسته سوم را در حدود قراباغ مسکن داد عده‌ای که در گرگان ساکن شدند دو قسمت گردیدند قاجار های ساکن ساحل راست رود گرگان بنام یوخاری باش و آنهائیکه در ساحل چپ سکونت گزیدند اشاقه باش نامیده شدند بین این دوطایفه غالباً برسرچراگاهها نـزاع درمیگرفت و بهمین سبب با هم دشمنی میورزیدند در زمان هجوم افاغنه فتحعلی خان قاجار

از رؤسای آشاقه‌باش بیاری شاه طهماسب دوم برخاست و هنگامی که در خدمت او به محاصرهٔ مشهد اشتغال داشت بتحریك نادر کشته شد پسرش محمد حسنخان درزمان نادردرمیان ترکمانان متواری‌میزیست وپس ازمرك او به گرگان بر گشته بادعای سلطنت برخاست وچنانکه گفتیم درمقابل علی قلیخان عادلشاه برادرزادهٔ نادرشکست خورد وآغا محمد خان ارشد نه پسر او که دراین وقت پنج سال داشت بدست عادلشاه اسیروبفرمان وی مقطوع النسل شد این بدبختی علت خونخواری و کینه توزی پادشاه خواجه‌را بخوبی روشن می کند .

سایکس نویسندهٔ انگلیس میگوید ایرانیان از کمترشخصی مانندآغامحمد خان به‌بدی یاد می کنند

آغا محمدخان پس ازمرگ‌عادلشاه ازخراسان گریخت ونزد پدرآمد و در مبارزاتی که بین‌پدرش وسایر مدعیان سلطنت‌روی میداد شرکت داشت؛پس‌از کشته شدن پدر بهمراهی برادران چندی درمیان ترکمانان بموت بسر بسرد سپس چنین مصلحت دید که به‌بزرگواری وجوانمردی کریمخان پناه برد و درتهران بخدمتش رسید؛ کریمخان اورا که دراین وقت سی‌سال داشت باخود بعنوان گروگان بشیراز برد وبرادران وخواهران اورا‌باخویشان وی درقزوین گذاشت؛چندی بعدحسینقلی خان‌برادرش برای‌دیدن‌اوبشیراز آمدودرمراجعت بحکومت‌دامغان منصوب گردید .

حسینقلی خان دردامغان بر کریمخان عصیان کرد وپس از۷ سال تاخت‌وتاز در گرگان‌بدست‌ترکمانان کشته شد؛ آغامحمدخان‌موقع‌مرگ کریمخان شیرازرا ترك گفته بمازندران فرار کرد ۱۱۹۳ (۱۷۷۹) وازطرف سران ایل‌واکثریت اهالی مورد قبول واقع شد؛ برادرتانئی وی مرتضی قلیخان که عنوان شاهی اختیار کرده بود برای‌تقاضای کمك‌ازکاترین دوم‌بروسیه فرار کرد وبدون اینکه‌نتیجه‌ای‌بگیرد تاسال ۱۲۱۲ در دربار کاترین بسربرد ودرهمانجا نیزوفات یافت .

با این ترتیب آغا محمد خان توانست تسلط خویش را در ایالات بحرخزر بلامعارض مسلم کندوپس‌ازتصرف‌این‌نواحی جنگهای موفقیت‌آمیزی برضداخلاف

خانوادهٔ زند شروع کرد ودرنتیجه اصفهان وشیراز و کرمان را بتصرف آورد ۱۱۹۳ ۱۲۰۸ (۱۷۹٤ ــ ۱۷۷۹) آخرین صحنه‌های این زد وخوردها در کرمان اتفاق افتاد وچنانکه قبلا اشاره کردیم درآنجا لطفعلیخان آخرین مدعی سلطنت ازخانوادهٔ زند آخرین مقاومت خویش را تهیه دیده بود پس از چهارماه محاصره بالاخره شهر کرمان با مساعدت وراهنمائی حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز سقوط کرد ولطفعلی خان که باسارت آغا محمد خان در آمده بود کور گردید وقتل عام موحش اعلام شد معروف است که قاجار خونخوار دستور داد بیست هزار جفت چشم بوی نشان دهند و بافتخار اسارت لطفعلیخان بفرمان آغا محمد خان شش هزار نفر اسیر را سر بریدند ودر اجرای این دستور حتی بزنان و بچه‌ها نیز رحم نکردند این فتح موفقیت نفوذ آغامحمد خان را در کرمان تأمین کرد ولی تسلط برتمام ایران که در آن زمان بایالات مستقلی تجزیه شده بود کار آسانی نبود

خراسان اسماً دردست شاهرخ نوهٔ نادر بود ولی عملا میان رؤسای مستقلی تقسیم شده بود درمغرب ایران نواحی مجاور با دولت عثمانی از پاشای بغداد اطاعت میکرد در کرمانشاه کردها خودرا مستقل خوانده ووالی اردلان ازصحنه مرکز اقامت خویش بقسمت اعظم ایران غربی حکومت میکرد بقیهٔ ایران از بحرخزر تا خلیج فارس صحنهٔ زدو خورد مدعیان زیادی بود که برای کسب قدرت باهم رقابت میکردند

بااطلاع ازجریانات داخلی ایران لازم است وضع ممالك مجاور یعنی دولتین عثمانی وروس وسیاست آندو دولت را نسبت بایران باختصار بیان کنیم دولت عثمانی که درچند قرن اخیرحالت تعرّض دربارهٔ ایران اتخاذ کرده بود دیگر نمیتوانست در کارهای ایران علاقه داشته باشد زیراسیاست دول اروپائی بکلی آن دولت‌راسر گرم و گرفتار کرده بود .

سلطنت نادر درایران موقتاً برای پنجاه سال یعنی تا پیدایش سلسلهٔ قاجار دولت روسیه‌راازاجرای نقشهٔ پطر کبیرممانعت کرد ودرنتیجه پیشرفت روس درایران

بتأخیر افتاد .

ولی باوجود این روسها ازفعالیت خود دست بر نداشته وبدستور کاترین دوم در ۱۱۹۰ (۱۷۷۶) درشمال قفقاز بساختمان یکرشته استحکامات اقدام شد وهمین استحکامات پایهٔ محکمی برای سرعت عملیات جانشینان کاترین گردید پنج سال بعد یعنی در ۱۱۹۵ (۱۷۸۱) وقتی که آغا محمدخان درمازندران مستقر شد نیروی دریائی روس ومرکّب ازهفت فروند کشتی بادی دراشرف لنگر انداخته واجازهٔ تأسیس یک تجارتخانه را تحصیل کرد روسها ببهانهٔ حمایت تجارتخانه بساختمان استحکاماتی درشهر اقدام کردند پس ازآنکه ساختمان استحکامات خاتمه یافت حاکم اشرف افسران روسی را بمهمانی دعوت کرده وتهدید نمود اگر استحکامات را خراب نکنند بقتل خواهند رسید

افسران روسی درمقابل این تهدید استحکامات را خراب کرده با کشتیهای خود مراجعت نمودند .

٦ ـ سیاست دولت روسیهٔ تزاری در گرجستان

گرجستان درادوار تاریخ ایران وبخصوص در دوران صفویه همیشه جزءایران بوده است ولی چون اکثریت ساکنین گرجستان مسیحی بوده‌اند حکام آن ناحیه نیز در امور داخلی تاحدی استقلال داشته‌اند در حکومت صفویه همیشه چندتن از شاهزادگان گرجی دردربار ایران بصورت گروگان میزیسته‌اند بین بزرگان ایران ومتنفذین گرجستان ارتباط دولتی و خویشاوندی برقراربوده و بعضی ازبزرگان ایران زن گرجی داشته‌اند شاهزادگان صفوی نیزباشاهزاده خانمهای گرجی ازدواج میکرده‌اند اهالی گرجستان درطول مدت تاریخ هیچگاه مانند دورهٔ آغا محمدخان آرزوی تحصیل استقلال نکرده بودند.

قبلا تااندازه‌ای وضع ایران را پس ازقتل نادرشرح دادیم کنت دوگوبینو[1] مورخ و نویسندهٔ فرانسوی دراینخصوص مینویسد « بلافاصله پس از قتل قهرمان هزاران ستمگر کوچك پدیدار شد:طوایف صحراگرد زندگی خود را بضرر شهرنشینان تأمین کرده وشهرنشینان همدیگررا غارت کردند، اراضی بایر و بدون زراعت ماند وآنجاهائیکه مختصری زراعت میشد متروك گردید».

درچنین وقتی که هرحاکمی سعی وجدیت داشت خویشتن را درحوزهٔ فرمانروائی خود مستقل کند ارکلی[2] والی گرجستان که در جنگهای نادر شرکت جسته و ویرا بصداقت خدمت کرده بود کوشش میکرد بلکه حوزهٔ قلمروی خودرا ازتسلط ایران خلاص دهد. ارکلی دراجرای تصمیم خویش موفق گردیدوتوانست با استقرارصلح

---

1 – Comte de Gobineau
2 – Heraclius

در گرجستان حتی قسمتی ازخاك ایران‌را نیزضمیمه متصرفات‌خود کند این‌سیاست تجزیه طلبی را که پایهٔ آن ازدیرزمانی گذاشته شده بود وباجرای نقشهٔامپراطوری روسیه کمك میکرد میتوان عکس‌العمل آنی عملیات بیرحمانه‌آغـا محمدخان در ایران دانست .

والی گرجستان پیش بینی میکرد که این جسارت برایش گران تمام‌خواهد شد وی میدانست روزی که ایران وحدت خودرا درتحت حکومت سلطان مقتدری عملی‌سازد گرجستان‌نخواهد توانست خودرابدون حمایت و کمك یك‌دولت‌خارجی مدت‌زیادی حفظ کند بنابراین ارکلی معاهدهٔ اتحاد سری تعرضی وتدافعی بادولت روسیه منعقد کرد ۲۳ شعبان ۱۱۹۷ (۲٤ ژوئیه ۱۷۸۳) دولت روسیه دراین زمـان برمتصرفات جنوبی خود افزوده و با گرجستان همسایه شده بود مطابق مـواد این معاهده (یا باصطلاح سند تحت‌الحمایگی) ارکلی پیرمرد که از قرنها باینطرف اجداد وی از ایران تبعیت کرده بودنـد خـویشتن را تحت حمایت دولت روسیهٔ تزاری قرار داده روابط خود را بـا ایران بکلی قطع و باطاعت کاترین درآمد . در مقابل، کاترین ازطرف خود و جانشینان‌ارکلی را حمایت کرده و نه تنها متصرفات کنونی گرجستان‌را تضمین کرد بلکه اراضی نیز که امکان داشت درآتیه بتصرف ارکلی درآید شامل این تضمین گردید .

درنتیجهٔ انعقاد این معاهـده یك لشکر روسی برای حفاظت تحت‌الحمایگی جدید بگرجستان اعزام شد .

انعقاد معاهدهٔ۱۱۹۷(۱۷۸۳) دولت‌ایران‌رابوحشت‌انداخت. این پیش‌آمدعلت آنی‌بروزجنك‌طولانی‌بین‌دولتین‌ایران‌وروس گردید که‌باستثنای‌مدت که‌خیلی کوتاه دورهٔ حکومت پل[1] اول تا امضای معاهدهٔ گلستان ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بطول انجامید.

---

1 - Paul 1

چنانکه خود ارکلی پیش‌بینی میکرد قابل تصور نبود که سلطان مقتدری پس ازایجادنظم واتحاد درداخل کشور راضی شود که یکی ازبهترین و زرخیزترین ایالات ایرانرا بریگان ازدست بدهد .

آغا محمدخان وقتی رقیب خود لطفعلیخان زند را از بین برد و قدرت خود را در ایالات جنوبی مسلم گردانید تصمیم گرفت ارکلی‌را وادار باطاعت کند.

قبل ازاقدام به لشکرکشی بطرف گرجستان رئیس قاجار ارکلی را تهدید کرد که ازهوسرانی استقلال دست برداشته مالیات معمولی را بپردازد وبرای‌اظهار اطاعت بدربارپادشاه قاجارحاضرشود . مجلهٔ دنیای اسلام (۱) درشمارهٔ ژانویهٔ۱۹۱۰ ترجمهٔ فرمان‌آغا محمدخان راکه‌دراین‌خصوص‌بوالی گرجستان خطاب شده‌منتشر کرده‌است‌دراین‌فرمان‌آغامحمدخان عملیات‌خلاف گرجیهاراکه شصت سال قبل در قندهاررخ‌دادومنجربه‌فتنهٔ افغان گردیدیادآوری کرده‌متذکرمیشود: شمامیدانید که‌ازصدها سال‌پیش‌مطیع ایران بودید وحالا بانهایت تعجب باطلاع مارسیده که با روسها متحد شده‌اید درصورتیکه‌آنان درایران منظوری جزتجارت ندارند .بااینکه مذهب ما یکی نیست شما علائق دائمی باایران داشتید .

درایران گرجی وارمنی و تاتار وپیروان دیگرمذاهب زندگی میکنند شما بایستی درمقابل‌آنان شرمنده باشید . امروز که ما بمنتهای قدرت رسیده‌ایم اخطار میکنیم تمام‌روابط خودرا باروسیه قطع کن والادرلشکرکشی که قریباً بگرجستان خواهم کرد بقدری خون روس و گرجی خواهم ریخت که مانند رود کر جاری خواهد شد .

برای‌اینکه ازاوضاع فعلی و وضع‌حقیقی اطلاع حاصل کنی این فرمان‌بامر ما صادر شد .

متأسفانه نفوذ و تسلط کاترین در گرجستان بحدی زیاد شده بود که

---

1 - Revue du monde musulman

ار کلی نمیتوانست ازحمایت دولت روسیه صرف نظر کند بنابراین والی گرجستان جواب داد کــه وی فقط سلطنت کاتــرین دوم امپراطریس روسیه را بــرسمیت میشناسد .

۷_ لشکر کشی بسمت گرجستان

فکر تأسیس تجارتخانه در اشرف و انعقاد معاهدهٔ ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) میان کاترین دوم و ارکلی بخوبی نشان داده و ثابت میکرد که تزار جاه طلب ازدرهم گسیختگی امور داخلی ایران استفاده کرده و تصمیم دارد نقشهٔ سلف مشهور خود پطر کبیر را تعقیب نماید حتی برای اجرای این تصمیم قبلا بابابعالی نقشهٔ تقسیم ایالات شمالغربی ایرانرا طرح وتهیه دیده بود.

بادرنظر گرفتن رفتار ووضع دولت روسیه ومتن‌مواد معاهدهٔ ۱۱۹۷ (۱۷۸۳) یقین بود که تزارین نقشه های وسیع‌تری داشته و عقد معاهده با ارکلی یك اتحاد ساده‌ای نیست. پس تصادفات وسیاستهای‌مهم دیگراروپائی لازم بود که دولت‌روسیه را از جریان نقشهٔ خود درایران بازدارد. چنانکه گذشت موضوع تأسیس تجارتخانه دراشرف بدون هیچگونه عکس‌العملی ازطرف سن بطرز برگ مسکوت گذاشته شد وحتی جای بسی تعجب است قوائی که برای کمك شاهزادهٔ گرجی‌اعزام‌شده‌بود پس ازچهارسال اقامت در گرجستان وقتی که دستجات روسی مشغول محاصرهٔ شهر گنجه بودند غفلتاً احضار گردید. برای پی بردن بعلل این رویهٔ سیاسی لازم است اوضاع اروپا وسیاست رولت تزاری روسیه را درمغرب روشن کنیم. بایددانست که دراین زمان بابروز انقلاب کبیر فرانسه دراروپا کاترین خیلی نگران و گرفتار بود. بعلاوه سیاست تقسیمات لهستان واجرای نقشه‌های یونان جهت تجزیهٔ دولت عثمانی‌مانع ازاین‌میشد که تزارین بتواند به تحت‌الحمایگی جدیدیعنی گرجستان کمکی بکند. قبل ازبروزانقلاب کبیر فرانسه بود که کاترین برای تشکیل اتحاد چهارگانه ازدول‌روسیه واطریش ودوخانوادهٔ بوربن (فرانسه واسپانی) بادولت لوئی شانزدهم مذاکرات جدی آغاز کرد. منظور وی ازتشکیل این اتحادیه‌جلوگیری

ازادعاها وبلند پروازی های دولت انگلستان وتجاوزات دولت پروس بود . ولی بروز انقلاب فرانسه سیاست امپراطریس روسیه را تغییرداد . زیرا ازهمــان شروع انقلاب فرانسه کاترین دوم متوجه بود که نبایستی به کمك دولتی که گرفتارتحولات اوضاع داخلی خود میباشد حساب کرد .

تزارین که ازانتشارونفوذ افکارواصول ومبادی انقلاب وحشت داشت مناسبات دیپلوماسی خودرا بادولت فرانسه قطع کرد وسفیرفرانسه را مرخص نمود و مانــع ورود کشتی های این دولت به بنادر روسی گردید . کاترین گوستاو (۱) سوم پادشاه سوئدرا برای اقدام برضد دموکراسی تشجیع کردوبدولت انگلستان اصرارمیورزید که برای برقراری سلطنت درفرانسه کمك کند همچنین دولتین پروس واطریش را برضد فرانسه تحریك میکرد. بااین تفصیل امپراطریس کاملا مواظب بود که خودرا درسیاست اروپا گرفتارنکند زیرا اظهارمیداشت مقام من معلوم ونقشی را که لازم است درمیدان سیاست بازی کنم تعیین گردیده است .

من تعهد میکنم عثمانیها ولهستانی ها وسوئدیها را که پس ازمرگ گوستاو سوم بافرانسویان متحد گردیده اند تحت نظارت قراربدهم .

البته تنبیه آزادی خواهان عثمانی ولهستانی برای کاترین آسانتر و مخصوصاً پرنفع تر بود . همین سیاست و طرز رفتار تزارین از اقراری که به اوسترمن (۲) صدراعظم خود کرده روشن میگردد:

«دلایلی هست که من نمیتوانم بدربار وین وبرلن بگویم من میخواهم آنها را دراین قضایا وارد کنم تا آزادی عمل مطلق داشته باشم زیرا من کارهای ناتمــام زیادی دارم و باید وضعی ایجاد شود که آنها سر گرم شده من را دراجرای نقشه هائی که درپیش دارم آزاد گذارند .

بدین ترتیب هنگامیکه سیاست اروپائی تمام فعالیت سیاسی ونظامی روسیه رابخود معطوف میداشت آغا محمدخان باشغال گرجستان مصمم گردید.دولت ایران

---

1 - Gustave III 2- Ostermann

مخصوصاً توجه داشت باسرعت عملیات نظامی ازوصول کمك‌های امپراطریس به‌ارکلی جلوگیری کند .

پس از آنکه آغامحمدخان ارکلی‌را در رمضان ۱۲۰۹ (آوریل ۱۷۹۵) تهدید کرده وباطاعت وفرمانبرداری دعوت نمود وجواب منفی شنید فرمان‌دادقوای‌مسلح که‌تعداد آن‌به شصت‌هزارنفربالغ‌بوددرحوالی‌تهران‌متمرکز گردند. رازسوق‌الجیشی چنان‌مستورماند که تاموقع حرکت قوا احدی به‌نقشهٔ پیش‌بینی‌شده آگاه نبود آغا محمدخان سپاهیان خودرا بسه‌ستون تقسیم کرد :

ستون اول ازراه مغان بسمت شیروان وداغستان متوجه گردید ستون دوم که ۱۵۰۰ گرجی جزءآن بود بجانب ایروان پایتخت ارمنستان حرکت کردستون‌سوم تحت فرماندهی‌مستقیم‌آغا محمدخان مأمور شوشی قلعهٔ مهم قره‌باغ واقع‌درساحل چپ‌رودارس‌شد.ستون‌اول‌بمانع‌شدیدی‌برخوردنکردرؤسای‌ایالات‌بارسیدن‌لشکریان ایران یا اطاعت کردند ویافرار نمودند ودوستون دیگر با مقاومت خانهای ایروان وشوشی که ازطرف ارکلی تشویق وتحریك میشدند مواجه گردیدند .

سپاه‌آغا محمدخان فقط ازسواره‌نظام تشکیل یافته وفاقد توپخانه بودوهمین نقیصه تسخیرقلاع ایروان وشوشی را تقریباً غیرممکن میساخت .

رئیس‌ایل‌قاجاروقتی عدم امکان‌تصرف این‌دوقلعه‌را تشخیص‌دادباطاعت‌ظاهری حکام این دوناحیه قناعت کرد وقسمتی ازلشکریان را برای تأمین محاصرهٔ ایروان وشوشی مأمورساخته خود باعمده قوی بطرف تفلیس پایتخت گرجستان حرکت کرد در گنجه باستونی که ازمغان حرکت کرده بود بدون برخورد با مقاومت تماس گرفت‌واز آنجا باعده‌ای که‌دوقسمت‌مهم‌آن درمقابل شوشی و ایروان مانده‌بود یعنی‌فقط باچهل‌هزار نفر برای مقابله‌ارکلی حرکت کرد. شاهزادهٔ گرجی‌بااینکه درنتیجه سرعت عملیات دشمن غافلگیرشده بود واز کمك‌های دولت روسیه محروم مانده بودوباوجود کمی تعداد نفرات که بیك چهارم قوای ایران بالغ میشد مصمم شد جنگ کند .

ارکلی برای تأمین وضع پایتخت تا ۳۷ کیلومتری تفلیس پیشرفت جسارت
و پشتکار سپاهیان گرجی کمی تعداد نفرات آنـان را جبران نـکرد و تفلیس بدون
مقاومت تسلیم شد . بفرمان آغا محمدخان قتل عام فجیعی درشهررخ داد بااین‌عمل
فاتح تفلیس قصد داشت مللی‌را که درآینده بخواهند ازقدرت وی سرپیچی کـنند
تنبیه سازد .

۸ - اشغال اراضی ایران ازطرف لشکریان روس

۱۲۱۱ (۱۷۹۶)

آغامحمد خان پس ازتنبیه گرجستان وانقیاد ایالات شمال غربی ایران بـه پایتخت مراجعت کرد بااینکه رئیس‌ایل قاجار ازقدرت ومزایای سلطنتی برخوردار بود ولی هنوزتاجگذاری نکرده بودتااینکه درمراجعت ازعملیات فاتحانهٔ گرجستان گرچه درظاهر عدم تمایل نشان میداد بالاخره بانجام تشریفات تاجگذاری رضایت داد ۱۲ رمضان ۱۲۱۰ (۲۱ مارس ۱۷۹۶)

بااجرای این مراسم نفوذ پادشاه قاجار بیش ازپیش توسعه یافت پادشاه قاجار تصمیم گرفت باوضاع خراسان که بوسیلهٔ شاهرخ نوهٔ نادر اداره میشد سروسامان داده وازدست اندازیهای ازبکان جلوگیری کند پس بقصد زیارت عازم مشهد شد شاهرخ میرزا که شمه‌ای ازشرح حال اورا بیان کردیم چون درخود یارای مقاومت ندیـد بابزرگان‌شهر باستقبال شتافت. آغامحمدخان‌باو تأمین داد آنگاه جواهرات‌زیادی‌را ازاوخواستارشدوچون اوازتسلیم جواهرات سرباز زدبشکنج‌ورنج‌ازاومطالبه گردید وناچارآنچه‌را که داشت تسلیم کرد.

در میان این جواهرات یاقوت بزرگی بود که وقتی زینت تاج اورنك زیب پادشاه هندوستان بوده است .

آغامحمدخان بقول صاحب ناسخ‌التواریخ «ازبدست کردن آنهمه لالی آبدار وجواهرشاهوار چندان شاد خاطرشد که بفرمود در رواقی نطعها بگستردند وآن جواهررا برزبر نطع بریختند آنگاه رواق را ازبیگانه بپرداخت وچندنوبت ازاین سوی رواق تابدانسوی را باپشت‌وپهلو غلطان غلطان برفت» آغا محمد خان پس‌از

اینواقعه شاهرخ‌را با کسانش بتهران فرستاد ولی شاهزادهٔ نگون بخت دربین‌راه‌براثر جراحاتی که براثر شکنجه‌باورسیده بود درسن‌شصت‌وچهارسالگی بدرود حیات گفت وبامرگ او خاندان افشارمنقرض گردید.

در جریان این عملیات آغا محمدخان بمنظور عقد اتحادی جهت فتح بخارا نماینده‌ای‌بدربار زمانشاه به‌کابل‌اعزام داشت و نیز نماینده‌ای مستقیماً سوی‌بیکی‌جان از بك پادشاه ترکستان فرستاد.

بیکی جان وقتی نامهٔ‌آغامحمدخان را دریافت کرد بقولی گفت « اخته‌خان هرچه گوید کند مراطاقت مقاومت باوی نیست » وبقول سرجان ملکم بامرای خراسان نوشت که شنیده‌ام‌اخته‌خان درمیان شما آمده‌است اگرمیتوانیداورابگیرید واگرنمیتوانید بمن اطلاع دهید تاخودم اقدام کنم.

زمانشاه نیزحاضر بعقد اتحاد گردید و آغا محمدخان درصدد برآمد که‌نقشهٔ خودرا عملی سازد که ناگهان ازعملیات نظامی روس برضد ایران درقفقاز اطلاع حاصل کرد ربیع‌الاول ۱۲۱۱ (سپتامبر ۱۷۹۶) ولی بواسطهٔ فرارسیدن زمستان و فصل سرما که با ادامهٔ عملیات نظامی مساعد نبود سپاهیان را مرخص کرد.

دراین هنگام دودانشمند فرانسوی برونیر[1] و اولیویه[2] که ظاهراً از طرف دولت جمهوری فرانسه برای انجام مأموریت علمی اعزام شده بودند بدربار آغا محمد خان باریافتند درحقیقت نمایندگان فرانسه دراین مأموریت دو هدف اصلی داشتند:

اول مطالعه برای ایجاد و برقراری روابط دوستانه و مبادلات تجارتی میان ایران وفرانسه. دوم عقد پیمان اتحاد نظامی میان ایران وعثمانی برضد دولت‌روسیهٔ تزاری[3].

---

1 - Brugniére

2 - Olivier

۳ ــ نمایندگان اعزامی‌حامل نامه‌ای‌ازطرف ریمو ندورنیناك R. verninac سفیر فوق‌العادهٔ دولت جمهوری فرانسه درباب عالی بعنوان حاج ابراهیم صدراعظم ایران

(بقیه حاشیهٔ‌در صفحهٔ بعد)

بقیه حاشیه از صفحه قبل

بودند نظر باینکه ازطرفی این نامه ازتجدید روابط دولتین ایران وفرانسه که پس از انقراض دولت صفویه شده بودصحبت میکند ، وازطرف دیگرمی توان آنرا مقدمات سیاست ایرانی ناپلئون اول دانست لذا ترجمهٔ نامه و خلاصهٔ جواب دولت ایران را در زیر درج می کنیم :

اسلامبول ۱۳ فروکتی دور Fructidor سال سوم جمهوری- سفیر فوق العادهٔ دولت جمهوری فرانسه در باب عالی بجناب صدراعظم شاهنشاهی ایران :

صدراعظم :

حس قدردانی وصمیمیت که فرانسویان و ایرانیان را متحد میسازد مانند تاریخ دوامپراطوری قدیمی است . اگردرمکاتبات میان دولتین انقطاعی رخ داد علت آن اوضاع وحوادث بودوگرنه دراتحاد صمیمانه‌ای که میان ملتین وجودداشت کمترین خدشه‌ای حاصل نگردیده است .

جناب شما قطعاً موفقیت‌های درخشانی راکه وضع جدید درفرانسه بوجود آورده است شنیده‌اید .

موضوع قابل دقت تصادف عجیب فتوحات جمهوری فرانسه بافتوحاتی است که در همان زمان نصیب ایرانیان گردیده . این فتوحات نشانه‌ای ازدوران زمامداری باسعادت وکیاست شما میباشد .

اجازه بدهید این تصادف را بفال نیك بگیریم زیرا برای سعادت متقابل دو ملت نمیتوان فرصت مناسب‌تری جهت تحکیم روابط حسن تفاهم که ازقدیم میان آنان موجود بوده بدست آورد . تنها بهمین منظور است که این نامه را برای آنجناب مینویسم. اتباع دولت فرانسه اولیویه وبرونیردوعالم طبیعی‌دان ضمن تسلیم نامهٔ من بآنجناب شرح وبسط کافی راجع بوضع فعلی ، کارهای ما ومنافع متقابلی که باابرازتوجه واهمیت بیشتری از برقراری روابط سیاسی وتجاری ممکن است عاید طرفین گرددخواهد داد .

علی العجاله دومسافررا بحسن نیت شماسپرده امیدوارم آن جناب تسهیلات ومساعدت های لازم راکه برای توفیق درتحقیقات نیاز دارند وهدف آن پیشرفت علوم است درحق آنان مبذول خواهند فرمود .

صدراعظم خواهشمندم مراتب قدرشناسی کامل مرا بپذیرید. افتخاردارم خدمتگذار ناقابل ومطیع آنجناب باشم .

امضاء ـ ریمو ندور نیناك

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

بامعاهدهٔ یاسی [۱] در۲۳صفر ۱۲۰۷ (۹نوامبر ۱۷۹۲) خاتمه یافته بود.

تقسیم دوم لهستان میان دولتین پروس وروسیه در ۱۲۰۸ (۱۷۹۲) وآخرین تقسیم این کشور که‌منجر بانهدام کامل جمهوری لهستان گردید بامعاهدهٔ سن پطرز بورگ درتاریخ سوم ژانویه ۱۷۹۵ (۱۱ رجب ۱۲۰۹) عملی شده بود. بااین‌ترتیب تزارین قادربود نقشه‌های خودرا برای تصاحب ایالات شمالغربی ایران تعقیب کرده‌و دریای خزررا کاملا تحت تسلط دولت روس قرار دهد.

هنگامیکه آغامحمدخان درخراسان مشغول بودکاترین ظاهراً متأثرازاینکه نتوانسته‌است بموقع تحت‌الحمایهٔ خودرا کمك نماید تصمیم گرفت حوادث تفلیس‌را جبران کند. تزارین میخواست قدرت آغامحمدخان‌را درهم شکسته‌ایالات‌شمالغربی ایران را جزء امپراطوری‌آسیائی خود کرده وحتی‌مرتضی‌قلیخان برادر تبعید شدهٔ شاه‌قاجار راکه اززمان فرار ازمازندران در دربار سن پطرزبورگ میزیست‌به‌تخت سلطنت ایران بنشاند.

گودوویچ [۲] ژنرال روسی دراواخرسال ۱۲۱۰ (۱۷۹۵) مأموریت یافت بـا عده‌ای بطرف در بند پیشروی کرده وزمستان را در آنجـا بگذراند. در بهار۱۷۹۶

(بقیه حاشیه‌از صفحه قبل)

خلاصهٔ قسمتی ازنامهٔ حاج ابراهیم صدراعظم آغامحمدخان به ورنیناك:

بعداز عنوان... نامهٔ آنجناب بوسیلهٔ اولیویه وبرونیر هنگامی رسید کـه آغا محمدخان پس از حمله وفتح خراسان ازبکان وافغانان‌رامتفرق ساخته و برای استراحت بپایتخت مراجعت کـرده بود. ما متون معاهدات سابق موجود میان دولتین را مطالعه وبحسن نیت شما جهت افتتاح باب روابط دوستانه‌که متضمن استقرار وراحتی تجـار و مسافرین است متوجه شدیم بهمین علت مایلیم اساس حسن تفاهـم را برقرار کـرده و امیدواریم‌شما نیز بنوبهٔ‌خود همین رویه‌را بادادن اطلاعات ازاخبار دوکشورواعزام سفرا وادامهٔ مکاتبات دوستانه‌که باب اتحاد واتفاق رامفتوح میسازد تعقیب فرمایند...

بایگانی اسناد ملی ـ دورهٔ کونسولی وامپراطوری

Archives Nationales Fonds de la secretairerie D' Etat : Consulat et Empire AF. IV 1686

---

1 - Yassi

2 - Goudowich

(۱۲۱۰) یك سپاه سی‌هزارنفری روسی بفرماندهی والرین زوبوف[1] (معروف‌بقزل ایاغ) به قوای گودودیچ ملحق گردید بسرعت عملیات جدی‌تری از طرف روسها شروع وقلاع دربند وباکووطالش و گنجه‌تسلیم‌ویااطاعت کردند بااین ترتیب‌روسها تسلط خودرا برتمام ساحل دریای خزر ازمصب رود اترك تامصب رود کر محرز کرده موفق گردیدند یك خط ارتباطی در طول رودخانه کر با گرجستان دایر کنند .

پس ازاین موفقیت‌ها زوبوف باعمده قوای خود از رود ارس گذشته‌وقرارگاه زمستانی خودرا دردشت مغان انتخاب کرد از این نقطه تمام‌آذربایجان در معرض تهدید قوای روس قرار گرفت بطوری که باتسلیم این‌ایالات احتمال داشت پس ازیك حملهٔ عمومی پایتخت ایران نیزسقوط کند .

قوائی که‌مأموراشغال گرجستان بود پشت‌سپاه زوبوف‌را حمایت میکردجبههٔ چپ زوبوف بوسیلهٔ قوائی که ازحاجی طرخان حرکت کرده بود حفاظت میشد پیش قراولان قوای اعزامی‌ازحاجی طرخان‌لنکران را اشغال کرده و رشت وانزلی‌را تهدید میکردند .

از مدتهای مدید باینطرف خطر خارجی ایران را باین شدت تهدید نکرده بود خوشبختانه برای مدت کوتاهی این طوفان سهمگین بامرك امپراطریس کاترین برطرف گردید ۱۷۹٦ (جمادی‌الاول ۱۳۱۱)

سلطنت پل‌اول پسروجانشین کاترین ظاهراً بایك‌سیاست صلح طلبانه‌ای آغاز شد وی قانون سربازگیری راکه مطابق این قانون هرپانصدنفر مجبوربود سه نفر سربازبدهد موقوف الاجری گذاشت .

امپراطور روس دستور داد ارتش ایران مراجعت کرده و گرجستان را بحال خودرها نمود پل ضمن بخشنامه‌ای که به اوسترمن[2] دیکته کرد بدول خارجی اعلام داشت که ازسال ۱۷٥٦ باینطرف درجهان تنها دولت روسیه لاینقطع درجنك

1- Valerien –Zuboff

2 - Oster mann

بوده مدت چهل سال جنك ملت‌را ازپای درآورده است رأفت وبشردوستی‌امپراطور اجازه نمیدهد صلحی‌را که آرزوی رعایای محبوب وی میباشد رد کند ارتش‌اشغالی گرجستان‌تحت فرماندهی‌والرین زوبوف‌بدون‌برخورد بکمترین مقاومت‌عقب‌نشینی وبروسیه مراجعت کردملکم می گوید کینهٔ پل اول نسبت بفرمانده این‌عده که‌برادر پلاتن زوبوف محبوب کاترین بود یکی ازعللی است که نقشه ایران را بهم زددستور مخصوص‌بهر سرهنگی مستقیماً فرستاده شد بدون اینکه‌ژنرال فرمانده نیرو اطلاع داشته باشد .

این کینه وانزجار خاطرپل‌اول عکس‌العمل تحقیرهائی‌بود که مقربین کاترین مخصوصاً پلاتن زوبوف درحق وی مرعی داشته بودند .

آغا محمد خان از این فرصت خوب استفاده کرده و تصمیم گرفت مجدداً گرجستان را اشغال کند سپاهیان ایران درشوال ۱۲۳۱ (مارس ۱۷۹۶) ازتهران حرکت کردند .

آغا محمدخان تقریباً درصد کیلومتری ارس بود که اهالی شوشی‌بعلت بد رفتاری حاکم را بیرون کرده وسلطان قاجار را برای تصاحب قلعه دعوت کردند آغا محمدخان پس ازیك راه پیمائی معجل بمقابل رود ارس که درمنتهای طغیان بود رسیدولشکریان وی رودخانه‌را قسمتی باکشتی وقسمتی بحال شنا عبور کرده واردشوشی گردیدند این بارپس ازچندین سال مقاومت قلعهٔ شوشی‌بدست ایرانیان افتاد این موفقیت خوب فتوحات درخشانی‌را بسپاهیان آغا محمد خان نوید میداد متأسفانه درحینی که لشکریان ایران ازفتوحات‌احتمالی آیندهٔ خویش‌مسروربودند آغامحمد خان در۲۱ ذیقعدهٔ ۱۲۱۹ (۱۸ مه‌۱۷۹۶) بدست افراد گارد مخصوص‌خود بسن ۶۳ سالگی بقتل رسید .

شهامت وخست انتقام و کینه جوئی جاه طلبی و پیمان شکنی بی‌رحمی و حیله گری سخت گیری وحق ناشناسی از صفات خاصه‌آغا محمد خان ومورد تأیید اکثرمورخین معاصر اواست که اگربرآنها کاردانی ولیاقت وتدبیر وسرعت در عمل

علاقه‌مندی بسپاهی را علاوه کنیم مجموعهٔ صفات اورا بیان کرده‌ایم .

درباره هیئت ظاهری اوسرجان ملکم چنین نوشته است «اندامی ضعیف داشت چنانچه از دور مانند پسری چهارده ساله بنظرمی آمد چهرهٔ بی‌موی پرچینش چون زنان سالخوده مینمود صورتش اگرچه درهیچوقت ازدیدن نیکونبود ولی‌درهنگام غیبت حالتی مهیب می‌یافت وهم بدین سبب خود نمی‌خواست کسی بر صورت وی نگاه کند»

گرچه زندگانی آغا محمدخان بعلت جنایت‌های وحشتناك وفجیع مانندقتل عام کرمان وتفلیس آلوده است ولی دوران سلطنت وی ازافتخارات بزرك نظامی بی‌بهره نمی‌باشد .

۹ - ایران هنگام جلوس فتحعلیشاه

پس ازمرگ آغا محمدخان هرج ومرج فوق‌العاده درداخلهٔ ایـران رخ داد سرداران سپاه‌برسرتقسیم غنایم باهم درنزاع بودند وحتی انجام تشریفات تدفین‌جسد پادشاه متوفی چند روزی بتأخیرافتاد ولشکریان بی‌سرپرست متفرق گردیدند .

درحین بروز این حادثه ذیعقده ۱۲۱۱ (ژوئیه ۱۷۹۶) پسرحسینقلی‌خـان قاجار برادرزاده وجانشین آغا محمدخان حاکم‌فارس بود وی‌بنام جدش فتحعلیخان نامیده شده بود وبهین سبب آغا محمدخان اورا باباخان خطاب میکرد .

باباخان درتحت نفوذ وتلقین وزیرخویش حاج ابراهیم تصمیم گرفت باقوای کافی بسمت تهران حرکت کـند قبل از ورود باباخان بـدستور میرزا محمد خان بیگلربیگی تهران ومیرزا شفیع صدراعظم دروازه‌هـای شهربروی مدعیان سلطنت که دراطراف تهران تجمع وخیال تصرف شهررا داشتند بسته شد باباخان در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۱۲ بدون‌برخورد بمقاومت وارد تهران گردید ودرنوروز همان‌سال که مقارن عید فطر بود تاج گذاری کـرده و باسم فتحعلیشاه به تخت سلطنت نشست (۱۷۹۸).

چنانکه ذکرشد خبرقتل آغا محمد خان مجدداً به بـروز اغتشاشات داخلی کمك کردصادقخان شقاقی یکی ازسرداران آغامحمدخان که درلشکرکشی‌شوشی شرکت کرده بود پس ازمرگ سلطان‌جواهرات سلطنتی را تصاحب کرد وبا پانزده هزار سوار که در اختیار داشت بنای خودسری را گذاشته واز طرف خود حکامی در شهرهای آذربایجان‌تعیین کرد وپس ازتصرف تبریزبسمت قزوین پیشرفت صادقخان درنزدیکی‌این‌شهرازقوای فتحعلیشاه شکست خورد ونظربا ینکه جواهرات سلطنتی

را که بغارت برده بود مسترد داشت مورد عفو قرار گرفت وبحکومت گرمرود و سراب منصوب شددرجنگ باصادقخان کشندگان آغا محمدخان گرفتارشدند وبا کارد ودشنه جمیع مفاصل ایشان ازهم جدا گردید .

مدعی دیگر علیقلیخان برادرآغا محمدخان بود که چون ازقتل برادرآگاه شد با سپاهی‌ازایروان حرکت کرده درقریه علیشاه پنج فرسنگی تهران اقامت کرد فتحعلیشاه اورا بتهران دعوت کرد تادرکار سلطنت بااومشورت کند وبمحض وروداو را ازهردوچشم نابینا ساخت ومأمورتوقف دربارفروش (بابل) مازندران کرد .

گویند وقتی‌علیقلیخان قلع وقمع برادرانش‌را بدست‌آغا محمدخان مشاهده کردبیمناك شده‌ازحضوربدرگاه خودداری کردوبه‌برادر پیغام‌داد شنیده‌ام وقتی‌بیکی ازمحارم خود گفته‌ای تا پسرهای محمد حسن شاه زنده‌اند سلطنت خود را پایدار نمی‌بینم ومیدانم که ازمن نخواهی گذشت‌آغامحمد خان پاسخ پیغام اورا چنین داد آنچه شنیده‌ای صحیح است درحق پسر های پدرم این خیال را کردم نه در حق دخترانش من ترا دخترمحمد حسن شاه میدانم وبعد روبه باباجان کردو گفت که برادرم علیقلی‌خان تامن زنده‌ام دخترمحمد حسن شاه است وقتی نوبت سلطنت بتو رسید اوپسرمحمدحسن شاه خواهد شد اورا ازدیده نابینا کن .

مدعی‌سوم‌فتحعلیشاه محمدخان پسرزکیخان زندبود که دربصره اقامت‌داشت وی نیزپس ازقتل آغامحمدخان بفارس آمده وباکمك نجف خان سپاهی‌فراهم کرد واصفهان رابتصرف خود درآورد فتحعلیشاه برای‌سرکوبی محمدخان اقدام کرد و ویرا درحوالی اصفهان شکست داد محمدخان بلرستان گریخت ودرآنجا مشغول جمع‌آوری قوای شد و برای دفعهٔ دوم در مقابل فتحعلیشاه ظاهر شد ولی تاب مقاومت نیاورده ازمیدان جنك فرار کرد ودرحوالی تبریز گرفتار وبامر سلطان قاجار کور گردید .

یاغی گریهاوقیام برضد شاه جوان خاتمه نیافته بود که رقیب چهارم درصحنهٔ عملیات ظاهرشد حسینقلی خان قاجار برادر شاه که درجنك برضد صادقخان شقاقی

معروفیت پیدا کرده بود حکومت فارس را داشت وی کـه اوقات خـودرا بعیش و خوشگذرانی و آزار مردم فارس تلف میکرد ازاستماع خبرانتصاب یـکنفرازتهران بفرماندهی قوای‌فارس ناراضی شده علم طغیان بر افراشته و حتی نمایندهٔ فتحعلیشاه را باچند نفر دیگر محبوس کرد .

دراین موقع سلیمان خان قاجار پسر عموی فتحعلیشاه حاکم آذربایجان از بروز اختلاف درخانواده سلطنتی استفاده کرده حکومت آذربایجان‌را مستقل‌ساخته وقوائی بطرف تهران اعزام داشت سلیمان خان نقشه‌ای طرح کرده و تصمیم گرفته بود بیکی‌از دوبرادر که ازجنك فاتح بیرون می‌آیـد و قهراً درنتیجهٔ جنك ضعیف میشود حمله کرده و حکومت دا دردست بگیرد ولی نقشهٔ سلیمان خان بهم خورد زیرا دوبرادر درنتیجه مداخله ملکه مادرسازش کردند وبرحسب تقاضای‌حسینقلی خان حکومت کرمان نیزضمیمهٔ حکومت فارس گردید .

سلیمان خان که درسرحدآذربایجان منتظراجرای نقشهٔ خود بود ازشنیدن خبرسازش میان دوبرادر درشگفت‌مانده ناچار بتهران‌آمده پوزش طلبیده وتقاضای عفونمود فتحعلیشاه درنهایت فتوت و مردانگی باوی رفتار کـرد حتی ویرا مجدداً بحکومت آذربایجان منصوب ساخت . ۱۲۱۳ (۱۷۹۸) .

افاغنه که ازاوضاع ایران باخبربودند ازبروز اغتشاشات داخلی استفاده کرده از راه سیستان بکرمان حمله کردند ولی عملیات آنان در نتیجه اقدامات سریـع حسینقلیخان خنثی گردید ومهاجمین خاك ایران‌را ترك گفتند .

حسینقلی‌خان باردیگر بهوای سلطنت افتاد این بارنیز ازفتحعلیشاه شکست خورده در دزآشیب شمیران محبوس شد وتا مادر زنده بود در حبس میزیست پس ازفوت ملکه مادرازهردوچشم نابیناشد ویکسال بعد فوت کرد .

آخرین‌حریف مهم‌فتحعلیشاه نادرمیرزا پسرشاهرخ نوهٔ نادربود هنگامی که آغا محمدخان درخراسان‌شاهرخ‌را شکنجه میداد پسرش‌پدررا درچنك دشمن‌قهار تنها گذاشته باافغانستان پناه برد نادرمیرزا همین که خبر قتل اولین سلطان قاجاررا

شنید بتحریك زمانشاه افغانستان را ترك کرده بخراسان آمده ومشهدرا تصرف نمود فتحعلیشاه برای اخراج نادرمیرزا واستقرار نفوذ دولت مجبور شد بسمت خراسان لشکر کشی کند شهر هـای نیشابور وتربت حیدریه در مقابل حملات سپاهیـان فتحعلیشاه تسخیرشد وقتی قوای دولتی بدروازه‌های شهر مشهد رسید نـادرمیرزا در نتیجۀ فشارمتنفذین شهررا رها کرده درحین فراردستگیرشد اورا غل‌وزنجیر کرده بطهران آوردند ودر آنجا بفرمان فتحعلیشاه خفه شد. ۱۲۱٤ (۱۷۹۹) .

چنانکه خواهیم دید در ۱۲۱۵ (۱۸۰۰) لشکر کشی مجددی باصرار دولت انگلیس ازطرف ایران برضد افغانستان بعمل‌آمد که درنتیجه زمانشاه کابل‌را ترك گفت :

بااین ترتیب سالهای اول سلطنت فتحعلیشاه به تحکیم قدرت ونفوذ دولت‌در داخلۀ کشورمصروف گردید .

این‌جنگها وقتل وغارت‌ها ولشکر کشی‌ها استعداد کار وفعالیت را فلج‌ساخته بنیۀ مالی کشوررااز‌بین‌برده وفقرمردم‌را زیاد کردمسافرین متعددی که دراین‌زمان بایران آمده‌اند اظهارمیدارند که‌درنتیجۀ جنگهای داخلی کشورایران ازپای‌درآمد ومبدل‌بخرابۀ وسیعی گردیده که دردشتهای بایرولم‌یزرع‌وپهناور آن مردمان‌فقیری سکونت‌دارند فتحعلیشاه تصمیم گرفت‌شهرهاوقصبات را معمور کندولی‌عدم اطلاع از کاروسستی وحرص وولع پول وخست ولئامت وی بدبختی‌هارا مضاعف‌نمود .

فصل اول

نظری بوضع جغرافیائی وطبقات مردم و سازمانهای کشوری ایران

دراوایل قرن سیزدهم (اوایل قرن ۱۹ میلادی)

۱ـ نظری بوضع جغرافیائی ایران

مساحت مجموع فلات ایران درحدود ۰۰۰ ۲٦۰۰ کیلو متر مربع است و از این‌مقدار مساحت ایران کنونی بیش از ۱٦٤۸ ۱۹۵ کیلو متر نیست و بقیه متعلق بافغانستان و بلوچستان و غیره است. اطراف فلات ایرانرا کوههائی بشکل مثلث فرا گرفته است بطوریکه درون فلات هموار و اطرافش مرتفع است و بطور کلی فلات ایران درجنوب مرتفع تراز شمال ونشیب آن از جنوب بشمال است. مقایسهٔ ارتفاعات شهر های کرمان (۱۵۸٦متر) مشهد (۱۰۱۰متر) وتبریز (۱۲۰۰متر) این موضوع را روشن‌میسازد.

اطراف این فلات را کوههای بلندی مانند حصار احاطه کرده است. از قبیل کوههای سلیمان و رشتهٔ‌هندو کش در شمال شرقی کوههای‌خراسان و البرز در شمال و کوههای ارمنستان و کوه‌جودی یا آرارات در شمالغربی و کوههای کردستان و پشت کوه (یازا گروس) در مغرب ودرجنوب کوههای ساحلی خلیج وبلوچستان.

مساحت فعلی ایران $\frac{۲}{۳}$ فلات ایران و $\frac{۱}{۳۳۳}$ وسعت زمین و $\frac{۱}{۲۵}$ آسیا است. طول آن از کوه آرارات تا گواتر ۲۲۱۰ کیلومتر و عرضش ازسرخس تا دهانهٔ شط‌العرب ۱٤۰۰ کیلومتر است. نصف ایران کوهستانی و چهاریک خاکش حاصلخیز و $\frac{۱}{٤}$ دیگرش دریاچه‌های شور و بیابانهای بی آب وعلف است. بنابر این سطح حاصلخیز ایران بیش

از تمام خاك فرانسه است .

تمام مرزهای بری وبحری کشور تقریباً ۸۱۰۰ کیلو متراست که ازاین جمله ۵۰۵۰ کیلومترمرزخاکی وبقیه دریائی است .

کوههای فلات ایران ازحیث ساختمان طبیعی وموقع وبلندی وسایرعوامل طبیعی بایکدیگرتفاوت محسوسی دارد وهر کدام دارای مشخصات مخصوصی است واختلافات طبیعی این کشوررا ازشمال به جنوب بطورفاحش محسوس‌ساخته است. مثلا کوههای غربی که باسم زاکروس یا پاطاق معروفست ازتودهٔ عریض و ممتدی تشکیل شده که چین‌های آن بی‌اندازه منظم است. برخلاف کوههای البرز که‌عرض آن نسبتاً کم‌ودارای قلل‌آتش فشانی‌وبواسطهٔ نزدیکی بدریای خزردامنه‌های‌شمالی آن مرطوب ودارای‌جنگلهای انبوه است . ازطرف دیگر کوههای خراسان کـه از شاه کوه تا کوه بابا در افغانستان امتداد دارد کـم ارتفاع وخشك است . کوههـای آذربایجان دنبالهٔ کوههای قفقاز است وبواسطهٔ قلل‌آتشفشانی مهم ازقبیل آرارات‌و سبلان وسهند رشتهٔ درهم و برهم کـوههای ارسباران(قره‌جه‌داغ) را بوجود آورده وبواسطهٔ شکست های زیادی که دراثر آتش فشانی‌ها رخ‌داده معادن زیاددارد .

در کوههای ساحلی جنوب‌بواسطهٔ خشکی‌زیاد وعدم رطوبت رود مهمی‌دیده نمیشود وبهمین جهت آمد وشد ازمرکز فلات بدریا وخلیج فارس ازطریق‌این کوه ها بسیارسخت ومشکل است .

ازآنچه درباب کوهها گفته شد میتوان باوضاع اقلیمی داخل فلات پی‌برد که خشکی‌وبیحاصلی درهمه‌جا حکمفرمااست ووجود کوههای مرتفع گذشته ازاینکه مانع رسیدن جریانهای مرطوب وآب باین نقاط شده‌باعث شدت گرما نیزمیگردد.

اراضی این ناحیه چون از رسوب کوهها تشکیل شده غالباً مستعد واگرباران باندازهٔ کافی بیایدبسیارحاصلخیزاست وازاینرو غالباً آبادیها دراینگونه نقاط واقـع شده است وفقط همان اراضی پست ونمکزار و کویراست که قابل زراعت‌نیست‌وفاقد هر گونه‌آبادی است .

عوامل مؤثری که در تغییر و اختلاف اقلیم ایران دخالت دارد عبارتست از ارتفاع زمین ـ باد ـ موقعیت جغرافیائی .

بطور کلی قسمت عمدهٔ فلات ایران دارای آب وهوای خشك وبری است وعلت این خشکی یکی کمی بادهای بحری مرطوب ودیگر قلت باران سالیانه ودیگر غلبهٔ بادهای خشك و بری است . در شمال بواسطهٔ وجود رشتهٔ جبال عظیم البرز رطوبت بحرخزر بداخلهٔ فلات نمیرسد وتمام آن درولایات ساحلی یعنی گرگان ومازندران و گیلان متوقف گشته تولید بارندگیهای زیادمیکنند وتنها قسمت ایران که رطوبت کافی دارد همین سواحل است .

درجنوب یعنی درقسمتهای ساحلی خلیج فارس و بحرعمان بواسطهٔ وجود بادهای جنوب غربی (عربستان) وشدت حرارت آفتاب نواحی بسیار گـرم و خشك است درداخلهٔ فلات نیزباد های بری خشك فراوان میوزد وخط سیر این باد ها از شمال غربی بجنوب شرقی است .

باید گفت که در کمتر نقطهٔ دنیا بیابانی به خشکی صحرای لوت یافت میشود، درجهٔ حرارت آن دراوایل بهار به ۳۶ درجه میرسد وبادهای مسموم که اوقات تابستان درصحرای لوت وبندرعباس میوزد بسیار مهلك وتحمل ناپذیر است .

این نکته نیز نا گفته نماند کـه لطافت وخوبی آب وهوای بعضی نقاط ایران باندازه‌ای است که ازحیث آب وهوا ازبهترین نقاط دنیا محسوب میشود و اهالی آن عمر طبیعی یافته واکثر بیش ازصد سال زندگی میکنند وبیشتر نقاط ایران استعداد آنرا دارد که بواسطهٔ عملیاتی مانند ایجاد دریاچه‌ها واستفاده ازآبهای زیرزمینی و ایجاد جنگلهای مصنوعی دارای آب وهوای معتدلی بشود .

بحر خزر که بزرگترین دریاچه‌های دنیاوسطحش ۲۶ متر پست‌تر از سطح اقیانوس است از بقایای دریای بزرك قدیمی مرکـزی آسیاست که سابقاً بدریاچهٔ آرال اتصال داشته آبش شور وتلخی آن بیش ازسایر دریاها است وسواحل آن مشترك بین ایران واتحاد جماهیرشوروی روسیه است . طـول این

دریاچه ۱۲۶۰ کیلومتر وپهن‌ترین نقاط آن ۵۵۰ کیلومتر وباریکترین نقاط آن بین شبه‌جزیرهٔ آبشوران ودماغهٔ تارنتا ۵۰۰متراست وطول سواحل آن به ۶۳۸۰ کیلومتر میرسد که ۹۹۲ کیلو مترمتعلق بایران است‌ولی‌مانند تمام دریاچه‌های داخلی چون آبش‌زیاد تبخیر میشود سواحلش پیوسته تغییرمیکند.

دریای خزر بواسطهٔ اینکه بین دو قطعهٔ آسیا واروپا واقع شده دارای اهمیت بسیار است ودرتمام‌دوره‌های‌تاریخی منظورنظراقوام کشورهای‌مجاور بوده.پادشاهان صفوی اهمیت زیاد باین دریاچه میدادند وراههائی از نقاط داخلی تاکرانه ساختند بنادری مانند بهشهشر (اشرف) وفرح آباددر کنار دریای‌خزر ایجاد نمودند وپیوسته آبادی وترقی‌سواحل آن در تزاید بود.نادرشاه‌افشارهم اقدامات‌صفویه را تعقیب کرد وامروز این اهمیت بواسطهٔ وجود معادن نفت‌از یکطرف وموقعیت سیاسی واقتصادی ونظامی از طرف دیگر چندین برابر گردیده است.

خلیج فارس در جنوب ایران واقعست واز دلتای شط‌العرب تا تنگهٔ هرمز مجاور ایران‌است.رودهای‌فرات ودجله‌و کارون هر سال‌مقدار زیادی رسوب باین‌دریاواردمیکند بطوریکه‌هر ساله‌مقداری‌از دریارا خاك میپوشاند وتقریباً ۵۳متر خشکی‌در دریا پیش میرودو گمان میرود که در مدت سه هزارسال ۱۵۰ کیلو متر کرانهٔ خلیج در آب پیش رفته است .

طول خلیج از ۱۸۰تا ۱۲۵۰ کیلومتر تغییرمیکند وباریکترین نقاط آن در تنگهٔ هرمز۵۳ کیلومراست . وسعت آن قریب ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع و کرانهٔ شمالی آن دارای کوههائی است که بموازات یکدیگر قرار گرفته وبواسطهٔ ارتفاع زیاد ازدوربخوبی دیده میشود .

موقعیت خلیج فارس ازنظرجغرافیائی برای کشورما بسیارمهم است‌زیرا تنها راهی‌است که ایرانرا بدریای‌آزاد مربوط میسازد . بازرگانی ایران وهندوستان در قرون پیش ازراه خلیج فارس بوده وبنادرقدیمی‌آن مانند ریشهریابوشهرامروزیکه اکنون‌خرابه‌های‌آن نزدیك‌بندرطاهری دیده میشود و **گمرون** (بندرعباس کنونی)

مراکز بازرگانی با کشورهای دوردست وازهمین بنادربوده که کالاهای ایران بخارج برده میشد و روابط بازرگانی ایران و هندوستـان و چین از همین دریا بر قـرار بوده است .

مطالعهٔ مختصری که‌ازجغرافیای‌ایران‌بعمل‌آمد وجود اختلافات شدیدطبیعی را درفلات‌ایران روشن کرده . باین اختلافات طبیعی بایستی اختلاف‌زندگی انسانی واجتماعی‌را نیزاضافه کنیم مانند :

الف ـ اختلاف زندگی دشوار وپرمشقت ساکنین نواحی کم استعداد داخلی ایران و زندگی نسبتاً مرفـه ساکنین حواشی خوش آب و هوا ومرطوبی مرتفع‌و کوهستانی .

ب ـ اختلاف میان قدرت چند نفر رئیس مقتدر و متنفذ و وضع فلاکت بار تودهٔ مردم .

ج ـ اختلاف میان زندگی چادرنشینان صحرا گرد کـه دائماً درجستجوی مراتـع در حرکتند و زندگی مستقر واحه نشینـان داخلی و سکنهٔ کرانه های مـزروع .

د ـ بالاخره اختلاف میان افکار مطیع سکنهٔ ثابت و مستقر دهات و شهر ها وافکار و روحیات کاملا مستقل چادرنشینان وگله‌دارانی که بزندگی آزاد در افق وسیع‌عادت نموده وبرای ادامهٔ‌این‌زندگی ومقاومت درمقابل قدرت مرکزی‌همواره کوشش میکنند .

با وجود اختلافات طبیعی واجتماعی که شرح آن گذشت بحث ومطالعه در اطراف سازمانهای داخلی این کـشور دراوایل قرن سیزدهم (اوایـل قرن نوزدهم میلادی) بعلت فقدان اسناد ومدارك رسمی امریست بسیارمشکل ـ تنهامنابعی که ممکنست راجع باین موضوع مورد استفاده قرار گیرد عبارتست از سفرنامه هـا و مشاهدات مسافرین ، آثار وقایع نگاران واشارات وکنایاتی که درمکاتبات‌مأمورین سری دول بیگانه پیدا میشود .

اینها منابع ناچیزی است که برای تحقیق و مطالعه در بارهٔ این موضوع مهم در اختیار داریم . اشکال دیگری که در موقع مطالعه پیش میآید که متأسفانه در ایران آنزمان سازمان متحد الشکلی وجود نداشته است که بااطلاع ازاوضاع یك ناحیه بتوان از آن اطلاعات برای کلیهٔ نواحی کشور استفاده کرد زیرا درهر ناحیه اخلاق و عادات سکنهٔ آن ، نفوذ و قدرت رئیس ایل و ارزش شخصی هر حکمرانی سازمانی را بوجود میآورده که به بی‌شباهت با سازمانهای قرون وسطائی اروپا نبوده است .

۲ ـ طبقات مختلف مردم

درمیان سکنهٔ شهرها ودهات بجزچند نفرمالك بزرگ طبقات زیر تشخیص داده می‌شود :

اول طبقهٔ علماء وروحانیون یا حکام شرع که مأمور تفسیر قوانین و مقررات دینی بودند .

دوم طبقهٔ تجارو کسبه ـ این طبقه محترمین افراد جامعه‌وازامتیازات‌متعددی برخوودار بودند وازتجارت آنان عایدات سرشاری برای کشور فراهم میشد . شغل تجارت بارث ازپدربه‌پسرمیرسید . تجارعموماً به‌پاکدامنی و دیانت معروف بودند . طبقهٔ سوم پول‌واندوختهٔ خودرا برای‌بهره‌برداری بانهایت اطمینان بدست‌سوداگران می‌سپرد وبااین ترتیب درواقع عمل بانك که درآنزمان دراروپا معمول بود بوسیلهٔ تجارانجام میبافت . کسبه وپیشه‌وران بارعایت مقررات صنف ، رؤسای‌خودراانتخاب میکردند ودرواقع یکنوع اتحادیه صنفی تشکیل میدادند منتخبین هر صنف بکار های عمومی صنف و گرفتاریهای اعضای اتحادیه رسیدگی مینمودند .

کارگران فوق‌العاده جدی وقابل بودند ومانند امروزدرکار بخصوصی‌تخصص نداشتند . طرزتقسیم کاربشکل فعلی درکارگاهها و کارخانجات عملی نشده بود ودر واقع هرصنعت گری جزئیات ووسائل وعوامل کاررا بتنهائی تهیه میکرد وبالنتیجه محصول‌راشخصاً آماده میساخت‌وبمعرض فروش‌میگذاشت. هیچ‌نوع‌سازمان کارگری وجود نداشت . دستمزد کارگران متحد الشکل نبود و در حقیقت مقدرات کارگر دستخوش ارادهٔ صاحب حرفه بود .

سوم روستائیان وبرزگران ـ نظربعادت وطرز زندگی این طبقه را بایستی طبقهٔ‌فاصل‌بین‌چادرنشین وشهرنشین‌محسوب نمود. بعقیدهٔ الیزه رکلو[1] جغرافی‌دان

1-Elisé–Reclut

فرانسوی یك سوم مجموع سکنهٔ ایران آنزمان را زارعین تشکیل میدادند ولی وسعت زمینی که بدست این طبقه زراعت میشد از یك پنجم مجموع اراضی قابل زراعت ایران تجاوز نمیکرد وحتی این مقدار جزئی زمین قابل زراعت نیز متعلق بزارع نبود بگفتهٔ رکلو این آمار تقریبی نشان میدهد که در دنیا کمتر مملکتی هست که در آنجا رژیم مالکیت بزرگ مانند ایران رواج داشته باشد . دهقانان در تحت نفوذ وسلطه کامل دولت قرار داشتند و تحمیلات دولت را بدون چون و چرا تا آخرین حد توانائی و بدبختی اطاعت وتحمل میکردند . موقعی که فشار مأمورین وصول مالیات به منتهی درجه میرسید زمین مزروعی وخانه وزندگی خودرا ترك گفته فرار میکردند وصحرا نشین میشدند .

روستائیان از میان معمرین ومحترمین دهکده یکنفر را بعنوان ریش سفید انتخاب میکردند که مسئول تعیین سهم مالیات وسرشکن نمودن آن درمیان اهالی ده بود . این شخص باختلافات مردم قریه رسیدگی میکرد و درواقع بمنزلهٔ قاضی محلی تلقی میشد .

دونوع مالیات ازرعیت وصول میشد یکی بعنوان سهم دولت ودیگری بعنوان عایدی دائمی سهم ارباب ـ مالك نمیتوانست سهم اربابی را بمیل خود اضافه کند . چون باخراب شدن ملك عایدی مالك نیزازبین میرفت مالك درمقابل تقاضاهای بی حدوحصر مأمورین مالیه در واقع حامی رعیت محسوب میشد ـ نظر باینکه سهم ارباب متناسب بامحصول بود بدین لحاظ مالك نیز درعمران ملك خود ذیعلاقه بوده کوشش میکرد .

چهارم سکنهٔ صحرا نشین ایران ـ این طبقه ازمردم ایران طرز زندگی و سازمان مخصوصی داشت .

عدهٔ زیادی از ایلات بزرك ایران صحرانشین بودند وقسمت اعظم سکنهٔ ایران را تشکیل میدادند . افراد ایل معمولا درسواری وتیراندازی مهارت داشتند ودرموقع لزوم یك قدرت نظامی بوجود میآوردند . هر ایل بزرك بطوایف و تیره‌های کوچك

تقسیم‌میشد- هرطایفه یاتیره رئیس خودرا انتخاب میکردومطیع رئیس‌ایل‌بوددراین سازمان‌بترتیب معمرترین افرادخانواده یاقبیله یاایل را احترام‌قائل‌بودند-تمام‌افراد ایل باهم متحد بودندوبرای‌دفاع‌از منافع عمومی ایل‌متفقاًدرجنگ‌شرکت‌میجستند.

راجع بچگونگی وطرز مالکیت ایلات‌چنین حدس زده میشود که در موقع ورود بایران قسمتی از اراضی بعنوان وام برای مدتی بایلات واگذار شده و بالاخره استفاده طولانی از اراضی واگذاری مالکیت را بآنان مسلم گردانیده است. رؤسای ایلات در واقع مالکین نواحی هستند که در آنجا زندگی کرده واز مزایائی بر خور دار شده‌اند که از اجدادشان بآنها بارث رسیده است باین ترتیب اغلب رؤسای ایل مالکین‌اراضی‌وسیعی بودند وچندین‌هزارافراد ایل راتحت فرمان‌خود داشتند- ادامهٔ این وضع که بتدریج بر قدرت ونفوذ رؤسای ایل میافزود منجر به تشکیل نیروهای‌قابل توجهی‌شد که دائماًمایهٔ مزاحمت دولت‌مرکزی بود بطوریکه میتوان گفت‌دولتهای کوچکی‌درداخل‌دولت‌مرکزی‌تشکیل گردید ویکنوع‌ملوک‌الطوایفی بوجود آمد. برای داشتن‌تأمین کافی وتضمین‌وفاداری‌ایلات‌دولت گروگانهائی‌بدربار میفرستاد ودر موقع سر پیچی وشورش معمولا گروگان ایل بعنوان مجازات بقتل میرسید.رؤسای ایل نیز باتمام وسایلی که دراختیار داشتندهمواره درصدد بودند که خود را ازقدرت ونفوذ دولت مرکزی آزاد کنند وحتی الامکان از انجام این تعهد شانه خالی میکردند.بااینکه رؤسای ایل قدرت پادشاه را برسمیت میشناختند عملا از مداخلهٔ مأمورین دولت مرکزی درامورحکومت ناحیه‌ای که درتحت فرمان‌آنان بود جلوگیری میکردند-مهمترین ایلات ایران عبارتنداز:

اول-**ایلات کرد** [1] که‌طوایف‌متعددی‌دارندودرنقاط‌مختلف‌ایران پراکنده میباشند مهمترین ایلات کردعبارتند ازایل‌اردلان که درحوالی‌سنندج مسکن‌دارند. اکرادباباجائی وقبادی‌وزردوئی وشاه‌قبادی که دراطراف جوانرود ونواحی گرمسیر

---

۱ - برای کسب اطلاع بیشترراجع بایلات ایران به جغرافیای مفصل ایران تألیف جناب آقای مسعودکیهان مراجعه شود .

سرحدی بسر میبرند . طایفهٔ شیخ اسماعیلی حوالی لرستان وذهاب واکراد زنگنه و کندوله و عثمانوند در طالان دشت و هلیلان و کندوله زندگی میکنند . ایلات سنجابی وکلیائی وبهتوئی بترتیب درمغرب وشمال وشمالشرقی شهر کرمانشاه مسکن دارند . ایل کرند درپاطاق ومغرب کرمانشاه و ایل بایروند درشمال شرقی این شهر زندگی میکنند .

طوایف پیشکوه که عبارتنداز اکراد حسنوند ویوسفوند و کولیوند وفك الدین و غیره که درنواحی رودخانهٔ کاکارضا وتنك رباط والیشتر و کنار رودخانهٔ سیمره مسکن دارند . اکراد دلفان عبارتند ازطوایف کاکاوند و موسی وند و اوحد قباد و بیژنوند و غیره که درشمالغربی لرستان بین کرمانشاه و هرسین والیشتر مسکن دارند .

اکراد ناحیهٔ طرهان که طوایف عمدهٔ آن سوری و کراوند ورماوند و غیره است ودرجنوت غربی خرم آباد وجنوب دلفان ساکنند .

طوایف بالاگریوه وهرو که عبارتند ازاکراد سگوندودیر کوندوبیرانوند که درحدود ازنا و کرخه وجنوب خرم آباد وشمال دزفول و کوه طاق وتنك عزیز وتنك دینار مسکن دارند .

طوایف پشتکوه ازاکراد بالاوند و کبیر کوهی وملك شاهی وزینلوندودشتی واحمد حسینی وزیروندی وغیره تشکیل میگردد که درجنوب کرمانشاه ورودخانهٔ سیمره ودزفول ساکنند

دوم - **ایل بختیاری** مسکن ایلات بختیاری ازطرف جنوب بخوزستان ازسمت مشرق بفارس ازشمال باصفهان وازمغرب بخاك لرستان وبروجرد منتهی میگردد . مهمترین طوایف بختیاری عبارتند از :

الف ــ ایلات هفت لنك که طوایف عمدهٔ آن شهی واوسیوند وقندعلی وبابا احمدی وعالی افوروعکاشه وململی وبختیاروند وغیره میباشند .

ب ــ ایلات چهارلنگ که طوایف عمدهٔ آن عبارتند ازمحمود صالح وممزائی

و کیومرسی وهی‌هاوند وغیره .

سوم – **ایل قشقائی** طوایف مهم‌ایل قشقائی عبارتند از : دره شولی‌و کشکولی وشش بلوکی وصفی خانی ونمدی‌گله زن ومیچك گله زن قزللو گله‌زن‌بیات‌سست علی‌بیات‌شاهوردی‌ورحیمی‌واصلانی‌وشاه‌لو، چگنی‌وفیلی زنگنه، کوشك، بهمن بیکلو وغیره که دردشت سیمرم علیا وحوالی اردکان و گردنهٔ ویزك و حوالی شیراز و یزد وبیضا ساکن‌اند .

چهارم - **ایلات خمسهٔ فارس** که عبارتند ازاینانلو وبهارلووعرب‌وباسری و نفر که در رامجرد ومرودشت وداراب وفسا ودشت ایزد خواست و لارستان و بلوك سبعهٔ فارس وسروستان وارسنجان ساکنند .

پنجم – **طوایف کوه گیلویه** که بسه شعبهٔ عمدهٔ تقسیم میشود :

یك – آقاجری که به‌تیره های‌افشارو بگدلی وتیلکوو داودی وشعری‌وقره‌باغی وغیره منشعب شده ودرحوالی‌بهبهان‌مسکن‌دارند .

دو – باوی که تیره های عمدهٔ آن عبارتند از علیشاه و موسائی و بر آفتابی وقلعه‌ای .

سه – جاکی که بدو شعبهٔ بزرگ چهاربینچه ولیراوی تقسیم میشود .

الف – چهار بینجه که مشتمل برچهار قسمت بویر احمدی – چرام – دشمن زیاری ونوئی‌است .

ب – لیراوی که ازدو قسمت عمدهٔ لیراوی دشت ولیراوی کوهستانی تشکیل میشود .

مسکن عمدهٔ ایلات کوه گیلویه درشمالغربی شیراز واقع شده حدود آن از طرف شمال عبارت است ازبختیاری ازمشرق ممسنی و سرحد شش ناحیه از جنوب خلیج فارس ودشتستان ازمغرب بلوك را مهرمز وفلاحی .

ششم – **ایلات ممسنی** که‌ازچهارطایفهٔ‌بزرك . یکش وجاویدی ودشمن‌زیاری ورستم تشکیل میشود .

محل سکونت الوار ممسنی ازطرف شمال و مغرب به‌بلوك شش ناحیه و کوه گیلویـه از سمت مشرق به بلوك اردکان و از سمت جنوب بناحیهٔ کازرون محدود میشود .

هفتم – **طوایف خوزستان** عبارتند ازقبیلهٔ بنی کعب - قبیلهٔ باوی - آل کثیر اعراب منتفج (بنی‌مالك) – چنانه – گندزلو – بنی‌طرف .

قبیلهٔ بنی کعب که‌طوایف عمدهٔ آن عبارتند ازمحیسن- ادریس- نصار- آلبغبش عساکره عتقیه - البصوف وغیره که درقسمتی ازخاك خوزستان درسمت رود کارون‌و محمره وفلاحیه وجزیره الخضر واهواز وبعضی نیزدرخاك عراق مسکن دارند .

قبیلهٔ باوی دراسماعیلیه واهواز وبند وکنارشرقی کارون سکونت دارند .

آل کثیر که بخانواده های سعد وعنافجه وضیاغمه وغیره تقسیم‌شده ودرنقاط غربی وجنوبی رود دزفول درسیاه چادرها تاکنارنهرهاشم اقامت دارند .

اعراب منتفج (بنی‌مالك) این اعراب میان سبعه وام‌التمسیر در ضلع غربـی کارون سکونت دارند .

ایل‌چنانه دراطراف دزفول بسر میبرند .

گندزلو ازایلات شوشتراندومحل سکونت‌آنان ازبندداود تاشوشتر واطراف دزفول امتداد پیدا میکنند .

بنی‌طرف طوایف عمدهٔ آن‌عبارتند ازسواری وشرفه وبنی‌صالح‌ومروان‌وقاطع که درحویزه وبساطین وفیلی ونهرهاشم زندگی میکنند .

هشتم – **طوایف وایلات‌کرمان وبلوچستان** : مهاجرین ایرانی که پس از فتح اعراب ازمغرب ایران مهاجرت کردند بنواحی شرقی وجنوبی ایران پناه برده پس از مدتی درنتیجهٔ معاشرت باسکنه وطوایف‌آن نواحی اختلاط پیدا کردنـد و طوایف کنونی این‌نواحی‌را که از کردوترك وعـرب واهالی محلی‌مرکب‌اندتشکیل دادنـد .

نظربانیکه نواحی ییلاقی وقشلاقی طوایف کرمان و بلوچستان مشترك است

مهمترین ایلات این دوناحیه‌رادریکجاذکر میکنیم : **بلوچ گل بخشی** که درسردسیر حیدرآباد ونعمت آباد و گرمسیر جیرفت‌ورودبارزندگی‌میکنند **بدوئی قلعه‌سنگی** درسردسیر قلعه‌سنگی باغ بزم‌و گرمسیرجیرفت وردبار بسرمیبرند **بدوئی‌حاجی کاکائی** در سردسیر حاجی کاکا و گرمسیر جیرفت و رود بار مسکن دانند **طایفهٔ خواجوئی** درسردسیراطراف‌سیرجان‌وپاریزوفریدون‌و گرمسیراطراف کوه‌خاجوئی زندگی میکنند **طایفهٔ زنجوی** که در راوژ اقامت دارند افشاردرباقت و چهار گنبد و سیرجان سردسیر کرده ودر دشت جیرفت گرمسیردارند .

ایل بچاقچی مهمترین طوایف این ایل عبارتند ازقراسعیدلو-سوارسعیدلو-عباس‌لو- سیرجان کهنه ـ سوخته‌چالی ـ چهار گنبدی ـ ریگی ـ اسماعیل‌زائی ـ یاراحمد زائی وغیره

طوایف ناحیهٔ سروان عبارتند از باران زائـی ـ ده ناهو ـ کوهك ـ سرجو ـ پسکوه ـ رئیسی ـ کهنه داود ـ سر کوهی ـ عبدل زهی ـ احمد زهـی و غیره .

طوایف بلوچستان مرکزی یاناحیهٔ بمپور عبارتند ازسیاه خانی ـ جمشید زهی صلاحی کوهی ـ زرد کوهی ـ دامنی ـ بزمـان ـ عبدالهی حاجی زائـی و غیره .

طوایف‌ناحیهٔ مکران عبـارتند از دشتیاری ـ قصر قند ـ فنوج ـ لاشـار ـ جاسك وغیره .

طوایف ترکمن عبارتنداز جعفر بای ـ آقابای ـ سلاك ـ کجوخ ـ چاکرقراول بای ایندر ـ کاناز ـ داری ـ شیخ حاجی ـ تختایش ـ قزل ـ آق ـ عرب وغیره

طوایف مختلف که درحدود شاهرود وبجنوردساکن میباشند: طایفه‌فارسیان طایفه کردهای شادلو ـ طایفهٔ ترکهای تیمورتاش وغیره

نهم ـ **ایلات آذربایجان** ایلات اطراف اردبیل عبارتنداز : یورتچی ـ فولادلو خامس‌لو ـ تکله ـ اینانلو ـ جهان خاتونلووغیره

ایلات اطراف اجارود عبارتند از نوروزعلی بیك‌لو ـ بالا بیك‌لو ـ آلارلو و غیره .

ایلات اطراف مشکین عبارتند ازفوجه بیك‌لو ـ سیدلو ـ ساری جعفرلو ـ حاجی خواجه‌لو ـ اجرلو ـ یکه‌لو ـ زرگرلووغیره

ایلات اطراف خلخال عبارتند ازشاطرانلو ـ کیشانلو ـ دریلووغیره

ایلات اطراف ساوجبلاغ‌مکری عبارتند ازمامش ـ بیگزادهٔ حیدری ـ منگور سیوسنی ـ قره پاپاق وغیره

ایلات اطراف‌سلماس عبارتند از کوهستی ـ شکاك‌وغیره .

ایلات اطراف رضائیه عبارتند ازهرکی‌میدان ـ بیگزاده ـ ثمرنیان ـ زرزا و غیره .

دهم ـ **ایلات اطراف تهران** ـ ساوه وزرند وقزوین عبارتند از : هداوند ـ اصانلو ـ ایکائو ـ عرب میش مست ـ کردبچه ـ بختیار ـ نفرنانکلی ـ گاوباز ـ افشار ـ غیاثوند ـ مافی ـ رشوند ـ جلیلوند ـ کاکاوند عمارلو ـ اینانلو وغیره .

تمام ایلات تقریباً زندگی صحرا نشینی داشتند و معمولا در چادر بسر برده مطابق قواعد صحرانشینی درزمستان دردشت قشلاق میکردند و در تابستان در قلل ودامنهٔ کوهها زندگی مینمودند. گله داری ومحصول آن معمولا احتیاجات آنانرا برطرف میساخت وبزراعت کمترتوجه داشتند هیچگاه باندازهٔ احتیاج مصرفی خود نمی‌کاشتند و بهمین مناسبت دائماً بکشت دهاتیها تعدی میکردند و عایدی دولت که اصولا از محصول زراعتی وصول میگشت با وقوع این قبیل تعدیات نقصان می‌یافت .

۳ـ قدرت پادشاه وعوامل متنفذ در تشکیلات مملکتی

پادشاه اصولا فعال مایشاء ودارای قدرت مطلق وتصمیمات وی غیر قابل نقض بود وحق سلب مالکیت وحق حیات ومرگ نسبت بر عایای خود داشت .

هیچگونه مجلسی شبیه بمجلس نمایندگان ملت یا مجلس اعیان وشورای علما وجود نداشت. عملا هر رئیس ایل ویاحاکمی درناحیه‌ای که حکومت میکرد خود را سلطان کوچکی می‌پنداشت ومیکوشید که حتی‌الامکان نفوذ وقـدرت سلطان را درآن منطقه ازمیان بردارد ـ تعیین‌وتشخیص قدرت وحدود اختیارت سلطان‌بسیار مشکل بود واین امربستگی بشخصیت واخلاق وکفایت پادشاه داشت .

پادشاه‌درپایتخت ونواحی‌مجاور آن مانند یك قاضی‌عرف ازقدرت‌خوداستفاده می کرد ومجتهدمقام اولین حاکم شرع وسنت را داشت .

بیگلربیگی یاحکام ایالات وولایات ازطرف شخص پادشاه منصوب میشدندو داروغه یارئیس شهربانی ازطرف بیگلربیگی یاحاکم تعیین میگشت . کلانتران و صاحبمنصبان عدلیه وادارات وکدخدایان محله‌های مختلف شهرهاازطرف حاکم‌از میان محترمین اشخاص هرشهری انتخاب میگشتند .

رؤسای بزرك ایلات درتشکیلات دولتی صاحبمنصبان ارشد محسوب میشدند و در حوزهٔ فرمانروائی خود مطلق العنان بودنـد و اقتدار تـام داشتند و هرگاه حکومت مرکزی رو بضعف میگذاشت و نفوذ دولت از میان میرفت بدبختیهـای سـاکنین شهر ها و دهات نیز کـه در قلمرو یك مشت جابـر بسر میبردند مضاعف میگشت .

٤ ـ مالیات وطرز وصول آن

در اوایل قرن سیزدهم هجری درحکومتی مانند حکومت ایران که اختیارات درواقع دردست چند خانوادهٔ متقدر بود و در کشوری که درآنجا منافع عمومی بهیچوجه منظور نظر نبودو اصطلاحات اقتصاد اداری وسیاسی ونظم وانضباط مفهومی نداشت بسهولت میتوان دریافت که هنگام مطالعه وتحقیق در مالیاتهای عمومی چه اشکالاتی پیش میامده است. معمولا چهارمنبع بزرگ عایدی وجود داشت: مالیات و **صادر** پیشکش و گمرکات .

١ ـ مالیات : عبارت ازیکنوع عایدی بود که ازاراضی وشهرها وصول میشدو شامل مالیاتهای نقدی وجنسی میگشت دردهات مالیات جنسی بمحصولات عمدهٔ از قبیل حبوبات وابریشم وپنبه وغیره تعلق میگرفت . مالیاتهای نقدی ازسبزی و میوه وسایر محصولات جزئی وفاصدشدنی وصول میگشت .

ساکنین شهرهادونوع مالیات میپرداختند: باسم خانه شماری ازتعدادخانه‌ها مالیات گرفته میشد و باسم سرشماری مالیات برعدهٔ نفرات خانوده تعلق میگرفت و برای دارائی شخص هیچگونه مالیاتی قائل نبودند .

٢ـ صادر ، یکنوع مالیات جبری واتفاقی بود که در واقع کمرشکن‌ترین مالیاتها محسوب میشد . بعنوان صادردرمواقع غیرعادی مثلاً بمناسبت مسافرت شاه وعبوراشخاص بزرگ‌وسفرا ویاقشون ، همچنین بعنوان ساختمان وعروسی یکی از افراد خانوادهٔ سلطنتی وغیرمالیاتهائی گرفته میشد .

٣ ـ پیشکش : عبارت بود ازهدایائی که حکام وصاحبمنصبان ارشد بایستی بمناسبت عید نوروز بدربارسلطنتی بفرستند .

٤ـ گمرکات: وصول عوارض گمرکی درتیول رؤسای مستقلی بود. مالیات گمرکی

بدون تمایز شامل محصولات ایران وبیگانه میشد.نرخ عوارض گمرکی ثابت نبود واز شهری بشهر دیگر تغییر مییافت_علاوه بر عوارض گمرکی در جاده‌ها «راهدار» مالیات راه وصول میکرد.با اینکه‌دولت‌عوارض راه‌دریافت‌مینمودخود رابرای تهسیل ایاب وذهاب وحمل مال‌التجاره ملزم ومسئول نمیدانست وبدین عنوان فقط مالیات میگرفت.

ایلات که‌هرگونه دخالت مأمورین‌دولتی رادر امور داخلی‌خود بسختی قبول میکردند حاضر میشدندجمعی از جوانان ایل‌رابعنوان سرباز تجهیز کنند وومالیاتی ازبابت اراضی اشغالی خود بپردازند.مجوع این مالیاتها بوسیلهٔ رؤسای ایل در میان افراد سرشکن میشد وبتوسط حکام وصول میگشت.طرز وصول مالیات که از روی ممیزی‌های‌ادوارقدیم بعمل‌میآمدمعایب‌فراوان‌داشت‌واین‌ترتیب ممیزی که‌بهیچوجه بـا حجم واقعی محصول تطبیق نمیکرد مایهٔ اجحافات و زیـاده رویهای بیشمار میگشت

چنانکه گفته شد طرز وصول مالیات ونرخ آن درنواحی‌مختلف مملکت و حتی درقسمتهای مختلف یك ناحیه تغییر مییافت.حاکم که مأمور وصول مالیات بود مأمورین خودرابرای‌دریافت آن‌بقصبات‌میفرستادنمایندگان‌حکام کوشش‌میکردند کـه هرقدر بتوانند اعمال زور کنند و بیشتر بگیرند زیرا علاوه بردولت حاکم و نمایندهٔ وی نیزبایستی سهم خودرا بردارند . بااین ترتیب پس ازچند روزچانه‌زدن مأمورین دوسوم آنچه را که در آغاز امرتقاضا کرده بودند وصول میکردند و در مراجعت سهم خودرا برداشته مالیات وصول شده را تحویل حاکم میدادند ـ حاکم بنوبهٔ خویش پس ازپرداخت سهم رؤسای مافوق وبرداشت حصهٔ خود حداقل سهم را تسلیم خزانهٔ دولت میکرد .

نصف مبالغی که بااین ترتیب‌وارد خزانهٔ سلطنتی میشدمعمولا بمصرف‌هزینه های ضروری میرسید. این هزینه ها عبارت بود ازپرداخت‌مقرری چند وزیرواعضاء دربارونگهداری‌یك قشون بی‌معنی‌وتأمین‌هزینه‌های درباری وبلهوسی های پرخرج

سلطنتی مخصوصاً دردورهٔ فتحعلی شاه که درآن زمان قصورسلطنتی از زنان متعدد واولادآنان مملوبود .

بقیهٔ عایدات بهشمش یا احجار و یا اشیاء دیگر ذیقیمتی کــه حمل آن نسبتاً آسان بود تبدیل می‌یافت . این ثروت در مواقع ضروری برای تنبیه رؤسای بزرك و ایلات که دائماً مترصد بودند خودرا ازنفوذ وسلطه وقدرت مرکزی خلاص کنند بکار می‌رفت .

فصل دوم

سازمان نظامی ایران در اوایل قرن سیزدهم

اوایل قرن نوزدهم میلادی

معلمین ومتخصصین نظامی که برای تعلیم وتربیت سپاهیان ایران ازسال ۱۳۲۱ (۱۸۰۷) از کشورفرانسه بایران آمدند در سازمانهای نظامی ایران تغییراتی دادند. برای روشن شدن مطلب سازمان دستجات مختلف لشکریان ایرانرا در دو مرحلهٔ متمایز بشرح زیر مطالعه میکنیم:

الف ـ وضع نظامی ایران قبل ازرسیدن مربیان ومتخصصین اروپائی

ب ـ سازمان نظامی ایران پس ازورود مربیان ومتخصصین اروپائی

الف ـ **وضع نظامی ایران قبل ازرسیدن مربیان و متخصصین اروپائی**

هنگامیکه دولت ایران برضد دولت روسیهٔ تزاری بجنك پرداخت علاوه بر اینکه فاقد نیروی قابل توجه وسازمان صحیح نظامی بود بجرأت می‌توان گفت که درایران آنزمان حتی دستگاهی که شبیه باسازمانهای اروپا باشد پیدا نمیشد ـ سپاهیان ایران بخصوص ازسواران صحرا نشین تشکیل می‌یافت که وضع ایشان بی‌شباهت بوضع سواران قرون وسطائی اروپا نبود.

ایران سپاه دائمی وموظف نداشت ـ جنگجویان فقط هنگام جنك وبروزخطر جمع آوری ومتمرکز میشدند ـ برای جمع آوری وتمرکز آنان بودجه واعتبار نبود وهزینهٔ نگهداری این دستجات ازطریق مصادره تأمین میگشت. تعداد لشکریانیکه باین ترتیب ممکن بود جمع آوری شوند ازیکصد و بیست هزار نمیگذشت ـ علاوه

براین سواران ، افراد چریك زیادی بوسیلهٔ شهرها و ایلات جمع آوری ونگهداری میشد چنانکه می‌بینیم پیش ازورود مربیان نظامی اروپائی لشکریان ایران از عدهٔ سواروافراد چریك تشکیل میشد :

۱ - **سواران** : دستجات سوار از میان افراد ایلات صحرانشین جمع آورد میشد . این دستجات مرکب از واحد هائی بود که هر کدام از یك رئیس اطاعت میکردند .

سواران فقط هنگام‌جنك احضار میشدندو گارد سلطنتی را تشکیل میدادند.

آدرین دوپره[1] فرانسوی که ازسال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۲٤ (۱۸۰۷ - ۱۸۰۹) درنواحی‌مختلف ایران سیاحت کرده می‌نویسد که این‌سواران درحین‌تاخت بانهایت مهارت در تمام جهات خواه بجلو و خواه بعقب تیراندازی میکنند .

این‌طرزجنك سواران اشکانی‌را بخاطرمیآورد که‌درحال فرارتیراندازی کرده و حملات ناگهانی آنان لژیونهای رومی را که ازتعاقب سواران ایرانی عاجز بودند مأیوس وناامید میساخت .

دستجات سواربواحدهای هزارنفری قسمت میشد . هرواحدی از ده گروه‌صد نفری‌تشکیل می‌یافت وهر گروه‌نیز بنوبهٔ خودبده‌جوخهٔ ده‌نفری تقسیم‌میشد.درجات نظامی‌رؤسائی که واحدهای مختلف درتحت فرمان‌آنان قرارداشت بهیچ‌وجه‌باارزش نظامی‌فرماندهان‌تطبیق نمیکرد - عنوان ودرجهٔ افسران به تعداد نفرات که‌بلافاصله باکلمهٔ ترکی « باشی » استعمال میشد معین ومشخص میگشت بااین‌ترتیب‌فرمانده یکدستهٔ سوارهزارنفری‌را «مین‌باشی» یعنی رئیس هزارنفروفرمانده یك گروه صد نفری‌را «یوزباشی» یعنی‌فرمانده صد نفر ومسئول یك جوخهٔ ده‌نفری‌را«اون‌باشی» یعنی رئیس ده‌نفر مینامیدند .

یکنفر «اون‌باشی» ممکن‌بودتا مقام« یوزباشی» وحتی «مین‌باشی»رااحراز کندزیرا برای بدست آوردن‌این عنوان کافی‌بود که صدیاهزارنفر گردآورده‌وتحت

1– A.Dupré

فرمان خود قرار دهد .

هر قبیله یعنی خانواده های مختلفی کــه از نظر اخلاق وعادت و زبان درتحت فرمان رئیسی قرار داشتند موظف بودند تعداد معین سوارتهیه کنند .

کنت آلفرددو گاردان (۱) میگوید «جیرهٔ این سواران یکنواخت نبود تسلیحات آنان عبارت ازتفنگ درازو سپری بقطر ۴۰ سانتیمتر بود که مانع ازعبور گلوله نمیشد ترکمانان هنوزهم تیرو کمان بکارمیبرند و شمشیرهای بسیار خوب دارند و مانند اجداد خود نیزه های دراز و بسیار سبك بدست میگیرند که در کمال مهارت بکار میبرند. سواران معمولا اسبان خوبی دارند که با یك لگام هدایت میشود» .

ایران قادر بوددر حدود یکصدو بیست هزارنفر ازاین سواران را که در مقابل امتیازات ارضی و آزادی مرتع خدمت نظام را انجام میداد بسیج نماید. هر رئیس ایل وظیفه داشت هنگام بروزجنگ سهمیهٔ سوار متناسب باتعدادنفرات ایل را تهیه کند. هرسوار در حین جنگ برای خود و مرکبش آذوقه دریافت میکرد. وجیرهٔ مختصری میگرفت که در سال از ۵ تا ۶ تومان بیشتر نبود. این مبلغ معمولا از مالیات عمومی وصول میگشت . افراد سوار ازروی استیصال غالباً همین مبلغ ناچیزرا باضرر زیادی تسعیر میکردند ــ علاوه برجیرهٔ نقدی هر سوار سالیانه دو بار الاغ گــندم دریافت میداشت .

جیرهٔ افسران نسبت بنفرات معمولا بیشتر بود ودرهرصورت جیرهٔ نقدی سالیانه از ۱۵ تا ۲۰ تومان وجیرهٔ جنسی از ٤ تا ٥ بار الاغ گندم تجاوز نمیکرد .

درصورتیکه دولت میخواست جیرهٔ گندم را به پول نقد تبدیل کند هربارالاغ را یك تومان منظور میداشت .

یکدسته سوار که تعداد آن ازسه تا چهار هزار بیشتر نبود و غالباً افراد آن ازمیان غلامان گرجی ویاپسران نجبای کشورانتخاب میشدند گارد مخصوص سلطنتی را تشکیل میداد که غلامشاه می نامیدند ــ سواران گارد مخصوص اسبان ممتــازی

1 - A.Du.gardan

داشتند . اسلحهٔ ایشان از طرف دولت تهیه میشد و درسال از ۲۰ تا ۳۰ تومان جیرهٔ نقدی میگرفتند این مبلغ معمولاازعایدات عمومی‌پرداخت میشد وافراد گاردمجاز بودند جیرهٔ خودرا شخصاً وصول کنند سواران گارد مخصوص نیزهیچوقت فرصت را ازدست نمیدادند واصولا بیش ازآنچه داشتند تقاضا میکردند وبرای رسیدن‌بمقصود اشکالی‌پیش نمیآمد زیرااین‌افراد فقط باسم غلامشاه و یاسوار گاردمخصوص‌سلطنتی ممکن بود یك یا چندین‌قصبه را تحت شکنجه وفشارقراردهند .

۴ ـ چریك : تقریباً تمام افراد سالم کشورممکن بود وارد دستجات چریك گردد . نیروی چریك درهرناحیه یاازافراد طوایف کوه نشین‌ویا ازاهالی شهرها و دهات تشکیل می‌یافت ـ نگهداری افراد چریك بعهدهٔ ایالت یاشهریادهکده‌ای‌بود که بوسیلهٔاین دستجات دفاع وحمایت میشد. ممکن بود عندالزوم سپاهیان‌چریك بخدمت شاه دعوت شوند در اینصورت هریك ازافرادآن‌درسال از ۵ تا ۷ تومان جیره دریافت میداشت .

ملکم‌معتقد است که‌تعداد نفرات چریك بیکصدوپنجاه هزار نفربالغ‌میگشت همین افرادچریك‌وسوارانی که توصیف کردیم‌وسیلهٔ اصلی‌فتوحات آغامحمدخان‌بود

ب ـ سازمان‌نظامی ایران پس‌ازورود مربیان ومتخصصین اروپائی

برای‌مقابلهٔ باروسها وتحکیم وتقویت نفوذ دولت ، فتحعلی‌شاه‌با کمك‌مربیان اروپائی پیاده نظامی‌بسبك ارتشهای اروپائی بوجودآورد . افرادپیاده ازدوقسمت‌مهم سرباز وجان‌باز تشکیل می‌یافت :

۱ـسرباز: پیاده نظام‌سرباز ۱۲قسمت یا۱۲ هنك هزارنفری داشت که‌بوسیلهٔ عباس میرزا ولیعهد ایران تشکیل ونگهداری میشد . تمام افراد سربازتحت فرمان ولیعهد وعموماً ازاهالی آذربایجان بودند .

علاوه‌برنفرات‌سربازپیاده نظام. عباس میرزایك هنك سواره‌نظام هزارودویست نفری ویك هنك توپخانهٔ سوار که از۲۰ عراده توپ مرکب بود تهیه دیده بود .

سازمان پیاده نظام وتوپخانه درآغازامربوسیلهٔ افسران‌فرانسوی داده شد. پس

ازحرکت ژنرال گاردان ومیسیون فرانسوی ازایران انگلیسها برای تربیت سربازان جانشیش فرانسویان گردیدند . اهمیتی که اینقسمت ازلشکریان ایران پیدا کرددر واقع مدیون شخصیت عباس میرزا بود زیراولیعهد ایران سعی و کوشش بسیاربکاربرد که لباس و تجهیزات سربازان ایـران شبیه لباس و تجهیزات ارتشهای منظم اروپـا باشد. میان تمام سپاهیان ایران افرادسربازبهتروبیشتر ازسایرین غذا وجیره دریافت میداشتند .

جیرهٔ افسران بتناسب درجات آنان از ۴۰ تا ۵۰۰ تومان درسال بود بعلاوه غذا ولباس اضافی درهنگام وظیفه دریافت میکردنددستجات سربازسرپرستی وفرماندهی اروپائیان رابا میل و رغبت می پذیرفتند.

۳ـجان باز:تعداد نفرات جان باز که مستقیماً درخدمت پادشاه بودند ظاهراً برابرتعدادنفرات سرباز بودولی عملاتعداد آنان از۸تا۹ هزارتجاوز نمیکردطرزپرداخت حقوق ووضع لباس وجیرهٔ جانبازان مرتب نبود.وانضباط آنان بپایهٔ انضباط سربازانی که تحت فرماندهی عباس میرزا بود نمیرسید.

افراد پیاده نظام جوان کـه تازه باعملیات نظامی آشنائی پیدا کـرده بودند نمیتوانستند در برابر حملات سپاهیان با انضباط وورزیده مقاومت کـنند ودرنبرد های منظم با آنان دست وپنجه نرم نمایند.

این اقدامات برای تجدید سازمان نظامی ایران در آغاز امر نتایج خوبی نداد و چنانکه خواهیم دیدبعدهانیز باعث زیاده رویها واجحافات گردید . گوبینو(۱) دراین خصوص میگوید تاوقتی که عباس میرزازنده بود آزمایش تجدیدسازمان نظامی را کم وبیش خوب عمل کردند ولی پس ازمرك ولیعهد ایران باتوجه باینکه پیاده نظام را بانظرحقارت مینگریستند افراد صنف پیاده نظام بدبخت ترین افراد لشکریان ایران شدند . بعدها نیزتحولات اصلاحی و تجدید سازمان در ارتش جدیدالتأسیس ایران بقدری با تأنی انجام پذیرفت که بقول نویسندگان وجهانگردان ومستشاران ومعلمین

---

1 - Gobineau

مختلف نظامی که درطول قرن سیزدهم بایران آمده‌اند درجریان یك قرن‌هیچگونه اصلاح وبهبودی دروضع سازمان نظامی ایران روی نداده‌است .

ازنوشته‌های‌این اشخاص چنین‌برمیآید که سربازان‌پیاده مبلغی ناچیزدریافت داشته و جیرهٔ آنان منحصر بچند کیلونان بوده است که‌هردوروزبامختصر گوشتی بایشان داده میشد گوبینو میگوید : « زندگی افراددستجات سربازان پیاده نظام دشوارترین وپرمشقت‌ترین زندگی افراد جامعهٔایران است‌علت اینکه این‌سربازان زندگی اعیان سوارانرا ندارند اینست که طرزجمع آوری سربازان وسواران‌متفاوت است . حاکم هرناحیه مجبوروموظف است‌همه ساله عده‌ای سرباز برای ارتش‌منظم جلب کند .

درعمل‌سربازگیری ازهیچگونه تبعیضی‌مضایقه نمیشود تنهامیل‌وارادهٔحاکم خانوده‌هارا مجبورمیکند که یك یا بیشتر ازافراد خانودهٔ خودرا بنام سرباز تسلیم مأمورین دولت کنند. سهمیهٔ سربازبایستی درتمام‌مناطقی که تحت فرمان‌حاکم‌قرار داردتهیه شودولی رؤسای کشوری بمیل‌خودآخوند هاوتجاروکسبه ومنسوبین‌آنان راازخدمت سربازی معاف میکنند .

درمیان طبقات ممتاز که ازخدمت نظام معاف میشدند میتوان‌خانواده‌هائی‌را اسم برد که درخدمت اشخاص متنفذ بودند ویاآنهائی که میتوانستند هدایای خوبی بمأمورین‌عالیرتبه ویازیردستان‌آنان تقدیم کنند . وقتی افراد این طبقات ممتاز را ازجامعهٔ ایران منتزع کنیم بقیه فقیرترین قسمت اهالی کشوررا تشکیل میدهدودر میان همین طبقه نیزبیچاره‌ای که هیچ‌چیزبرای‌تقدیم وفرار از خدمت ندارد بخدمت سربازی جلب می‌گردد » .

ژنرال گاردان که‌درسال۱۲۲۲(۱۸۰۷) برای‌تربیت‌افرادنظامی ایران‌مأموریت یافت نتایج مطالعات خود را شرح میدهد ــ این مطالعات کاملاً تطبیق میکند با نوشته‌های کونت‌دو گوبینو که از ۱۲۷۲تا۱۲۷۵ (۱۸۵۵ ــ ۱۸۵۸) یعنی تقریباًنیم قرن پس ازژنرال گاردان بایران مسافرت کرده است .

گوبینو میگوید : وقتی یك خانواده نمیتواند خودرا ازقید دادن سرباز آزاد کند یقین دارد که بالاخره بدادن یك یا چند سرباز محکوم خواهد شد بنابـراین طفلی که بایستی خدمت سربازی را انجام دهدازدرون گهواره تعیین می‌شودوازهمان تاریخ معلومست که آن بیچاره باید تمام عمررا درخدمت نظام بسربرد .

البته این سربازان دائماً زیرپرچم نبودند گاهی اتفاق میافتاد که دولت یکدسته سرباز را بدون پرداخت جیره برای مدت نسبتاً طولانی مرخص میکرد و گـاهی فرماندهان اجازه میدادند سربازان صاحب حرفه سرخدمت حاضـرنشوند . در این صورت جیرهٔ نقدی و جنسی سربازان غایب را فرماندهان میگرفتند . ولی از لحاظ قانون و مقررات هر سربازی مادام‌العمر سرباز بود ومجبور بود تا آخرین سال عمر خدمت کندبااین ترتیب میان صفوف سربازان پیرمردانی که متجاوز از ۶۰ سال‌عمر داشتند پهلوی بچه‌های پانزده ساله دیده میشدند .

هیچوقت سربازان ایرانی جیره‌ای را که دولت موظف بود درحق آنان بپردازد دریافت نمیداشتند مگربرحسب تصادف ودرموارد غیرمترقبه . جیرهٔ سربازدرخروج ازخزانهٔ دولت اززیردست سرتیپ وسرهنگ وسلطان ونایب ووکیل می گذشت و آنچه بدست ذینفع میرسیدبسیارناچیزبود . سرباز نیزبنوبهٔ خود کارخسته کننده‌ای نداشت درتابستان بعلت گرمی هوا ازتمرین عملیات نظامی معاف بـود ودرزمستان بعلت سردی هواکارنمیکرد . هنگامیکه برای پست پاسداری تعیین میشدتاوقتیکه پادگان درآن ناحیه اقامت داشت تغییرنمی‌یاقت وبرای همیشه در آن پست بـاقی میماند وغالباً تمام شب بایستی انجام وظیفه کندولی درواقع هیچگونه مقرراتی وی را مجبورنمی کرد که تمام شب‌را سرپا در پست خود باشد بلکه براحتی می‌خفت و سپیده دم با خیال‌فارغ بیدارمیشد . اگرسربازصاحب حرفه بود بحرفهٔ خودمشغول میشدوازعایدات کارخود تحفه‌ای برای جلب حمایت رؤسای مافوق تهیه میدید. در غیراینصورت سربازنوکری‌وحمالی کرده ودرنتیجه بقدراستعدادخویش وضع نسبتاً مطلوبی برای خودآماده میساخت .

نباید ازنظردور داشت که این خرابی تشکیلات نظامی تاآغازقرن چهاردهم (قرن بیستم میلادی) باقی‌بود . پاولوویچ[1] که درسال ۱۳۲۳ (۱۹۰۵ میلادی)افسر بریگاد روس درایران بودآنچه‌را که گوبینو درسال ۱۲۷۰ (۱۸۵٤ میلادی) راجع باوضاع نظامی کشورما نوشته بااین عبارات تائید میکند :

«عمل سربازگیری ومقررات مربوط بخدمت سربازی کاملاارادی و مستبدانه است‌سربازباید برای تمام عمرخدمت کند هیچ‌قانونی سن‌سربازانی‌راکه‌بایدبخدمت احضارشوند تعیین نکرده‌است .

بهمین مناسبت‌است که درصفوف لشگریان ایران پیرمردان ۸۰ساله‌تا۹۰ساله درپهلوی جوانان ۱٦ ساله خدمت میکنند . بانداشتن محل سکونت وغذا سربازان ایران مجبورند درخارج مشاغلی‌ازقبیل دربانی خانه‌های اعیان ویابیگانگان‌متمول پیدا کنند .

عادت براین جاری‌است که دونفر سرباز یکی‌برای‌شب و دیگری برای روز اجیر کنند . سربازان تمام امورخانگی مثل بچه داری وآشپزی را انجام میدهند و غالباً درمیدانها دنبال‌کارعملگی میگردند ــ همچنین بشغل قصابی و عطاری و غیره مشغول هستندوبااین ترتیب‌بشغل نظامی‌اهانت واردآورده حرفهٔ نظامی راشغل‌ثانوی وبی‌اهمیت تلقی میکنند .

کفش ولباس وسلاح سربازمرتب نبود تاوقتیکه سربازدرپادگان‌اقامت‌داشت زندگی وی نسبتاً قابل تحمل بودولی هنگامیکه برای‌عملیات میرفت وضع‌زندگی اوسخت میشد زیراکارپردازی وآذوقه وجود نداشت بطوریکه غالباً سربازان برای سد جوع مجبوربودند علف‌بخورند ــ معهذا ژنرال گاردن میگوید بااینکه‌سربازان ایرانی به تحمل این زندگانی پرزحمت محکوم بود بندرت صبروتحمل فوق‌العاده خودرا از دست میداد ــ سربازایرانی قوی‌بنیه وخوش هیکل بود . قناعت و اطاعت

1- Pavlowitch

انجام تعهد (۱) وتحمل خستگی‌ازخصائل سربازایرانی بشمارمیرود چنین سربازانی فقط احتیاج بمربی ورهبرخوب دارند .

کونت دو گوبینو نیز از تعریف و تمجید سربازان ایرانی کوتاهی نکرده و میگوید ذکاوت و جسارت سرباز ایرانی قابل تمجید است زیرا جای بسی تحسین است که انسان‌مشاهده کندا شخاصی که باایشان چنین رفتارمیشود درتحت‌سرپرستی افسرانی مانندخودپای‌برهنه‌باتفنگ بدون‌چخماق درجنگ اخیرباسرنیزه بانگلیسها حمله کنند .

توپخانه نواقص‌قسمت توپخانه‌ازواحدهای‌دیگر کمتر نبود. توپها که‌درشیراز ومشهدواصفهان‌ریخته‌شده‌بود بپادگانهای مرزی‌وشهرهافرستاده شده بدون‌مواظبت و تقریباً بی مصرف مانده بود.در تهیهٔ گلوله ها بهیچوجه دقت نمیشد و گلوله که معمولا با گوگرد وسنگ ریزه مخلوطبود هنگام استفاده یا لولهٔ توپ را میترکانید ویا در حال خروج منفجرمیشد.نظر باینکه توپها کالیبرهای مختلف داشت مصرف گلوله‌مشگل‌بودودرعمل‌اشتباهاتی‌رخ‌میداد_ گاوهم که‌برای کشیدن‌توپ‌بکارمیرفت حمل‌توپ‌را مشکل‌میکرد وحتی در بعضی قسمتهای کوهستانی غیرممکن میساخت.

تعداد نفرات توپخانه از ۸٤۰ نفر تجاوز نمیکرد وهیچیک از افراد توپخانه برای این کار تربیت نیافته بود.

دستهٔ زنبورک چیها را بایستی باین توپخانهٔ جدید اضافه کرد_زنبورک نوع توپ کوچکی بود که گلولهٔ آن درحدود دویست گرم وزن داشت وبرد آن ازبرد تفنگ معمولی تجاوز نمیکرد این سلاح بوسیلهٔ پایه‌ای که تعبیه شده بود دور میزد

۱ـ دراینخصوص‌ژنرال گاردان‌میگوید: کنت‌دوویلسك Le Comte de Willeseck دروین Vienne بمن حکایت کرد که دریك رژه نظامی امپراطورژوزف‌دوم‌درحالیکه سربازی را نشان میداد گفت این سرباز یکنفرایرانی است که بوی‌سه‌سال مرخصی دادم برای دیدن خانوادهٔ خود باصفهان رفت ودرست درخاتمهٔ مرخصی مراجعت کرد وبدستهٔ خود پیوست

وتعداد آن به ۱۵۰۰ بالغ میگشت. زنبورك را بروی جهاز شتر سوار میکرد. زنبورکچی شتر را هدایت مینمود وزنبورك را پر کرده و آتش میکرد. همواره فتیلهٔ افروخته‌ای بکمر داشت که برای آتش زدن باروت بکار میرفت. این فتیله در طول کیسه‌های باروت و گلوله که به بغل شتر بارمیشد آویزان بودو غالباً حریق وحوادث ناگواری ایجاد میکرد ـ درموقع حرکت گاهی شتر بصدای توپ رم میکرد و مایهٔ تولید خطر تازه‌ای میشد.

بحریه: درمیان واحدهای نظامی ایران همواره توجه کمتری به نیروی دریائی معطوف گردیده است.

درآغاز قرن سیزدهم چند کشتی کوچك که مأمور حفاظت کرانه‌های خلیج فارس بود بحریهٔ ایرانرا تشکیل میدادباید درنظر داشت که همین چند کشتی نیز بعلت اغتشاشات داخلی وموانع سیاسی خارجی ازمیان رفت وبرای حفاظت کرانه‌های دریای خزر دولت ایران هیچ نوع کشتی نداشت.

وضع ادارات مختلف نظام

وضع ادارات مختلف نظام رقت‌آور بود. ادارهٔ سررشته‌داری وجود نداشت و در نتیجه ارتش فاقد انبار مخازن و ذخیرهٔ جنگی بود ـ برای مصرف اسبان بجمع آوری علوفه توجه نمیشد وفقط کاه را ذخیره میکردندوسربازان تنها درفصل علوفه بعملیات میرفتند ـ چنان که گفتیم میان تمام افراد نظامی ایران فقط جان بازان و سربازان لباس متحدالشکل داشتند بقیهٔ سواران وپیاده ها لباس خودرا بدلخواه ازجیرهٔ خود تهیه میکردند.

سربازخانه ومریضخانه وجود نداشت سرباز بیمار ویا زخمی وقتی وسیله‌ای برای معالجه پیدا نمیکرد سلاح خودرا میفروخت گاردان میگوید جراح نظامیان همان سلمانی معمولی بود که میتوانست فصد کند.

اگروسایل لازم برای بهبود وضع واستراحت افراد نظامی وجود نداشت در عوض افراد و ملازمان فراوان که پادشاه و بزرگان فقط برای تفریح خودهنگام

اعزام‌نیرو همراه‌میبردند‌اسباب مزاحمت‌دیگران میشد.پادشاه‌وبزرگان میل‌داشتند هنگام‌اعزام‌نیرو‌همان تجملات‌درباری‌وزندگی‌شهری‌رادروسط‌اردوگاه‌آماده‌سازند- چادر شاه و بزرگان درواقع نمونهٔ تجمل فوق‌العاده بود - در تهیهٔ اشیاء و اسباب و اثاثیه‌ای که برای تفریحات آنان ضروری بود بهیچوجه چیزی فروگـذار نمیشد - گاردان میگوید ظروف ومبل واثاثیه وتمام اشیائیکه برای بلهوسی شاه واطرافیان وی ضروری است باروبنهٔ عجیب وغریب را تشکیل میداد . هرنوکری برروی‌اسب خوددوکیسهٔ چرمی داشت که دریکی ازآنها قلیان و دردیگری ذغال میگذاشت- برای تهیه‌آتش ازمنقلی که برزین اسب‌آویزان بود استفاده میشد - بـا این وضع تعداد فوق‌العاده زیاد نفرات غیرنظامی تحمیل‌ارتش میشد وهیچگونه حرکت دسته جمعی ومتحدالشکلی انجام نمی‌گرفت .

فرامین معمولا دیر بمقصد میرسید و بطرزبـدی بموقع اجرا گذاشته میشد. بطوریکه در عمل همه چیز تصادفـی بود و هیچکس قادر نبود این بی‌نظمی هـارا علاج کند .

فنون جنگی : چنانکه تعریف آن گذشت سرباز ایرانی‌جسوروقانع ومطیع وبا انضباط وخستگی ناپذیربود . ولی این صفات پسندیده نمیتوانست وسیلهٔ فتح و پیروزی گردد - ارتش‌ایران هیچگونه اطلاعی‌ازفنون مهندسی نداشت وبعلت‌فقدان صنف مهندس ازفنون سنگربندی واستحکامات بکلی بی‌خبربود .

استحکاماتیکه‌میساختند عبارت بود ازدیوارهای بلندگلی بابرجهای کنگره دار که بوسیلهٔ این دیوارها اطراف شهرهارا محصورمی کردند - اغلب‌شهرها بوسیلهٔ حفرخندقهاحمایت میشد - تاکتیك وفن‌جنگی عبارت بودازحرکات سریع‌بی‌نقشه درپیرامون واحدهای دشمن وهجوم ناگهانی باردوگاهها وبغنیمت بردن آذوقه و تغییرمجاری‌آبها برای جلوگیری ازاستفادهٔ‌آن وبالاخره پرکـردن چاهها وحمله بواحدهائیکه خستگی واحتیاج‌آنانرا ازپای درمیآورد .

سواره نظام‌مانند تمام سواران نامنظم‌ازانجام عملیات دسته جمعی‌ویکنواخت

بی‌اطلاع بود ــ تاکتیك سواره نظام عبارت بود ازحمله وفرار ــ با اینکه فرد فـرد سواران‌ایرانی درفن سواری نهایت مهارت را داشتند وحرکات آنان برای تغییرمحل با سرعت فوق‌العاده‌ای انجام می‌یافت بازهم قادرنبودند واحدهای سوارنظامی‌را کـه بطرزاروپائی تعلیم وتربیت یافته بودند ازپا درآورده وبخطر بیاندازند ــ دراردوگاه هرج ومرج کلی حکمفرمابود ــ اردوگاهها همیشه باز بود و هیچگونه‌مانعی‌برای جلوگیری ازحملات دشمن وجود نداشت وشب هنگام پستهای مقدم برای اطلاع‌از حرکات دشمن تعیین نمیشد .

طرزتشکیل شوری‌برای مطالعه وطرح نقشهٔ عملیات نظامی نهایت‌تعجب‌آور بـود .

نارسیس پرن(۱) درکتاب خود La perse دروصف این شوری میگوید :

« ممکن است تصورشود موقعیکه شاهزاده عباس میرزامیخواهد طرح‌جنگی را تهیه‌کند محرمانه باینکار اقدام میکند وتمام مسائلی کـه دراین شوری مطرح میشود کاملا سری است ــ در صورتیکه برعکس شاهزاده عباس میرزا بزرگـان و شاهزادگان ووزیران‌را برای بحث راجع بموضوع جمع میکند ولی موضوع‌مورد بحث درشوری هرچه باشد وهراندازه مهم وسری باشد رسم کشوررایجاب میکند که نوکران دائماً دم در وحتی درداخل اطاق بایستند در نتیجه دو ساعت بعد سربازی نیست که ازعملیات نظامی وسوق‌الجیشی که برطبق تصمیم بایستی محرمانه بمـاند بی‌اطلاع باشد .

باذکراین‌مطالب راجع‌بسازمان ارتش‌ایران دراوایل‌قرن سیزدهم که‌نمونه‌ای ازجامعهٔ ایرانرا تشکیل میداد ازیکطرف میتوان بوضع اجتماعی‌آنزمان پی‌بردواز طرف دیگرنتیجه گرفت که ازمدتها باینطرف تاکتیك نظامی ایران عوض‌نشده‌بود یکی ازعلل اساسی این وقفه و عدم تحول همان نقص تهیه و تربیت کادر است زیرا چنانکه دیدیم خان یك ایل بدون هیچ سابقه وبصیرت ازعملیات‌نظامی‌ازگله‌داری بفرماندهی عدهٔ خودمنصوب میشد وهمراهان‌وی نیزرؤسای مادون‌واحدهاراتشکیل

میدادند . صدراعظم که غالباً عهده‌دار فرماندهی کل قوا بود هیئت وزیران را تـرك گفته‌وبرای هدایت عملیات نظامی بمیدان جنك میرفت .

بطوریکه‌ملاحظه می‌شودارتش‌ایران بانداشتن‌سازمان‌منظم ووضع یکنواخت وعدم توجه بتعلیمات کادروبی‌اطلاعی فرماندهی قوی‌ازفنون نظامی باطرزرقت باری اداره میشد باوجود این سپاهیان ایران مجبوربودند و توانستند قریب مدت ده سال برضددستجات باانضباطارتش‌تزاری که تحت‌نظرفرماندهان وژنزالهای بصیروورزیده درفنون جنـگی تعلیم یافته بود بجنك ادامه دهند .

قسمت دوم

از آغاز جنگهای ایران و روس
تا معاهدهٔ گلستان

فصل اول

نخستین مراحل تیرگی روابط ایران وروس

---

۱ – **الحاق گرجستان:** فتحعلیشاه بآسانی توانست قدرت خودرادرداخلهٔ ایران مستقر سازد . ولی متاسفانه درعملیات بر ضد دولت روسیهٔ تزاری که همواره برای تسریع اضمحلال ایران پی فرصت میگشت توفیقی حاصل نکرد .

چنانکه دیدیم جنگ اول ایران وروس که بعلت انعقاد معاهدهٔ تحت الحمایگی میان هراکلیوس دوم والی گرجستان ودولت روسیه اتفاق افتاده بود بامرگ کاترین دوم و آغا محمدخان بدون انعقاد معاهدهٔ صلحی میان دوطرف خاتمه یافت .

سیاست ظاهری صلح طلبانهٔ **پل اول** امپراطورروسیه چندی عملیات تجاوزآمیز دولت تزاری را متوقف ساخت. ولی در دوران حکومت پل صلح طلب نیز دولت روسیه بیکارننشته بود زیرا درهمین زمان گرجستان که ازطرف دولت روسیه حمایت میشد اطاعت آن دولت را قبول کردوحتی چنانکه خواهیم دیدبفرمان پل اول رسما ضمیمهٔ امپراطوری روسیه گردید .

هراکلیوس درسال ۱۲۱۳ (۱۷۹۸) درگذشت وپسرش ژرژسیزدهم که درایران باسم گرگین خان مشهوربود جانشین وی گشت .

درآغازسلطنت فتحعلیشاه گرگین میخواست اززد و خورد با ایران اجتناب ورزد . لذا خودرا مطیع دربارایران خواند ولی وقتی فتحعلیشاه بوی دستورداد پسر ارشدخودرا بعنوان گروگان بتهران بفرستد متمایل بدربارروسیه گشت . دراینموقع بنمایندهٔ پل اول در گرجستان دستورداده شد که ازنفوذ خود برای عقد معاهده‌ای استفاده نماید .

ژرژ سیزدهم که بمناسبت ولخرجی ونداشتن عایدات کافی احتیاج به پـول داشت مبالغ زیادی از دولت روسیه قرض کرده ومتعهد شده بود که در صورت عدم پرداخت قرضه درموعد معین شهرتفلیس را بآن دولت واگذارنماید . نظر بـاینکه ژرژسیزدهم نتوانست قرض خود را بموقع بپردازد شهر تفلیس بوسیلهٔ قـوای روس اشغال شد وژنرال تسی‌تسی یانف(۱) بحکومت گرجستان منصوب گشت وبنابدستور دولت روسیه اعیان شهر وخانوادهٔ ژرژسیزدهم را بهسن‌پطرزبرگ فرستاد ودرتاریخ نهم جمادی الاول ۱۲۱۵ مطابق با۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ معاهده‌ای میان دولت روسیه و ژرژ سیزدهم بامضاء رسید . مطابق مواد این معاهده ژرژ سیزدهم بنام خود و بنـام جانشینانش بنفع امپراطور روسیه ازحکومت گرجستان دست کشید . سپس پل‌اول امپراطور روسیه نیز عنوان تزار گرجستان برخود نهاد و پسر ژرژ سیزدهم بسمت نایب‌السلطنه شناخته شد .

این عمل دولت روسیه ورفتارژرژ سیزدهم باعث ایجاد خشم واعتراض سخت اعیان گرجستان شد . برادران ژرژ سیزدهم که ازاین تصمیم متنفربودند گرجستان را ترك گفتند . شاهزاده آلکساندر (درایران باسم اسکندر میرزا معروفست) برادر جوان ژرژ سیزدهم نهایت خشمگین و متأثر بـود از اینکه خانوادهٔ پدرش بـدون هیچگونه‌عکس‌العملی‌ازحکومت گرجستان دست برمیدارد. این شاهزاده‌سعی‌داشت بلکه زمینهٔ یك‌انقلاب عمومی‌را فراهم سازد ولی رؤسای نواحی عدم کامیابی‌درچنین انقلابی رابدون کمك مسلح دولتین ایران وعثمانی پیش‌بینی میکردنـد . بنابراین شاهزاده آلکساندرسعی میکرد بلکه ازدو کشورنامبرده بنفع خود استمداد کـند ـ متأسفانه‌دولت عثمانی بامشغلهٔ زیادی که‌داشت نمیتوانست بتقاضای آلکساندر جواب مثبت بدهد . درایران نیزفتحعلیشاه که گرفتار امـور داخلی بود قادربجلب رضایت آلکساندر نبود . باوجود این رؤسای قره‌باغ وسایر نواحی قفقاز برای تهیهٔ نهضتی بمنظورمقابله واخراج روسهاازمین اجدادی بآلکساندر وعدهٔ مساعدت دادند ولـی

1 – Tsitsianoff

بزودی حکومت تفلیس از اقدامات و نقشه های آلکساندر اطلاع یافت و تـدابیر لازم برای دفع وی اتخاذ نمود ـ ژنرال کولیسکوف[1] ولازاروف[2] بادوهنگ از سپاهیان روس درسواحل رود کر قوای الکساندررا بسختی درهم شکستند و کسان وهمراهان وی را متفرق ساختند وازاقدام میهن پرستان قفقازجلو گیری کردند .

ژرژسیزدهم در۱۱شعبان ۱۲۱۵مطابق با۲۸دسامبر ۱۸۰۰ درتفلیس در گذشت وپسرش داوید رسماًنایب‌السلطنهٔ گرجستان شد ولی دولت روسیه مدلول معاهده‌ای را که خود قبول وامضاء کرده بود محترم نشمرد وامپراطورپل اول باصدور فرمانی درتاریخ ۱۸ ژانویه ۱۸۰۱ مطابق ۳ رمضان ۱۲۱۵ الحاق گرجستان را بروسیه‌رسماً اعلام نمود .

بدین ترتیب گرجستان ضمیمهٔ امپراطوری روسیه شد ورابطهٔ خودرا باایران قطع کرد . پس از شکست شاهزاده الکساندر سپاهیان روس در ماه دسامبر ۱۸۰۲ رمضان۱۲۱۸ بشهر گنجه[3] تاختند وازآنجا ژنرال تسی‌تسی یانف دردورهٔ سلطنت امپراطورآلکساندراول مأموریت یافت بسمت ایروان پیشروی نماید .

1– Kuliskoff
2– Lazaroff
3– Elisabethpool

۲ـ اشغال گنجه وازبین بردن آثار وتأسیسات ملی وتعمیم نفوذ روس درنواحی اشغالی

گفتیم که بامرك کاترین دوم و آغامحمدخان جنك ایران وروس بدون‌انعقاد معاهده‌ای خاتمه پذیرفت. همچنین اشاره کردیم که باسیاست صلح‌طلبانهٔ ظاهری پل اول چندی درعملیات‌مهاجمین روس‌وقفه حاصل شد وفتحعلیشاه ازاین فرصت‌استفاده کرده آرامش را درداخلهٔ ایران برقرار ساخت ومدعیان خودرا از میان برداشت.

قتل پل اول درشب اول ماه مارس ۱۸۰۱ (۱۵ شوال ۱۲۱۵) بسیاست صلح ـ طلبانهٔ موهوم امپراطورروسیه نسبت بایران خاتمه داد وسیاستی که‌بوسیلهٔ پطر کبیر طرح وتهیه شده بود باجلوس الکساندر اول تجدید شد. پس از چند ماه امپراطور روسیه بانشراعلامیهٔ مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۸۰۱ مطابق ٤ جمادی‌الاول ۱۲۱٦ تاج و تخت گرجستانرا که‌درزمان پل‌اول ازطرف ژرژسیزدهم درتاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ (۹ جمادی‌لاول ۱۲۱۵) بدولت روسیه واگذار شده بود قبول کـرد. از این تاریخ روسها بایك اسلوب اساسی وقاعدهٔ صحیح به محوسازمانهای ملی مبادرت ورزیـده زبان گرجی را درمدارس وداد گاهها وادارات قدغن کردند وحتی روحانیون نیز در مقابل اشغالگران روسی آزادی وتأمین نداشتند.

دولت‌روسیه باالحاق گرجستان که‌قرنهاجزءامپراطوری‌ایران‌بودلطمهٔشدیدی به حیثیت‌این دولت‌وارد ساخت ولی‌جنگهای‌ایران‌وروس‌بدون اعلان‌رسمی‌باحرکت ژنرال تسی‌تسی یانف بطرف ایروان آغازشد.

چنانکه گفتیم‌ژنرال تسی‌تسی‌یانف بامهارت نظامی که داشت درتاریخ ۱۸۰۱ (۱۲۱٦)بفرماندهی کل‌قوای روس درقفقازمنصوب‌شدودرتفیلیس اقامت گزید.ژنرال روسی که ازنژاد گرجی بوداطلاعات‌کامل وصحیحی ازناحیهٔ قفقازداشت وی بخوبی

متوجه‌بود که نگهداری گرجستان که تنها ارتباط آن باروسیه ازراه معبرداریال است کارآسانی نیست ودرموقع‌مناسب ازروسیه منتزع خواهدشد . بنابراین فرمانده کل قوای روس‌ارتباط ازراه‌دریاراعامل‌مؤثربرای تقویت ومحافظت فتوحات جدیددولت روسیه میدانست. کرانه‌های دریای سیاه دردست باب عالی‌بود وبرای دست یافتن‌باین ناحیه دولت روسیه ناچاربود بادولت عثمانی وارد جنك شود بنابراین تسی‌تسی‌یانف توجه خودرا بسمت دریای خزر معطوف کرد .

برای اجرای نقشهٔ خود فرماندهی روس شروع بدست‌اندازی واشغال نواحی شمالغربی ایران نمود وبه‌بهانهٔ اینکه حکومت گنجه در زمان هراکلیوس مالیات خودرا بگرجستان‌میپرداخت تقاضای پرداخت مالیات نمودوبعلت وصول پاسخ‌منفی حاکم‌شهر تسی‌تسی‌یانف دردسامبر ۱۸۰۳ (رمضان ۱۲۱۸) بطرف گنجه حرکت کرده‌شهررا اشغال‌وبنام‌الیزابت‌پول[1] اسم‌روسی‌ضمیمهٔ گرجستان‌ساخت.روسهابطرز فجیعی مقاومت کنندگانرا تنبیه کردندوبکشتارعمومی مبادرت ورزیدندبطوریکه اطفال وزنان نیزازاین رفتاروحشیانهٔ سربازان تزاردرامان نبودند .

پس ازاشغال گنجه فرمانده قوای روس بسمت ایروان متوجه شد حاکم این شهر برای اغفال‌دشمن وایجاد تشتت درمیان‌قوای مهاجم وعده داده بود شهررا بدون مقاومت تسلیم کند .

درمقابل این‌حوادث دولت ایران مضطرب‌شدوفتحعلیشاه بمنظورنزدیك‌شدن بصحنهٔ عملیات پایتخت‌را ترك کرد . بشاهزاده عباس میرزا دستور داده شد جنك را شروع‌وبسمت‌ایروان حرکت کند . (ذیحجه‌۱۲۱۸)

یکبار دیگر پس ازشش‌سال متارکه ' دولتین ایران وروس بجنك مبادرت میکردند جنگی که درحدود ده‌سال بطول انجامیدوباامضای معاهدهٔ ننگین گلستان موقتاً خاتمه پذیرفت .

برای روشن شدن موضوع ماشرح عملیات جنگی‌را بسه مرحلهٔ مشخص که باسیاستهای‌اروپائی وآسیائی‌دولت امپراطوری روس تطبیق میکند تقسیم کرده‌ایم.

1 - Elisabethpool

۱ ـ مرحلهٔ اول از ۱۲۱۸ (۱۸۰۳) تا امضای معاهدهٔ تیلسیت[1] جمادی‌الاول ۱۲۲۲ (ژوئیهٔ ۱۸۰۷) .

۲ ـ مرحلهٔ دوم از تیلسیت تاانعقاد معاهدهٔ بخارست ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)

۳ـ مرحلهٔ سوم از انعقاد معاهدهٔ بخارست تا انعقاد معاهـدهٔ گلستان ذیقعدهٔ ۱۲۲۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

1 - Tilsit
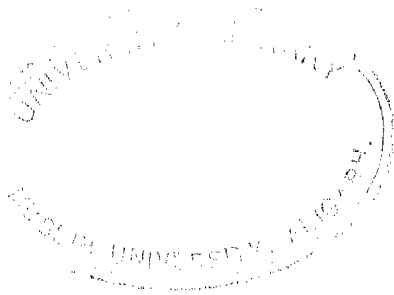
فصل دوم

مرحلهٔ اول جنگهای ایران وروس

از ۱۲۱۸ (۱۸۰۴) تا امضای معاهدهٔ تیلسیت
جمادی اول ۱۲۲۲ ژوئیه ۱۸۰۷

پس از تصرف گنجه دستجات سپاهیان روس درسمت ایروان پیشروی کرده ودر اوچ کلیسا مقر خلیفهٔ ارامنه باعباس میرزا که خود رابرای اخذ تماس آماده کرده بود مواجه شدند اواخر ۱۲۱۸ (۱۸۰٤).

پس ازجنك خونین اوچ کلیسا قوای روس شکست خورد و عقب نشینی کرد وبمحاصرهٔ شهر ایروان مبادرت ورزید. ساکنین وسپاهیان باشجاعت فوق‌العاده‌ای از شهر وقلعهٔ ایروان دفاع کردند ومدت یکسال سپاهیان ایران درزیر بمباران آتشبارهای دشمن رنج وزحمت فراوان متحمل شده ودلیرانه پایداری کردند. پس ازدو خوردهای خونین بالاخره ایرانیان موفق شدند ازرسیدن مهمات وآذوقه باردوگاه قوای روس جلوگیری کنند. ژنرال تسی‌تسی‌یانف ناچارازمحاصرهٔ ایروان دست برداشت و عقب نشست بدین ترتیب دفاع وحفاظت ایروان برای مدت کوتاهی بدست سپاهیان ایران تأمین شد (شعبان ۱۲۱۹) (نوامبر ۱۸۰٤) سواران چابك ایران سپاهیان روسی را تعقیب کردند تابالاخره قوای روس باتحمل مشقات ودادن تلفات سنگین بسمت تفلیس عقب نشست تاباتجدید سازمان وقوا خودرا برای نبردهای بعدی آماده سازد.

این عقب نشینی تسی‌تسی‌یانف نتایج نامطلوبی در گرجستان ایجاد کرد خوانین دربند وباکو وقره‌باغ وشیروان فرصت رابرای قیام مسلحانه مناسب یافتند زیرادر این موقع مقاصد ونظریات خصمانهٔ باب عالی نیز برضددولت روسیه تزاری علنی شده

بود . بارسیدن فصل بدنیروهای درطرف درقرارگاه‌زمستانی خود تا ۱۲۱۹(۱۸۰۵) مستقر گردید ودرمدت چهارماه عملیات متوقف شد. ازوقایع مهم نظامی‌سال۱۲۱۹ (۱۸۰۵) پیاده شدن سربازان نیروی دریائی دولت روسیه در کرانه‌های گیلان‌است . روسها تصمیم داشتند بااشغال بندر انزلی پایتخت ایرانرا تهدید کنند . ولی فرمانده سپاهیان روس اشکالاتی راکه این اقدام ممکن بود دربرداشته باشد مطالعه نکرده بود ودرآغاز سال ۱۲۱۹ (۱۸۰۵) یکدسته ازنیروی دریائی روس مرکب از ۱۲ کشتی‌درتحت فرماندهی ژنرال‌شفت[1] دربندر کوچك‌انزلی که‌به‌مدخل‌مرداب انزلی‌مسلط بود پیاده‌شد ــ فرمانده نیروی‌دریائی دولت‌روس درنظرداشت که ازآنجا بطرف رشت پیشروی کند. طول مرداب انزلی درحدود۲۰ کیلومتربودوعمق‌قسمتی ازاین فاصله بعلت‌رسوبات شن باندازه‌ای کم بود که فقط کشتی‌های کوچك سبك و کم ظرفیت‌میتوانستند دراین فاصله حرکت کنند.فرمانده قوای‌روسی مصمم گردید نفرات خودرا درساحل مرداب حرکت دهد . خط سیر سپاهیان روس دراین نقطه باطلاقی فوق‌العاده‌سخت و گل‌آلود ومستورازجنگلهای انبوه بود . درداخلهٔ‌جنگل بدستورموسی لاهیجی فرمانده قوای ایران که از کمك گیلك‌ها نیزاستفاده میکرد طرف دشمن شلیك شد .

بااین حمله غیرمنتظره سربازان روسی مضطرب ومتوحش شدندوناچاربسمت انزلی عقب‌نشینی کردند وازآنجا بطرف باکو گریختند . درجبهه شمالغربی نظر باینکه پیش‌بینی‌میشد ممکن‌است نیروی دریائی شکست خوردهٔ روس بباکومتوجه گردد واین‌شهررا مورد تهدید قراردهد بدستور عباس میرزا قوای امدادی برای تقویت پادگان این شهرفرستاده شده بود .

پس‌ازشکست انزلی نیروی دریائی‌روس بباکوحمله کرد . مستحفظین‌بندردر برابر حملات اولیهٔ دشمن مقاومت بخرج دادند ولی بالاخره روسها موفق گردیدند درمقابل قلعه پیاده شده وباکمك توپخانه تلفات سنگین بمدافعین‌قلعه واردآوردند .

1- Sheft

عباس میرزا برای ایجاد تشتت درقوای دشمن مصمم شد ازسمت اردبیل بعقب داران سپاهیان روس حمله کند. ژنرال روسی جهت اجتناب ازمحاصره باحسینقلی خان حاکم باکووارد مذاکره شد. حاکم باکوبرای گستردن دامی برضدتسی تسی یانف پیشنهادات ویرا قبول کردوبرای مذاکره ژنرال روسی را بملاقات دعوت نمود ودرجریان مذاکرات تسی تسی یانف بدست ابراهیم خان پسرعموی حسینقلی خان کشته شد (ذیقعدهٔ ۱۲۲۰ ژانویه ۱۸۰۶) پس ازمرك ژنرال روسی فرماندهی سپاهیان قفقاز بهژنرال گودوویچ[۱] تفویض گردید.

درسال ۱۲۲۱ (۱۸۰۶) پیشرفتهای مختلفی درایالات شمالغربی ایران ودرطول کرانههای رود ارس نصیب روسها شد وبالاخره دولت روسیه شهرهای دربندوباکو وشیروان وشکی را بتصرف درآورد ولی روسها بعلت فتوحات مشعشع ناپلئون اول ازجبههٔ اروپا نگران بودندوبمناسبت شکستهائی که دراسترلیتز[۲] وسپس درایلو[۳] نصیب آنان گردیده بودمیخواستند درجبههٔ مشرق وقت بگذرانند.

برای اطلاع ازوضع عمومی اروپا درمقابل فتوحات وسیاست ناپلئون، لازم بود در فصل جداگانه ای از روابط دول معظم اروپائی و اتحادیه این دولتها بر ضد ناپلئون ونقشی که بخصوص روسیهٔ تزاری دراین سیاستها بازی میکرد بحث کنیم.

---

1 - Goudowitch
2 - Osterlitz
3 - Eylau

۲ـ اوضاع اروپا و روسیه دربرابر فتوحات ناپلئون

ناپلئون کنسول اول در سال ۱۲۱۹ (۱۸۰٤) امپراطور فرانسه شد وی ازسال ۱۲۱۷ (۱۸۰۲) یك سیاست صلح مسلط و توأم بافشار را درسویس و آلمان و ایتالیا تعقیب میکرد. اجرای این سیاست ازطرف ناپلئون دول معظم اروپا را سخت درتشویش واضطراب انداخته بود.

دولت انگلستان درسایهٔ صلح صنعت خود را بسط و ترقی داده ومخصوصاً مصمم بود تفوق بحری خودرا که شرط اساسی توسعهٔ تجارتی بشمار میرود دردریای مدیترانه تامین ومحفوظ دارد زیرا دولت بریطانیای کبیر کاملا متوجه بود که پیشرفت اقتصادی فرانسه آتیهٔ تجارتی انگلستان را جداً مورد تهدید قرارخواهد داد.

آلکساندر اول مغرور وازخود راضی، خودنما وجاه‌طلب، برای تظاهر وعوام فریبی وتهیهٔ وجههٔ ملی ذوق گزاف گوئی وآزادی خواهی وبشردوستی را درسیاست خارجی وارد کرده بود. بناپارت ازهمان آغاز کار درنظر وی یکنفر رقیب جدی مجسم شده بود.

بتدریج که امپراطور دراین فکر خودستائی غوطه‌ور میگشت خودرا فرستادهٔ خدا ومسیح تازه‌ای تصور کرده و بدون تکلف این الهام وارشاد یزدانی را بمیل واراده‌ای که جهت حفظ وتوسعهٔ ارث اجدادی خودداشت می‌آمیخت. این تصویر وتفسیر روحیهٔ آلکساندر بخوبی نشان میدهد بچه علت امپراطور، بسیار مایل بود دراروپا نقش میانچی بازی کند تا بتواند بتقلید ازسیاست جدخود کاترین دوم بمشرق مسلط شود وامپراطوری های ایران وعثمانی را درتحت فرمان خود درآورد. بهمین مناسبت رد وساطت دولت روسیه ازطرف رئیس ملت انقلابی درمورد اختلاف میان دولتین انگلستان وفرانسه آلکساندر را عصبانی کرد.

مخصوصاً سیاست ارضی واستعماری که الکساندر درمشرق تعقیب میکرد وی را برضد بناپارت فاتح مصر برانگیخت. آلکساندر میدانست که اگر بناپارت درآلمان

مستقرشود راه اسلامبول برای وی باز خواهد بود . آلکساندر هیچگاه تصور نکرده اروپارا باناپلئون تقسیم کند مگربااین امید که درموقع فرصت ازوی بازستاند.بااین ترتیب دولت روسیه زمینهٔ موافقی برای نزدیکی باسایر دول پیدا کرد ووقتی امپراطور خودرادر رأس مخالفین خارجی ناپلئون اول قرارداد نقش فعالی درتشکیل سومین اتحادیهٔ اروپا (ازآغازانقلاب باینطرف) برضد ناپلئون بازی کرد .

وحشت ونگرانیهای روسیه وانگلستان درمقابل ناپلئون موجب شروع مذاکره میان دودولت شد . درسالهای ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ (۱۸۰۵ـ۱۸۰٤) تزار آلکساندر اول معاهدهٔ اتحادی باپیت [1] امضاء کرد .بموجب این معاهده بایستی حدود کشورفرانسه بحدود قدیمی خود بر گشته واین کشورازدول کوچی محصور گرددتانتواند ازحدود خود تجاوز کند . این مذاکرات مشکل بود وبطول میانجامید تابالاخره وقتی ناپلئون خودراپادشاه ایتالیاخوانددولتین روسیه وانگلستان تصمیم گرفتندقراردادسن پطرزبرك رادرتاریخ ۱۱ آوریل ۱۸۰۵ (۱۱ محرم ۱۲۲۰)امضاء کنند.باصدور فرمان اشغال وانضمام ژن ازطرف ناپلئون بامپراطوری فرانسه بالاخره امیدهر گونه اصلاح قطع شدواتحاد دولتین انگلیس وروس درماه ژوئیهٔ همین سال بامضاء رسید دولت‌های ناپل وسوئدو اطریش نیزباین اتحادیه پیوستندومخاصمات درماه اوت ۱۸۰۵ آغازشد .

مشعشع ترین دوران فتوحات ناپلئون دوماه طول کشید. تسلیم لشکریان اطریش درباویر [2] درحوالی اولم [3] در۲۰ اکتبر ۱۸۰۵ شکست روسها و اطریشی هـا در استرلیتز [4] درماه دسامبر اطریشی هارا مجبور کرد که معاهدهٔ پرسبورك [5] رادر ۲۶ دسامبر ۱۸۰۵ امضاء کنند وقوای روسیه را ناچار ساخت که بطرف لهستان عقب نشینی نمایند .

فتوحات استرلیتزپروازمجددی بافکاربلندناپلئون داد. ژوزف بناپارت [6] برادر

1- Pitt
2 - Baviere
3 - Ulm
4 - Austerlitz
5 - Presbourg
6 - Joseph . Bonaparte

ارشدامپراطور پادشاه ناپل‌شد. جمهوری باتاو[1] بعنوان‌پادشاهی‌هلندبه‌لوئی‌بناپارت برادر کوچك‌ناپلئون‌تفویض گردیدوبالاخره‌درژانویه‌۱۸۰۶ (ذیقعدهٔ ۱۲۲۰)بناپارت ایجاد اتحادیهٔ جدیدی را بنام اتحادیهٔ رن[2] که حمایت آن بعهدهٔ بناپارت بود پیشنهادنمود. در مقابل‌این موفقیت‌های جدید ناپلئون دولتین‌انگلستان و روس سعی کردند برای ایجاد یك آرامش عمومی باب مذاکرات را بادولت فرانسه باز کنند.

درانگلستان پیت پرمدعی وپرتوقع درژانویهٔ ۱۸۰۶ در گذشت و فوکس[3] جانشین وی گشت. رئیس الوزرای جدید انگلستان با تالیران[4] داخل‌مذاکره شد دربارهٔ مسائل مربوط بقارهٔ اروپاموافقت بسهولت بدست‌آمدولی مسائل‌مربوط‌بشرق مانع ازپیشرفت مقدمات صلح بود.

انگلیسهاجزایرمالت[5]وسیسیل[6]راتصاحب کردند.وروسهاجزایرایونین[7] وکاتارو[8] رادردریای‌آدریاتیك اشغال نموده بودند.

هردو دولت مقتدر مصمم بودند بامحافظت این نقاط مانع‌راه مشرق گردند. ناپلئون‌بنوبهٔ خود میخواست اینراه راکه یگانه‌وسیله برای نیل‌بهدف‌اصلی‌وسیاست دائمی وی بود بهرقیمتی باشد بازنماید.

مسئلهٔهانور[9] باعث تشکیل اتحادیهٔ چهارم شد وپروس نیز درصف دشمنان ناپلئون قـرار گرفت. جنك برضد اتحادیهٔ چهارم در دو جبهه آغـاز شد یکی در

---

1 - Batave
2 - Rhin
3 - Fox
4 - Talleyrand
5 - Malte
6 - Ciciie
7 - Ioniennes
8 - Cattaro
9 - Hanovre

تورینگ (۱) برضد پروسی ها که بافتوحات درخشان اینا(۲) و اورستاد (۳) مشهور است(اکتبر ۱۸۰۶) شعبان ۱۲۲۰ ـ دیگری درلهستان برضد روسها که شش ماه بطول انجامید وبا فتوحات درخشان ایلو(٤) وفریدلاند (٥) خاتمه پذیرفت ژوئیه ـ دسامبر ۱۸۰۶

اروپا و روسیه درچنین وضعی قرارداشت وقتی که در جبههٔ مشرق مارشال گودوویچ (٦) جانشین تسی‌تسی‌یانف تصمیم گرفت معاهدهٔ صلح ویاقرارداد متارکه بادولت‌ایران امضاء کند. بدین‌مناسبت چند روزپس‌ازخبرفتح بزرك ایلواستیفانو(۷) نمایندهٔ مارشال گودوویچ که حامل پیشنهاد صلحی ازطرف دولت خود بود بدربار تهران رسید . ولی چون دولت ایران خواستار تخلیهٔ تمام نواحی اشغالی از طرف سپاهیان روس بود نمایندهٔ دولت روس درمأموریت خود توفیق نیافت . بااین رفتار فتحعلیشاه در واقع وقت میگذرانید زیرا وی در این موقع با دولت انگلستان مذاکرات جدی آغاز کرده و با دولت فرانسه برای انعقاد معاهدهٔ اتحادی اقدام نموده بود .

---

1 – Thuringe
2 - Iéna
3 - Aurestaed
4 – Eylau
5 - Friedland
6 - Goudowitch
7 - Istifanow

۳ـ مذاکرات فتحعلیشاه با دولتین انگلستان و فرانسه
رقابت انگلیس و فرانسه در ایران

موقع جغرافیائی ایران که در مشرق مانند سدی درمقابل جاه طلبی‌های دولتین انگلستان وروس قرار گرفته بودتوجه دول مقتدر اروپائی رابطرف این کشورمعطوف ساخت.نقشی را که باید دولت ایران بدستور بیگانگان دراین مرحله بازی کندباعث تحریکات دولتهای معظم اروپائی در تهران گردیدو دربار ایران بصحنهٔ نمایشات رقت‌انگیز سیاسی تبدیل یافت که بالاخره بضرر کشورخاتمه پذیرفت.

الف ـ مذاکرات بادولت انگلستان

در اواخر قرن‌هیجدهم دولت هند درزمان‌حکومت مارکی وازلی[1] تصمیم گرفت بادولت ایران تماس حاصل کند.

بعلت تجاوز متعدد زمان شاه کابل بسر حدات شمالغربی هندوستان توجه وازلی بطرف‌ایران معطوف‌شد. تیپوصاحب که‌قصدداشت‌با کمك فرانسویان‌انگلیسی هارا ازهند بیرون کند بـاولزلی درجنك بود . تیپوصاحب در ضمن زمانشاه‌را برای شغال پنجاب تحریص وتحریك میکرد .

وازلی به مهدی علیخان ایرانی که تابعیت انگلستان‌را قبول کرده و نمایندهٔ کمپانی هند دربوشهر بود دستورداد بدربارایران آمده وفتحعلیشاه‌را بلشکرکشی‌بر ضد زمانشاه وادار کند . دولت هندوستان با اجرای این سیاست درنظرداشت‌باایجاد گرفتاری در سرحـدات غربی افغانستان از دست اندازی زمانشاه بخاك هندوستان جلو گیری نماید . مأموریت نمایندهٔ وازلی باموفقیت‌کامل انجام پذیرفت وچنانکه دیدیم فتحعلی شاه درسال ۱۲۱٤ (۱۸۰۰) بخراسان لشگر کشید ومتوجه سرحدات

1 – Wellesly

افغانستان گشت.زمانشاه برای مقابلهٔ بافتحعلیشاه سپاهیان خود راازسرحدات هندوستان احضار کرد ولی در مقابل لشکریان ایران تاب مقاومت نیاورده و ازقندهار بهرات گریخت از این لشکرکشی فتحعلیشاه هیچ نفعی عایددولت ایران نگردید درصورتیکه کمپانی هندنتایج بسیارخوبی ازاین اقدام بدست آورد زیرا درنتیجهٔ احضارسپاهیان افغانی از سرحدات هندوستان کشورهند ازخطرتهدید افغان نجات یافت .

در این موقع احساسات ضد فرانسوی در هندوستان شدت یافته و پیشرفت های ناپلئون مخصوصاً باعث ناراحتی خیال لرد ولزلی شده بود زیرا درنقشهٔ سیاست جهانی ناپلئون کشورایران وسیله‌ای برای اشغال هندوستان منظور گشته ومطالعهٔ این طرح درسال ۱۸۰۰ (۱۲۱٤) پایان یافته بود. درهمین سال ازطرف پل اول[1] و کنسول اول قزاقها مأموریت داشتند بطرف ایران حرکت کنند ولی قتل تزارمانع انجام عملیات گردید .

مهدیعلیخان درمراجعت ازتهران باکاپیتن مالکولم[2] که برای اولین مأموریت خود درساحل ایران دربوشهرپیاده شده بود ملاقات کرد . بادرنظر گرفتن دستورات لرد ولزلی مالکولم اولین هیئت نمایندگی دولت انگلیس درایران در زمان سلطنت شارل دوم مأموریت داشت که دربرابرخیالبافیهای فتحعلیشاه اظهار تملق کرده ومخصوصاً سیاست ضد افاغنه را درایران تقویت کند بعلاوه مالکولم موظف بود تعهداتی برضد فعالیت فرانسویان درایران ازشاه بگیرد .

باجلب تمایل درباریان بوسیلهٔ هدایای قیمتی وپول مالکولم موفق شد یك معاهدهٔ تجارتی وسیاسی منعقد کند. مساعدت حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله صدراعظم فتحعلیشاه در انجام این امر فوق‌العاده مفید واقع شد . مطابق مواد این معاهده دولت ایران تعهد میکرد درصورتیکه امیرافغان از فکر تصرف هندوستان منصرف نگردد باامیرمزبورصلح نکند درمقابل ، نمایندهٔ بریطانیای کبیرقبول میکرد اگر

---

1 – Paul 1
2- Malcolm

چنانکه کشور ایران مورد حملهٔ افاغنه و یا دولت فرانسه قرار گیرد اسلحه و مهمات لازم بدولت ایران تحویل دهد این معاهده با تشریفات فرمان سلطنتی در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۲۱۵ (۲۷ ژانویهٔ (۱۸۰۱) تأیید شد[۱]

دراین فرمان به حکام وصاحبمنصبان و مأمورین بنادرو گمرك ایالات فارس و خوزستان دستورداده شد بمنظورایجاد مزاحمت برضد فرانسویانی که میخواهند وارد ایران گردند تصمیماتی اتخاذ کنند. وهمچنین تأکید شد فرانسویانی را که مایلند دربنادر و یاسرحدات ایران اقامت کنند اخراج نمایند. درنامه‌ای بتاریخ ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ (٦ شوال ۱۲۱۵) مالکولم به لردولزلی کامیابیهای دیپلماسی خودرا شرح داده و متذکرمیگردد که‌هدف تجارتی مأموریت‌وی باموفقیت انجام یافته‌است راجع بقسمت سیاسی مأموریت خود میگوید. مواد ۵ و ٦ معاهده که مربوط است بسیاست ضدافغان وفرانسه وازطرف دولت ایران بموقع اجرا گذارده خواهد شد باندازه‌ای صریح وواضح است که جای هیچگونه شك وتردیدی باقی نمیگذارد.

کمی پس ازمراجعت‌مالکولم حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله‌متهم‌بخیانت‌شده ودرتهران بقتل رسید.

بااینکه‌اولین‌مأموریت‌مالکولم‌باتوفیق کامل‌انجام یافت‌سایکس[۲]وراولنسن[۳] اظهارتأسف میکنند ازاینکه این مأموریت ایرانیان را از موقع جغرافیائی کشور خود ونقشی را که میتوانند درآینده بازی کنند مطلع گردانیده وآنانرا با این سیاست آشنا ساخت. در جواب هیئت نمایندگی دولت هند که باتشریفات بسیار بایران آمده‌بود فتحعلی‌شاه‌درسال ۱۲۱۷(۱۸۰۲) حاج‌خلیل‌خان‌را بعنوان‌نمایندگی دولت ایران مأمور هند ساخت. در بین راه‌درنتیجهٔ‌نزاعی که میان همراهان نمایندهٔ

---

۱ — نامهٔ ۲۰ فوریه ۱۸۰۱ مالکولم به‌ولزلی London .P.R. O.P.Fo.60 . TI.

2 — Sykes

3 — Raw linson

ایران وسربازان هندی‌مأمور اسکورت حاج خلیل خان رخ داد نمایندهٔ ایران‌بقتل رسید .

در جریان سال ۱۲۲۰ (۱۸۰۵) درنتیجهٔ تعرض و فشار سپاهیان دولت روس میرزا بزرك [۱] وزیرعباس‌میرزابوسیلهٔ سرهارفورد جونس [۲] نمایندهٔ سیاسی‌دولت انگلستان دربغداد کمك بریطانیارا نسبت بایران تقاضا کرد سرهارفوردجونس [۳] درتاریخ ۱۹ اکتبر ۱۸۰۵ (۲۵ رمضان ۱۲۲۰) درپاسخ نامهٔ میرزا بزرك اطلاع داد که‌وی‌دولت‌بریطانیای کبیررا ازمفاد نامهٔ نمایندهٔ دولت ایران‌مستحضرساخته است . ضمناً چون ازورود ژوبر [٤] بدربارایران اطلاع یافت تذکرداد که فرانسویان تنها بمنظورخلل وارد کردن‌بدوستی‌موجود میان‌پادشاه ایران‌وانگلستان بایران آمده‌اند زیرا کمك دولت فرانسه بایران امکان پذیرنیست برای کمك بایران دولت فرانسه ناچاراست ازخاك آلمان ومتصرفات عثمانی وروسیه عبور کند ازطرف دریانیزدولت فرانسه نمیتواند هیچگونه کمك دریائی بایران‌بفرستد .

بااین ترتیب دولت فرانسه بوعدهٔ خود وفانکرده وبالاخره دولت ایرانرابحال خود رها خواهد کرد [۵]

درجریان سال ۱۲۲۰ فتحعلیشاه که ازتجاوزات دولت روس سخت مضطرب بود مجدداً هیئتی بریاست محمدنبی خان برای دریافت کمك دولت انگلستان بـه هندوستان اعزام داشت ولی اقدامات نمایندهٔ دولت ایران هیچگونه نتیجه‌ای ندادو فتحعلیشاه درفرمانی که درماه ربیع‌الاول ۱۲۲۱ (مه ۱۸۰٦) بنمایندهٔ‌خودبهندوستان فرستاد ورود نمایندگان دولت فرانسه را اعلام نمود وبادرنظر گرفتن اتحاددوستی

---

۱ ــ میرزا عیسی‌خان فراهانی ملقب به میرزا بزرك که درسال ۱۲۲٤ (۱۷۰۹) عنوان قائم مقام یافت .

2 - Sir Harfaord jones

۳ ــ نامهٔ میرزا بزرك به‌سرهارفورد جونس London.P.R.O. P. F. Fo.60. TI.

4 - Jaubert

۵ ــ نامهٔ مورخ ۱۹ اکتبر ۱۸۰ه سرهارفورد جونس به میرزا بزرگ
London.P.R.O.P.Fo.60 TI.

موجود میان دولتین ایران وانگلیس کمك دولت اخیررا در مقابل تجاوزات دولت روس تقاضا کرد[۱]

ولی‌متأسفانه تمام‌اقدامات‌میرزا بزرك دربغدادواعزام هیئتهای نمایندگی‌بهند وتقاضاهای موکدومکررفتحعلیشاه به‌نتیجه‌ای نرسیه زیرا پس ازعزیمت لردولزلی از هندوستان و آمدن‌لردمینتو [۲] در کلکته یکنوع بی‌علاقگی نسبت بامور ایران حکمفرمابود.علت تغییرسیاست دولت انگلستان رامیتوان باین ترتیب بیان کرد که پس ازپایان جنگهای فرانسه‌وانگلیس درمصر وسوریه‌وشکست‌فاحش قوای‌ناپلئون اهمیت اتحادمیان‌دولتین ایران وانگلیس ازبین رفت بطوریکه محمدنبی‌خان سفیر ایران‌بدون اخذ کمترین‌نتیجه‌ای‌درماه‌ذیقعدهٔ ۱۲۲۰(ژانویهٔ۱۸۰۷) بتهران مراجعت کرد.

---

۱ ــ فرمان مورخ ربیع‌الاول ۱۲۲۲ (مهٔ ۱۸۰٦) فتحعلیشاه به محمد نبی‌خان
London.P.R O.P.Fo·6o·TI.
۲ - Lord.Minto

ب - مذاکرات بادولت فرانسه

دردورهٔ سلطنت آغا محمدخان برای ایجاد روابط سیاسی وتجاری یك هیئت فرانسوی ازاسلامبول بتهران آمد. سپس درسال ۱۲۱۵ (۱۸۰۱) یکنفر تاجرارمنی حامل مکاتبات رسمی ازطرف دولت امپراطوری فرانسه با کمك روسو (۱) کنسول آن دولت دربغداد بایران وارد شد.

ولی چون درتهران کسی نتوانست این نامه هارا بخواند اقدام روسوبی نتیجه ماند لکن دربارتهران بدینوسیله ازورود قریب الوقوع نمایندگان دولت فرانسه اطلاع حاصل کرد.

معاهدهٔ آمین (۲) درتاریخ ۲ ماه مارس ۱۸۰۲ (۲۷ شوال ۱۲۱۶) یعنی درواقع یك سال بعد ازاقدام روسوبامضاء رسید. این معاهده دولت عثمانی را ملزم میساخت که بادولت فرانسه قراردادی راجع به‌بغازها منعقد سازد بهمین جهت مطابق مواد معاهده‌ای که درتاریخ ۲۶ ژوئن ۲۶ ژوئن ۱۸۰۲ (۱۴صفر۱۲۱۷) میان دولتین عثمانی وفرانسه بامضاء رسید بغازها جهت عبور کشتی‌های فرانسوی آزاد شد.

روفن (۳) ازطرف ناپلئون مأموریت یافت کنسولگریهای مشرق را دایر کند. اسکالن (٤) تاجرمقیم قسطنطنیه وروسو قبلا توجه ناپلئون را نسبت بایران جلب کرده بود این دونفرمخصوصاً وضع جغرافیائی و سوق‌الجیشی ایرانرا شرح داده متذکر شده بودند که این کشوربمناسبت همسایه بودن با هندوستان تاچه حد ممکن است برای مغلوب ساختن دولت انگلستان دریکی ازمهمترین مستعمراتش مؤثرواقع

1– Rousseau
2 – Amiens
3 - Ruffin
4 - Escalon

گردد . این تلقین ونظریه مورد پسند فرمانده سابق قوای فرانسه درلشکر کشی های مصر قرار گرفته و کنسول اول همانوقت توجه خودرااز آنسوی بوسفر و آناطولی بسمت ایران معطوف ساخت وبمارشال برون[۱] درحین حرکت بطرف قسطنطنیه درتاریخ ۱۸۰۲ دستورداد که بادولت ایران وارد مذاکره شود .

درسال ۱۸۰۳ (۱۲۱۸) منظوردولت فرانسه عملی شد ودرتاریخ دوم‌ماه اکتبر همین سال (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۱۸) تالیران [۲] بـه ژان فرانسوا روسو[۳] نمایندهٔ دولت فرانسه دربغداد اطلاع داد که کنسول اول مایل است که او جداً برای افتتاح باب مکاتبه بادولت ایران اقدام‌نمایدووسایل این‌امررافراهم سازد . روسو نیزدرنتیجهٔ روابط خود باایران درمأموریت خویش توفیق حاصل کرد .

اشغال ناگهانی اراضی ایران ازطرف سپاهیان روسی وبی‌اعتنائی دولت هندو بریطانیای کبیرنسبت بایران‌روابط‌دولتین ایران‌وفرانسه رامحکمترساخت.فتحعلیشاه فرصت راغنیمت شمرده تصمیم گرفت کمك ناپلئون را برضد دولت روسیه تزاری جلب کند . برای همین منظورنیزدولت ایران قبلا دست بجانب دولت‌انگلستان‌دراز کرده کمك ومساعدت آندولت‌را خواسته بود . دولت بریتانیای کبیر در برابر این مساعدت واگذاری بنادربحرخزر وهرمزوبوشهررا درخلیج فـارس میخواست . این بود کـه در مقابل توقعات فوق‌العاده سنگین وغیرقابل قبول دولت انگلستان دولت ایران بحکم اجبارازدرخواست مساعدت صرف‌نظر کرد وتوجه خودرا بطرف دولت فرانسه معطوف داشت .

بموجب نامه‌ای[٤] کـه میرزا بزرك وزیر عباس میرزا به سرهارفوردجونس نمایندهٔ انگلستان دربغداد نوشته معلوم میشود که فتحعلیشاه درنبرد اول ایروان در

---

1 - Brune

2 - Talleyrand

3 - Jean François · Rousseau

٤ — نامهٔ میرزا بزرك به سرهارفورد جونس .

London .P.R.O P.Fo . 60 · TI

سال ۱۲۱۹ (۱۸۰٤) نامه‌های امپراطورفرانسه را بوسیلهٔ دو نفرتاجر ارمنی دریافت کــرد .

دراین نامه‌ها ازطرف دولت فرانسه به‌برقراری مجدد روابط دوستانه میان دو کشور اشاره شده وناپلئون پیشنهاد کرده‌است که ازدوطرف بسرزمین روسیه حمله شود . فتحعلیشاه درمقابل این اقدام وپیشقدمی دولت فرانسه نامه‌ای بوسیلهٔ مارشال برون سفیر دولت فرانسه‌درقسطنطنیه به‌ناپلئون ارسال داشت . فتحعلیشاه دراین‌نامه بنوبهٔ خود گوشزد میکند کــه عقد قرارداد اتحادی بادولت ایران ممکن است راه لشکرکشی بهندوستانرا برای امپراطوری فرانسه بازوتأمین کــند ویالااقل خاطر انگلیسیهارا نسبت بمستعمرات‌آسیائیشان نگران سازد (این پیشنهاد فتحعلیشاه و آشنائی دولت‌ایران بوضع جغرافیائی‌واهمیت سوق‌الجیشی خود موضوع‌نگرانیهای سایکس(۱) وراولنسن(۲) را تأیید میکند).

نامهٔ ارسالی‌بوسیلهٔ‌مارشال برون درتاریخ‌ژانویهٔ ۱۸۰۵ (شوال ۱۲۱۹)بپاریس رسید . دولت فرانسه پس ازدریافت نامهٔ فتحعلی شاه مصمم گشت که دوهیئت‌بطرف ایران اعزام دارد. سرپرستی‌یکی‌ازاین هیئتها به‌آمده‌ژوبر(۳) منشی و مترجم‌السنهٔ شرقی ودیگری به‌سروان رومیو(٤) سپرده شد .

دولت فرانسه مخصوصاً بنمایندگان خود دستورداد قبلا به‌قسطنطنیه روندو ازآنجا بدون‌آنکه کسی‌ازنوع مأموریت ومقصدآنان‌اطلاع حاصل کندبسوی‌ایران عزیمت کنند .

ژوبرمینویسد برای اینکه این مسافرت باموفقیت تــوأم باشد بایستی دستور دولت فرانسه‌کاملا رعایت گردد . پادشاه ایران نیزمخصوصاً باین نکته اهمیت‌زیادی قائل بود زیرا باب عالی نمیخواست واجازه نمیداد که مسافرین اروپائی از ایــالات

---

1 - Svkes
2 - Rawlinson
3 - Amédé Jaubert
4 - Romieux

آسیائی امپراطوری عثمانی عبور کنند. علاوه براین بایستی متوجه بود که اتباع دولتین روس وانگلیس که درامپراطوری عثمانی مشغول خدمت بودند اگر ازهدف مأموریت نمایندگان دولت فرانسه اطلاع می‌یافتند برای جلوگیری ازپیشرفت کار ایشان ازهیچ اقدامی کوتاهی نمیکردند بهمین علت بود که ژوبر درتاریخ ۷ ماه مارس ۱۸۰۵ مطابق ۲۳ ذیحجه‌پاریس‌را ترك گفت رعایت نهایت هزم واحتیاط بوی توصیه شد.

متأسفانه قبل‌ازرسیدن نمایندگان‌فرانسه بتهران هرهارفوردجونس‌ازموضوع مأموریت‌آنان مطلع شده بود.اوانس‌پیتکارن[1] یکی ازجاسوسان ارمنی انگلستان ازتبریزمقرحکومت عباس میرزا بنمایندهٔ دولت‌انگلستان‌دربغداد اطلاع‌داد:«دونفر سفیر ازطرف‌دولت‌فرانسه‌قریباً بتهران‌خواهد رفت‌یکی‌ازطریق قسطنطنیه دیگری از راه بغداد.

میرزا رضاخان که حامل نامه‌های دوستانه است برای‌انعقاد معاهدهٔ‌اتحادی با ناپلئون بفرانسه خواهد رفت.من جدیت فوق‌العاده بخرج دادم بلکه رونوشت یکی از پیشنهادهارابرای اطلاع‌شمابدست بیاورم»باید متوجه بود که‌اگر پتیکارن‌موفق بتحصیل رونوشت‌مدارك وپیشنهادهای دولت فرانسه‌نگردیده لااقل‌مطابق شرحی که به‌سرهارفورد جونس نوشته‌معلوم میشود که‌از مضمون آنها اطلاع کامل داشته.زیرا پتیکارن چنین مینویسد:« دولت فرانسه درتمام ایران یکنفر نماینده خواهدداشت. دشمن یکی ازدو دولت دشمن دیگری تلقی خواهدشد.اگر دولت‌فرانسه مایل‌باشد بطرف هندوستان لشکر کشی کند شاه‌نه تنهابسپاهیان‌فرانسه‌اجازهٔ عبور خواهدداد بلکه تعهد کرده است باقوای نظامی باین لشکر کشی کمك‌نماید»[2]

پتیکارن اطلاعات خود رااز منبع موثق بدست آورده بود زیرا مواد معاهدهٔ فین کن‌اشتاین که‌بعدهامیان دولتین ایران وفرانسه بامضاءرسید شاهداین مدعاست،

---

۱ - Owanes Pitarn

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۱ مه ۱۸۰۶ اوانس پیتکارن به سرهارفورد جونس
London·P.R.O.P..Fo.60.TI که در تاریخ ۲۶ همان ماه به بغداد رسید.

تشکیلات سری ومکمل جاسوسی دولت انگلستان درایران سرهارفورد جونس رااز کمترین اقدام دولت فرانسه باخبر میساخت.

نمایندگان دولت فرانسه درماه آوریل بهقسطنطنیه رسیدندواز طرف روفن[1] مشاور سفارت فرانسه کمکهای لازم درحق آنان بعمل آمد. دولت انگلستان که بوسیلهٔ نمایندگان خود در بغداد ازموضوع مسافرت مأمورین دولت فرانسه اطلاع حاصل کرده بودتمام مساعی خود را برای خنثی کردن اقدامات آنان بکاربرد.

نخست رومیواز طریق بغدادحرکت کرد وبابرخورد باشکالات فوق العاده زیاد درتاریخ ۲٤ سپتامبر ۱۸۰۵ (۲٦ جمادی الثانی ۱۲۲۰) وارد تهران شد و بخدمت فتحعلیشاه رسیدونامهٔ مورخ ۳۰ ماه مارس ۱۸۰۵ ناپلئون را تسلیم نمود :

« سلام بناپارت امپراطورفرانسویان بفتحعلیشاه امپراطورایرانیان .

« باید باور کنم قوای مافوق الطبیعه یی که ناظر مقدرات کشور ها میباشند میخواهند که من بکوششهایی که تو[2] در راه تأمین قدرت امپراطوری خود بخرج میدهی یاری کنم. زیرا دریك موقع یك فکر بخاطرما خطور کرد. مأمورین حامل نامه های ما همدیگر را درقسطنطنیه ملاقات کردند ودرحینی که حاکم تودرتبریزبا نمایندهٔ من درحلب مکاتبه میکرد من بنمایندهٔ خود مأموریت دادم باحکام سرحدی ترك رابطه برقرارسازد .

« بایستی تابع الهامات یزدانی بود ـ زیرا خداوند شاهزادگانرابرای خوشبختی ملل آفریده است ووقتی درهرچند قرنی مردان بزرگی رامبعوث میکند ارادهٔ خود رابرای تطبیق نقشه های آنان به آنها تحمیل مینماید وافتخارات آنانرا فزونی میدهد وارادهٔ ایشانرا برای انجام عمل نیك قوی تر میسازد .

« ماچه اختلاف نظری میتوانیم داشته باشیم ؟ ایران نجیب ترین ناحیهٔ آسیا و فرانسه اولین امپراطوری مغرب است. آیا سلطنت کردن بر کشورهایی که طبیعت مایل است آنها را زینت داده و بامحصولات فراوان ثروتمند سازد آیا فرمان دادن بمردان

1-Ruffin

۲ـ استعمال کلمهٔ « تو » احترام متقابل و یگانگی میان دو پادشاه را میرساند .

صنعت گروباهوش وجسوری که سکنهٔ این کشورهاراتشکیل میدهند بهترین تقدیر نیست ؟

« درروی زمین امپراطوری هایی وجوددارد که در آنجا طبیعت ناسازگار و بی‌ثمرمایحتاج‌ضروری ملتهارا بادریغ تولید میکند . دراین کشورهامردم مضطرب وحریص وحسود بدنیا میآیند .

« بدابحال سکنهٔ ممالکی که آنجارا خداوند شامل فیض خود قرار داده و از انواع نعم برخوردارمیسازد ولی شاهزادگانی بآنها عنایت نمیکند، که قادر باشند آنانرا درمقابل اقدامات جاه طلبانه وحرص وولع وفقرحمایت کنند .

« روسها که درصحاری خود دررنج و ملالند ببهترین قسمتهای امپراطوری عثمانی‌دست‌اندازی میکنند.انگلیسیان درجزیره‌ای که‌ارزش‌آن برابر کوچکترین ایالات امپراطوری تو نیست محبوس هستندحرص‌ثروت‌آنان‌راتحریك کرده‌است که درهندوستان قدرتی‌ایجاد کنند که‌روزبروز خطرناکترمیشود.اینها ممالکی هستند که بایستی مراقبت کرد وازآنها ترسید . نه‌ازلحاظ اینکه قوی‌هستند بلکه برای اینکه احتیاج وعلاقهٔ مفرط دارند که قوی شوند .

« یکی ازخدمتگزاران من اولین علائم دوستی مرا بتوابلاغ کرد . شخصی را راکه امروزپیش تومیفرستم بخصوص موظف است درپیرامون افتخارات وقدرت و احتیاجات ومخاطرات تواطلاعاتی بدست بیاورد ،شخصی است جسوروعاقل‌احتیاجات رعایای تورا تشخیص خواهدداد تابی‌باکی وشهامت‌آنان با کمك صنایعی که‌هنوزدر مشرق شناخته نشده وباوضع فعلی دنیا ومغرب زمین شناسایی‌آنها به‌تمام‌ملل‌جهان لازم وضروراست مورد استفاده قرار گیرد .

« من اخلاق ایرانیان‌را میشناسم ومیدانم که بانشاط وسهولت‌آنچه‌را که برای افتخارات وامنیت ایشان ضروریست میآموزند . ولی وقتی رعایای‌توتوانستند اسلحه بسازند ، وقتی‌سربازان‌توتربیت‌یافتند تابتوانند دریك‌مانورسریع جمع‌شوندومتفرق گردند ، وقتی یاد گرفتند که حملهٔ شدیدی‌را باآتش توپخانهٔ متحرك پیش ببرند

بالاخره وقتی سرحدات تو بوسیلهٔ قلاع متعدد محفوظ گردید ودریای خزر شاهـد اهتزاز بیرقهای نیروی دریائی ایران شدآنوقت تویك امپراطوری غیرقابل تعرض‌و رعایای شکست ناپذیرخواهی داشت.

«من باید روابط مفیدرا باتو ادامه‌دهم. من ازتوخواهش میکنم خدمتگزاری را که‌برای تومیفرستم بامحبت قبول کنی. من نیزاشخاصی‌را که بدربار من خواهی فرستاد باملاطفت خواهم پذیرفت. من مجدداً برای تو عنایت یزدانی ویك سلطنت طولانی ومتعالی وعاقبت مسعودی راآرزومیکنم.

«درکاخ امپراطوری من درتویلری[1] پاریس بتاریخ ۹ ژرمینال[2] سال ۱۳ (۳۰ مارس ۱۸۰۵) سال اول سلطنت‌من تحریریافته (ناپلئون). وزیر روابط‌خارجی شارل موریس‌تالیران[3]».

ولی رومیو کـه براثر اشکالات مسافرت وزحمات راه خسته و فرسوده بـود مریض شد و ده روز پس از ورودش بتهران درگذشت ودرمدت کوتاه اقامت خـود در تهران با وجود ضعف و ناتوانی گزارش قابل توجهی تهیه کرد و برای ناپلئون فرستاد.

ژوبر که ازطریق ارز روم بمسافرت خود ادامه میداد بنا بدستورباب‌عالی‌باتهام جاسوسی ازطرف پاشای بایزیدمحبوس شد وچهارماه درحبس بود تابالاخره‌درنتیجهٔ مداخله واعتراض دولت ایران بپاشای بایزید آزاد شد ودرپنجم مـاه ژوئن ۱۸۰۵ (۷ ربیع‌الاول ۱۲۲۰) بتهران وارد شدواعتبارنامهٔ مورخ ۱۶ فوریهٔ ۱۸۰۵ (۱۶ذیقعدهٔ ۱۲۱۹) خودرا تقدیم فتحعلیشاه کرد:

«بناپارت امپراطورفرانسویان بفتحعلیشاه امپراطورایرانیان:

«من همه جا مأمورینی دارم تاآنچه‌را که برای شناسایی من لازمست اطلاع دهند. من‌بوسیلهٔ آنان‌میدانم درکدام محل وچه موقعی میتوانم بشاهزادگان‌وملل

1–Tuilerie

2 - Germial

3-PaRis.A.E.P.dos.8.Fol.24

که مورد علاقهٔ من هستند نصایح دوستانه ابلاغ کرده بانفوذ و قدرت خود مساعدت کنم.

«شهرت وافتخار که وسیلهٔ تبلیغ است شخصیت و کارهای مرا بتو شناسانده است. تومیدانی من چگونه ملت فرانسه‌را مافوق همهٔ ملل مغرب قراردادم و با چه علائم مشخصی توجه خودرا نسبت بسلاطین مشرق زمین نشان دادم وچه عللی سبب شد که پنجسال قبل ازتعقیب نقشه‌هائی که برای افتخاروخوشبختی ملل آنان داشتم صرف نظر کنم(۱).

«ایران سرزمین نجیبی است که طبیعت آنرا از عطایای خود برخوردارساخته است. سکنهٔ آن مردم باهوش و بی‌باکی هستند که شایستگی حکومت شایسته‌دارند. معلوم میشود ازیکقرن باین طرف عدهٔ زیادی ازاسلاف تولیاقت فرمانروائی به این ملت‌رانداشته‌اند زیراآنان این ملت‌را بحال خودرها کرده‌اندتازجر ببینندودرجنگهای خانگی از پای در آیند.

«نادرشاه جنگجوی بزرگی‌بود که موفق‌شد قدرت بزرگی‌تحصیل کند. وی در مقابل مفسده‌جویان سهمگین ودر برابرهمسایگان‌خودمهیب بود. بردشمنان خود غالب آمد وباافتخار سلطنت کرد وی این فرزانگی رانداشت که هم‌بفکر حال وهم بفکر آینده باشد اخلاف وی جانشین وی نشدند. بنظر من تنها محمدشاه‌عموی تو مانند یك شاهزاده‌فکر کرده‌وزندگی‌نموده است. وی‌قسمت‌اعظم ایرانرا تحت‌فرمان خودقرار داد وسپس قدرت سلطنت‌را که بوسیلهٔ فتوحات خود بدست آورده بودبتو تفویض کرد. تواز وی تقلید کرده واز نمونه‌هائی که‌بتوداده‌جلوتر خواهی رفت. تونیز مانند وی‌خودرا ازنصایح ملت‌تاجری که در هندوستان زندگی‌وتاج‌و تخت‌سلاطین رامعامله‌میکند بر کنارخواهی داشت ـ توارزش‌دولت خود را در مقابل‌دولت روسیه که اغلب بقسمتی از امپراطوری تو مجاور خاك آن دولت تجاوز میکند، قرار خواهی داد.»

۱ـ دراینجاناپلئون بقتل‌پل اول امپراطورروسیه که در سال ۱۸۰۰ اتفاق افتاد اشاره میکند که نقشهٔ اشغال هندوستان راازطریق ایران عقیم گذاشت.

«یکی از خدمتگزاران بسیار صدیق خودرا که نزد من وظیفهٔ مهمی راعهده‌دار است پیش تو میفرستم. بوی مأموریت داده‌ام که احساسات مرا برای تو بیان کند و آنچه را که بدو اظهار خواهی داشت بمن گزارش دهد.من بوی امر میکنم بقسطنطنیه برود زیرا میدانم که یوسف و اسیلویتز[1] یکی از رعایای تو که مأمور رساندن پیشنهادهای مودت آمیز تواست بآنجارسیده‌است. خدمتگزارمن ژوبر نسبت بمأموریت این ایرانی مطالعه خواهد کرد واز آنجا ببغداد خواهد رفت ودر آنجا رومیو یکی از نمایندگان باوفای من دستورات وسفارشهای لازم بوی خواهد داد تادربارترا مطلع سازد.وقتی ترتیب این ارتباط برای یکمرتبه داده شد هیچ مانع وجود نخواهدداشت که همواره ادامه یابد.

«تمام ملل محتاج یکدیگرند ـ مردم مشرق زمین ذکاوت و جسارت دارند ولی عدم اطلاع ازبعضی صنایع وبی‌اهمیت شمردن بعضی قواعد انضباطی که قدرت و فعالیت سپاه را چندین برابرمیکند به‌آنان ضررهای جبران ناپذیر هنگام جنگ برضد شمالی‌ها و مغرب زمینی ها میرساند ـ امپراطوری نیرومند چین سه بار فتح شده وامروزنیز یك ملت شمالی درآنجا حکومت میکند.

«توبچشم خودمی‌بینی انگلستان، یك ملت غربی، که میان ما تعدادجمعیتش ازهمه کمترووسعت اراضیش ازدیگران کوچکتراست چگونه تمام دولتهای هندوستان را بلرزه درآورده است.

«تو آنچه‌را که مایل هستی بمن اطلاع خواهی داد ومار وابط دوستی وتجاری را که سابقاً میان امپراطوری تو و من وجود داشت تجدید خواهیم کرد ـ متحداً برای ازدیاد قدرت وثروت ملتهای خودمان اقدام خواهیم نمود.

«ازتوخواهش میکنم ازخدمتگزار باوفای من که پیش تومیفرستم خوب پذیرایی کنی من بتوعنایات یزدانی یك سلطنت طولانی وبا افتخـار و یك عاقبت سعادتمند آرزومیکنم[1].»

1- Ossefph — Vassilovitz

2- Paris.A.E.P.dos.8.Fol.227-222

دراین نامه‌ها ناپلئون ازبرقراری روابط دوستانه صحبت میکند ونشان‌میدهد دولت ایران بااستفادهٔ ازتسلیحات اروپائی درارتش خود چه قدرتی می‌تواند بدست بیاورد . ولی درواقع مأمورین‌فرانسوی موظف بودند فقطازوضع‌ایران اطلاع‌حاصل کنند . ژوبرازفرط خستگی مسافرت ناخوش بود فتحعلیشاه ازترس‌اینکه‌مبادا وی نیز مانند رومیوتلف شود باعجله نمایندهٔ فرانسه‌را مرخص کرد ژوبراطلاعات‌مفیدی باخود همراه داشت ودرآغازسال ۱۸۰۷ (۱۲۲۱) وارد پاریس شد وی توانسته بود روابط حسنه با دربار تهران برقرار سازد بدون آنکه تصمیم مفیدی دربارهٔ ایران گرفته شود .

معاهدهٔ فین کن اشتاین [1] وهیئت نمایندگی ژنرال گاردان [2]

فتحعلیشاه پیشنهاداتی بوسیلهٔ ژوبر بدولت فرانسه تسلیم کرد - سرهارفورد جونس کنسول انگلیس دربغداد بفاصلهٔ چندروزی موفق شد اطلاعات دقیقی دربارهٔ این پیشنهادها که برای دولت انگلیس فوق‌العاده مفید بود بدست بیاورد - پس از فتح ایلو [3] تصمیم ناپلئون درانجام نقشهٔ خود یعنی وارد کردن ایران درمدارسیاست جهانی راسخ گردید . زیرا بااین ترتیب دولت ایران ازیکطرف درسمت جنوب قفقاز بتعرض مبادرت میورزیدواین تعرض بنفع ارتشهای فرانسه وبضرردولت روسیه تمام میشد ازطرف دیگرباجرای این سیاست ممکن بود نقشهٔ حملهٔ بهندوستان بکمك ایرانیان عملی گردد. این بود که پس‌ازفتح ایلوناپلئون امپراطورفرانسه لازم‌دانست درنامهٔ مورخ ۱۷ ژانویهٔ ۱۸۰۷ (۸ ذیقعدهٔ ۱۲۲۱) که بوسیلهٔ دولابلانش به‌فتحعلیشاه فرستاده شد فتوحات خودرا درپروس وروسیه اعلام کرده احیاء مجدد دولت لهستان رااطلاع دهدوپادشاه ایران‌را برای حملهٔ بگرجستان ترغیب کند ماازلحاظ اهمیت تاریخی درزیرترجمهٔ نامهٔ ناپلئون‌را درج میکنیم :

«سلام ناپلئون امپراطورفرانسویان وپادشاه ایطالیا بفتحعلیشاه‌پادشاه‌ایرانیان من‌مراتب مودت خودرا بتوتقدیم داشته‌ودوتن ازخدمتگذاران باوفای خودرا پیش توفرستادم . جسدیکی‌از آنان درحین انجام مأموریت بعنوان وثیقه‌پیش توماند دیگری‌مأموریت خودراکاملابجاآورد ومن‌ازافکارتونسبت‌بخودم وازمساعی‌متهورانه

---

1 - Finkenstein

2 - Gardane

3 - Eylau

وپیروزیهای تو برضد دولت روسیه مطلع گردیدم . از پیشرفتها و توفیقهای من نیز اطلاع حاصل کن شاید این موفقیتها برای تو منبع الهام اعتمادجدید باشد . من امپراطوری خودرا برای استقبال دشمنان خود ترك کردم . لشکریان آنان تار ومارشد و دریك حرکت پانصد فرسخی من تمام نواحی راتحت اطاعت خود درآوردم: پروس فتح شد وشکستهای خونین روسها مرا بتو نزدیك کرد دشمنان من همه‌جا مواجه باشکست شده و درحال فراربآنطرف نیمن[1] رانده شدند ودرسرحدات خود که لشکریان من درتعقیب آنان هستند محصور میباشند ورشو[2] آنجا که من هستم پایتخت یك امپراطوری بزرگی بود که سابقاً روسیه‌را تحت سلطهٔ خودداشت ولحظه‌ای تحت‌الشعاع قرار گرفته بود میتواند اکنون مجدداً شکوه خودرا از نوتحصیل کند . لهستان دوباره سلاح بدست گرفت ولشکریان وی فاتح هستندودولت جدیدلهستان تشکیل یافته است ـ توازجانب خود بدشمنانی که فتوحات من آنانرا درکمال ضعف ونومیدی تسلیم میکنند بشدت حمله کن ـ دوباره از آنان گرجستان وتمام ایالاتی را که جزءامپراطوری توبود پس بگیرودروازه‌های خزررا که مدتها مدخل این ایالات را حراست ونگهبانی میکرد بروی آنان به‌بند ـ اقبال توچشم دشمنان تورا نابینا کرد ـ بااینکه آنان در مشرق و در مغرب تحت فشار قرار گرفته‌اند جرأت کرده‌اند جنك را برضد بابعالی اعلام کنند ـ شك نیست که یك قوهٔ نامرئی همان قوه‌ای که باعث فتوحات من گردیده‌و بافتخارتومراقبت ونظاره میکند میخواهد دشمنان را که کورکورانه برضدقوای سه دولت مقتدرمسلح شده‌اند بانهدام سوق دهد ـ هرسه مشورت کنیم ویك اتحاددائمی برقرارسازیم من برای انعقاد این اتحاد منتظر سفیرتوهستم ـ درائنای فتوحات خود مراتب مودت خودرا نسبت بتو تجدید میکنم ـ من شمول عنایات یزدانی ویك سلطنت باافتخار وطولانی وسرانجام باسعادتی را بتو آرزومیکنم .

درکاخ امپراطوری من درورشو بتاریخ ۱۷ ژانویهٔ ۱۸۰۷ ازسال سوم سلطنتم تحریریافت[3].

1— Niemen

2-Varsovie

3-Paris.A E.P. dos. 9. fol. 103

فتحعلیشاه بااعزام محمدرضاخان بعنوان سفارت که حامل هدایای گرانبهائی بارزش ۳۳۲۶۰۰ فرانك بود[1] بنامهٔ ناپلئون جوابداد. سفیر ایران درقرارگاه فین کن اشتاین درپروس شرقی بحضور ناپلئون رسید. درنتیجهٔ این اقدامات و اعزام نماینده ازطرف دولت ایران معاهده ای میان دولتین ایران و فرانسه در تاریخ چهارم ماه مه ۱۸۰۷ (۲۵ صفر ۱۲۲۲) در فین کن اشتاین بامضاء رسید که بهمین اسم معروفست. مادرزیر مواد مهم این معاهده را شرح میدهیم.

الف - تعهدات دولت فرانسه نسبت بدولت ایران : مطابق مواداین معاهده ناپلئون تمامیت ارضی ایرانرا تضمین کرده وقبول دارد که گرجستان متعلق بایران و حق مسلم ایران است ـ مطابق مادهٔ ٤ معاهده امپراطور تعهد میکند تمام مساعی خود را بکارببرد تا دولت روسیه را باعقد معاهده‌ای وادار کند که گرجستان واراضی ایران را تخلیه کند. این مسئله موضوع سیاست دائمی اوست وعملی شدن آنرا مصراً تقاضا خواهد کرد.

ناپلئون همچنین تعهد میکند توپ وتفنك بدولت ایران تحویل دهدو افرادو افسران لازم برای تربیت ارتش ایران اعزام دارد.

ب - تعهدات دولت ایران در برابر دولت فرانسه: فتحعلیشاه تعهد میکند بابریطانیای کبیر قطع رابطه کند و بلافاصله بآن دولت اعلان جنك بدهد. مطابق مادهٔ ۱۰ این معاهده اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد میکند تمام نفوذ خود را بکار ببرد تاافاغنه وسایر طوایف قندهاررا برضد دولت انگلستان متحد گرداند. پادشاه ایران همچنین متعهد میشود که قوای دریائی دولت فرانسه را دربنادرخود قبول کرده وبتمام لشگریانی که ناپلئون ازراه خشکی برضد دولت انگلستان بهندوستان خواهد فرستاد اجازهٔ عبوردهد.

---

۱ ـ سیاههٔ هدایای تقدیمی ازطرف سفیرایران باعلیحضرت امپراطورفرانسه

Paris Atchives Natianales : fond de Secretairerie d' Etat : Coesulat et Empire A.F.IV 1696

ج - مواد مشترك : درمادهٔ ۱ قید شده که صلح ودوستی و اتحاد دائم میان اعیحضرت امپراطورفرانسویان وپادشاه ایطالیا واعلیحضرت امپراطور ایران برقرار خواهد شد. این اتحاد درعین حال برضد دولتین انگلستان وروسیه متوجه میباشدزیرا در مادهٔ ۹ این معاهده مقرر است درهرجنگی که دولین انگلستان و روسیه برضد دولتین ایران و فرانسه متحد گردند دولتین فرانسه وایران نیز متحد خواهند شد و بلافاصله پس از اعلام رسمی جنك ازطرف یکی‌از دو دولت‌امضاء کننده که مورد تهدید یاحمله قرار گیرد دو دولت متفقاً برضد دشمن‌مشترك اقدام خواهند کرد .

ناپلئون دردستوری که بتاریخ ۲۲ آوریل ۱۸۰۷ (۱۲ صفر ۱۲۲۲) بآمیرال دوکرس(۱) وزیر دریاداری امپراطوری داده تعداد نفرات ومقداراسلحه‌ای‌را که میخواهد بایران بفرستد بشرح زیرتعیین میکند :

چهارهزار پیاده . ده هزارتفنك ، وپنجاه عراده توپ . ناپلئون همچنین‌ژنرال سوار گاردان‌رادررأس هیئتی مأمورایران کرده‌وحرکت ویرادرنامهٔ مورخ ۲۰ آوریل بپادشاه ایران اطلاع داد :

« سلام ناپلئون امپراطور فرانسویان و پادشاه‌ایطالیا بفتحعلیشاه امپراطور ایران :

شاهزادهٔ‌بسیاربزرك وبسیارتوانا وپیروزمند - میلی که مابرای‌تحکیم روابط دوستی موجود میان امپراطوری خود و اعلیحضرت شما داریم مارا بر آن داشت که ژنرال گاردان را بعنوان وزیر مختاربحضورآن اعلیحضرت بفرستیم . اجدادش افسر دربارامپراطوری در گذشته برای نزدیکی دوامپراطوری خدمت کرده‌اند وی نیز دنبالهٔ کارآنانرا تعقیب خواهد کرد . بعلت فداکاری بشخص ما و بمناسبت خدمات نظامی خویش گاردان خودرا شایستهٔ انتخاب ماقرارداد - ماافسرانی‌راکه‌همراه‌وی

---

1 - Ducrés

هستند درارتش خود انتخاب کردیم همگی درفتوحات ما برضد روسیه سهیم بوده و با همان همت وپشتکار عملیات اعلیحضرت شمارا برضد دشمن مشترك یاری خواهند کرد .

باتشخیص اینکه انتخاب چنین وزیرمختار ممتازی خوش آیندا علیحضرت شما واقع خواهدشد تمنی دارم آنچه‌را ازطرف مابا علیحضرت شما اظهارخواهند داشت باکمال اعتماد قبول فرمایند . بخصوص وقتیکه وی مراتب دوستی دائمی وعلاقهٔ مارا برای اعتلای اعلیحضرت وممالك اعلیحضرت وبه برقراری یك اتحاد محکم میان دو امپراطوری تجدیدخواهد کرد.مابا علیحضرت شما شمول عنایات یزدانی ویك سلطنت طولانی وپرافتخار وسر انجام سعادتمند راآرزومندیم.

بتاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۰۷ از سال سوم سلطنت مادر قرارگاه امپراطوری مادر فین کن اشتاین تسلیم گردید_ (ناپلئون)وزیر اعلیحضرت امپراطوری فرانسه وپادشاه ایطالیا شارل موریس تالیران[۱]

باهیئت اعزامی ژنرال گاردان دوازده نفرغیر نظامی همراه بودند ازاینقرار: برادر گاردان_روسو_لازار[۲] _منشی ژوآنن[۳] مستشرق اسکالن[۴] مترجم_ یکنفر طبیب وچهارنفر کشیش.پانزده نفر نظامی٬اعضاء این هیئت نیزعبارت بودند ازتزول[۵] (که‌بعدها بدرجهٔ مارشالی فرانسه نایل شد)آجودان گاردان٬سروان لامی[۶] ستوان فابویه[۷] برتران[۸]ودو نفر افسرپیاده_نکتهٔ‌قابل‌توجه‌اینست که‌روسو طرز تشکیل و اعزام این هیئت را در گزارشی که درتاریخ اول ماه مه ۱۸۰۶(۱۲ صفر ۱۲۲۱) از حلب به‌تالیران‌فرستاده تلقین کرده است:درصورتیکه اعلیحضرت بخواهنداشخاصیرا

---

1 - Paris.A.E p.dos.9.fol.147
2 - Lazard
3 - Iouanin
4 - Escalon
5 - Trezel
6 - Lamy
7 - Fabvier
8 - Bertrand

باسمت‌های رسمی برای بستن قراردادی باشاه‌ایران بدربار تهران اعزام‌دارند ممکن است مذاکرات تهران شامل دربار شاهزادگان افغان نیز بشود تااز طرف آن ملت جسوروجنگجو درناحیهٔ‌بنگال بیك‌حملهٔ‌عمومی‌مبادرت گردد . واین‌ناحیه‌ازتصرف دشمنان‌ما خارج‌شود .

پس‌من نظرخودرا راجع‌باعضاء سفارتی که درصورت‌تمایل اعلیحضرت‌بایستی بایران اعزام گردد باطلاع جنابعالی میرسانم : یك‌رئیس بااختیارات تام چند معاون یك منشی یك افسر مهندس یك افسر نیروی دریائی یك عالم طبیعی دان یك طبیب یك نقــاش یك گارد احترام مرکب از ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر سربــاز و سایر خدمتگذاران (۱)

دستورات وتعلیماتی که‌به گاردان داده‌شده‌بتاریخ ۱۰مه۱۸۰۷ است : گاردان مأموریت‌داشت دشمنی ایرانیان‌را برضد روسیه وانگلستان تشدید کند وآتش کینهٔ ایرانیانرا برضد روسیه تندتر بسازد ــ ایران بایستی روسها را دشمنان طبیعی خود بدانــد .

روسها گرجستانرا ازایران منتزع‌ساخته وبهترین ایالات‌ایرانرا مورد تهدید قرارداده‌اند . سلسلهٔ قاجار را هنوز برسمیت نشناخته و از آغاز تأسیس این سلسله همواره‌باوی درجنك بوده‌اند ــ ژنرال گاردان موظف بود تمام این بــد رفتاریها و خسارات‌را تذکر دهد .

وی‌همچنین دشمنی ایرانیانرا برضد روسیه دامن زند وآنانرا به بذل مساعی جدید برای تهیهٔ لشکر زیاد ترغیب کنــد . دولت ایران بایستی تعرض شدید در سرحدات روسیه آغازنماید . ومخصوصاًبایستی ازموقعیتی که روسهارا مجبورساخته است قسمتی از سپاهیــان خود را باروپا اعزام داشته و جبهٔ قفقاز را ضعیف کرده استفاده کنند وایالاتی‌را که روسها بزوراسلحه وتحریکات ازایران منتزع ساخته‌اند باز گیرد .

گاردان‌بایستی سعی‌کند یك‌پیمان اتحادمثلث میان‌دولتهای فرانسه‌وعثمانی

---

۱ - Paris.A.E . p . dos : 9 fol . 50

وایران منعقد سازد تااینکه بابعالی وایران بتوانند عملیات خودرا میان دریای‌سیاه ودریای خزر متمرکز سازند. گاردان همچنین موظف‌بود سازمانهای نظامی‌ایرانرا منظم‌سازد وبامشاورهٔ‌خود بارتش‌ایران کمك کند.

بالاخره‌مأموریت‌داشت دربارهٔ نقشهٔ‌اشغال هند با ۴۰ یا۵۰ هزارنفر فرانسوی وهمان عده‌سرباز ازدسنجات‌ایرانی وسیخ‌مطالعه کند.

هیئت نظامی فرانسوی درتاریخ ۲۵شوال ۱۲۲۲ (۲٤ دسامبر ۱۸۰۷) بتهران واردشد ومعاهدهٔ فن‌کن‌اشتاین درمیان احساسات مردم‌ودربار بامضاء رسید ودر ۲۲ ذیقعدهٔ (۲۱ ژانویهٔ ۱۸۰۸) قرار داد دیگری متضمن شش‌ماده دایربتسلیم ۲۰ هزار قبضه‌تفنگ ازطرف دولت فرانسه میان دولتین ایران وفرانسه منعقدشد [۱] ودر۲۷ همین ماه (۲٦ ژانویه) یك معاهدهٔ تجارتی در۲۳ ماده تنظیم و بامضای میرزا شفیع صدراعظم و ژنرال گاردان نمایندگان دو دولت رسید [۲] مادر زیرا هم مطالب این معاهده‌را درج‌میکنیم :

مواد یك ، دو ، سه ، چهار ، شش ، ده ، یازده . دوازده ، سیزده ، چهارده . پانزده ، بیست ، بیست و یك ، بیست و دو و بیست و سه مربوطست بتنظیم مسائل دیپلماسی ، حقوقی ، تجاری ، اقتصادی ، مذهبی اتباع دولت فرانسه ساکن ایران وروابط‌میان ایرانیان وفرانسویان .

مواد پنج وهشت‌ونه میزان عوارض گمرکی‌را تعیین‌میکند .

مواد هفت و شانزده و هیجده مقررات مربوط بمحمولات دریائی‌و کشتیهای تجارتی و کشتی‌های جنگی را روشن میسازد . بالاخره مطابق مادهٔ۱۷ این معاهده جزیرهٔ خارك بدولت فرانسه واگذار میشود بشرطی که با مساعی این دولت ایالت گرجستان و شهرهای قفقاز که از طرف روسها اشغال شده بدولت ایران مسترد گردد .

---

1 - Paris . A . F . P . dos . 9 . Fol 310 - 12

۲ - ترجمهٔ‌معاهدهٔ تجارتی که درژانویهٔ۱۸۰۸ میان‌دولتین ایران‌وفرانسه‌منعقدشده
Paris AEP dos 9 fol, 366 370

دولت انگلستان دراین موقع تمام فعالیتها ومساعی خودرا بکاربرد تااقدامات هیئتیرا که شهرت آن مدیون معروفیت دولت فرانسه وافتخارات ناپلئون است مواجه باشکست کند .

پس از ورود بتهران گاردان تمامهم خود را برای انجام وظیفهٔ اصلی خود که لشکر کشی بطرف هندوستان بود مصرف کرد تااین مأموریت را بنحو احسن انجام دهد . تمام راهها ونقاط سوق الجیشی مطالعه شد .

خط سیر دستجات ترسیم و بنادر دو دریا با نهایت دقت از طرف هیئت دولت فرانسه مورد بازدید قرار گرفت - برای جلب حمایت کامل فتحعلیشاه لازم بود که دولت فرانسه دولت ایرانرا درمسئلهٔ گرجستان کاملا راضی کند . بدین منظور گاردان باکوشش خستگی ناپذیر بتجدید سازمان ارتش ایران همت گماشت ـ یك کارخانهٔ توپ ریزی دراصفهان ایجادشد ، فابویه (۱) بتأسیس یك توپخانه صحرائی موفق گشت ودرتهران زرادخانه‌ای تأسیس کرد وبیست عراده توپ مجهز ساخت وردیه (۲) که در تبریز تحت تعلیمات عباس میرزا کارمیکرد درمدت خیلی کوتاه چهارهزار سرباز بطرز اروپائی تربیت کرد

---

1 — Fabvier
2 — Verdier

فصل سوم

۲ ـ مرحلهٔ دوم جنگهای ایران و روس

ازمعاهده تیلسیت (۱) ژوئیه ۱۸۰۷ (ج ۱۰-۱۳۲۳) تامعاهدهٔ بخارست مه ۱۸۱۳ (ج ۱۰ـ۱۳۲۷)

تااواخر سال ۱۲۲۱ (۱۷۰۶) سپاهیان ایران درجبههٔ شمالغربی وجبههٔ دریای خزر بخصوص عملیات تدافعی انجام داره بودند. پس از شکست لشکریان ایران در سال ۱۲۲۱ (۱۰۰۸) روسهاموفق باسغال شهرهای باکو ودربندوشیروان وشکی و گنجه شدند. ولی با وجود این فتوحات، روسها موفقیت‌های خود را جداً تعقیب نکردند زیرا جنك برضد ناپلئون درجبههٔ غرب تمام مساعی اطرافیان تزار را بخود معطوف ساخته‌بود بنابراین روسها درجبههٔ مشرق یك‌وضع تدافعی پیش گرفتند و این وضع تاانعقاد معاهدهٔتیلسیت ادامه‌داشت.

ملاقات و مذاکرات تیلسیت باعث‌بهبود روابط دولتین فرانسه وروسیه‌شد. در نتیجهٔ این مذاکرات تغییرات زیادی در اوضاع ایران چه درصحنهٔ عملیات نظامی و چه‌درزمینهٔ رواط سیاسی ودیپلوماسی بوجودآمد.

معاهدهٔ تیلسیت که درژوئیهٔ ۱۷۰۷ (ج ۱۰ » ۱۱۲۲) میـان دو دولت روسیه‌و فرانسه بامضاءرسید صلح‌را برای کشور فرانسه تأمین کرد وناپلئون را جهت اجرای نقشه‌های اروپائی خود تشویق نمود. ولی باید گفت که امضای این معاهده رضایت کامل امپراطوررا تأمین‌نکرد ونتیجه‌ای که ناپلئون درنظرداشت ازاین صلح بدست بیاورد حاصل نشد. زیرا ناپلئون تصمیم داشت بافکر آسوده از جانب اروپا مجدداً جنك دریائی را بر ضد امپراطووی انگلستان تجدید کنند. ولی وی فرصت تهدید

---

1 - Tilsit

کردن دولت اخیر را در دریا و یا در جزیره نیافت زیرا اتحادیهٔ اروپا قبل از آنکه تکمیل شود تجزیه شد و اولین اختلافات از مشرق پدید آمد و در واقع همینکه ناپلئون با تزار معاهدهٔ اتحاد را امضاء کرد سیاست وی در مشرق قهراً مواجه با شکست گردید زیرا دولتین عثمانی و ایران فقط بمنظور اقدام مشترك برضد دولت روسیه بـا دولت فرانسه نزدیك شده بود .

هنگام امضاء معاهدهٔ تیلسیت ناپلئون بی‌اعتنائی کرد و مسئلهٔ ایرانرا بمیـان نیاورد و کمترین توجهی دربارهٔ گرفتاریهای فتحعلیشاه، مبذول نداشت . اطلاع از این معاهده برای شاه ایران فوق‌العاده ناگوار بوده وانعقاد این معاهده برای دولت ایران نتایج شوم و خطرناك داشت و این عمل ناپلئون را فتحعلیشاه در بارهٔ ایران خیـانت می‌دانست زیرا لشکریان تزار که از جبههٔ جنك لهستان آسوده و آزاد شده بودند جنك را باشدت هرچه تمامتر برضد دولتین ایران وعثمانی آغاز کردند .

دولت عثمانی در نتیجهٔ مساعی سباستیانی[1] سفیر کبیر فرانسه در قسطنطنیه در شوال ۱۲۲۱ (دسامبر ۱۸۰۶) برضد دولتین روسیه وانگلستان دریك موقع اعلان جنگ داده بود . پس از قضایای تیلسیت عثمانیها تصمیم گرفتند با ایرانیان همکاری کنند و بمنظور مقابله با حملات سپاهیان روسی در جبههٔ مشرق متفقاً مقاومتی ایجاد نمایند . در نتیجهٔ این تصمیم عباس میرزا و یوسف پاشا سرعسکر ارزروم هر یك در رأس بیست هزار نفر بدشت آرپا جای نزدیك شدند نقشهٔ فرماندهان دو دولت این بود که سپاهیان عثمانی از سمت مشرق ولشکریان ایران از سمت مغرب وارد گرجستان گردند .

گودوویچ[2] که از این نقشه اطلاع حاصل کرده بود پیشدستی کرده و باعجله برای مقابله باسپاهیان ایران وعثمانی حرکت نمود ودر نزدیکی آرپاچای شکست سختی به لشکریان سرعسکر که هنوز با دستجات عباس میرزا تماس حاصل نکرده بودند وارد ساخت . توپخانهٔ عثمانیها منهدم شد ولشکریان سر عسکر متفرق شدند

1 - Sebastiani
2 - Goudowitch

وقتی‌سپاهیان عباس میرزا بکمك عثمانیها رسیدند ناظر شکست متفقین خود بودند و ناچارشدند درسمت‌ایروان عقب‌نشینی اجباری کنند .

این‌شکست لشکریان‌عثمانی وتصرف‌شهر آناپا [1]ازطرف نیروی‌دریائی‌روس عثمانیهارا بامضای‌متارکهٔ اوزون‌کلیسا درتاریخ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۲۲۲ (۲ سپتامبر ۱۸۰۷) مجبورساخت درحالیکه جنك باایران تا۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بدون وقفه ادامـه داشت .

Anapa-1 شهرو بندرقفقاز درساحل‌شمالی دریای سیاه‌بندر مستحکمی که بوسیلهٔ عثمانیها بناشده وپس ازامضای معاهدهٔ بخارست بدست روسهاافتاد .

۳ ـ شکست نقشهٔ وساطت دولت فرانسه و عزیمت ژنرال گاردان

گودوویچ ازنفوذ دولت فرانسه دردربار ایران سخت نگران بود لذا بمنظور ازبین بردن این نفوذ نمایندهٔ خود بارون ورد [1] رادر روزهای اول بهار سال ۱۲۲۳ (۱۸۰۸) بانامهٔ دوستانه ای بتاریخ ۲۵ مارس ۱۸۰۸ نزد ژنرال گاردان فرستاد . در این نامه گودوویچ برئیس هیئت اعزامی فرانسه چنین مینوشت : «ژنرال گمان میکنم شمابعنوان سفیر امپراطوری که اکنون باامپراطوری روسیه متحد و روابط دوستی نزدیکی دارد دولت ایرانرا از اشتباه بیرون حواهیدآورد زیرا یقین دارم که بهشما تعلیماتی دادهشده که درخطمشی دولت ایران که برضدمصالح دولت روسیه تشخیص دادهمیشود دخالت نکنید»

ژنرال گاردان پس از دریافت نامهٔ گودوویچ گزارشی بفتحعلیشاه داد . شاه در جواب گاردان خاطرنشان ساخت که گودوویچ بااین اقدام دسیسهمیکند ومیخواهد حواس زمام داران ایرانرا مختل سازد . در همان موقعی که ورد در تهران مشغول مذاکره با گاردان بود دستجات روسی لاینقطع بشهرایروان حملهمیکردند ـ تابالاخره درنتیجهٔ مداخلات و تقاضای مکرر ژنرال گاردان وباوجودمخالفت عباس میرزا قرارداد متارکهای برای تسهیل جریان مذاکرات میان دولتین ایران وروس امضاء شد ـ لازار منشی سفارت فرانسه برای اعتراض نسبت باقدامات دولت روسیه و امضای قرار داد متارکه از تهران جهت ملاقات فلدمارشال گودوویچ فرمانده کل ارتش گرجستان حرکت کرد . ویکماه پس ازحرکتش دراواخراکتبر ۱۸۰۸ (رمضان ۱۲۲۳) بقرارگاه گودوویچ درنزدیکی ایروان رسید . ولی وقتی لازار ازتحول اوضاع اروپااطلاع حاصل کردوازمذاکرات ارفورت [2] کهدرواقع متمم ومکمل قطعی صلح تیلسیت بودباخبر

---

1 – Wrede

2 – Erfurt

شد دیگر برای وی تردیدی باقی نماند که دیر یا زود ایران بحال خود رها خواهد شد . آندره دلریو (۱) درمجلهٔ بریطانیائی جلد پانزدهم سال هفتم مورخ ۲۵ مارس ۱۷۵٤ دراین باره چنین مینویسد : «لازار اعتراض بی ارزش را که قراربود ارائه‌دهد برای ابد درجیب خود پنهان کرد . عضو آیندهٔ آکادمی فرانسه مانند هنر پیشه‌ای که نقش خودرا درتآتر کمدی بازی میکند نه‌تنها دست گودوویچ را فشرد بلکه مانند دیپلماتی که حواسش جمع بود رفتار کرد وچنانکه فلدمارشال ایروان را درحضور نمایندهٔ دولت فرانسه بایك حمله اشغال میکرد وی کلمه‌ای نمیگفت مثل اینکه ناپلئون شخصاً دربرابراو حاضربود .

پس از مراجعت ورداز ایران ژنرال گاردان نامه‌ای بتاریخ ۲ ژوئن ۱۸۰۸ (۷ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) به‌شامپانی (۲) وزیرخارجهٔ فرانسه نوشت . دراین‌نامه گاردان بمذاکرات میان‌دولتین ایران وروس اشاره کرده تذکرداد که این مذاکرات بدون دخالت یك‌دولت ثالث به‌نتیجه نخواهد رسید . بهمین جهت تقاضا کرد که مذاکرات درپاریس انجام یابد «بارون ورد ستوان توپخانه که از طرف فلد مارشال گودوویچ فرمانده ارتش روس در گرجستان بدربار ایران آمده‌بود نامهٔ مودت‌آمیز مورخ ۲۱ مامه (۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۲۳) کنت گودوویچ‌را بمن تسلیم کرد ...

واضحست که ادعاهای دولت روسیه با ادعاهای دولت ایران وفق نمیدهد و مذاکرات بدون مداخله دولت سومی خاتمه پذیر نیست» . در همین نامه ژنـرال گاردان تصریح کرده که‌فتحعلیشاه منافع‌خودرا دراختیار پادشاه عظیم‌الشأن‌فرانسه قرارداده وراضی‌شده‌است که مذاکرات‌درپاریس میان‌عسکرخان‌و کنت‌تولستوی (۳) باوساطت اعلیحضرت‌ادامه‌یابد .

ژنرال گاردان‌همچنین‌نامه‌ای بعنوان‌مارشال گودوویچ ارسال‌داشت دراین‌نامه

---

1 - André - Delrieux

2 - Champany

3 - Conte Tolstoy

نمایندهٔ دولت فرانسه ازمارشال‌روسی تقاضا کرد که رضایت‌تزاررا برای‌انعقادمعاهدهٔ صلحی میان دولتین ایران وروسیه درپاریس جلب کند . دراین مورد فتحعلیشاه نیز تعلیماتی‌بسفیرخود درپاریس‌داد وبوی اختیارات تام تفویض کرد تامذاکرات‌را بطور رضایتبخشی درپاریس خاتمه دهد. درهمین فرمان فتحعلیشاه ازامضای معاهده میان دولتین ایران وفرانسه صحبت کرده وبه‌عسکرخان فرمانده لشکریان ایروان وسفیر ایران در پاریس خاطر نشان میکند که امضای معاهدهٔ صلح میان دولتین روسیه وفرانسه بانجام وعده‌های مکررامپراطوردایر باخراج سپاهیان روسی ازایالات‌ایران کمك کرده‌واشکالات موجودمیان‌دو کشوررابسهولت‌برطرف‌خواهد کرد .فتحعلیشاه بخصوص این نکته را تذکرمیدهد که نظربعلاقه واعتماد کامل نسبت بشخص ژنرال گاردان وبنابتوصیهٔوی منافع کشورایران بدست توانای اعلیحضرت امپراطورفرانسه سپرده شده سفیرایران بایستی تمام هم خودرا مصروف کند تاامأموریتش‌بنحواحسن انجام یابد(۱)

ژنرال گاردان قبل ازاینکه به‌تقاضاهای دولت ایران جواب بدهدمنتظر نتیجهٔ اقدامات خود درپاریس نزد گودوویچ بود .

لازار ازمارشال گودوویچ در خواست کرد اقداماتی بعمل آورد تا دستورات جدیدی ازطرف تزاربرای تمدید مدت متارکه تاشوال ۱۲۲۳ نوامبر ۱۸۰۸ صادر گردد شایددرفاصلهٔ این مدت ازتصمیمات ناپلئون وسن پطرزبرك درخصوص ایران اطلاع حاصل شود .

دولت‌انگلستان بنوبهٔ خودتشخیص داد که بعدازمعاهدهٔ تیلسیت موقع‌مناسبی است که وارد عمل گردد و دربار ایرانرا بطرف خود جلب کند . دولت بریتانیا در این اقدام باندازه‌ای عجله کرد که دریك وقت دوهیئت ازطرف آندولت بخلیج‌فارس رسیدند .

هیئتی‌ازطرف فرمانفرمای هندوستان‌بریاست سرجان ملکم(۲) وهیئت‌دیگر

---

1 - Paris : A.E.P .9 fol.119

2 - Sir jhon Malcolm

ازطرف دولت انگلستان بریاست سرهارفورد جونس[1] نمایندهٔ انگلستان ازجریان حوادثی که به نفوذ و اعتبار نمایندگان دولت فرانسه درنزد فتحعلیشاه لطمه وارد آورده بود استفاده کرد وپیشنهاد نمود که گرجستان رابزور از تصرف سپاهیان گودوویچ خارج سازد .

نظر باینکه جوابی از طرف ناپلئون بگزارشهای ژنرال گاردان و تقاضاهای دولت ایران نرسیده بود فتحعلیشاه اصرارداشت درصورتیکه دولت ایران بخواهد کمك دولت انگلستان را دریافت داردژنرال گاردان مخالفت نکند. نمایندهٔ دولت فرانسه دربرابر اصرارشاه دولت ایرانرا تهدید کرد که اگر یکنفرانگلیسی وارد پایتخت گردد روابط دیپلماسی میان دولتین ایران و فرانسه قطع خواهد شد . فتحعلیشاه از جوابی که دولت عثمانی به سباستیانی داده بود استفاده کرده و اظهار داشت :

اگر فرانسویان بجای اینکه فاتح بشوند مغلوب میگردیدند چه حادثه‌ای بدتر ازاین برای مارخ میداد ؟

فتحعلیشاه نمیدانست درمقابل پیشنهادهای دولتین فرانسه وانگلستان که هر دومیخواستند دولت ایرانرا برضددیگری وبرضد روسها حمایت کنند چه رویه‌ای اتخاذ نماید تابالاخره دربرابر تهدید نمایندهٔ دولت فرانسه خاطرنشان ساخت که گاردان نیزبایستی از بی‌طرفی دربارهای دول اروپائی و دولت عثمانی که آزادانه نمایندگان دول مختلف را میپذیرند متابعت کند .

درجبههٔ جنك بااطمینانی که ژنرال گاردان بفتحعلیشاه داده بود که سپاهیان روسی بدون اجازهٔ ناپلئون مجدداً تعرض نخواهند کرد قسمتی ازلشکریان تحت فرماندهی عباس میرزا وباوجود مخالفت شدیدوی مرخص شده بود. گودوویچ ازاین فرصت استفاده کرده وعلی‌رغم وعده‌های صریح گاردان درناحیهٔ ایروان بتعرض شدیدی مبادرت ورزید . دراینخصوص قسمتی از گزارش مورخ ۱۹ اکتبر ۱۸۰۸ (۱۸ شعبان

1 – Sir harford jones

۱۲۲۳) سروان لامی افسر توپخانه‌را دایر بتهیهٔ مقدمات تعرض مجدد روسها ووضع لشکریان دردوطرف که بژنرال گاردان فرستاده شد درج میکنیم ـ «تعرض مجدد روسها ایرانیان‌را متحیرومتوحش کرد ـ بااطمینان‌اینکه جنك تجدید نخواهدشد وسایل هیچ نوع مقاومتی‌فراهم نگردیده بود ـ بسواران وسربازان اجازه‌داده‌بودند بولایات خود مراجعت کنند تابتوانند محصول خودرا مراقبت وجمع‌آوری نمایند. این محصول که دردشت حاصلخیزایروان پخش شده بود بدست روسها افتاد وآذوقهٔ لشکریان دشمن‌را تأمین کرد ـ قلعهٔ ایروان که از حیث وسایل دفاعی ضعیف بود اسباب نگرانی وناراحتی بود ..»(۱)

ازیکطرف ژنرال گاردان درتهران دولت را مطمئن ساخته و وعده مساعدت میداد ازطرف دیگربافسرانی که درخدمت ارتش ایران بودند دستورمیداد پستهای خودرا ترك کنند بطوریکه هنگام حملهٔ روسها درناحیهٔ ایروان و نخجوان افسران فرانسوی جداً ازشرکت درعملیات برضد روسها خودداری کردند . پس ازتیلسیت رفتارافسران فرانسوی درمیان سپاهیان تحت فرماندهی عباس میرزا بحدی‌ناشایسته وتأثرآوربود که شاهزاده عباس میرزا مجبورشد چندین مرتبه احضار ورد یه‌را که مأمورتعلیمات سربازان ایران بود تقاضا کند ـ در این خصوص نکریتا(۲) یکی از اعضای‌هیئت نظامی‌فرانسه درنامه‌ایکه درتاریخ ۱۷ ژانویه ۱۸۰۹ (۳۰ذیقعده۱۲۲۳) بعنوان روفن (۳)نوشته به‌بی‌مهری ولیعهدایران نسبت به‌وردیه اشاره کرده میگوید نظربراینکه وی نتوانست هنگام حمله روسها سربازان ایرانرا بمیدان جنك هدایت کند مورد بی‌مهری شاهزاده قرار گرفت ...

۳۱ اکتبر ۱۸۰۸ (۲۲رمضان۱۲۲۳)صدراعظم‌نامهٔعباس‌میرز رادر تهران‌باطلاع ژنرال گاردان رسانید و تقاضا کرد بسروان لامی ووردیه که درتبریز هستند اجازه داده شود درجنك برضد روسها همکاری ومساعدت کنند زیرا این افسران دربرابر

---

1 - Paris A.E.P. dos .10.fol . 299 - 302

2 - Necrita

3 - Ruffin

تقاضای عباس‌میرزا ازابراز مساعدت دراوضاع وشرایط‌حاضر خودداری کرده‌اند .

دراین هنگام یعنی تمام ماه اکتبر (شعبان ورمضان ۱۲۲٤) مطابق گزارش سروان لامی روسها بتهیهٔ وسایل یك حملهٔ دامنه‌داری درطول سرحدات ایران بعملیات مشغول بودند - درروز هفتم اکتبر عملیات روسها نشان میداد که برای گذشتن ازرود ارس تهیه می‌بینند روز هشتم حرکت کرده و وارد دهکدهٔ شاملو درشش فرسخی شهر ایروان گردیدند.

بااین ترتیب قصد مارشال معلوم است و باورودوی بخاك ایران هیچگونه تردیدی برای شروع جنك باقی نمی‌ماند(۱) چنانکه سروان لامی در گزارش خود پیش‌بینی کرده بود جنك در روزهای اول نوامبر ۱۸۰۸ (رمضان ۱۲۲۳) شروع شدو قبلاً فلد مارشال گودوویچ در نامهٔ مورخ ۲ سپتامبر (۱۱ رجب) به ژنرال گاردان اطلاع داده بود که تزارالکساندر وساطت دولت فرانسه را رد کرده ومایل است مستقیماً بادولت ایران داخل مذاکره شود.

آقای سفیر کبیر

« درنتیجهٔ گزارشات اینجانب باعلیحضرت امپراطور که جنابعالی را بوسیلهٔ فتحعلیخان نوری ازمضمون آنها مطلع ساختم اوامرمؤکد دریافت داشته‌ام وافتخار دارم باطلاع جنابعالی برسانم که اعلیحضرت امپراطور رویهٔ مرا مبنی براینکه حاضر نشدم متارکهٔ یکساله‌ای را که ازطرف دولت ایران پیشنهاد شده بودقبول کنم کاملاً تأیید کرده است زیرا من برای قبول این پیشنهاد اختیارات تام نداشتم واین اختیارات فقط برای انعقاد پیمان صلحی براساس پیشنهادات خود اینجانب بود . اعلیحضرت امپراطور نمیتواند ادامهٔ مذاکرات را در پاریس قبول کند با اینکه اعلیحضرت امپراطور نمیتوانست منافع خودرا بشخص بهتری جزامپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیادوست ومتحد خود بسپاردوبادرنظر گرفتن مراتب دوستی عمیقی که باشواهد ودلایل متقابل بثبوت رسیده و باوجود منافع بزرگی که ممکن بود از وساطت

---

۱ - گزارش سروان لامی Paris : A.E.P. dos . 10 fol . 299

دولت‌فرانسه عایدامپراطوری روسیه گردداعلیحضرت امپراطور نمیتواند باین‌وساطت استعانت جویدزیرا موقعیت جغرافیائی سه دولت باین عمل اجازه نمیدهد ـ فواصل زیادی که میان کشورفرانسه ودودولت دیگروجود دارد تمام مزایای این وساطت‌را برطرف میسازد ومذاکرات‌راطولانی‌ترمیکند. بانبودن‌این موانع وبااینکه‌پیشنهاد انعقاد پیمان صلح، اول ازطرف دولت‌ایران داده‌شد بمناسبت اینکه‌آندولت‌تصمیمی اتخاذنکرد مذاکرات دوسال بطول‌انجامید. اعلیحضرت امپراطورنسبت‌به‌پیشنهادات من که طبق‌آن سرحدات تعیین گردیده وممکن است پایه واساس مذاکرات صلح قرار گیرد بی‌علاقه نمیباشد وتوقع دارد درصورت رضای دولت ایران پیمان صلح بوسیلهٔ‌مأمورین مجازبه‌ترتیبی که‌من بولیعهد ومیزاشفیع صدراعظم پیشنهاد کرده‌ام منعقد شودوگرنه اعلیحضرت امپراطور بمن اجازه داده در صورت لزوم جنگ را شروع کنم ـ نظربه‌اینکه‌جنابعالی نمایندهٔ مختار دولتی هستید که‌دوست‌روسیه است وبا ارادتی که بشمادارم برای اثبات مراتب صمیمیت خود نسبت بشما ، افتخار دارم به پیوست وبطورمحرمانه رونوشت نامه کنت رومانزوف (۱) وزیرامورخارجه‌راکه بعنوان من نوشته ارسال دارم. (۲)

---

1 - Nicolas de Romanzoff

۲ ـ «آقای کنت . من گزارش شمارا مشعربه پیشنهاد وزیر ایران برای امضای قرار داد متارکهٔ یکساله واحالهٔ مذاکرات صلح بپاریس وتقاضای انعقاد پیمان صلح در آنشهربوسیلهٔ کنت تولستوی وعسکرخان بوساطت امپراطورناپلئون ازنظر اعلیحضرت گذرانده‌ام . رد امضای یك قرارداد طولانی متارکه ازطرف شما مورد تأیید اعلیحضرت است .

اما درخصوص پیشنهادی که‌ازطرف دولت ایران برای تعقیب مذاکرات درپاریس شده امپراطورتشخیص داد بااینکه‌ناپلئون را مانند دوستی‌تلقی می کندمیان‌تمام سلاطین که امروز دردنیا حکومت میکنند هیچکدام باین اندازه طرف اعتماد امپراطور نیستند وبنوبهٔ خود این شاهزاده کسی است که میان تمام سلاطین نسبت بامپراطورروسیه اظهار دوستی‌می کندوامپراطورنمی‌توانست منافع خود را بشخص بهتری جز ناپلئون بسپارد و باوجود منافع‌زیادی که ممکن بود ازوساطت دولت فرانسه‌عاید امپراطوری روسیه گردد اعلیحضرت امپراطور نمیتواند باین اقدام توسل جوید زیرا موقعیت جغرافیائی سه کشور

(بقیه حاشیه‌در صفحه بعد)

این نامه بشما نشان خواهد داد که من از تذکر خدمات شایان شما نسبت باسرای جنگی ما وهمچنین از یادآوری مساعی شما درنزدیك ساختن ما وایرانیها کوتاهی نکرده‌ام من باهمین وسیله نامه هائی بعنوان ولیعهد ایـران عباس میرزا و شفیع صدراعظم میفرستم ودراین مراسلات آنانرا ازتصمیم اخیراعلیحضرت امپراطور که بازهم حاضر است بدون فوت وقت پیمان صلح را منعقد کـند مطلع میسازم »
کنت گودوویچ .

بادریافت این نامه ژنرال گاردان درنامهٔ[1] مورخ ۳ اکتبر۱۸۰۸ (۱۲ شعبان ۱۲۲۳) به شامپانی[2] وزیرامورخارجه فرانسه شروع مجدد وقریب‌الوقـوع جنك ایران وروس راکه درنامهٔ فلدمارشال گودوویچ پیش‌بینی شده بود اطلاع‌داده‌و گفت : « دولت ایران دراثروعده‌های ما ازحملات دولت روس ایمن بود ...

جنابعالی که ازوحدت ویگانگی امپراطورفرانسه وپادشاه ایتالیاوالکسانـدر امپراطور روسیه مطلع بودید اظهار میداشتید که الکساندر امپراطورروسیه‌وساطت پادشاه عظیم‌الشأن مرا قبول خواهد کـرد ومعاهدهٔ صلح میان دربار ایران و دربار سن پطرزبر گ‌درپاریس‌منعقد خواهد شد. وصول نامه‌های مارشال گودوویچ پادشاه ایران ودربارراد چار وحشت کرده است »

---

1 — Paris : A.E p. dos. .10. Fol . 263
2 — Champagny

بقیه حاشیه از صفحه قبل

این عمل رااجازه نمیدهد وفواصل زیادی که کشور فرانسه راازدو کشوردیگر جدامیکند تمام نفعی راکه ازاین اقدام متصور است برطرف می‌سازد وبناچار وبرخـلاف میل سه سلطان بجای‌اینکه استقرارصلح‌را تسریع کندمانع پیشرفت مذاکرهمی گردداعلیحضرت شخصاً دراینجا باسفیرفرانسه‌که دردربارروسیه است مذاکره کرده ومایل است که‌شما ازطرف خوداین‌موضوع‌را باطلاع ژنرال گاردنن برسانید و بایشان ابلاغ کنید‌اعلیحضرت ازتمایلی که برای نزدیك کردن ما وایرانیان نشان می‌دهندوجدیتی‌که درتمام مـوارد برای حسن خدمت بما مبذول میدارند کمال رضایت را دارند .

امضاء

نیکلارومانزوف Paris :A.E.P.dos.10.fol.163

دولت ایران که از تدارکات روسها در جبهۀ عملیات نگران بود و وصول یادداشت گودوویچ بیشتر مایۀ وحشت‌واضطرابش‌شده بود مصمم گردید یکبار دیگر توجه دولت فرانسه را بخود جلب واحترامی‌را که دولت ایران نسبت بتعهدات خود قائل‌است گوشزد کندودرضمن‌چگونگی اتحاد وروابط‌میان دولتین را پس‌ازمعاهدۀ فن کن‌اشتاین‌یادآور شود ومجدداً مساعدتهائی‌را که دولت فرانسه مطابق مواد این معاهده بایستی درحق دولت ایران بعمل‌آورد تقاضا کند.

نامۀ مورخ۲۶ شعبان ۱۲۲۳ (۱۶ اکتبر ۱۸۰۸) میرزا شفیع صدراعظم ایران به‌شامپانی وزیرخارجه دولت فرانسه بهمین منظورتهیه شده و مامضمون اهم مطالب این نامه‌را درزیر درج میکنیم:

در این نامه صدر اعظم ایران مینویسد که مدت هشت ماه است عسکر خان بعنوان سفیر فوق‌العاده بدربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا فرستاده شده.

پس‌ازورود آقایان گاردان واوگوست بن‌تان نامه‌های متعدد بعنوان‌جنابعالی ارسال شده ولی تاکنون یعنی ۲۶ ماه شعبان (۱۶ اکتبر) هیچ پاسخی بما نرسیده و ما نمیدانیم آیا پیشنهادات ما مبنی بر تفویض اختیارات تام باعلیحضرت امپراطور فرانسه مورد قبول واقع شده است یانه؟

دربهار همین سال‌فصلی که معمولا عملیات نظامی شروع میگردد بعلت‌تأخیر وصول اخبار، ژنرال گاردان ازماقول وتعهد قطعی گرفت که تاوصول تعلیمات‌دولت فرانسه ارتش ایران تعرض‌رابرضد لشکریان روس شروع نکند. درهمین حال بنا به پیشنهاددوستانه‌وعاقلانۀ سفیر آندولت‌یکی ازشخصیت‌های برجستۀ دربارفتحعلی خان نوری بحضورفلدمارشال گنت گودوویچ ژنرال‌فرمانده روس اعزام شدوباکمال احترام حقیقت اوضاع بشرح زیربیان گردید:

نظربااینکه اعلیحضرت امپراطور فرانسه دوست پادشاه روسیه است ونسبت بایران نیزحسن نیت دارند و دربار ایران حفظ منافع حیاتی خودرا بعهدۀ ایشان واگذار کرده بهتر است پیمان صلح درپاریس بوسیلۀ سفرای دو دولت وصوابدید

اعلیحضرت امپراطورفرانسه منعقد گردد . تاوصول خبررسمی ازطرف دولت‌فرانسه هر گونه عملیات خصمانه در سرحدات ماپایان یافته و در این مدت طرفین شرایط مودت متقابل را رعایت خواهند کرد .

امروز جواب قطعی کنت گودویچ(۱) ونامه جناب کنت نیکولاررومانزوف‌در دست ماست . دراین نامه‌هابطورصریح اعلام شده که دولت روسیه‌وسلطنت‌امپراطور فرانسه رارد کرده ونمیخواهد معاهدهٔ صلح دائمی‌درپاریس منعقد گردد .

وزیرخارجه‌دولت‌روسیه‌برعکس‌میخواهدپیمان‌صلح‌درایران‌امضاء شودوتصریح میکنداگراین‌پیشنهادازطرف‌دولت‌ایران‌قبول‌نشود مجدداً‌جنگ شروع خواهد شد .

بالاخره فتحعلیشاه دراین نامه بمواد معاهدهٔ فن کن‌اشتاین اشاره کرده‌تذکر میدهد درمادهٔ دوم‌این معاهده استقلال وتمامیت‌ارضی ایران‌ازطرف امپراطورفرانسه تضمین شده ومطابق مادهٔ سوم‌اعلیحضرت امپراطور فرانسه ایالت گرجستان‌رامتعلق بایران می‌شناسد .

درمادهٔ چهارم اعلیحضرت امپراطورفرانسه استرداد تمام ایالات ایرانرا که امروز ازطرف قوای روس اشغال گردیده ازطریق اقدامات دوستانه ویابوسیله اعمال زور تعهد کرده است .

---

۱ - قسمتی ازنامهٔ مورخ ٤و١٤ سپتامبر۱۸۰۸ کنت گودوویچ به عباس میرزا که بعدها بایستی اساس مذاکرات ومبنای معاهدهٔ گلستان قرار گیرد درج میشود . ولیعهد ایران بعلت لحن شدید یادداشت واهانتی که نسبت بوی شده بودآنرا پاره کرد :

«من برای آخرین بار بوالاحضرت ولایتعهد بیان میکنم که‌دولت بهیهٔ روس‌نمیتواند امضای نهائی معاهده را قبول کند مگر براساس شرایطی که قبلا بدولت ایران پیشنهاد کرده‌ام یعنی بایستی خط مرزی بامسیررودخانه کر وارس وآرپاچای تعیین گردیده و بدون فوت وقت پیمان صلح ازطرف دودولت امضاء شود .

راجع باعتراضاتی که والاحضرت در خصوص تعیین سرحدات بمن میکنند می‌توانم پاسخ دهم که تمام ایالت گیلان سابقاً بوسیلهٔ اعلیحضرت فقید امپراطور کبیرفتح شده بود ولی پادشاه عظیم‌الشأن من بادرنظر گرفتن وضع حاضرایران وبخصوص باتوجه بعدل وانصاف خودفقط به پیشنهاداتی قناعت میکنند که‌من امروز بوالاحضرت میدهم وبایستی بی‌چون وچراساس معاهدهٔ صلح قرار گیرد .

Paris :A.E.P.dos,lo fol. 269 - 247

ودولت را ازموضوع مأموریتش آگاه سازد . تقاضاهای ملکم فوق‌العاده سنگین بود وعلاوه بردرخواستهای‌سال ۱۸۰۱واگذاری جزیره خارك‌را بدولت انگلستان تقاضا میکرد وپیشنهاد مینمود که پنج‌مؤسسه یا نمایندگی تجارتی درسواحل‌خلیج‌فارس دایر گردد ودولت ایران‌اجازه دهد استحکامات‌ازطرف دولت هندوستان درآن‌نقاط ایجادوازطرف آندولت محافظت شود .

درنتیجهٔ مخالفت دولت ایران ملکم ناچار ایرانراترك گفت ـ نمایندهٔ دولت هندوستان درمراجعت‌خود وهابی‌هاوطوایف متعصب نجدراکه ایرانیان‌ازخلیج‌فارس بیرون رانده بودند برضد دولت ایران تحریك نمود .

این طوایف مخصوصاً وهابی‌هادردست مأمورین سیاسی دولت‌انگلستان‌حربهٔ خطرناکی بودند وبتحریك ملکم در۱۲۲۳ (۱۸۰۸) باراضی ایران تجاوز کردند . پس ازاین اقدامات ماهرانه ملکم بهندوستان بازگشت وچـون ازطرز رفتار دولت ایران متأثروخشمگین بود بفرمانروای کل هندوستان اصرار کرد که جزیرهٔخارك رابوسیلهٔ سپاهیان هند اشغال کند وبنادرخلیج فارس‌را محاصره نماید . بعقیدهٔملکم جزیرهٔ خارك ممکن بود درآتیه مبدأ حمله وپایگاه نظامی برای اقدام برضددولت ایران گردد . محمدعلی‌خان نام ازمدعیان تاج وتخت ایران راهم که از طایفهٔ زنـد پسرعلی مرادخان وازبستگان کریم‌خان زند بود و درهندوستان مقام نـوابی داشت آماده کرد تـا درموقع مناسب برای تهدید دولت ایران ازوجود وی استفاده کنند.

گاردان دراین خصوص ضمن نامهٔ مورخ ۲٦ نوامبر۱۸۰۸ (۷ شوال۱۲۲۳)به شامپانی وزیر امورخارجهٔ فرانسه مینویسد : «انگلیسها اغلب وزراءدربار را بوسیلهٔ پول‌بخود جلب کرده‌اند. درصورتیکه دولت ایران ازقبول‌آنان خودداری کنندتهدید میکنند بجنوب ایران حمله برند ویکی ازنوادگان کریمخان موسوم به‌محمدعلی خان پسرعلیمرادخان را بپادشاهی ایران انتخاب کنند .

اطلاعاتی که بمن‌رسیده‌حاکی‌است دولت هندوستان‌شاهزادهٔ جوان راازدکن که درآنجاسمت نوابی داشت به‌بمبئی احضار کرده وتدارکات‌مفصلی می‌بینند .

پیشنهاد ملکم برای اشغال جزیرهٔ خارك واعزام قوا ازطرف لرد مینتو قبول شد زیرا بدین وسیله حکومت هندوستان ممکن بود از عملیات قـوای فـرانسوی جلوگیری کند. ولی درست درموقع حرکت قوای‌هند اوضاع اروپا روشن‌تر گردید زیرادیگربرای دولت فرانسه میسرنبود که ازقسمتی ازلشکریان خود بنفع ایـران صرف نظر کند بنابراین دولت هندوستان ازاعزام قوابسوی ایران منصرف شد.

دوش بدوش اقدامات دولت هندوستان دولت انگلستان نیز تصمیم گرفت‌در ایران اقداماتی کند. این تصمیم براثر نامهٔ مورخ۲۰ اوت ۱۸۰۷ (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۲۲) روبردندر [۱] به ژورژکانینك [۲] وزیرامورخارجهٔ انگلستان اتخاذ شد.

دراین‌نامه روبردندرلزوم اعزام‌هیئیی‌را بایران درتحت سرپرستی سرهارفورد جونس تذکردادوچنین مینویسد: «بخصوص مساعی جونس نه تنها برای جلوگیری ازتحریکات دولت فرانسه‌مفید خواهد شد بلکه درصورت امکان ایشان دامنه‌ووسعت این تحریکات راکشف خواهند کرد وهمچنین تعهداتی راکه دولتین ایران‌وفرانسه و یا هر دولت دیگری کـه با آنها در جنگی برضد ما متحد خواهـد شد روشن خواهد ساخت اعم از اینکه این تعهدات قبول شده و یـا در آتیه مورد قبول واقـع گردد....»

«اطلاع ازوسعت ودامنهٔ تمام پیشنهاداتی که ازطرف دولت فرانسه بـدولت ایران شده اهمیت فوق‌العاده خواهد داشت زیرا با بدست‌آوردن این اطلاعات دقیقاً نوع وترتیب حملاتی که برضد متصرفات ما درهندوستان درنظر گـرفته شده است روشن میشود [۳].

انتخاب سرهارفوردجونس برای‌این مأموریت فوق‌العاده مناسب بودزیراوی‌از ۱۷۸٤ تا ۱۷۹٤ (۱۱۹۸ـ۱۲۰۹) در بصره مقیم بودوهنگامی که شاهزادگان‌زند در شیرازحکومت میکردند بآن‌شهرمسافرت کرده بود. بعلاوه‌جونس‌از۱۷۹۸تا۱۸۰٦

1 – Robert Dunders

2 – G. Canning

۳ – نامهٔ مورخ ۲۰ اوت ۱۸۰۷ روبردندر به ژورژکانینك

London : P.R.O.P.Fo 60.T.I

(۱۲۲۱-۱۲۱۲) کنسول بریطانیای کبیر دربغداد بود و درجریان این مأموریتهای مختلف اطلاعات عمیقی ازامور مشرق بدست آورده بود. پس از پیشنهاد رو بردندر سرهارفورد جونس ازطرف ژورژ کانینك وزیرخارجهٔ انگلستان مأموریت یافت که بعنوان سفارت بتهران حرکت کند. بموجب تعلیماتی که بنمایندهٔ دولت انگلستان داده شده بود وی بایستی اتحادی بادولت ایران وپیمان مودتی باپاشای بغداد منعقد سازد. درنامهٔ مورخه ۱۲ فوریه خود کانینك به سرهارفوردجونس چنین دستورمیدهد. «چنانکه درمأموریت خویش باعدم توفیق مواجه شدید در صورت امکان صلاحست بنام دولت هندوستان بارؤسای وهابی روابط دوستانه دایر کنید ولی چون تعرضات و اقدامات افراد این طایفه برخلاف مصالح پاشای بغداد و دولت ایرانست بایستی این روابط با نهایت مهارت صورت گیرد بخصوص اگرازطرف دودولت یا یکی ازآنها امیدی برای تأمین منافع بریطانیای کبیر باشد»[۱].

کشتی‌های ندرید[۲] وسافیر[۳] که حامل اعضای هیئت نمایندگی سرهارفورد جونس بود روز ۱۴ اکتبر ۱۸۰۸ (۲۳ شوال ۱۲۲۳) در خلیج فارس دربندر بوشهر لنگر انداخت. پس ازمکاتبات زیاد میان سرهارفورد جونس واردمینتو[٤] فرمانروای کل هندوستان بادرنظر گرفتن اوضاع اروپا و گرفتاریهای دولت فرانسه ازنقشهٔ ملکم دایر باشغال جزیرهٔ خارك منصرف شد وبنمایندهٔ اعزامی ازلندن اختیارات تام داد.

هنگام پیاده شدن نمایندهٔ بریطانیای کبیر دربندر بوشهر تظاهرات برضد فرانسویان بشدت ادامه داشت.

ایرانیان متوجه شده بودند که ژنرال گاردان تاآنزمان بیش ازآنچه عمل کرده وعده داده است ولی در حقیقت بازی را باخته بود. سرهارفورد جونس بخصوص نشانداد که وساطت دولت فرانسه برای ممانعت ازروسها کافی نبود.

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۲۱ فوریهٔ ۱۸۰۷ کانینك به سرهارفوردجونس

London : P.R. O. P.Fo.60 T I

2 – Nedreid

3 – Saphir

4 – Lord minto

نمایندهٔ دولت انگلستان پیشنهاد کرد پیمان اتحادی میان دولتین ایـران و بریطانیای کبیر بامضاء برسدووعده داد مادامیکه دولت انگلستان بـا دولت فرانسه درحال‌جنك است‌سالیانه مبلغ یکصدوشصت‌هزارتومان (معادل ۱۲۰ هزارلیره‌بدولت ایران کمك خواهد شدوافسران انگلیسی تعلیم ارتش ایران‌را عهده‌دارخواهند بود. فتحعلیشاه نظریات نمایندهٔ دولت انگلستان را قبول کـرد وبژنرال گاردان اجازهٔ مرخصی داد . بااین ترتیب بی‌علاقگی وعدم توجه دولت فرانسه وطلای بریطانیـای کبیر یکباردیگر برتحکیم نفوذدولت انگلستان درایران کمك کرد . درماه‌دسامبر ۱۸۰۸ (شوال ۱۲۲۳) سرهارفورد جونس بوشهررا ترك گفت و درتاریخ ۱۴ فوریـه ۱۸۰۹ (۲۸ ذیحجه ۱۲۲۳) یعنی دوروز پس ازجلسهٔ خدا حافظی ژنرال گاردان ، وارد تهران شد و در ۱۷ فوریه (۲ محرم ۱۲۲۴) اعتبار نامه هـای خود را تقدیم فتحعلیشاه کرد(۱)

نمایندهٔ بریطانیای کبیر که‌حامل هدایای زیاد و گرانبها برای پادشاه‌ووزراء بردمورداستقبال‌شایان قرار گرفت . درمیان هدایا الماس خالصی که ازطرف‌ژورژ(۲) سوم پادشاه انگلستان برای فتحعلیشاه ارسال شده بود توجه شاه را جلب کرد. چند روز پس ازرسیدن نمایندهٔ انگلستان میرزا شفیع صدراعظم مأمورشد معاهده‌ای بـا هیئت اعزامی دولت انگلستان منعقد سازد . درخلال این احوال لرد مینتو کـه از تغییراوضاع سیاسی تهران وجریان حوادث بی‌اطلاع بود بتصوراینکه اقدامات دولت انگلستان به‌نتیجهٔ مطلوب نخواهد رسید اختیاراتی راکه سرهارفورد جونس‌تفویض کرده بود پس گرفت ـ نمایندهٔ انگلستان بدون توجه بدستور لردمینتوبنام‌نمایندهٔ مختار ژرژ سوم پادشاه‌انگلستان بادولت ایران داخل مذاکره شد ومعاهدهٔ‌مقدماتی منعقد کرد که درتاریخ ۲۵ محرم ۱۲۲۴ (۱۲ مارس ۱۸۰۹) بامضاء رسید .

درجریان مذاکرات میان‌دولتین ایران‌وانگلستان چندین مرتبه وقفه‌حاصل

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۷ فوریهٔ ۱۸۰۹ سرهارفورد جونس به کانینك

Londn:P.R O.P.Fo.6o.T II

2 – George III

درانتظار وصول پاسخ سریع‌واجرای تعهدات ازطرف دولت فرانسه(۱)

متأسفانه دولت فرانسه صراحتاً میانجی گری خودرا رد کردوبرای احترازاز بحثی که‌دیگربهیچوجه طرف توجه دولت ناپلئون نبود شامپانی درنامهٔ مورخ دوم نوامبر۱۸۰۸(۱۳رمضان ۱۲۲۳) به‌ژنرال گاردان‌چنین مینویسد : «درنامه‌های‌اخیر شما بمن اطلاع دادید که دولت ایران مایل است مذاکرات صلح‌را بـادولت روسیهٔ درپاریس‌ادامه‌دهد. آقای سفیر کبیرایران دراین‌زمینه بامن‌صحبت کرده وتقاضادارد بلافاصله با کنت تولستوی‌داخل مذاکره شود . ولی سفیر دولت روس هیچ‌دستوری از طرف دولت خود دراین خصوص دریافت نداشته است.

انجام مذاکرات‌دراین‌مسافت‌طولانی امر عادی‌نیست واین‌اقدام تأخیرمجددی درجریان مذاکرت ایجادخواهد کرد. کوشش‌نمائید بدون‌آنکه برای دولت‌فرانسه دردسر و کشمکشی‌ایجاد کنید که‌درآن نفع‌و علاقه‌ای ندارد دودولت را بیکدیگر نزدیك سازید.

چیزی که دراین‌نامه جلب توجه میکند اینست که جواب‌دولت فرانسه شبیه جواب دولت روسیه‌است‌چنانکه‌دیدیم تزارنیز‌وساطت دولت‌فرانسه‌رابعذر اینکه‌پایتخت‌های سه کشورازیکدگر فاصلهٔزیاد دارد رد کرد.این عمل‌ثابت‌میکند که‌نامهٔوزیرخارجهٔ فرانسه بامشورت قبلی دولت سن‌پطرزبرك تهیه شده است.

تاریخ اولتیماتوم دولت روس منقضی شد ودر روزهای اول ماه نوامبر ۱۸۰۸ (شوال۱۲۲۳)بدستور گودوویچ حملات سپاهیان‌روس ازسمت ایروان آغاز گردید. توپخانهٔدشمن‌پس‌از بمباران شدیدبدیوارهای‌قلعهٔایروان شکست‌وارد‌آوردفرماندهی روس بتصور اینکه قلعه خراب شده‌دستور داد نارنجك‌اندازها در بستر رودخانه که در آنزمان آبش رو‌بنقصان‌بود داخل‌شوند وفرمان حملهٔ عمومی بامشارکت چندین ستون صادر شد. ایرانیان مستحفظین قلعه بهیچ وجه ازاین حملهٔ دستجات سپاهیان روس مضطرب نشدند.و گودوویچ باوجود فداکاری‌و کوشش‌فوق‌العاده نارنجك انداز هاوتحمل تلفات سنگین کمترین توفیقی بدست نیاورد .

1 – Paris : A.E.P . dos . 1o. fol.327 – 330

فرماندهان و افراد قلعهٔ ایروان استقامت و تهور فوق العاده از خود نشان دادند و در مقابل حملات سواران آزمودهٔ ایرانی قوای روس مجبور شدند تا اوج کلیسا عقب نشینی کنند .

پس از شکست در مقابل ایروان فرمانده ارتش روس قوای زیادی برای جلوگیری از پیشرفت لشکریان ایران که از خوی مقر فرماندهی عباس میرزا حرکت کرده بودند اعزام داشت جنگ درطول تمام جبهه‌ها بشدت شروع شد و درحالیکه ایروان با نهایت شهامت در مقابل حملات روس ایستادگی میکرد عباس میرزا ناچار شد نخجوان را تخلیه کند .

در خلال سال ۱۸۰۸ (۱۲۲۳) نخجوان چندین بار تخلیه و مجدداً از طرف سپاهیان ایران تصرف شد درسال ۱۸۰۸ مخصوصاً بعلت تعرضی که دولت عثمانی در جبههٔ بالکان و آسیای صغیر برضد دولت روسیه مینمود عملیات جنگی بیشتر بنفع سپاهیان ایران بود .

درمقابل تعرض ناگهانی دولت روسیه دولت ایران به ژنرال گاردان مراجعه کرد نمایندهٔ دولت فرانسه اظهار داشت حتی در وضع حاضر و باوجود اشکالات دیپلماسی امیدوار است تعرضات روسها را متوقف سازد و خاطر نشان ساخت که هنوز هم لازار منشی سفارت فرانسه نزد مارشال گودوویچ است و مجدداً شصت روز مهلت خواسته و در پایان اینمدت بنا بدعوت الکساندر فتحعلیشاه بادولت روسیه داخل مذاکره خواهد شد . بعلاوه گاردان بدولت ایران اطمینان داد همینکه امپراطور از رفتار روسها اطلاع پیدا کند مانند صاعقه‌ای دشمن را از پای درخواهد آورد . فتحعلیشاه جواب داد چرا درظرف مدت ده ماه این صاعقه تأثیر خود را نبخشیده است. پادشاه ایران از اتحاد واقعی دولتین روسیه و فرانسه تردید داشت و برای اثبات این نظریه دلایل زیادی اقامه کرد ومخصوصاً متذکر شد که رفتار تزار در گرجستان میرساند دولت روسیه نسبت بناپلئون تاچه حد احترام قائل است .

بالاخره گاردان نتوانست بوعدهٔ خود وفا کند و اقـدام دولت فرانسه بـرای میانجیگری مواجه باشکست شد و درتاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۲۲۳ (۱۲ فوریه ۱۸۰۹)

ظر باینکه دربار ایران تصمیم گرفت نمایندگان بریطانیای کبیررا قبول کند ژنرال گاردان اجازهٔ مرخصی گرفت . فتحعلیشاه از ژنرال گاردان تقاضا کرد تاوصول اخبار ازطرف دولت فرانسه درتبریز اقامت کند . نمایندهٔ دولت فرانسه این پیشنهادرا قبول کردوتهران را ترك گفت ودرتاریخ ۲۲محرم ۱۲۲٤ (۹ مارس ۱۸۰۹) هیئت نظامی فرانسه وارد شهرتبریزشد . وپس ازیکماه مذاکره ومعطلی دراین شهربالاخره در تاریخ ۳ ربیع‌الاول ۱۲۲٤ (۱۷آوریل ۱۸۰۹) دربارعباس میرزارا ترك کرد.

ژنرال گاردان‌باحضارافسران‌فرانسوی ازارتش ایران‌درچنین موقعی‌بپیشرفت دولت روسیه کمك کرد. امتناع دولت فرانسه ازقبول وساطت‌ومذاکرات‌میان‌دولتین ایران وروس باعتبار آندولت لطمه وارد آورد و زمامداران ایـران نسبت بحسن نیت ژنرال گاردان مردد شدند . این رفتار دولت فرانسه و نمایندگانش وظیفهٔ مأمورین انگلیسی راکه ازسال ۱۸۰۷ (۱۲۲۲) منتظرفرصت نشسته بودند و گاردان تصور میکرد که ایشانرا ازصحنهٔ سیاست دور ساخته است بی‌نهایت آسان کرد بطوریکه هرقدم‌پیشرفت سپاهیان روس درخاك ایران برای آنـان دلیل قاطعی برضد اتحاد دولتین‌ایران وفرانسه بود. دولت ایران مأیوس‌ازاقدامات دولت ناپلئون وبرای‌اجتناب از حملات لشکریان تزار مجدداً متوسل بدولت انگلستان گـردید . بااین ترتیب امپراطورفرانسه درتیلسیت ایرانرا مانند سوئد و عثمانی فدای سیاست غلط خـود کردوبعدها درسال ۱۸۱۳ (۱۲۲۷) ازتعقیب این سیاست تأسف خورد .

۳ـ تجدید نفوذ دولت انگلستان و معاهده انگلیس و ایران در ۱۲۲۴ (۱۸۰۹)

آغاز حملات مجدد سپاهیان روس باوجود اظهارات صریح و وعده‌های نمایندهٔ دولت فرانسه لطمهٔ شدیدی به حیثیت آن دولت در دربار ایران وارد ساخت. انگلیسها برای ازدیاد نفوذ خود و بیرون راندن فرانسویان بفعالیتهای سیاسی و دیپلوماسی شدید در تهران پرداختند. اعزام رومیو [1] و ژوبر [2] نمایندگان نظامی دولت فرانسه که مقدمات ورود هیئت نظامی ژنرال گاردان را بدربار ایران فراهم ساخت دولت بریطانیای کبیر و هندوستان را دچار وحشت و اضطراب کرد. سابقاً دیدیم که سر هارفورد جونس نمایندهٔ دولت انگلستان دربغداد برای جلوگیری از نزدیکی دولتین فرانسه و ایران بچه اقداماتی متوسل شد. پس برای مقابله و عقیم ساختن اقدامات دولت فرانسه در دربار ایران لرد مینتو [3] فرمانروای کل هندوستان درماه مه ۱۸۰۸ نیروی دریائی نیرومندی را باهیئتی بریاست ملکم که در مأموریت ۱۸۰۱ توفیق شایانی بدست آورده بود بخلیج فارس اعزام داشت. چون نفوذ نمایندگان دولت فرانسه و مخصوصاً ژنرال گاردان دراین موقع درتهران فوق العاده زیاد و مؤثر بود ملکم درمأموریت دوم خود با مقاومت شدید دولت ایران مواجه گردید. بدولت هندوستان مخصوصاً ایراد میگرفتند که محمدنبی خان سفیر ایرانرا درهندوستان بسردی پذیرفته است ودرنتیجه اقدامات نمایندهٔ دولت فرانسه بهملکم اجازهٔ ورود بتهران داده نشد [4] و نمایندهٔ هندوستان ناچاردرشیراز توقف کرد وبحاکم شیراز دستور داده شد کهاورا پذیرفته

---

1 – Romieux

2 - Jaubert

3 - Lord.Minto

۴ ــ نامهٔ میرزا شفیع به شامپانی مورخ ۲۶ نوامبر ۱۸۰۸

Paris : A.E.P . dos ·lo.fol. 422

زیرا ازیکطرف کلکته بباز گشت سرهارفورد جونس اصرارداشت و ازطرف دیگر لندن اقدامات ویرا تأئیدنموده ودستوراقامت‌صادرمیکرد . تااینکه بالاخره نمایندهٔ انگلستان درتاریخ ۱۵ ماه مارس ۱۸۰۹ (۲۸ محرم ۱۲۲٤) ضمن گزارشی پیشرفت کامل مأموریت خودرا به ژورژ کانینك اطلاع داد (۱)

این معاهدهٔ مقدماتی بوسیلهٔ جمس موریه (۲) (مؤلف کتاب حاجی‌بابا در انگلستان) بلندن فرستاده شد .

حاجی میرزا ابوالحسنخان (۳) هم که بعنوان‌سفیر ایران نزدد ژرژسوم‌پادشاه انگلستان تعیین شده بودهمراه‌موریه حرکت کرد . مقصود اصلی این‌سفارت‌تقاضای پرداخت کمکی بود که مطابق معاهدهٔ مورخ ۱۲ مارس ۱۸۰۹ . دولت انگلستان متعهدشده‌بودبدولت‌ایران‌بپردازد.لرد مینتودفرمانروای کل هندوستان بالاخره‌قرار منعقدبوسیلهٔ سرهارفوردجونس را قبول کرد ولی اصرارداشت که اجرای این‌معاهده بافسری که‌ازطرف حکومت‌هندوستان تعیین‌خواهدشدمحول گردد . وبهمین‌منظور ملکم‌دررأس‌هیئت مهمی سومین‌باربایران‌اعزام گردید. سفیراعزامی ازطرف‌حکومت هندوستان بطرز مجللی مجهزبود وستاد مفصلی با خود همراه داشت . دولت ایران ازشتابزدگی‌دولت‌انگلستان‌وحکومت هندوستان برای اعزام نمایندگان در حیرت بود زیرا موقع ورود ملکم سرهارفورد جونس بعنوان سفیردولت انگلستان مسئول اداره کردن روابط‌سیاسی ودیپلوماسی درتهران بود .

دولت ایران همچنین ازاصراری که دولت بریطانیای کبیر برای ازبین بردن نفوذ دولت فرانسه وجلب اتحاد دولت ایران داشت سخت درشگفت بود .

فتحعلیشاه بنمایندهٔ خود درلندن دستور داد که وضع نمایندگی آندولت را

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۵ مارس ۱۸۰۹ سرهارفورد جونس به‌ژورژ کانینك

London:P.R.O P.Fo.60. T II

2 - James morier

۳ـ میرزا ابوالحسن خان خواهرزاده حاجی ابراهیم کلانتر (اعتمادالدوله) ونیز

بقیه پاورقی در صفحهٔ بعد

درایران روشن کند واطلاع حاصل نماید کدامیك ازدونفر، نمایندهٔ واقعی ومعرف دولت بریطانیامیباشد . نظربا ینکه معاهدهٔ منعقده‌بوسیلهٔ سرهارفورد جونس درلندن بامضاء رسید دولت بریطانیا بالاخره سرهارفورد جونس‌را بعنوان نماینده‌تام‌الاختیار خود درتهران معرفی کرد تامسئولیت روابط سیاسی ودیپلماسی میان‌تهران‌ولندن‌را عهده‌دار گردد وبااین ترتیب‌ملکم‌دربار ایرانرا ترك کردوبهندوستان مراجعت‌نمود.

درسال ۱۸۱۱ (۱۱۲٦) سرگوراوزلی (۱) جانشین سرهارفوردجونس گردید ماژوردارسی معروف‌به‌دارسی‌تاد(۲) وعده‌ای ازسربازان‌درجه‌داران‌هنك ٤۷انگلستان نیزجزءملتزمین رکاب سفیر بودند ، سرویلیام اوزلی (۳) که نوشته‌هـای وی راجع بایران درردیف کتابهای کلاسیك قرارگرفته همراه این هیئت بود .

بقیه پاورقی ازصفحهٔ قبل

داماد او بوده درسال ۱۲۱٥ که فتحعلیشاه فرمان قتل عام خانوادهٔ حاجی ابراهیم خان‌را داد میرزا ابوالحسن خان بوساطت درباریان ازمرك نجات یافت درمسافرت بلندن بعلت آشنا نبودن او بآداب اروپائی بعضی حرکات و اطواری که پیش اروپائیان مضحك جلوه میکرداز اوناشی شد جیمز موریه انگلیسی که دراین سفرهمراه اوبوده کتابی بنام(حاجی بابا درلندن) نوشته که بسیار غرض‌آلود است وحرکات سفیررا صد چندان بزرگترجلوه داده درصورتیکه‌میرزا ابوالحسن‌خان‌مردی مدبرومبادی‌آداب بوده‌است میرزاابوالحسن خان نیزراجـع باین مسافرت کتابی نوشته بنام حیرت نامهٔ سفرا که یک نسخه ازآن‌در کتابخانه موزهٔ بریتانیا درلندن موجود است میرزا ابوالحسن خان پس از این مسافـرت مشهور به‌ایلچی‌شده وچنانکه خواهیم‌گفت برای رفتن بروسیه نیزانتخاب شده است.

1 - Sir Gore Ouseley

2 - D' Arcy Tadd

3- Sir - William Ouseley

٤ - بی‌نتیجه ماندن مذاکرات عسکران ونقشی که سرهارفورد جونس دراین مذاکرات بازی کرد

بااینکه دولت عثمانی نیزدرجنك بود اتحاد دولت ایران باانگلستان دربرابر تجاوزات دولت تزاری ازاتحاد باناپلئون مفیدتر ومؤثرترنشد .

درماههای اخیر۱۲۲۳ (۱۸۰۸) نیروی دریائی دولت روس کرانه های دریای خزررا دائماً بمباران کـرده وجنك درطول تمام جبهه های شمالغربی ادامه داشت ولی باوجود این روسها نتوانستند ازحملات واقدامات خود نتیجهٔ قطعی بگیرنـد .

دوام جنگ‌وکندی عملیات موجب تغییراتی د فرماندهی‌عالـی‌روس درجبههٔ قفقاز گردید .. روسها قلعهٔ ایروانراازشش ماه‌قبل محاصره کرده بودندولی چنانکه دیدیم حمله های آنان از طرف قوای ایران دفـع شد و ناچار مجبور بعقب نشینی شدنـد .

این عدم توفیق وتأنی درپیشرفت عملیات جنگی سبب شد کـه دولت روسیه ژنرال گودوویچ را ازفرماندهی قوای روس بردارد وژنرال تورموسوف را در جبههٔ قفقاز بجای اوبگمارد . درارتش ایران نیزپسرارشد فتحعلیشاه محمد علی میرزای دولتشاه‌حاکم کرمانشاه مأمورشدکه‌درعملیات برضدروسها شرکت کند ربیع‌الثانی ۱۲۲٤ (مه ۱۸۰۹) .

جنك روس وعثمانی درجبههٔ بالکان مجدداً در آوریل ۱۸۰۹ (صفر ۱۲۲٤) شروع شده بود ودولت عثمانی ناچاربود دردوجبههٔ بالکان وقفقازباقوای روسیه‌مقابله کند نظرباهمیتی که جنك بالکان داشت دولت عثمانی نمیتوانست بلشکریان خـود در قفقاز که دور از قسطنطنیه بودند کمکهای موثر برساند و بهمین جهت آندولت

1 — Tormossoff

ناچاربود درجبهۀ قفقازحالت دفاعی اتخاذ کند وبعملیات‌جناح چپ لشکریان ایران کمك نماید .

دراین هنگام اتحادیۀ پنجم دراروپا برضددولت‌فرانسه درشرف‌تشکیل وتوجه تزاربااین امرمهم معطوف بود .

آلکساندر درآغاز امرداخل دراین اتحادیه نشد وخودرا برای جنك برضد ناپلئون‌حاضر کرد وعملیات‌درجبهۀ ایران باتأنی پیش‌میرفت . دولت روس‌درماههای آخرسال ۱۲۲٤ (۱۸۰۹) بایجاد شورش وانقلابات در ناحیۀ طالش بریاست مصطفی خان طالش کمك میکرد وبوی اسلحه وآذوقه ومهمات تحویل میداد[۱] در نتیجه دولت ایران برای ریشه کن ساختن‌این انقلابات اقدام بلشکر کشی کردوبدینوسیله دولت روس موفق شد که قسمتی ازقوای ایرانرا فلج سازد .

جهت تطبیق عملیات نظامی دو کشورایران وعثمانی بـرضد روسها ، نمایندۀ بریطانیای کبیردرتهران بدولت ایران‌تلقین نمود که یك اتحادنظامی میان‌دو کشور منعقد گردد . بهمین مناسبت سرهارفورد جونس در نامۀ مـورخ ۲۰ مه ۱۸۰۹ بـه روبر آدر[۲] نمایندۀ دولت انگلستان درقسطنطنیه ازتمایل دولت ایران برای عقد چنین اتحادی صحبت میکند : « دونکتۀ اساسی توجه شاه را جلب میکند : اقـدام بتعرض‌ازطرف‌عثمانیهادرناحیۀقارص‌وتعیین‌یکنفروزیرمختارازطرف دربارعثمانی در تهران[۳] » . دیپلمات انگلیسی که سیاست اصلی وی حتی‌الامکان تبدیل‌جنك‌روس وایران بیك جنك مذهبی بود ودراین سیاست نیزتاحدی تـوفیق یافته بوددرهمین نامه مینویسد : « من بپادشـاه خاطرنشان کردهام کـه جنك روس وعثمانی جنبۀ مذهبی دارد » .

بنوبۀ خوددولت روسیه‌مایل بودجنك‌را هرچه زودتر بادولتین‌ایران وعثمانی

---

۱ ـ نامۀ مورخ ٦ دسامبر ۱۸۰۹ ژنرال تورموسوف

London :P.R.O.P.Fo.60.T.III

2–Robert Adair

۳ ـ نامۀ مورخ ۲۰ ماه مه سرهارفورد جونس به روبر آدر

London :P.R.O.P.Fo.60.T.II

خاتمه دهد تا باخیال آسوده ازجانب مشرق بتواند مقدمات حمله واشغال لهستان‌را را فراهم سازد وبرضد ناپلئون رسماً وارد جنك شود بنابراین بفرماندهان لشکریان قفقازازجانب تزار دستورداده شد که درانعقاد معاهدهٔ صلح بادولتین ایران و عثمانی تعجیل کنند .

در عرض نیمهٔ دوم سال ۱۸۰۹ (۱۲۲۴) وشش ماه اول سال ۱۸۱۰ (۱۲۲۵) برای پایان دادن بجنك باایران ژنرال تورموسوف پیشنهادهای متعدد کرد[۱] چون عباس‌میرزا نیزازماه اوت باینطرف (جمادی‌الثانی۱۲۲۴)تمایل خودرا نسبت بانعقاد صلح اظهار داشته‌بود ژنرال‌تورموسوف‌پیشنهاد کرد که یکنفرنماینده‌ازطرف دولت ایران برای مذاکره دربارهٔ موادمعاهده به‌سن پطرزبرك اعزام گردد[۲] ژنرال‌روسی درنامهٔ مورخ اوت۱۸۰۹ از عباس‌میرزا تقاضانمود که «شماسپاهیان‌خودرا از اراضی ماا‌حضار کنید وبزجر دادن واسیر کردن رعایای ماخاتمه دهید».

تورموسوف همچنین‌ازپیشرفت محمدعلی‌میرزای دولتشاه درسمت گرجستان شکایت کرد وحرکت بارون‌ورد[۳] وتورموسوف رابرای مذاکره بنزد عباس میرزا اعلام نمود .

نمایندگان‌اعزامی‌دولت‌روسیه‌درنخجوان‌بقرارگاه‌شاهزاده عباس‌میرزارسیدند ولیعهد ایران نامهٔ‌مفصلی درجواب ژنرال تورموسف ارسال داشت که ماخلاصهٔ آنرا دراینجا درج میکنیم : «شما اگرحقیقاً مایل بصلح هستید این صلح بایــد طوری برقرار گردد که منافع طرفین‌را تأمین کند .

درایام گذشته که‌اختلافی میان ماوجود نداشت دولتین برای هرناحیه‌حدودی تعیین کرده‌بودند ....

این سرحدات تا شش یا هفت سال قبل مورد احترام وقبول طرفین‌وصلح‌میان

---

۱ ـــ مکاتبات تورموسوف و عباس میرزا
London : P.R.O . P . Fo . 60 T . III

۲ ـ نامهٔ مورخ ۲۰ اوت تورموسوف به‌عباس میرزا
London:P.R.O.P.Fo.60T.III

3 – Baron Vrede

دو کشوربرقراربود . اگردولت روسیه مایل بصلح است ومیخواهد دشمنی‌مابدوستی مبدل گردد باید فوراً سپاهیان‌خودرااز کشورایران احضار کندبدین‌ترتیب‌وبخواست خداوندی،رعایای‌ما،درصلح زندگی کرده‌وسربازان ماازمرك نجات‌خواهندیافت (۱).

ژنرال تورموسوف که جداً مایل بود بجنك با ایران خاتمه دهد وصول نامهٔ شاهزاده عباس میرزا را اعلام کرد ودرنامهٔ مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ بوی چنین‌نوشت : «پیشنهادهای صلح شما نشان میدهد که والاحضرت مایل است منافع کشور خودرا حفظ کند (۲).

درهمین‌نامه فرمانده کل‌قوای روس میگویدوی برای امضای قراردادمتار که ویاصلح قطعی باایران اختیارات تام دارد واطمینان میدهد کـه طی پیامی دربارسن پطرزبرگ را ازتمایلات شاهزاده مطلع ساخته ویقین دارد که جواب دولت روسیه بانظریات وتقاضاهای شاهزاده مساعد خواهد بود .

فعالیت ونفوذ سرهارفورد جونس مایهٔ شکست و وقفهٔ اقدامات تورموسوف و پیشنهادهای صلح طرفین گردید . این پیشنهادها بشهادت اسناد وزارت امورخارجهٔ انگلستان برای ایران بمراتب مفیدتر ازپیشنهادهائی بود که درسال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) بامساعی ووساطت سر گوراوزلی (۳) برخلاف منافع ومصالح دولت ایران‌در گلستان مورد قبول واقع شد .

وضع اروپا رفتار و معاملهٔ سرهارفورد جونس را ایجاب میکرد زیـرا دولت انگلستان‌میترسید که‌اگردولت روسیه‌ازجانب‌ایران آسوده خاطرشودبرای‌مستعمرهٔ هندوستان خطرناك گردد .

پس ازورود نمایندگان دولت‌روسیه به‌تبریزسرهارفورد جونس درنامهٔ‌مورخ اکتبر۱۸۰۹ (رمضان ۱۲۲٤)ازمیرزا بزرك وزیرعباس میرزا تقاضا کرد که‌رونوشت

---

۱ ـ نامهٔ عباس میرزا به‌تورموسوف

London:P.R.O.P.Fo.60.T · II

۲ ـ نامهٔ مورخ ۳۰ اوت ۱۸۰۹ تورموسوف به‌عباس میرزا

London :P.R.O.P,Fo.60.T.II

3– Sir - Gore - Ouscley

مکاتبات متبادله میان ژنرال تورموسوف وولیعهد ایران را برای اطلاع وی بفرستند. درضمن سفیر کبیرانگلستان نظریات ودلایل چهارگانهٔ خودرا برضدانعقاد امضای قرارداد متارکه یا انعقاد صلح با دولت روسیه چنین شرح میدهد: « اولا اصرار تورموسوف برای انعقادمعاهدهٔ صلح ثابت‌میکند که قوای‌روس‌برای ادامهٔ‌جنك کافی ومجهز نیست‌ثانیاً برای‌اثبات همین موضوع توجه میرزابزرك را بشکایت تورموسوف دربارهٔ پیشرفت یکدسته از لشکریان‌ایران تحت‌فرماندهی‌محمدعلی میرزا دولتشاه جلب کرده واین مطب‌را دلیل دیگری بعدم قدرت نظامی دولت روسیه بادامهٔ جنك میداند ثالثاً سرهارفوردجونس‌نشان میدهد که برطبق نوشتجات تورموسوف دولت روسیه بهیچوجه حاضر نیست شرایط صلحی را که قبلا ازطرف گودوویچ پیشنهاد شده تغییردهد ـ آخرین دلیل سفیرانگلیس اینست که دعوت دولت روسیه ازدولت ایران برای اعزام یکنفر نماینده به‌دربارسن پطرزبرگ ممکن است بروابط تهران وقسطنطنیه خللی وارد کند .

سرهارفورد جونس درنامهٔ مورخ سپتامبر ۱۸۰۹ (شعبان ۱۲۲٤) خود به روبرت‌آدر[۱] وزیرمختاربریتانیای کبیردرقسطنطنیه تعقیب سیاست دوپهلوی خود را چنین توجیه میکند« هرگاه دولت روسیه بسیاست خود ادامه دهد و بانعقاد صلح باایران موفق گرددبرنفوذ وتفوق‌مادرتهران وقسطنطنیه لطمه خواهدزد[۲]درهمین نامه درجواب سؤالات روبرت‌آدر راجع به‌پیشنهاد باب عالی برای ایجاداتحاد میان دوکشورایران وعثمانی‌وتأثیرآن درتهران‌سرهارفوردجونس میگوید: «این‌پیشنهاد از طرف دولت ایران باحسن قبول تلقی خواهد شد زیرا ایرانیان عثمانیها را ملت مسلمان وهم کیش خود میدانند.»

نمایندگان اعزامی دولت روس‌نزد عباس میرزا پس ازملاقات بامیرزابزرگ پیشنهاد کردند قرار ملاقاتی برای تهیهٔ کنفرانس مقدماتی میان میرزابزرك وژنرال

1- Robert Adair

۲ ـ نامهٔ مورخ سپتامبرسرهارفورد جونس بروبرآدر
London :p.R.O.p.Fo.60.T.II

ترموسوف داده شود . دربارتهران نظر نمایندهٔ بریطانیای کبیررا راجع باین ملاقات سؤال کرد سرهارفورد جونس جواب داد · «هیچگونه جواب مثبتی قبل از نـوروز نباید به‌بارون ورد داده‌شود [۱]. درهمین نامه سفیرانگلستان پس‌ازبیان دلایل‌زیادی برای مخالفت بامکاتبه‌واعزام نماینده ازطرف دولت ایران‌برای انعقاد معاهدهٔتعرضی وتدافعی میان دولتین ایران وروس میگوید وی نمیتوانـد قبل از وصول نظردولت متبوع‌خود دراین مورد اظهارنظر کند. راجع باصرار بارون ورد برای‌فراهم‌آوردن وسایل ملاقات میان میرزا بزرك و ترمرسوف برای تهیهٔ مقدمات کـنفرانس صلح سرهارفوردجونس عقیده دارد که نتایج چنین کنفرانسی بضرر دولت ایران خواهـد بود زیرا سیاست تحریك حس حسادت و دشمنی میان دولتین ایران و عثمانی بنفع دولت روسیه تزاری است . مساعی سرهارفورد جونس برای ممانعت از نزدیك شدن دولتین‌ایران وروس‌به‌نتیجه رسیدومذاکرات وملاقاتهای نمایندگان دودولت‌بالاخره میسر نشد ·

تأثیرعقیده‌ونفوذ سرهارفوردجونس‌دردربارایران ازمضمون فرمانی که‌فتحعلی شاه بعنوان‌عباس‌میرزافرستاده‌بخوبی معلوم میگرددداراین‌فرمان‌پادشاه ملاقات میرزا بزرگ را باترموسوف اجـازه داده ودستور میدهد نمایندهٔ ایران باید سعی کـند که دراین کنفرانس مقصود واقعی ومیل دولت روسیه را بفهمد ومذاکراترابانهایت احتیاط و فطانت ودوربینی ادامه دهد و بدون هیچگونه ابهامی به ترموسوف اظهار کند که دولت ایران متحددولتین انگلستان وعثمانی است بنابراین تمام تصمیماتی که‌اتخاذ خواهد شد بایستی براساس تأمین منافع سه کشورمتحد انجام پذیرد[۲]

بالاخره پس‌ازمذاکرات زیادمیان نمایندگان دولت روس ودولت ایران‌مقرر شد ملاقاتی میان ژنرال ترموف ومیرزا بزرگ درعسکران انجام گیرد . [۳]

۱ - نامهٔ سرهارفورد جونس به‌میرزاشفیع بتاریخ ۱۸ فوریه ۱۸۰۹
London :p.R.O.p.Fo.60.T.III

۲ - فرمان مورخ ٦ صفر ۱۲۲۵ (۱٦ مارس ۱۸۱۰ فتحعلیشاه به‌عباس میرزا
London :P.R.O.P.Fo.60.T.III

۳ - نامهٔ مورخ ۱۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفورد جونس به کنت باترست Bathurst وزیرمستعمرات‌دولت انگلستان London :P.R.O.P.Fo.60.T.III

بمحض اطلاع از اینکه تشکیل کنفرانس میان سیاستمداران ایرانی و ژنرال روسی حتمی است نمایندهٔ انگلستان از میرزا بزرگ تأمین و تعهد گرفت درصورت انعقاد پیمان متارکـه میان دولتین ایران و روس منافـع دولت عثمانی تضمین و منظور گردد[۱]. باین ترتیب درتاریخ ۱۰ ربیع الاول ۱۲۲۵ (۱۵ آوریل ۱۹۱۰) میرزا بزرگ برای حضور درمحل کنفرانس تبریز را ترك گفت.

برای مطمئن ساختن دولت عثمانی ازجریان مذاکرات دولتین روس و ایران سرهارفورد جونس درنامهٔ خودبه‌روبرت آدر که‌درتاریخ اول آوریل ازتبریز نوشته شده تصریح میکند که‌میرزا بزرك‌وزیرعباس‌میرزاراضی شده‌است که در صورت‌انعقاد معاهده صلح یا پیمان متارکه بادولت روسیه ماده‌ای بگنجاند که مطابق آن روسها ازهر گونه‌تعرضی باراضی‌دولت‌عثمانی‌خودداری کنند.با اطمینان‌ازاینکه مذاکرات میان‌دولتین ایران وروس بنتیجه نخواهد رسید سرهارفورد جونس در همین نامه به روبرت آدر اعلام میدارد «نظر باینکه منظور وهدف نهائی ترموسوف پس از انعقاد معاهده صلح و یا امضای پیمان متارکه بادولت ایران حمله بخاك عثمانی است پس فرمانده کل قوای روس‌بگنجاندن‌مادهٔ پیشنهادی ازطرف نمایندهٔ دولت ایران رضا نخواهد داد»[۲]

نمایندهٔ بریطانیای کبیر درپیشرفت مقصود خود تردیدی نداشت‌برای احتراز ازهر گونه پیش آمدغیر مترقب هنگامی که‌میرزابزرك درعسکرن بودسرهارفورد جونس جهت‌تهیهٔ متن ومواد پیمان‌متارکه‌ای که بایستی بوسیلهٔ میرزا بزرك بژنرال ترموسوف تسلیم گردد درتاریخ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۲۵ (۱۵ مه ۱۸۱۰) به تبریز نزد عباس میرزا رفت[۳].

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱ آوریل ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به‌روبرآدر
Lon don :P.R.O.P.Fo.60.T·III

۲ـ نامه سرهارفوردجونس به روبرت آدر
L ondon:P.R·O.P.Fo.60T.III

۳ـ نامهٔ مورخ ۲۷ مه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به باتر Bathurst
London: P.R.O.P.Fo.60T.III

برای اینکه طرح مزبور مورد قبول دولت روسیه واقع نشود نمایندهٔ بریطانیای کبیر مواد آنرا طوری تنظیم کرد ودرمتن آن اصطلاحاتی بکاربرد که منظور سیاسی دولت انگلستان را تأمین می‌نمود . این طرح درشش ماده تهیه شده بود ومواد ۵و۶ آنرا که باعث شکست مذاکرات عسکران گردید دراینجا ذکرمیکنیم :

ماده ۵ : درمدت اعتباراین قرارداد قوای ایران درآذربایجان وقوای روس در گرجستان نباید اضافه ویاتعویض شود .

باد رنظر گرفتن اتحاد میان دولتین ایران وعثمانی درمدت اعتبار این قرارداد هر گاه قوای روس بنقاطی ازسرحدات حمله کنند این حمله اختلاف نظر میان دربارهای ایران و عثمانی ایجاد خواهد نمود . بنابراین نمایندگان مختار موافقت میکنند که درطول مدت این قرارداد قوای روس بهیچیك از نقاط سرحدی عثمانی بخصوص شهرهای قارص ووان وآلکالسیکه(۱) حمله نکنند .

ماده ۶ : هر گاه درمدت اعتباراین قرارداد پادشاه ایران مناسب دانست سفیری برای پیشنهاد صلح به سن‌پطرز برك بفرستد دولت روسیه تخلیهٔ تمام گرجستان و استرداد تمام ایالات اشغالی ایران‌را بعنوان اساس معاهدهٔ صلح قبول میکند (۲).

ولی چنانکه سرهارفوردجونس پیش‌بینی کرده بود زمامداران روس پیشنهاد های دولت ایران را قبول نکردندوقراردادی در۱۲ ماده بنمایندهٔ ایران ارائه‌دادند. مواد این قرارداد باندازه‌ای بامواد پیشنهادی دولت ایران مغایرت ومباینت داشت که بالاخره مذاکرات عسکران سرنگرفت ومیرزا بزرك بدون اخذ کمترین نتیجه به تبریزمراجعت کرد وژنرال ترموسوف عازم تفلیس شد . جمادی‌اول ۱۲۲۵(ژوین ۱۸۱۰)نمایندهٔ بریطانیای کبیروقتی ازنتیجهٔ مذاکرات عسکران اطلاع حاصل کرد

---

1 -- Alkalsikeh

۲ ــ طرح یك قرارداد متارکه میان دولتین روس وایران که از طرف سرهارفود جونس تهیه ودرتاریخ ۱۵ مه ۱۸۱۰ تقدیم گردیده است

London :p.R.O.p Fo.60T·III

بلافاصله وزارت امورخارجهٔ انگلستان را ازقطع مذاکرات میان‌دولتین‌ایران وروس در جریـان گذاشت.(۱)

سرهارفوردجونس درتاریخ ۲۴ مه نیزاستراتفورد (۲) کانینگ سفیر کـبیر انگلستان را درقسطنطنیه که جانشین روبرت آدر شده بود از قطع مذاکرات میان دولتین ایران وروس مطلع ساخت(۳).

استراتفورد کانینگ بنوبهٔخود خلاصهٔ چندنامهٔ محرمانه‌را که روش وسیاست کلی دولت روسیه را روشن میسازد برای اطلاع سفیر انگلستان در ایـران ارسال داشته (۴) وازموفقیتی که درمسائل ایران و روس نصیب وی شده تبریك میگوید :

۱ ـ نامه مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس بهولزلی
London : P.R.O.P.Fo.60.T.III

2 - stratford – Canning

۳ ـ نامهٔ مورخ ۲۴ مه سرهارفورد جونس بهاستراتفورد کانینك
London:P.R O.P.Fo.60.T.III

۱ ـ خلاصهٔ چند نامهٔ محرمانه که ازسن‌پطرزبرك بدست‌استراتفوردکانینك رسیده ووی رونوست آنهارا برای اطلاع سرهارفورد جونس ارسال داشته بود : «در روسیه بعلت خرابی فوق‌العادهٔ اوضاع مالی که مواجه باورشکستی‌است امیدوارند جنك راخاتمه دهند . نتیجهٔ این جنگها ومخصوصاً ادامهٔ دوجنك عثمانی وایران که فعلا درجریان است محتـاج بمقادیر فوق‌العاده زیاد پول است که درحال حاضر در روسیه کـمیاب میباشد . بطوریکه ادامهٔ این دوجنك باوضعی‌که مالیهٔ دولت روسیه گرفتار شده برای این‌دولت غیرممکن است».

«برای انعقاد معاهدهٔ صلح باایران منتظرامضای پیمان متارکه هستند که بعلت اشغال ایمرسی ازطرف سپاهیان امپراطوری و حبس پادشاه سلیمان بعلت خیانت بدولت روسیه بتأخیر افتاده است ـ اشغال ایمرسی هنوزاعلام نشده ولی میگویند باانضمام این ناحیه علاوه براینکه دولت روسیه بقلاع مستحکمی دست خواهد یافت که‌برای ادامهٔ‌جنك باعثمانیها درجبههٔ طرابوزان بی‌نهایت مفید است چهل هزار نفرنیز بجمعیت آندولت اضافه خواهد شد ـ واگذاری دوایالت همجوار گرجستان راازایـران میخواهند البته این امر بنظرهر شخص‌فهمیده نامعقول بنظرمیرسدزیرا روسها که نتوانستندابروان‌رامتصرف‌شوند چگونه میخواهند که پادشاه ایران این ایالت را با انعقاد معاهدهٔ صلحی بـدولت روسیه واگذار کند ؟ مسیولازار متصدی‌امورفرانسه دردربارایران دراینجا است وطرف توجه

بقیه حاشیه درصفحه بعد

« شمامیتوانید متوجه خدمت مهمی باشید که بامما نعت از امضای قرار متارکه و یا پیمان صلح میان دولتین ایران و روس بمنافع عمومی انجام داده اید.» استراتفورد کانینك ازنظر یکنفر بریطانیائی چنین قضاوت میکند : « بزرگترین خدمتی که شما انجام داده اید اینست که توانسته اید جنك را باشدت هرچه تمامتر میان ایران وروس ادامه دهید آلکساندر از انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس و ایران مأیوس و ناامید شده است »(۱)

بقیه حاشیه از صفحه قبل

امپراطور آلکساندر نیز میباشد ـ وی منتظر ورود سفیر ایرانست معلوم نیست بچه علت پادشاه ایران بایستی نماینده‌ای باینجا بفرستد درصورتیکه وی میتواند معاهدهٔ صلح را درهمان سرحدات خود منعقد کند . این نکته نیز شایان توجه است که دربار روسیه محکوم به تعقیب یك سیاست ناپایدار و تغییرپذیر وغیرمطمئنی است که بهیچوجه با منافع آندولت ومنافع اروپا تطبیق نمیکند .

«دراینجا هنوزهم زیاد علاقمند باصول سیاست فرانسه هستند . امیدوارند بزودی بدوجنك ایران وعثمانی بزوراسلحه خاتمه داده خواهد شد . باوجود تمام ملاحظاتی که بایستی در نظر گرفت روسها درعقیدهٔ خود راجع بانعقاد قریب‌الوقوع پیمان صلح با ایران راسخ می‌باشند وامیدوارند که این صلح باورود نمایندهٔ ایران عملی خواهد شد. همچنین انتظاردارند که پس ازعبور لشکریان روس از رود دانوب جنك با عثمانیها نیز بزودی خاتمه خواهد یافت .

استناد منظم بنامهٔ استراتفورد کانینك که در اول اوت ۱۸۱۰ به‌سرهارفوردجونس فرستاده شد .

London:P.R.O.P.FO.60.T-III

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۱ اوت ۱۸۱۰ استراتفوردکانینك به سرهارفوردجونس
London :P.R.o.P.Fo.60.T.III

۵ ـ اتحاد ایران و عثمانی از رجب ۱۲۲۵ تا معاهده بخارست جمادی‌الاول ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۰-۱۸۱۲)

درنتیجهٔ اقدامات سرهارفورد جونس واسترانفورد کانینگ بالاخره پیمان اتحادی میان دولتین ایران وعثمانی درماه رجب ۱۲۲۵ (اوت ۱۸۱۰) بامضاء رسید.

پس ازقطع مذاکرات صلح باروسها جنگ درطول تمام جبهه‌های ایران وعثمانی ازنو بشدت آغازشد (۱).

بعد ازمستشاران نظامی انگلیس ووصول توپ ومهمات مختصر بهبودی دروضع سپاهیان ایران حاصل شد. مهندسین انگلیسی درطول کرانه‌های رودارس به تحکیم نقاط سوق‌الجیشی پرداختند. ازطرف لنکران در کناردریای خزربیك حمله لشکریان روس باموفقیت جواب داده شد واقدامات دشمن عقیم ماند.

سال ۱۲۲۶ (۱۸۱۱) نسبتاً آرام بود زیرا دولت روسیه ازیکطرف مصمم بود پنهانی وناگهانی به لهستان حمله کند.

ازطرف دیگر میخواست جنگ رابشدت برضد عثمانیها ادامه دهد. وبااین ترتیب تمام فعالیت زمامداران روسیه ازطرف دانوب برضد عثمانیها وازسمت مغرب برضد دولت لهستان متوجه بود نیات خصمانهٔ آلکساندر ازهمان ملاقات ارفورت(۲) برضد ناپلئون معلوم بود بطوریکه درتاریخ ۳۱ دسامبر بنادرروسیه رابروی کشتیهای تجارتی باانگلستان باز کرد ودستورداد بحقوق گمرکی مال‌التجاره‌هائی که از فرانسه وارد میشود بیفزایند وباادامه این روش ازطرف دولت روسیه بسیاست محاصرهٔ بری ناپلئون

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۸۱۰ سرهارفوردجونس به ولزلی

London: P.R.P.Fo.60.T.III

2 - ERFURT

برضد دولت انگلستان ضربهٔ شدیدی واردآمد .

پس ازاین اقدام آلکساندر موفق شد سوئدیها ودانمارکی‌ها را نیز از فرانسه دور کند . مترنیخ(۱) بااینکه همه گونه‌وعدهٔ مساعدت به‌ناپلئون داده‌بود بآلکساندر اطمینان داد که درصورت ظاهر جنگ‌را برضد دولت‌روسیه اعلام خواهد کردبدون اینکه بهیچوجه برتعداد سپاهیان اطریش بیفزاید . علاوه براین یك قرارداد سری درتاریخ ۲ ژوین ۱۸۱۱میان دولتین روسیه‌واطریش بامضاء رسید ومترنیخ با اتخاذ این‌روش یعنی تعقیب یك سیاست دوپهلو استقلال اطریش را تأمین نمودو منتظرشد تا فرصت مناسب‌تری بدست آید .

درجنك باعثمانیها روسها موفقیت بیشتری داشتند پس‌ازشکست‌های‌پی‌درپی درجبههٔ دانوب که ازطرف ژنرال‌باگراسیون به‌عثمانیها واردآمدآندولت‌درتلاش‌بود که بحملهٔ سختی درجبهه قفقاز برضد دولت روسیه اقدام نماید .

بهمین مناسبت درماه ربیع‌الثانی ۱۲۲۶ (آوریل ۱۱۸۱) هیئتی ازطرف دولت عثمانی مرکب ازسیدعبدالوهاب افندی‌وحیرت‌افندی بهمراهی چهارنفرافسرمهندس برای حل یك اختلاف مرزی و بمنظور تشیید اتحاد نظامی میان دو دولت بتهران وارد شد.

پس‌ازتبادل افکار وجلب نظرافسران‌تصمیم گرفته شد که‌سپاهیان‌ایران‌وعثانی از ماه جمادی‌الثانی(ژوین) حملات خود رامتحداً درسمت تفلیس ادامه‌دهند.

متأسفانه نقصان‌وسایل حمل ونقل جریان عملیات را کندساخته ونقشه‌روسها راکه ممانعت ازالحاق قوای‌ایران وعثمانی بودبی‌نهایت آسان میکرد تازه‌لشکریان ایران ازشوره گل وسپاهیان عثمانی ازقرارگاه خود ازقارص حرکت کرده بودند که بواسطهٔ حملات شدید ژنرال پولوچی (۲) مجبور شدند بقارص عقب نشینی کنند و لشکریان ایران پس ازچند روز مقاومت بسمت ایروان پس نشستند.

اوضاع اروپا باسرعت فوق‌العاده دگر گون میشد. دولت روسیه مصمم بود که

---

1 – Metternich

2 – Pauluceci

بلهستان حمله کند و با ناپلئون از در جنك در آید. بهمین جهت آلکساندر تعجیل داشت که بجنك با دولت عثمانی هر چه زودتر خاتمه دهد بخصوص که این دولت در جبهه دانوب و قفقاز با شکست‌های شدیدی مواجه گردیده بود. سرانجام هنگامی که نزدیك بود حمله ناپلئون بروسیه آغاز گردد آلکساندر اجازه داد پیمان صلح با دولت عثمانی منعقد شود و عهدنامه صلح بخارست در تاریخ ۲۸مه ۱۸۱۲ (جمادی‌الاول ۱۲۲۷) میان دو دولت بامضاء رسید. و با این ترتیب ژنرال چیت‌چاقوو [۱] که جانشین ژنرال کوتوزوو [۲] شده بود موفق شد بسمت شمال پیشروی کند در صورتیکه لشکریان آسیائی تزار که از جانب دولت عثمانی آسوده خاطر شده بود برضد دولت ایران بمشرق جبههٔ قفقاز متوجه شدند

1 – Tchitchacow
2 – Koutosow

فصل چهارم

۱- مرحله سوم جنگهای ایران و روس از امضای معاهدهٔ بخارست

جمادی الاول ۱۲۲۷ (مه ۱۸۱۲) تا امضای معاهدهٔ گلستان
ذیقعدهٔ ۱۲۲۸ (اکتبر ۱۸۱۳)

با امضای پیمان صلح بخارست جنك میان دولتین روس وعثمانی پایان یافت و سپاهیان عثمانی در جبهه‌های اروپا وقفقاز دست از تعرض برضد قوای روسیه برداشتند لشکریان تزار چون از جانب عثمانی آزاد و آسوده‌خاطر شدند بحملات جدی بر ولایات ایران پرداختند. تخلیهٔ جناح چپ جبههٔ قفقاز از طرف لشکریان عثمانی صدمهٔ جبران ناپذیری بوضع نظامی سپاهیان ایران وارد ساخت روسها در جبههٔ ایران از سمت شوره گل بحملات وپیشرفتهای خود ادامه دادند.

درضمن پیشرفت، مأمورین ونظامیان روس، اهالی تمام نقاطی را که از آغاز جنك برای حفظ منافع وطن خود برضد روسها اقدام کرده بودند مورد شکنجه قراردادند. بچه‌های خردسال را درآبجوش انداختند ومردان وزنان را بچهارمیخ کشیدند. سکنهٔ ایالات سرحدی شمالغربی قفقاز بخصوص مردم قره باغ درمقابل فجایع وتعدیات روسها بقرارگاه عباس میرزا پناه آوردند. ولیعهد ایران مجبور شد پناهندگان را از صحنهٔ عملیات دورسازد ودر آذربایجان سکونت دهد. این نقل و انتقالات مستلزم صرف هزینه‌های فوق‌العاده بود که بناچار از جیره واعتبار سربازان تأمین شد.

تعدی وبدرفتاری روسها ازماه جمادی‌الثانی باینطرف یعنی یکماه پس از امضای معاهدهٔ بخارست شروع شد.

این طرز رفتار واجحافات روسها باعث ایجاد شورش وانقلاب عمومی در تمام

نواحی‌اشغالی گردید. عصیان وانقلاب بگرجستان‌نیز سرایت کرده ودر آنجا اسکندر میرزا ازاولادهراکلیوس که نسبت بدولت ایران وفادارمانده بود درراس شورشیان قرار گرفت. روسها همه‌جامورد حملات مسلمانانی قرار گرفتند که ازفجایع ومظالم ایشان جان بدربرده بودند.

سر گوراوزلی[۱] سفیر بریطانیای کبیردرایران‌ویکونت کاسلره[۲] وزیرامور خارجهٔ انگلستان را باین عبارات از جریان اوضاع نواحی اشغالی روسیه مستحضر میسازد: «ازوقتی که اسکندرمیرزا والی گرجستان که نسبت بدولت ایران وفادار مانده شورش وانقلابات عمومی‌برپا کرده است قسمت‌اعظم‌نواحی اشغالی دولت‌روسیه باعصیان‌وانقلابات عمومی ومداوم‌مواجه‌است وبااین ترتیب‌دولت‌ایران حاضرنخواهد شد قبل‌ازتصرف گرجستان بادولت روسیه کناربیاید.»[۳]

---

1 - Sir – Gore – Ouseley.

2- Viconte-Castlereagh.

۳ ـ نامه سر گوراوزلی بەویکونت کاسلرهٔ

Lundon:P.R.O.P.Fo.6o.T.VII

۲ـ مقدمات انعقاد معاهدهٔ گلستان

بی نتیجه بودن وساطت انگلستان ومذاکرات اصلان دوز

سیاستمداران انگلیسی که درسال ۱۸۱۲ (۱۲۲۷) ازفتوحات ناپلئون دراروپا فوق العاده نگران بودند، سعی داشتند که دولتهای سوئد وروسیه را از دولت فرانسه جدا سازند. بارسیدن کاسلره بوزارت امورخارجه بالاخره دولت انگلستان موفق شد در۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ (۶رجب ۱۲۲۷) پیمان اتحادی باتزار آلکساندرامضاء کند.

درجریان ماه آوریل یعنی دوماه قبل ازامضای پیمان اتحاددولت روسیه بوسیلهٔ سفیراسپانیا کمك دولت انگلستان را تقاضا کرده و ازآندولت مخصوصاً درخواست نمود که آلمانها واسلاوهای آدریاتیك رامسلح کند وارتش‌های اسپانیاوسوئدراتقویت نماید و عملا نشان دهد که جنك جدید برضد دولت فرانسه اصولا جنك برای استخلاص واستقلال ملت‌هاست.

درمشرق نیزبهمین‌منوال دولت روسیه میانجی گری انگلستان راتقاضا کرد. قیامهاواغتشاشات مداوم‌درنواحی‌متصرفی روس، تهیه وتجهیزات‌قوای‌ایران‌برای‌حمله ومخصوصاًعزیمت ارتش‌بزرك ناپلئون بطرف‌روسیه،ژنرال‌نیکولادوریچف[1]جانشین ژنرال ترموسوف را مجبوروواداركرد که تا وصول اخبارصحیح از هجوم و استیلای فرانسویان ازحملات خوددرجبههٔ ایروان بکاهد.

درنتیجهٔ همین تحولات سیاسی ونظامی ووضع جبهه‌های غربی‌روسیه بود که ژنرال نیکولا دوریچف فرمانده کل‌قوای قفقاز کلنل‌فریقان[2] مشاوردربارومازور

1- Nicolas-De-Ritcheff.

2 - Colenel-Freygang.

پاپف[۱] رابرای ملاقات سرگوراوزلی سفیر انگلستان بایران فرستاد.[۲] هیئت نمایندگی روس حامل نامه‌هائی ازطرف دوك دوسراکاپریولا [۳] نمایندهٔ پادشاه دوسیسیل[٤] دردربارسن‌پطرزبرگ بود. در این نامه ها تصریح شده بود که استراتفورد کانینك سفیربریطانیا درباب‌عالی ازنمایندهٔ دوسیسیل دردربار آلکساندر تقاضا کرده‌است که ازبذل مساعدت برای پایان دادن بجنگ روس وایران مضایقه ننماید.[۵]

---

1 - Papoff

۲ - نامهٔ مورخ ۲۷ژوئن ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به‌دوك دوسرا کاپریولا
London:P.R.O:P.Fo.6oT.VI

3 – Duc – De – Serra Capriola.

4 – Deux - Siciles.

۵ـ بمناسبت ارزش تاریخی نامهٔ مطول دوك دوسرا کاپریولا به سرگوراوزلی که سیاست کاسلره را روشن کرده واهمیت جنك ایران‌را ازنظر دولت روس نشان میدهد بترجمهٔ قسمتی ازآن مبادرت میکنیم.

«من که‌این نامه‌را بدون‌داشتن افتخارشناسائی بشمامینویسم امیدوارم‌آنراغیرعادی تلقی‌نفرمائید. فوریت‌امورکه دولت‌انگلستان اینهمه‌بدان اهمیت میدهدومایاست که‌انعقاد پیمان صلح‌را میان‌دولتین ایران و روس مشاهده کند، خوشبختی که باجلب اعتماد سفیر انگلستان نصیب من گردید و توانستم بنام وزیر اعلیحضرت پادشاه دوسیسیل تمایلات دولت شمارا نزد اعلیحضرت امپراطورروسیه ابرازدارم، دلایلی است که بمن اجازه داد باین اقدام‌مبادرت‌کنم واطلاعات مهمی حاکی ازوسعت دامنهٔ تشبثات برای انعقادپیمان صلح مفید بحال‌دولتین ایران وروس که دولت انگلستان نیزجداً طالب آنست دردسترس شما بگذارم.

«مسیو کانینك سفیرانگلستان درقسطنطنیه که باوی افتخار مکاتبه را دارم از هنگامیکه استقرارصلح‌دولتین روسیه وباب عالی بعهدهٔ ایشان محول‌گردیده‌آثار جدیت خودرا نشان داده وموضوع مأموریت‌محوله‌را بجائی که‌مورد علاقه بود رسانیده استوی در تاریخ ۱۹ فوریه بمن نوشته که ضمن مسائل مورد بحث که عثمانیها مطرح میکنند میخواهند پیمان صلح باآندولت متضمن صلح میان دولتین ایران وروس نیز باشد.

«من که افتخارداشتم درچندین جلسه کنفرانس باکنت‌دوروما نزوف Conte-De Romanzoff صدراعظم امپراطوری روسیه شرکت کنم همین موضوع‌را باایشان در میان گذاشتم‌ـ جناب‌ایشان اظهار داشتند که جنك با ایران کاملا مشخص ومتفاوت‌باجنگی است که اعلیحضرت امپراطوری باترکها دارد. ازومی‌ندارد وحتی‌خوش‌آیند هم نیست که این‌دوجنك باهم مخلوط شود. این عمل برای دولت مقتدری مانند ایران یکنوع

بقیه حاشیهٔ درصفحه بعد

بقیه حاشیه از صفحه قبل

تحقیر و بی‌احترامی است که بدون اطلاع و برای آن دولت معاهده‌ای بامضاء برسد که دولت ایران را تحت حمایت و تابع سیاست دولت عثمانی قرار دهد ولی اعلیحضرت امپراطور حاضر است با دولت ایران صلحی براساس وضع حاضر و بوسیلهٔ سفیر انگلستان در ایران منعقد سازد ...

«تصدیق میکنید که من مضایقه نکردم چنین خبری را فوراً باطلاع مسیو کانینك برسانم تا مشارالیه باب عالی را ازموضوع مستحضر سازد و به شما نیز اطلاع دهد تا در نتیجه بتوانید اقدام کنید.

«اکنون افتخار دارم این خبر را بشما مستقیماً ابلاغ کنم که درضمن ملاقات دیگری که باصدراعظم امپراطوری کردم بمن اظهارداشت علاوه بر آنچه که بمسیو کانینك نوشته شده برای اثبات تمایلی که اعلیحضرت امپراطور جهت امضای معاهدهٔ صلح با پادشاه ایران دارد نه تنها حاضر است پیشنهادهای خودرا باتقلیل آنها بوضع حاضر تعدیل کند بلکه میخواهد تمام اختیارات سلطان فعلی وتمام عناوین را بشناسد ... اقدامات مفید شما مورد قبول بوده و بفرمانده کل قوا در گرجستان دستور داده شده است که مذاکرات را بوسیله شما شروع کند.

«گمان میکنم ناچارم بشما اطلاع دهم که دردوم ماه جاری امپراطور بوسیلهٔ صدر اعظم بمن اجازه داد جوابی بمسیو کانینك بدهم که مضمون آن نه تنها تسهیلات مهمی برای انعقاد پیمان صلح باامپراطوری عثمانی را فراهم میسازد بلکه امپراطور امضای یك پیمان اتحاد تعرضی ودفاعی را باتضمین متقابل در برابر حملهٔ یکی ازدول اروپائی پیشنهاد میکند این رویه بطور کامل وصریح ثابت میکند که دولت روسیه به بقای امپراطوری‌های عثمانی وایران تاچه حد علاقمند است دریافت این خبر ازپیش بشما کمك خواهد کرد که پادشاه ایران را متقاعد کنید ومذاکرات صلح را که این همه موردتوجه دولت شماست و در وضع حاضر تا این حد ضروریست تسریع نمائید.

«ملاحظه میکنید که وضع فعلی روسیه وساطت صریحی را اجازه نمیدهد ولی اقدامات مفید ودخالت شما این موضوع راجبران خواهد کرد. مخصوصاً اگر توجه داشته باشید که با هم آهنك کردن این اقدامات مفید باساس طرحی که ازطرف دولتین روس و انگلیس دردست تهیه است کمك خواهد شد من هیچ تردید ندارم که شما باهمیت این حقیقت پی برده‌اید وهیچ اشکالی دراین خصوص مشاهده نمی کنید واگر بااشکالی مواجه شوید دررفع آن ابدا کوتاهی نخواهید فرمود تابسهم خود دراین کار مهم که تا این حد متضمن نفع مصالح عمومی است توفیق یابید.

«قبلا بشما اطلاع میدهم حدس میزنند که درضمن پیشنهادهای مختلفی که بناپارت در

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

وارد ومنتظر ورودسر گوراوزلی سفیر کبیرانگلستان شدند.

علاوه براین اقدامات ، ژنرال دوریچف ماژورپایف را مأمور کردنامه‌ای بعنوان عباس میرزا تسلیم نماید که در آن نامه مجدداً برای ختم غائله پیشنهادسازش شده بود. دراین موقع باامضای معاهدهٔ اتحاد میان دولتین روس وانگلیس منافع بریطانیای کبیرایجاب میکرد که قوای روس ازسرحدات قفقاز آزاد گردد تانقشهٔ بزرك دفاعی برضد ناپلئون وبنفع عملیات مهمتری که برای تأمین مصالح عمومی ضرورت داشت تکمیل شود. درتعقیب همین سیاست بود که بالاخره سفیرانگلستان پس ازاصرارزیاد در ماه جمادی‌الثانی ۱۲۲۷ بتحصیل اجازه از طرف فتحعلی شاه موفق شد که برای عقد قرارداد صلح باروسها داخل مذاکره شود. (۱)

نمایندهٔ بریطانیای کبیر در تاریخ ۸ جمادی‌الثانی ۱۲۲۷ (۱۹ ژوین ۱۸۱۲) وارد تبریزشد وپس ازمذاکرات وملاقاتهای متعدد بانمایندگان دولت روس وعباس میرزارضایت ولیعهد ایرانرا برای‌انعقاد معاهدهٔ صلح بفرمانده کل قوای‌روس اطلاع داد وبهمین منظورروبر گوردون(۲)را که مورد اعتمادوی بود برای مذاکرات صلح میان دولتین روس و ایران نزد ژنرال دوریچف فرستاد(۳). جمس موریه (۴) وابستهٔ

آخرین مرحله برای اجتناب ازجنك بدولت روسیه خواهد کرد یکی تقسیم امپراطوری عثمانی ومنظور کردن مادهٔ مخصوصی است برای اجازه عبورارتشی ازاراضی امپراطوری عثمانی که بایدازراه ایران برای حمله بهندوستان اعزام گردد. بناپارت برای جنك کاملا آماده است بازهم میخواهد تمام وسایل‌را برای اجتناب ازجنگی که نتیجهٔ آن قابل تردید است بکار برد. بنابراین فوق العاده اهمیت دارد که قبلا وسائلی که بناپارت با اینهمه مهارت ازآنها استفاده میکند ازبین برداشته شود وخاتمه دادن باختلافی که میان دولتین روس وایران حکمفرماست ازجمله این وسایل بشمارمیرود.

« لازم میدانم مسیو کانینك ووزارت‌خارجه انگلستان‌را ازاین‌اقدام‌خود مطلع نمایم.

سن پطرزبرگ ۱۵ آوریل ۱۸۱۲

دوك‌دوسرا کاپریولا London :P.R.O.P.Fo.6o.T.VI

۱ ـ نامه مورخ ۲۷ژوین ۱۸۱۲ سر گوراوزلی بەولزلی

London :P.R.O.P.Fo.6o.T.VI

2 -R obert Gordon.

۳ ـ نامه مورخ ۲۱ ژوین سر گوراوزلی بەژنرال دوریچف

London :P.R.O.P.Fo.6o.T.V

4 - James.Morier.

سفارت انگلیس در کتاب مسافرت خود بایران جریان اوضاع‌را چنین شرح‌میدهد:
«درموقع ورود به‌تبریز دراین شهریك افسر روسی دیدم که ازطرف ژنرال‌دوریچف فرمانده کل گرجستان برای ملاقات سر گوراوزلی آمده وحامل نامه‌هائی بود که تصمیم‌دولت‌سن پطرزبرك‌را برای شروع مذاکرات بادولت ایران بوساطت‌بریطانیای کبیرشرح میداد.

انقلابات‌جدید گرجستان که بنفع‌ایران‌بودبطوری غرور آندولت‌رازیاد کرده بود که بهیچ وجه‌حاضر نمیشد پیشنهادهای حریف‌را گوش بدهد. ولی‌باوجوددخالت ووساطت دولت انگلستان شاهزاده نتوانست تقاضای اورا رد کند.

بنابراین سفیرانگلستان بارضایت شاهزاده، روبر گوردون‌را با افسر روسی‌به تفلیس فرستاد تاازژنرال دوریچف مفهوم صریح یادداشت روس‌را سؤال کند واطلاع حاصل نماید که دولت روس یکنفر نمایندهٔ تام‌الاختیاربرای صلح‌درنظردارد یانه»

دراوایل‌ماه‌اوت ۱۹۱۲ (شعبان۱۲۲۷) مراسلات روبر گوردون به‌تبریز رسید. جمس‌موریه‌مامور شدآنهارا بعباس میرزا که دراردوگاه یام (۴۰ کیلومتری تبریز) اقامت داشت برساند.

جمس موریه‌میگوید یکی‌ازنامه‌های فرمانده کل قوای روس حاوی‌رونوشت معاهده‌ای بود که جدیداً میان دولتین روسیه و عثمانی (مقصود معاهدهٔ بخارست میباشد) بامضاء رسیده بود[1] عباس‌میرزا این معاهده‌را در کمال سکوت و به‌تفصیل مطالعه کرد و ملاحظات و یادداشت‌های فوق‌العاده دقیقی در خصوص بعضی از مواد معاهده نمود. معلوم بود که شاهزاده اطلاع کامل از کیفیت روابط سیاسی موجود میان دودولت‌دارد. علاوه‌براین ژنرال‌دوریچف‌درمکاتبات‌تقاضای‌متارکهٔ‌جنك‌را کرده واطلاع‌داده بود که‌اختیارات‌تمام‌برای‌عقد قرارداد‌صلح دارد «درصورتیکه‌دولت‌ایران برای‌برداشتن اولین قدم‌صمیمانه مایلست من‌حاضرم درنقطه‌ای ازسرحد که ازجانب طرفین تعیین خواهدشد حضوریافته درخصوص متارکهٔ جنك‌مذاکره کنم ودرضمن

---

۱ ـ مکاتبات روبر گوردون‌باسر گوراوزلی
London: P.R.O.P.Fo.60.T.VII

با نمایندگان تام‌الاختیار پادشاه ایران عباس میرزا و جنابعالی مذاکرات مربوط باساس‌صلح راشروع نمایم.(۱)

دولت روس تقاضا کرده بود جنگ برای مدت چهل روز متارکه شود در ماه شعبان ۱۲۲۷ (اوت ۱۸۱۲) از طرف دولت ایران بااین تقاضا موافقت شد وجنگ‌در طول تمام جبهه متوقف گردیدباستثنای ناحیهٔ طالش که درآنجا مصطفی خان طالش با کمک روسها اغتشاشاتی برضد دولت ایران‌بر پا کرده بود.فرمانده کل قوای‌روس وعباس میرزاقرار بود یکدیگر را پس‌از انقضای‌مدت متارکه در سلطان حصاری‌در کنار رودارس ملاقات نمایند ولی دراوایل ماه رمضان ۱۲۲۷(سپتامبر ۱۸۱۲)ژنرال حق وردی (۲) بمرکزستاد عباس میرزا آمده و اظهار داشت نظر باینکه ایرانیان بدستیاری اسکندر میرزا اغتشاشات گرجستان را برپا ساخته شروط متارکهٔجنگ‌را رعایت‌نکرده ومحترم نشمرده‌اندملاقات سلطان حصاری مورد نخواهد داشت.صاحب ناسخ التواریخ درحسن نیت ژنرال‌روس‌بدون دلیل تردید دارد ولی بنظرمیرسید که این‌تغییرسیاست دولت روس بااوضاع مسکو که دردست سپاهیان ناپلئون‌بودبستگی داشته است .

بدین‌معنی که فرماندهی روس گمانداشت فرارسیدن فصل زمستان بایجاد هرج‌ومرج وانحلال لشکریان فرانسه کمک کرده ودرنتیجه فتح‌قطعی بادولت‌روسیه خواهدبود بنابراین روسهاحق داشتند که دربرابرایران پرتوقع باشند وهمین‌انتظار وپیش‌بینی عاقبت‌لشکریان فرانسه درروسیه ازاهمیت وضرورت صلح بادولت‌ایرانرا میکاست . بعلاوه ژنرال حق‌وردی اظهارمیداشت که ژنرال دوریچف دیگراختیارات تام برای امضاء وانعقاد معاهدهٔ صلحی که منافع دو کشوررا تأمین کند ندارد. برای حفظ ظاهر ژنرال حق‌وردی پیشنهاد کرد نمایندگانی ازطرف دولت ایران بـرای ملاقات بانمایندگان دولت روس باصلان دوزواقع درکناررود ارس اعزام شوند .

۱ـ نامه مورخ ژوئیه ۱۸۱۲ ژنرال دوریچف بسرگوراوزلی
London:P.R.O.P.F.o.60.T.VII

2 - Akewerdoff.

سر گوراوزلی که برای تسریع انعقاد معاهدهٔ صلح اصرار داشت عباس میرزا را باعزام میرزا ابوالحسن‌خان نمایندهٔ سابق ایران درلندن برای مذاکرات‌مقدماتی صلح مصمم گردانید. جمس موریه نمایندهٔایران‌برای شرکت در کنفرانس‌اصلان‌دوز حرکت کرد ودستورداشت قبلا درضمن کنفرانس محرمانه‌ای بافرماندهٔ کل قـوای روس ملاقات کند .

نمایندگان در تاریخ ۱۳ رمضان (۲۰ سپتامبر) از آق‌تپه مرکز ستاد ولیعهد ایران که ازاصلان دوز چندان فاصله‌ای نداشت حرکت کردندودرهمان وقت میرزا بزرك وزیرعباس میرزا نیزمامورشدکه دولت روسیه راازبی طرفـی دولت‌ایران در اغتشاشات گرجستان مطمئن سازد .

جمس موریه‌پس ازجلسات متعدد وتبادل نظرباروسهاقرارگاه‌ژنرال‌دوریچف رادرمعیت ژنرال حق‌وردی که نمایندگی دولت روسیه را درمذاکرات عهده‌دار بود ترك گفت .

مذاکرات نمایندگان‌دودولت فوق‌العاده دشوار وطولانی شد زیراروسهابهیچ وجه نمیخواستند ازپیشنهادهای سابق خود صرف نظر کنندوایرانیها حاضر نبودند براساس وضع‌حاضر (۱)سازش نمایندبطوریکه از کنفرانس اصلان‌دوزنتیجهٔ مطلوب بدست نیامد وامیدانعقاد معاهدهٔ صلح قطع گـردید ومذاکرات بدون‌نتیجه خاتمه یافت ودرروز ۲۹ رمضان (۲۷ سپتامبر ۱۸۱۲) صورت مجلسی تنظیم شد کـه علت شکست‌مذاکرات‌راروشن میکند(۲) .

دولت‌روسیه شرایط آتی‌را که ممکن بوداساس‌معاهدهٔ‌صلح قرارگیرد پیشنهاد میکرد: نواحی که بانیروی‌سپاهیان روس فتح‌شده‌وهمچنین مناطقی که‌تحت‌حمایت دولت روسیه قرارگرفته‌اند درتحت نفوذ وقدرت تزارباقی میماند. ناحیهٔ طالش که بتازگی تحت حمایت دولت روس درآمده و سابقاً متعلق بدولت ایران بود ازدولت ایران خواهد بود .

1 - Statu - Quo.

۲ - صورت مجلس مورخ ۲۷ سپتامبرمربوط به کنفرانس اصلان دوز
London :P.R.O.P.Fo.6o.T.VII

درصورتیکه ایرانیان این شرایط را قبول کنند امپراطور روسیه درحین انعقاد قرارداد فرمانفرمای فعلی ایرانرا بسمت پادشاه قانونی ایران شناخته، عباس میرزا رابعنوان جانشین تاج وتخت ایران خواهدشناخت دولت روسیه همچنین تعهدمیکند که درمقابل دشمنان دولت ایران با آندولت کمك کند.

درمقابل پیشنهادهای نمایندگان دولت روس نماینده دولت ایران شرایطی را که ممکن بود ازطرف دولت ایران پذیرفته شود بدین شرح بیان نمود: نواحی که سابقاً متعلق بایران بود ودولت روسیه بزور اشغال کرده وهمچنین نواحی که سکنهٔ آن در تحت حمایت دولت روس قرار گرفته‌اند بایستی بدولت ایران مسترد گردد. دولت ایران تعهدمیکند پولی بدولت روسیه بپردازد ودرمقابل دشمنان دولت روسیه نیرو به کمك آندولت بفرستد.

بااین ترتیب تباین واختلاف نظر لاینحل بود وچنانکه گفتیم کنفرانس اصلان‌دوز بدون اخذ نتیجه خاتمه پذیرفت.

مؤلف ناسخ التواریخ میگوید ایرانیان که تا کنفرانس اصلان‌دوز باقید وانتظار ملاقات عباس میرزا وژنرال دوریچف بودند ملتفت شدند که تمام این ملاقاتها ومذاکرات تزویر وبرای اغفال دولت ایران است. سر گور اوزلی درنامه‌ای که بعنوان کاسلره (۱) بلندن فرستاده عدم میل بسازش ولحن محکم نمایندگان ایرانرا در کنفرانس اصلان‌دوز بیشتر به نفوذ نمایندگان دولت فرانسه دربغداد متوجه میسازد ومعتقداست نمایندگان دولت فرانسه که بااطرافیان ووزرای عباس میرزا مربوط هستند ازپیشرفتهای درخشان بناپارت سخن گفته و وعده میدهند که بزودی ایرانرا ازدست روسها خلاص خواهد کرد. (۲)

درهمین نامه نمایندهٔ دولت انگلستان از روابط میرزابزرگ بانمایندگان دولت فرانسه دراسلامبول اظهار نگرانی کرده ومیگوید که این وزیر مشغول عملیاتی برضد دولت انگلستان وبنفع دولت فرانسه‌است. وی تمام مساعی خودرابرای بر کنارساختن میرزا بزرك که مانع انعقاد پیمان صلح‌است بکاربرده ولی باخذ نتیجه موفق نگردیده است

---

1 — Castlereagh

۲ ـ نامهٔ مورخ ۲٤ دسامبر ۱۸۱۲ سر گور اوزلی به ویکونت کاسلیره

London : P. R. O. P. Fo. 60T · VII

۳ - آخرین زدوخوردهای سال ۱۲۲۷ (۱۸۱۲)

قبل از حرکت از اصلان‌دوز نمایندگان مقرر داشتند که درانقضای مدت معین جنگ مجدداً شروع شود .

امضاء کنندگان متارکه ماه اوت ۱۸۱۲ (شعبان ۱۲۲۷) ازعملیات مصطفی خان درطالش که ازطرف روسها کمك وحمایت میشد [1] اسمی نبرده بودند واوضاع طالش رفته‌رفته بدتر میشد بطوریکه در رمضان ۱۲۲۷ (سپتامبر ۱۸۱۲) عباس میرزا تصمیم گرفت بانقلابات طالش خاتمه دهد . دراینموقع سپاهیان روس ازپل سالیان عبور کرده وبه لنکران که دردست مصطفی خان بود رسیده بودند . عباس میرزا قسمتی ازنیروهای جبههٔ شمالغرب راکه درآنجا مخاصمه متوقف شده بود بطرف لنکران اعزام داشت . مصطفی خان که نمیتوانست به‌تنهائی درمقابل لشکریان ایران مقاومت کندبدهکدهٔ گامیشاوان حرکت کرد واین نقطه ازطرف قوای ایران محاصره شد .

---

۱ - راجع بدخالت روسیه درناحیه طالش بدرج خلاصه‌ای ازنامهٔ ژنرال ترموسوف بعباس میرزا که درآن رابطهٔ آشوبگران طالش بادولت روس بیان شده مبادرت میکنیم: «...شما لشکری بطالش فرستادید که مطابق میل سکنهٔ آن ناحیه درتحت حمایت دولت روسیه قرار گرفته است .. اکنون مینویسید که من نبایددرامور این ایالت دخالت کنم زیرا این ایالت هیچگاه تحت حمایت روسیه نبوده است .

« . . . . من چندین مرتبه وضع مصطفی خان را بشما بیان کردم . . تمام اهالی طالش حمایت دولت روسیه راخواستار شده‌اند وچندین کشتی جنگی امپراطوری هم اکنون برای حمایت ساکنین درساحل این ناحیه لنکرانداخته است .

«درسال ۱۸۰۲ هنگامیکه مصطفی خان برادرزاده خویش محمد بیك را نزدژنرال لیدمان گوازنین Leedmand - Gouezneen اعزام داشت خودرا تحت حمایت دولت روس قرارداده ومعاهدای امضاء کرد وسوگندوفاداری نسبت باین دولت یادنمود .

بعهدهٔ اینجانب میباشد که بنام فرماندهی کل قوی وبموجب معاهده‌ای که میان مصطفی خان ودولت روسیه بامضاء رسیده ازناحیه طالش دفاع کنم .

نامهٔ مورخ ۷ دسامبر ۱۸۰۹ ژنرال ترموسوف بعباس میرزا

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T. III

هنگامیکه مذاکرات صلح میان نمایندگان دولتین روس وایران در ماه‌اوت ۱۸۱۲ ادامه‌داشت‌لشکریان روس‌درجبههٔ قفقاز تقویت‌یافت‌زیرا شکست‌های‌پی‌درپی نیروهای ناپلئون درجبههٔ غربی‌روسیه بآندولت اجازه‌میداد بفشار خود درجبههٔ‌قفقاز نسبت‌بدولت ایران‌بیفزاید . مدت‌متارکهٔ جنگ سپری شده‌بود ژنرال دوریچف بـه جبههٔ شمالغرب که عباس میرزا آنجارا برای‌قلع وقمع شورشیان ناحیهٔ‌طالش ضعیف کرده‌بود‌حمله‌نمود . سپاهیان ایران درمقابل‌فشارقوای‌روس تااصلان‌دوزعقب‌نشینی کردند ومدت‌ده‌روز درهمان‌جا استقراریافتند شوال۱۲۲۷(مطابق‌اکتبر۱۸۱۲).

عباس‌میرزا وقتی‌از پیشرفت قوای‌روس اطلاع حاصل‌نمود بانیروی‌خودازاهر نقطه‌سوق‌الجیشی که‌مشرف باجلگهٔ‌اصلان‌دوز وطالش‌میباشد حرکت کرد وباصلان دوزرسید وقسمت اعظم لشکریان‌وی درسمت قره‌باغ بطرف شکی حرکت کرد .

نمایندهٔ‌دولت‌انگلستان که بوسیلهٔ‌فرمانده‌نیروهای‌روس در گرجستان ازامضای‌پیمان اتحاد میان‌دولتین روس وانگلیس اطلاع حاصل کرده‌بود [۱] باافسران انگلیسی که درارتش ایران خدمت میکردند دستور داد پستهای خودرا ترك گفته وبعداً نیز در عملیات‌نظامی برضد دولت‌روسیه شرکت‌نکنند [۲]

بدین‌ترتیب یکباردیگر ایران‌باتکاء اتحادخود بادولت‌انگلستان فریب‌خورده ودریك‌همچو موقع‌سختی خیانت‌افسرانی‌را که‌عهده‌دار تعلیم‌سربازانش‌بودند مشاهده میکرد . بی‌جهت‌نیست که‌میرزابزرك قائم‌مقام‌دریکی ازنامه‌های‌خودسفیرانگلستان رامتهم ساخته‌میگوید که انگلستان دوست‌سابق‌ایران ومتحدفعلی دولت‌روسیه باعث شکست ایران گردید [۳] .

عباس‌میرزا تازه‌دراصلان‌دوز موضع گرفته‌بود که ژنرال کوتلور وویسکی [٤]

۱ ـ نامه‌مورخ دسامبر۱۸۱۲ سرگوراوزلی به‌ویکونت کاسلیره
London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VII

۲ ـ نامه‌مورخ ۳٦نوامبر ماژوردارسی به‌ژنرال کوتلوروویسلی
London . P . R . O . P . FO . 60 . T . VII

۳ ـ نامه‌مورخ ۲٤دسامبر ۱۸۱۲ سرگوراوزلی به‌ویکونت کاسلیره
London : P . R . O . P . FO . 60 T . VII

4- Kutloroviski

بحملهمبادرت کرد . ولی باوجود نبردهای خونین جنك بطول انجامید و عباس میرزا بایك حرکت ماهرانه تپه‌ای را که از نظر نظامی به مواضع لشگریان روس مسلط بود اشغال کرد ولی درشب ۱۲ شوال ۱۲۲۷ (اکتبر ۱۸۱۲) روسها بوسیلهٔ جاسوسان خود از موضع نظامی عباس میرزا اطلاع یافتند و بحمله مبادرت نمودند . این بار شکست جبران ناپذیری بلشگریان عباس میرزا وارد آمد وسپاهیان وی در کمال آشفتگی متفرق شدند .

بنابر گزارشی که ژنرال دوریچف در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۸۱۲ بامپراطور داده است پس از این شکست : «فوجهای پیاده نظام جدید دولت ایران ازپای در آمدند یازده عراده توپ بغنیمت گرفته شد ودرحدود ۵۰۰ نفر سرباز وعده زیادی افسر اسیر شدند[(۱)] پس از این شکست ولیعهد بالهایت اشکال توانست از رود ارس بگذرد وخودرا نجات دهد .

نبرد اصلان دوز درواقع علامت شروع حملات عمومی و عملیات سریع درطول جبهه بود زیرا درهمان موقع ژنرال کلوت [(۲)] که در گنجه بود سپاهیان سلیمان خان رادرهم شکست وازرود کر عبور کرد . قوای ماژور ژنرال لیسانیوویچ [(۳)] هم که نواحی پمبك را گرفته بودند لشگریان ایران را عقب زدند و بشهر ایروان حمله بردند . شهرایروان که بوسیله سردار حسین خان «قهرمان صدجنك» ازسال ۱۲۱۸ (۱۸۰۳) دفاع میشد این بار نیز در مقابل حملهٔ سپاهیان روس مقاومت کرد و آنانرا بمواضع نخستین خود عقب راند .

همینکه عباس میرزا پس از شکست اصلان دوز بطرف تبریز رفت تادر آنجا مقدمات مقاومت خودرا برای سال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) فراهم سازد ماژور ژنرال کوتلورو ویسکی بجانب بحر خزر متوجه شد تا گامیشاوان را که در آنجا سپاهیان روس ومصطفی خان محصور بودند نجات دهد . درنتیجه رسیدن قوای تازه نفس و کمك نیروی دریائی دولت روس لنکران پس ازچهارماه مقاومت درتاریخ ۹ محرم ۱۲۲۸ (۱۲ ژانویه ۱۸۱۳ سقوط کرد وبااشغال لنکران تمام ساحل طالش بتصرف سپاهیان روس در آمد .

---

۱ - گزارش مورخ ۳۱ اکتبر ژنرال دوریچف بامپراطور روسیه
London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VI

2 – Klot

3- Lissaniewitch

ده‌ماه پس از سقوط لنکران سپاهیان دشمن کاملا درمواضع خود مستقر شدند . لشکریان ایران در نتیجه شکست های پیاپی تقریباً منحل شده بود . سر گواوزلی ادامه‌جنك‌را مصلحت‌نمیدید . روسها نیز نمیخواستند بعملیات‌جدیدی مبادرت‌ورزند زیرادرسیاست اروپا واتحاد عمومی که برضدناپلئون منعقدمیشد گرفتار و با دولت انگلستان درتاریخ ۵ژوین ۱۸۱۳ (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۲۸) درریشن‌باخ (۱) پیمان اتحادی امضاء کرده‌بودند .

ناپلئون‌نیز که‌بنوبهٔ‌خودمیخواست‌برضدروسیه‌اقداماتی‌نماید سعی‌میکرد بلکه پیمان‌اتحادجدیدی‌بادولت‌ایران منعقدسازد . بهمین‌منظوردولت‌فرانسه‌نماینده‌ای‌بنام ونسنترومورتیزیو (۲) که‌اصلاایتالیائی‌وازاهالی‌روم‌بودومدتهادرآسیای‌صغیروعربستان هم‌مسافرت کرده‌بودبانزلی‌آمدتاازنظریات‌دولت‌ایران‌دراین‌خصوص‌اطلاع‌حاصل (۳) کندولی‌اقدامات سر گوراوزلی عملیات‌نمایندهٔ فرانسه‌راعقیم گذاشت .

دولت‌روسیه نیز برای‌اینکه دراتحادیه برضدناپلئون موثر واقع‌شود وباقدرت بیشتری باین اتحادیه کمك کند مایل‌بود که بجنك باایران خاتمه دهد . چندین بار ژنرال‌دوریچف‌ماموریت‌یافت که برای‌عقدقرارداد صلح‌باایران‌نامه‌ای‌بسفیرانگلستان بنویسد زیرافرمانده کل‌قوای‌روس‌بخوبی‌متوجه‌بود که‌باوجوداینهمه‌فتوحات ، دولت روسیه‌هنوزموفق‌نشده‌است که‌بهدف‌اصلی‌خود یعنی‌سرحدارس‌برسد . سفیرانگلستان لزوم‌انعقادمعاهدهٔ صلح‌رابه‌فتحعلی‌شاه گوشزد کرد ومیرزاشفیع صدراعظم در حضور شاه نظریهٔ سفیرانگلستان‌را بصلاح‌ایران تشخیص‌داد بخصوص که سفیردولت‌انگلیس قول‌میداد که موادعهدنامه مطابق‌میل‌زمامداران دولت‌ایران تنظیم‌خواهدشد .

بالاخره فتحعلی‌شاه باوجود مقاومت عباس‌میرزا بانعقاد پیمان صلح تن‌داد وبا این‌ترتیب سر گوراوزلی بیك‌توفیق‌سیاسی جدیددیگرنایل‌آمد .

---

1 – Reichenbach

2 – Vineintro – Morizzio

۳ ـ نامه‌مورخ ٤مه‌۱۸۱۳ سر گوراوزلی به‌ویکونت کاسلره

London : P . R . O . P . Fo . 60 . T . VII

فصل پنجم

۱ ـ معاهدهٔ گلستان

سر گوراوزلی پس از آنکه نتوانست از کنفرانس اصلاندوز نتیجه بگیرد بتهران مراجعت کرد و پس از توقف کوتاهی در پایتخت بهمدان رفت تا رابطهٔ خود را با فتحعلی شاه که در سلطانیه بود بآسانی برقرار سازد. وی از وقتی که تبریز را ترك کرده بود رابطهٔ خود را با فرمانده کل قوای روس قطع ننموده بود و برای برقرار کردن صلح با دولت روسیه به فتحعلی شاه اصرار میورزید. (۱)

سفیر انگلستان در تعقیب تقاضای مجدد فرمانده کل قوای روس برای وساطت میان دولتین ایران و روس همدان را ترك گفت و در تاریخ ۱۰ رجب ۱۲۲۸ (۹ ژویه ۱۸۱۳) وارد تبریز شد تا با نمایندگان دولت روسیه در تماس باشد (۲) وقتی سفیر انگلستان بسمت تبریز رهسپار شد فتحعلی شاه نیز از سلطانیه بسمت اوجان در صد کیلومتری تبریز حرکت کرد و در تاریخ ۲۴ بهمن ماه (۲۳ ژویه) باوجان رسید. (۳)

سفیر انگلستان فردای ورود خود به تبریز به کاسلره وزیر خارجه انگلستان چنین گزارش داد: با تهدید قطع پرداخت کمك مالی بالاخره موفق شدم اجازهٔ پادشاه را تحصیل کنم که با نمایندگان دولت روس بدون دخالت میرزا بزرك و اطرافیانش داخل مذاکره شوم اکنون افتخار دارم باطلاع شما برسانم که ما توفیق یافتیم برفیق و متحد خود روسیه حتی از این ناحیهٔ دور کمك کنیم زیرا من اختیار تام دارم متارکهٔ جنك میان دولتین ایران و

---

۱ ـ مکاتبات سر گوراوزلی با وزارت خارجه انگلستان

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲ ـ نامه مورخ ۱۰ ژوئیه سر گوراوزلی به ویکونت کاسلره

Lodon : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۳ ـ یادداشت ۱۰ ژوئیه سر گوراوزلی به ژنرال ریچف فرمانده کل قوای روس

London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

روس‌را برای‌مدت‌یکسال بمرحلهٔ‌قطعی برسانم بااین‌ترتیب روسها خواهندتوانست از سپاهیان‌قفقاز برضددشمن مشترك‌استفاده‌نمایند . (۱)

درجواب نامهٔ ژنرال دوریچف سفیر انگلستان شخص‌مورد اعتماد خود دکتر کامپبل(۲) رابانامه‌ای باردوگاه روس‌فرستاد . سر گوراوزلی دراین‌نامه بفرمانده کل قوای‌روس اطلاع‌داد که قریباً طرح‌سازشی پیشنهاد خواهد کرد که بانظریات دولت روسیه مطابقت‌میکند .

متارکهٔ‌پنجاه‌روز جنك برای‌شروع مذاکرات موردقبول‌واقع‌شد ومذاکرات میان‌دودولت آغاز گردید . این‌مذاکرات که بوسیلهٔ مکاتبه ازراه دور وبدون داشتن وسایل‌سریع‌انجام‌میبافت‌بسیار کندصورت‌میگرفت . برای‌سرعت‌درجریان‌مذاکرات مقررشد نمایندگان مختار دودولت مجدداً برای کنفرانسی جمع شوند و مقدمات صلح‌راتهیه کنند . ژنرال‌دوریچف‌ازطرف‌سن‌پطرزبرگ‌ومیرزاابوالحسنخان‌ازطرف ایران‌بنمایندگی انتخاب‌شدند . چنانکه‌سفیرانگلستان‌بوزارت‌خارجه‌آن‌دولت‌اطلاع داده‌بود میرزابزرك‌قایم‌مقام که یکی‌ازسیاست‌مداران زبردست‌ایران‌بوددرمذاکرات دخالت‌نداشت . قصبهٔ گلستان‌در کناررودسیرا درقره‌باغ‌برای‌انعقاد جلسات کنفرانس صلح‌تعیین‌شد . آجودان ژنرال‌دوریچف باعده‌قزاق برای هدایت نمایندهٔ ایران‌بمحل کنفرانس به‌تبریز واردشد و پس از ملاقات فتحعلی‌شاه در اوجان و مذاکرات زیاد بهمراهی میرزاابوالحسن‌خان بطرف گلستان حرکت کرد . سفیردولت‌انگلستان که اینهمه برای عقد پیمان‌صلح جدیت‌بخرج داده بود از حضور در مذاکرات گلستان خودداری‌نمود. شایدعلت استنکاف سر گوراوزلی‌ازشرکت درمذاکرات صلح‌این‌بود که‌نمایندگان‌دولت‌روسیه درمقابل‌نمایندهٔ‌ایران که ازفهم‌مسائل‌سیاسی بکلی‌بی‌بهره وبی‌اطلاع‌بود آزادی‌عمل داشته‌باشند .

نمایندگان پس ازتبادل اعتبار نامه‌های خود در گلستان مذاکرات را شروع

---

۱ نامه‌مورخ ۱۰ژوئیه سر گوراوزلی به‌ویکونت‌کاسلره

Lnodon : P . R . o . P . Fo . 60 T . VII

2 - CamPdell

کردند . پس ازمباحثات طولانی بالاخره درتاریخ ۲۹شوال۱۲۲۸ (۲۵اکتبر۱۸۱۳) موافقت حاصل شد که یك معاهدهٔ مقدماتی بامضاء برسد .

انعقاد این معاهده برای بریطانیای کبیر اهمیت بسیارداشت زیرا درنتیجهٔ انعقاد معاهدهٔ صلح بادولت ایران یکقسمت ازسپاهیان روس آزادشد وتزار توانست باخاطر آسوده دراروپا برضدفرانسه اقدام کند . سر گوراوزلی درنامهٔ مورخ ۳۰اکتبر بکاسلره خدمات خود را شرح داده و مخصوصاً میخواهد لیاقت و استعداد سیاسی خویش را تعریف کند ونشان دهد که درنتیجهٔ اقدامات مؤثر ومفید وی نه تنها دولت انگلستان دولت روسیه را ممنون وسپاسگذار کرده بلکه ایرانیان رانیز که بهزبردستی و بازی ماهرانهٔ دیپلمات انگلیسی پی نبرده اند راضی نموده است (۱) . برای اینکه وزیر خارجهٔ انگلستان را مطمئن سازد که سیاست وی مورد تأیید دولت ایران نیزهست در تاریخ ۱۰نوامبر ۱۸۱۳ چنین مینویسد : «اگر توهم حاصل نمیشد کهممکن است تصور کنید مجاهدتهای من برای انعقاد پیمان صلح میان دولتین روس وایران یکنوع تخطی از اختیارات و قدرت خود در مقابل دولت اخیر بود ویا اینکه ازنفوذ خود درنزد شاه استفاده کرده ومنافع حقیقی ایرانرا فراموش کرده باشم علت نداشت که بابیان طرز رفتاروسیاست خودشمارا تصدیع دهم ...»

«همانوقت که آخرین نامهٔ خودرا ازاقامتگاه مراغه برای شما فرستادم تبریکاتی برای شاه بتهران نوشتم که جواب آنرا برای اطلاع شما بااین نامه میفرستم . میخواهم شمارامطمئن سازم که نامههائی ازوزراء واعیان دربار دریافت کردهام که همگی تشکر وقدردانی خودرا اظهارداشتهاند .... (۲)

---

۱ ـ نامهمورخ ۳۰ اکتبر سر گوراوزلی بهویکونت کاسلره
London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲ ـ نامهمورخ ۱۰ نوامبر سر گوراوزلی بهویکونت کاسلر
London : P . R . O . P . Fo . 60 T . VII

۲- بررسی مواد معاهدهٔ گلستان

پیمان صلح گلستان درتعقیب سیاست روز و موقع شناسی دولت انگلستان و با درنظر گرفتن اوضاعی که ناپلئون دراروپا بوجود آورده بود بامضاء رسید . این پیمان رادرحقیقت نمیتوان معاهدهٔ صلح گفت بلکه باید آنرا قرار داد متارکه‌ای نامید که روابط میان دولتین ایران وروس درمدت۱۳سال بر آن استوار بود.اصطلاحات مبهم وعدم وضوح ونارسا بودن حدود ارضی این معاهده رامی‌توان بهترین مثال ابهام یك سند سیاسی دانست . بدودلیل مواد ارضی این معاهده مبهم وتاریك تهیه وتنظیم شده بود دلیل اول آنکه روسها ناچاربودند قوای خودرا برای تصفیهٔ حساب باناپلئون دراروپا بکارببرند تعهد داشتند تانیل بهدف اصلی ازتقاضاهای ارضی خود در ایران صرف نظر نکنند و برای همین منظور بهر گونه علت وعنوانی تشبث می جستند که بآنان اجازه دهد در آتیه ودر فرصت مناسبتر و بهتری بتوانند رود ارس راسرحد طبیعی متصرفات خوددرقفقازیه قراردهند.دلیل دوم باسیاست اروپائی دولت انگلستان روشن میگردد باین معنی انگلیسها که برای پیشرفت سیاست اروپائی خود احتیاج مبرم بقوای روسیه داشتند وسعی میکردند نتیجهٔ سریعی ازامضای پیمان صلح بگیرند ولو متن معاهده پس ازروشن شدن اوضاع اروپاایجاد اشکالاتی برای دولت ایران بکند.

بااین ترتیب ایرانیان کورکورانه راهنمائی ونصایح انگلیسها راقبول کردند ودرمقابل اظهار دوستی سیاستمداران آن دولت حس تنقیدرا ازدست دادند و معاهدهٔ گلستان باصرار سیاستمداران انگلیسی بنفع دولت روسیه بامضاء رسید ولی چنانکه خواهیم دید طولی نکشید که روابط دولتین روس وایران بعلت وضع تاریك ونامعلوم مواد ارضی معاهده تیره شد ودولت روسیه برای بسط متصرفات خود درجنوب قفقاز ورسیدن بسرحد ارس به بهانه های گوناگون باشغال نواحی جدید درخاك ایران مبادرت ورزید .

معاهدهٔ گلستان حاوی یازده ماده ویك مقدمهٔ طولانی است که میل دوپادشاه را

نه‌تنها باستقرار صلح میان دو کشور نشان میدهد بلکه برقراری روابط دوستی دیرین موجود میان دو کشور را نیز تأئید میکند. همین نظریه درمادهٔ اول تصریح شده ودو دولت متعاهد اعلام میدارند که بمخاصمه وسوء تفاهماتی که تا کنون میان امپراطوری های ایران وروس رخ‌داده باانعقاد این معاهده خـاتمه داده میشود وصلح دائم میان امپراطور روسیه وپادشاه ایران وجانشینان آنان برقرار میگردد.

معاهدهٔ گلستان نه تنها صلح رامیان دو دولت متخاصم برقـرار میسازد بلکه مطابق مواد ۸و۹و۱۰ این معاهده روابط تجارتی که بعلت بروز جنگ قطع شده بود مجدداً برقرار میگردد:

درمادهٔ ۸ علاوه بر استقرار مجدد روابط تجارتی طرز مسافرت تجار واقامت و مراجعت آنان درممالك روسیه وایران تعیین ومشخص گردیده است.

درمادهٔ۹ مقرراست ۵ ٪ حقوق گمرکی برای مال‌التجاره هائی که ازدو کشور وارد میشود گرفته شود.

درمادهٔ ۱۰ آزادی عمل تجارهریك ازدو دولت مصرح است.

روسها بدون آنکه صراحتاً میل مداخلهٔ خودرا در کارهای داخلی ایران اعلام دارند در مادهٔ چهاراین حق را که نتایج آن برای دولت ایران بسیار وخیم و سنگین بود قائل شده‌اند. مطابق این ماده اعلیحضرت امپراطورروسیه بمنظورابرازاحساسات دوستانه ومیل واقعی خودبه برقراری قدرت پادشاه ایران همسایهٔ دولت روسیه ازطرف خودوجانشینانش رسماً تعهد میکند درصورت لزوم بیکی ازاولادشاه که ولیعهدتعیین خواهد شد کمك کند وبمنظوراینکه هیچ دولت اجنبی نتواند در کارهای دولت ایران دخالت کند دربار ایران از طرف دربار روس تقویت خواهد شد واگر اختلافی میان پسران شاه رخ دهد دولت روسیه دخالتی نخواهد کرد مگر بتقاضای پادشاه وقت.

مادهٔ٦ وضع اسرا و کسانی را که ازشهرهای خود دورافتاده‌اند روشن می کند.

علاوه برموادتجاری وسیاسی مطابق مادهٔ ۵ معاهده شرایط کشتی رانی بازرگانی دو دلت را در دریای خزر مشخص کرده وحق داشتن نیروی دریائی را دربحر خزر

منحصراً بدولت روسیه واگذار میکند . مطابق این ماده کشتی‌های روس مثل سابق مجاز خواهند بود در کرانه‌های خزر آمدوشد کرده ولنگر بیندازند . کشتیهای تجارتی ایران نیز مانند سابق حق خواهند داشت در کرانه‌های روس آمدوشد نمایند اما « در خصوص کشتی‌های عسکریه جنگی روسیه بطریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند حال نیز محض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد واحدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشد. » چنانکه می‌بینیم این حق انحصار برای نیروی دریائی دولت روس مستند بهیچ دلیلی نبود واین طرز استدلال فقط برای این بود که دولت ایران هیچگاه نتواند کشتی جنگی در دریای خزر داشته باشد باستناد همین ماده از تاریخ امضای پیمان گلستان بحر خزر درواقع یك دریای روس محسوب شد و دولت ایران از کلیهٔ حقوق و مزایای خود در این دریا صرفنظر کرد.

مواد ارضی معاهده اهمیت فوق العاده‌ای در روابط آیندهٔ دو کشور داشت و برای مدت کوتاهی بیك بحران طولانی خاتمه داد که تا کنون نکات بر جستهٔ آنرا شرح دادیم مادهٔ ۲ تصریح میکند که قرارداد صلح براساس وضع حاضر [1] منعقد خواهد شد

بدین معنی که طرفین نواحی وخانات واراضی که در موقع امضای پیمان در اختیار دارند متصرف خواهند بود . خطی که مسیر سرحدی میان دو کشور را تعیین وتحدید میکند نهایت مبهم وقابل تفسیر و تردید است این خط : « از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط مستقیم از راه صحرای مغان تا به معبر یدی بلوك رود ارس واز بالای کنار رود ارس تا اتصال والحاق رودخانهٔ کپنك چای به پشت کوه مقری واز آنجا خط حدود سامان ولایات قراباغ ونخجوان وایروان ونیز رسدی ازسنور [2] گنجه جمع ومتصل گردیده بعد از آنحدود که بولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدین لوتامکان ایشك میدان مشخص و مفصل میسازد واز ایشك میدان تا بالای سر کوههای طرف راست طرق و رودخانه‌های حمزه چمن واز سر کوههای پنبك الی گوشهٔ محال

1- Statu-Quo

۲ــ سنور بمعنی مضافات وتوابع ولایت یا شهری است .

شوره گل واز گوشهٔ شوره گل ازبالای کوه‌برف آلا گوز گذشته ازسرحد محال‌شوره گل ومیانهٔ حدود قریه سدره برودخانه‌آرپاچای ملحق ومتصل شده معلوم‌ومشخص میگردد وچون ولایات خوانین‌نشین طالش درهنگام عداوت ودشمنی دست بـدست افتاده وبجهت زیادهٔ صدق و راستی ، حدود ولایات طالش مزبور را ازجانب انزلی و اردبیل بعد ازتصدیق این صلحنامه ازپادشاهان عظام معتمدان ومهندسان مأموره که بموجب قبول ووفاق یکدیگر ومعرفت سرداران جانبین جبال ورودخانها ودریاچه‌و امکنه ومزارع طرفین تفصیلا تحریر وتمییز وتشخیص میسارند ، آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه درحال تحریراین صلحنامه دردست ودرتحت تصرف جانبین باشد معلوم نموده‌آنوقت خط‌حدود ولایت طالش نیزدربنای‌اسطاطسکواوپر زندیم‌مستقر ومعین ساخته‌هریك ازطرفین آنچه‌درتصرف‌دارد برسر آن باقی خواهد ماندهمچنین درسر حـدات مزبورهٔ فوق اگر چیزی ازخط طـرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مأمورطرفین هریك طرف موافق اسطاطسکواو پرزندیم رضاخواهدبود.»

چنانکه گفتیم متن‌مادهٔ۲ معاهدهٔ گلستان که درنظم وانشاءآن تعمدبکاررفته نمونهٔ ابهام یك‌سند سیاسی‌است . مشخص نبودن خطوط سرحدی معین نبودن‌حدود طالش « که درهنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده» ابهام جملات و استعمال اصطلاحات دوپهلو نشان میدهد روسهابرای تأمین دعاوی ارضی خود درآتیه‌چگونه فکر میکردند .درواقع میتوان گفت که درهم وبرهمی وابهام‌مادهٔ ارضی‌معاهده‌زمینه را برای ادعاهای بعدی آزاد گذاشت و اختلافات جدیدی را بوجود آورد که منجر بجنگ دوم ایران وروس گردید .

بالاخره مطابق خط سرحدی که درمادهٔ۲ تعیین شده وبموجب مادهٔ۳ معاهده گلستان دولت ایـران تملك خانات واراضی‌آتی رابـدولت روسیه واگذار میکرد . خانات‌قره باغ‌و گنجه که اکنون‌این دوناحیه بنام‌الیزابت پول[1] معروفست‌همچنین خوانین‌نشین شکی‌وشیروان وقبه ودربند وباد کوبه وقسمتی ازاراضی متعلقه‌به‌طالش

1- Elisabethpool

که درموقع انعقاد قرارداد درتصرف دولت روس بود . بعلاوه تمامی داغستان و گرجستان ومحال شوره گل وآچوق باشی و کورنه ومنکریل وابخازی « تمامی اولکا(۱) واراضی که درمیانهٔ قفقازیه وسرحدات معینه‌الحالیه بوده ونیز آنچه ازاراضی واهالی قفقازیه‌الی کناردریای خزرمتصل است مخصوص ومتعلق بممالک امپریه‌روسیه میدانند .

درتاریخ ۷شوال۱۲۲۸(۱۳ اکتبر۱۸۱۳) این معاهدهٔ مقدماتی درقصبهٔ گلستان بامضاء رسید . نمایندهٔ ایران که حامل متن معاهده بود در ماه ذیحجه بتهران وارد شد. درتهران مباحثات زیادی قبل ازامضای قطعی معاهده بعمل آمد ولی بطوریکه جمس موریه(۲) اظهارمیدارد این مباحثات مربوط بمطالب اساسی معاهده نبود بلکه راجع بعبارت وعناوین نمایندگان ومطالب بی اهمیت صحبت میشد . مطالعهٔ مقدمه معاهده بطول انجامید زیرا قبلا بایستی عناوین نمایندگان مختاردولتین راتعیین کنند . برعکس مطالعهٔ مواد مربوط بکشتی رانی دریاچهٔ خزربسرعت خاتمه پذیرفت حاجی میرزاآغاسی که بعدها وزیرمحمدشاه شد بااظهارجملهٔ تاریخی خود « ماچه احتیاجی بآب شورداریم » بمباحثات خاتمه داد وبالاخره دولت ایران معاهده را بنحوی که در گلستان تنظیم گردیده بود امضاء نمود . بی اطلاعی سیاستمداران ایران ازاوضاع آنزمان اعتماد زعمای دولت ایران نسبت بسرگوراوزلی سفیرانگلستان و بخصوص امیدواری زمامداران ایران بوعده‌های صریح نمایندهٔ دولت انگلستان راجع بتجدید نظردر مواد ارضی معاهدهٔ گلستان عللی است که تأئید وامضای معاهدهٔ گلستان رااز طرف دولت ایران روشن وبیان میکند .

میرزا ابوالحسنخان مأمورشدمعاهده رابسن پطرزبرگ برده وتقاضای تجدید نظردر مواد ارضی معاهده کرده پس ازموافقت پیمان صلح رامبادله کند .

سفیرانگلستان پس ازانجام مأموریت خود قصد حرکت بطرف لندن داشت . فتحعلیشاه ازوی خواهش کرد که بمنظورتأمین منافع ایران در دربار سن پطرزبرک

۱ــ اولکاء کلمه مغولی بمعنی دهات وزمین آمده

2- James Morier

ازطریق روسیه بانگلستان مراجعت کند وازحفظ منافع ایران دردربار روسیه مضایقه ننماید. درجریان ماه جمادی الثانی ۱۲۲۹ (مه ۱۸۱٤) سر گوراوزلی ایرانرا ترك کرده و از راه تبریز بسمن پطرزبرك حرکت کرد . سفیر انگلستان با احترامات زیادی از طرف تزارپذیرائی شد زیرا نقشی که وی درعقد قرارداد ایران وروس بازی کرده بود بحدی مورد توجه تزارقرار گرفت که عنوانی بسفیر انگلستان ازطرف او اعطاء شد و تجلیلات فوق العاده ای ازوی درپایتخت روسیه بعمل آمد .

دوماه پس ازحرکت سفیر انگلستان میرزا ابوالحسنخان بطرف روسیه حرکت کرد . آلکساندر همواره وعدهٔ استرداد اراضی اشغالی را بایران میداد و هنوز در رمضان ۱۲۲۹ (سپتامبر ۱۸۱٤) تشریفات مبادلهٔ معاهده انجام نیافته بود باتعقیب این روش روسیه درحقیقت میخواست به تعلل گذرانیده وازفرصت استفاده کند تا اینکه پس ازاستعفاء و کناره گیری ناپلئون ناگهان آلکساندرتغییرروش داده وبالحن خشن ومحکم اظهارداشت که این اراضی بارضای سکنهٔ آن اشغال شده ودولت ایران نباید امید استرداد یك وجب ازاین اراضی راداشته باشد . ایرانیان که درمقابل عمل انجام شده قرار گرفته بودند جزقبول چاره ای نداشتند[۱] . نمایندگان مختار دو دولت بالاخره درتفلیس متن معاهدهٔ امضاء شده رامبادله نمودند . روسها باتحصیل رضایت کامل مترصد بودند در اولین فرصت مناسب همسایهٔ ضعیف و مغلوب خود را ازپای درآورند .

۱ــ صورت هدایائی که میرزا ابوالحسن خان تقدیم تــزار کرده در فارس نامه ناصری چنین تفصیل شده دههزار تومان وجه نقد دوز نجیر فیل ده اسب بی عدیل صدطاقه شال کشمیر ده رشته مروارید بی نظیر چند دانه لعل بدخشان و یاقوت رمانی و شمشیر های خراسانی وزرپهای مفتول باف اصفهانی وقوطی های مرصع پادزهر حیوانی شبانکاره و قالیهای هراتی (جلد ۲ ص ۱۰٦) .

۳- نتایج معاهدهٔ گلستان در اوضاع داخلی ایران

جنك دهساله بین ایران وروسیه اولین جنك طولانی قارهٔ آسیا است. این جنك با کمال خشونت وسبعیت اجرا شد. تلفات ایرانیها بهدویست هزار تخمین زده شد تعداد تلفات روسها بحدود همین رقم میرسید، ساکنین مناطق جنگی درطول جنك ازهستی بکلی ساقط شدند و یاتلف گردیدند و یا مهاجرت کردند و نتایج آن برای ایران بسیار سنگین و وخیم بود .

معاهدهٔ گلستان چه ازنظر سیاست داخلی وچه ازنظر سیاست خارجی آغاز دوران جدیدی را درتاریخ ایران نشان میدهد .

جنك طولانی وبالاخره شکست قوای ایران ، اشکالات مالی فراوان درداخلهٔ ایران ایجاد کرد ودرنتیجه شاه و دولت مرکزی راضعیف نموده و باعث سرپیچی و شورش رؤسای قبایل گردید. درسیاست خارجی نیزوضع نوین ایجاد گشت وفعالیت جدیدی درروابط دولت ایران بادول انگلستان وروسیه وعثمانی آغازشد .

اشکالات مالی که در نتیجهٔ جنك بوجود آمده بود مبانی مختلف داشت . ده سال جنك خزانهٔ فتحعلیشاه راخالی کرده وذخیرهٔ عباس میرزا را ازمیان برده بود . زیرا شاه وولیعهد هریك مستقیماً مسئول نگهداری لشگریان خود بودند .

بعلاوه دربارعباس میرزا مانند تمام ولیعهدهای خانوادهٔ قاجار در آذربایجان بود وعایدات وی‌ازمالیاتهای وصولی این ایالت تأمین میشد وخزانهٔ ولیعهد ازخزانهٔ سلطنتی مجزی بود بنابراین جنگهای ایران وروس که صحنهٔ آن آذربایجان بود بالطبع نقصان‌قابل توجهی‌درمیزان مالیات‌هابوجودآورده ومالیاتهای وصولی‌بزحمت هزینه‌های هنگفت جنگی عباس میرزا را تکافو میکرد بخصوص که تمام سنگینی جنك‌بدوش‌ولیعهد بوده‌وازهیچیك‌ازایالات‌دیگرایران هیچگونه کمکی‌بآذربایجان نمیشد.بهزینه‌های کمرشکن‌جنك بایستی‌خرابکاریهاوویرانیهارا که‌درثروتمندترین نواحی ایران رخ‌داده بود اضافه نمود .

پس ازامضای پیمان‌صلح خرابیها درنتیجهٔ مساعی‌وزحمات سکنهٔ آذربایجان

بتأنی ترمیم یافت . دولت مرکزی حتی فکر نکرد که یك سیاست اصولی ازروی اساس وقاعدهٔ صحیحی برای ترمیم خرابیهای ناشیه از جنك اتخاذ نماید . دولت تنها باسکان موقتی سکنهٔ آن نواحی که نمیخواستند تسلیم دشمن شوند وسلطهٔ دولت روس راقبول کنند قناعت کرد . اغلب نواحی که مطابق معاهـدهٔ گلستان تسلیم روسها شد جزء ایالت آذربایجان بود که سابقاً مالیات آن نواحی بنفع خزانهٔ ولیعهد ایران وصول میشد.علاوه براین چون ایالت ایروان درجنك صدمات فراوان دیده ودرمقابل حملات شدید روسها مقاومت دلیرانه کرده بود در حین جنك ازپرداخت مالیات معاف شده بود . چنانکه می بینیم بااین ترتیب تمام سنگینی هزینهٔ جنگی و کمك بخزانه فقط متوجه شهرتبریز و ایـالت آذربایجان بود . بنابراین بـرای جبران نقصان عایدات بافزایش مالیات مبادرت ورزیدند ونتیجهٔ این عمل ازصدمات جنك کمتر نبود بطوری که ادامهٔ این سیاست نارضایتی هائی ایجاد کرد مخصوصاً درتبریز الله یارخان آصف الدوله حاکم شهر نسبت بـاهالی ستمدیده آنسامـان ازاعمال هیچگونـه اجحاف و تعدی خودداری نکرد. درنتیجهٔ این خلافکاریها وسیاستهای ناشایست دولت درحین بروز جنك دوم ایران وروس درسال ۱۲٤٤ (۱۸۳۷) بخوبی مشاهده گردید .

رؤسای عشایر که اصولا مترصد فرصت بودند موقع را برای تحصیل آزادی مناسب یافتند این بود که پس ازشکست اصلان دوز وبعدپس ازامضای معاهدهٔ ننگین گلستان رؤسای ایلات انقلابات متعددی درنواحی مختلف کشورمخصوصاً درقسمتهای مشرق دریای خزر درمیان ترکمانان ودر نواحی شمالشرقی (خراسان) برپا کردند .

درسال ۱۲۲۸ (۱۸۱۳) حاجی یوسف نامی ازاهالی آسیای مرکزی تراکمه را برضد دولت شورانید ولی پس ازمرك وی دستجات ترکمن متفرق شدند و یاغـی گری خاتمه پذیرفت . رؤسای ایلات خراسان نیزبرضد دولت قیام کردندو یاغیگری آنان از۱۲۲۸ تا ۱۲۳۹ (۱۸۱۳–۱۸۲٤) بطول انجامید. محمدولی میرزا یکی ازپسران فتحعلیشاه که بحکومت این ایالت منصوب شده بود نسبت باهالی نهایت بدرفتاری را میکرد . سکنهٔ خراسان بسرپرستی اسحق خان قرائی احضارمحمد ولی میرزارا از

مرکز تقاضا کردند ولی در نتیجهٔ اقدامات حاکم خراسان و وعده هائی که برئیس ایل قرائی داد وضع خراسان نسبتاً آرام شد. سایر رؤسای عشایر که ازعاقبت کارخود مضطرب بودند ازمحمد رحیم‌خان حاکم خوارزم کمك خواسته‌وازوی تقاضا کردند خراسانرا اشغال وتصرف نماید. وقتی محمدرحیم‌خان اطلاع حاصل کرد که قدرت ونفوذ حاکم خراسان در نتیجهٔ سازش با رئیس ایـل قرائی تقویت یـافته از تصمیم خود منصرف شد. خان خیوه نیز چون از خرابی اوضاع خراسان مطلع گردید تـا استراباد پیشروی کرد ولی نظر باختلافاتی که میان عشایر رخ داد کاری ازپیش نبرد ویکی از کسان خود را برای تقاضای عفو نزد محمد ولی میرزا فرستاد حاکـم خراسان تقاضای ویرا قبول نکرد. تابالاخره درنتیجهٔ شکست سپاهیانش خان‌خیوه فراراختیار کرد.

بااستفاده ازاوضاع هرج ومرج خراسان محمد زمان عزالدین لوی قاجارحاکم بسطام که باباغیان خراسان درتماس بود بخیال خودسری افتاده ودرحدود سی‌هزار نفرازتر کمانان لایموت و کوکلان را دورخود جمع کرده بالاخره وی نیزدستگیرو زندانی شده وبابرادرش بتهران اعزام گردیدوتر کمانان چـون خود را بی‌سرپرست دیدند بدرهٔ اترك عقب‌نشینی کردند.

این اغتشاشات راههای بازرگانی بین‌چین وایران‌را نا امن کرد وارتباط‌تجارتی بین‌این دو کشوررا که ده‌ها قرن برقراربود برای همیشه‌قطع کرد که دیگر هیچگاه مفتوح نشد.

باوجود تفرقه‌ای که میان رؤسای عشایر خراسان حکمفرمابود انقلابات این ناحیه بآسانی خاتمه نیافت.

اسحق‌خان قرائی مجدداً علم طغیان برافراشت. محمدولی‌میرزا که از وجههٔ رئیس ایل‌قرائی هراسان بودوی وپسرش را باحیله وتزویر دستگیر کرد. این عمل بشخصیت محمدولی میرزادربرابرمردم خراسان لطمه‌زدوعدم اطمینان‌رؤسای ایلات نسبت بوی‌زیادتر شد. بالاخره محمدولی میرزا که موفق بقلع وقمع یاغیان‌وتسکین

انقلابات خراسان نگردیده بود بتهران احضار گشت وحسنعلی‌میرزا شجاع‌السلطنه حاکم شیرازبحکومت‌خراسان منصوب شد. ودراوایل محرم ۱۳۲۲ (نوامبر ۱۸۱۶) واردمشهد گردید درنتیجهٔ کاردانی واقدامات‌حاکم‌جدیدیاغی گری‌طایفهٔ قرائی‌پایان یافت وشهرهرات ازطرف شجاع‌السلطنه تحت محاصره قرار گرفت و بالاخره مطیع گردید بااین اقدام جنگهای جدیدی برضد رؤسای افغان آغازشد.

٤ ـ نتایج معاهدهٔ گلستان درروابط خارجی ایران

در تاریخ ۲۹ صفر ۱۲۲۷ (مطابق ۱۲ ماه مارس ۱۸۱۲) عهدنامه مودتی در دوازده‌فصل میان دولتین ایران وانگلیس بوسیلهٔ سر گوراوزلی نمایندهٔ دولت بریطانیای کبیر درتهران بامضاء رسید که بعهدنامهٔ مفصل معروفست[1] . مطابق فصل اول این معاهده دولت ایران متعهدمیشد که تمام معاهداتی را که تاتاریخ امضای این معاهده با دول اروپائی منعقد کـرده لغووبی‌اعتبارتلقی کند و بهیچ یك از نمایندگان دول بیگانه اجازهٔ ورود بخاك ایرانرا ندهد .

در فصل دوم معاهده مقرر بود «اگر دشمنی از طوایف فرنك بمملکت ایران آمده باشد یا بیاید و اولیای دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس خواهش اعانت وامداد نماید فرمانفرمای مملکت هند یااز جانب دولت بهیهٔ انگلیس هر گاه امکان و قدرت داشته باشد بقدریکه خواهش دولت علیه ایران باشد عسکر وسپاه از مملکت هندوستان روانه‌سمت ایران نماید» واگر بعللی اعزام قوای امدادی میسر نباشد درسال دویست هزار تومان برای نگهداری قشون ایران بپردازد برای حصول اطمینان که این وجه بمصرف هزینه‌های نظامی میرسد سفیرانگلستان درخرج آن حق نظارت خواهد داشت .

درفصل سوم انگلستان قبول میکرد اگر بادولی که دولت ایران در حال جنك میباشند معاهده‌ای منعقد کند جدیت خواهد کرد که پیمان صلح میان دولت ایران ودولت متخاصم نیز بامضاء برسدوالا دولت انگلستان بایستی بااعزام قوا و یا پرداخت دویست هزارتومان درسال دولت ایرانرا کمك کند .

درفصل چهارم طرزوترتیب پرداخت کمك مالی تعیین گردیده

---

۱ ـ رونوشت معاهده‌ای که ازوزارت خارجهٔ ایران بدست آمده وضمیمه کتابست

فصول پنجم وششم مربوطست بافغانستان مطابق فصل پنجم دولت ایران متعهد میشد درصورتیکه امیرافغان قصدتجاوزبمتصرفات انگلستان درهندوستان داشته باشد دولت ایران بافغانستان حمله کند در فصل ششم دولت انگلستان تعهد میکرد که در جنگهای میان ایران و افغانستان مداخله نکرده و بیطرفی خود را کاملا رعایت کند .

فصل هفتم مربوطست به تأسیسات کشتی سازی .

درفصل هشتم مقرراست اگریاغیان ایرانی بمستملکات انگلیسی فرار کنند بمجرد تقاضا تحویل دولت ایران گردند .

فصل نهم مربوطست به کمك دریائی انگلستان بایران درخلیج فارس

درفصل دهم حقوق ومقرری صاحبمنصبان ومعلمانی که ازطرف دولت انگلستان برای تعلیم وتربیت سربازان ایران اعزام میشوند مشخص و معین گردیده است.

درفصل یازدهم تصریح شده که ولیعهدهای دولتین مدلول مواد این عهدنامه را محترم خواهند شمرد .

فصل دوازدهم مربوطست به تقویت دولت ایران از طرف دولت انگلستان و استفاده از کمکهای متقابل وعدم مداخلهٔ دولت انگلستان در مناقشاتی که میان شاهزادگان درداخلهٔ ایران رخ میدهد .

یکسال پس ازامضای معاهدهٔ گلستان هانری الیس[1] وجمس موریه[2] مأموریت یافتند در مواد معاهده بوسیله سرگوراوزلی تجدید نظر نمایند درنتیجه در تاریخ ۱۲ذیحجةالحرام ۱۲۲۹ (۲۵نوامبر ۱۸۱٤) معاهدهٔ قطعی مشتمل بریازده ماده درتهران میان نمایندگان دولت انگلستان ودولت ایران بامضاء رسید که بمعاهدهٔ تهران معروف است [3].

---

1 - Henry Ellis

2 - James Morier

۳ ــ رونوشت معاهده‌ای که از وزارتخانهٔ ایران بدست آمده رجوع شود بضمیمه کتاب .

معاهدهٔ تهران درحقیقت براساس مواد معاهدهٔ مفصل که‌بوسیلهٔ سر گوراوزلی بامضاءرسیده‌بود تنظیم یافت . تغییراتی که دربعضی مواداین معاهده بعمل آمد بامواد معاهدهٔ گلستان ارتباط مستقیم داشت زیرا دولت انگلستان چون ازنفوذ روز افزون دولت روسیهٔ تزاری دردربار ایران نگران بود سعی‌داشت با برقرار کردن نفوذ خود حتی‌الامکان سلطهٔ سیاسی دولت روسیه را تعدیل کند .

درفصل اول معاهدهٔ تهران تصریح شده که تمام عهدنامه‌های اتحاد میان دولت ایران ودول دشمن بریطانیای کبیر ازدرجهٔ اعتبارساقط است‌وعبورسپاهیان‌دول‌دشمن بریطانیای کبیر ازخاك ایران بسمت هندوستان وبنادرهند قدغن میباشد

این ماده درحقیت جواب معاهدهٔ ایران وفرانسه‌بود که‌درتاریخ۲۵صفر ۱۲۲۲ (٤مامه ۱۸۰۷) میان‌فتحعلیشاه وناپلئون درفین کن اشتاین بسته شد. بایدبدانست که درموقع انعقاد معاهدهٔ تهران میان دولتین ایران وانگلیس‌هنوزهم‌خطرناپلئون در اروپا بکلی ازبین نرفته بود و دولت انگلستان همچنان بفعالیت خود بر ضد ناپلئون در اروپا و درآسیا ادامه میداد واطمینان نداشت که ممکن است‌جنگهای اروپابنفع‌انگلستان خاتمه پذیردباصطلاح‌قضایای۱۸۱۵وشکست ناپلئون‌راپیش‌بینی نمیکرد .

درفصل سوم دولتین انگلیس وایران تعهد میکنند که در برابرحملهٔ دشمنان بیکدیگر کمك متقابل نمایند : «این‌عهدنامه محض‌ازبرای‌رفع‌سبقت‌نمودن‌دشمنان درنزاع وجدال استقرارپذیرفته‌است ومراد ازسبقت‌تجاوزنمودن ازخاك متعلقه‌بخود وقصدملك‌خارج ازخود نمودن است وخاك متعلقه بهریك ازدولتین ایران وروس از ازقراریست که باطلاع وکلاء دولتین ایران وانگلتره ودولت روس بعدازاین‌معین‌و مشخص گردد.» بااین ترتیب دولت انگلستان که ازنفوذ روزافزون‌دولت روسیه در دربارایران بسیارمضطرب ونگران بود میخواست درمقابل تعدی‌روسها بتواندبدولت ایران کمك کند . ومخصوصاً با ذکراین جمله که خط سرحدی‌میان ایران و روس بااطلاع نمایندگان‌دولت‌بریطانیای کبیروایران‌وروسیه تعیین‌خواهدشدانگلیسها قصد

داشتند درکارهای ایران وروس مداخله کرده وامیدواربودند بلکه‌بدینوسیله‌ازنفوذ دولت روسیه حتی‌الامکان دردربارایران بکاهند .

درفصل چهارم راجع بپرداخت دویست هزارتومان سالانه شرطی قائل شدند بدین معنی که‌دولت انگلستان مبلغ‌تعهدی‌را بشرطی پرداخت خواهد کرد که دولت ایران برضد دولت اروپائی مبادرت نکند .

فصول هشتم‌ونهم معاهدهٔ تهران مربوطست بافغانستان و درمتن آن نسبت بـه معاهده‌ای که بوسیلهٔ سر گوراوزلی بسته شد تغییری‌رخ نداد . چنانکه‌می بینیم‌دولت ایران‌درتمام معاهدات‌خودباانگلستان مخصوصاً‌بموضوع‌افغانستان‌اهمیت‌فوق‌العاده‌ای قائل شده وموضوع افغانستان را همواره ازکارهای داخلی ایران شمرده وبهیچوجه بنمایندگان انگلستان اجازهٔ دخالت درامورافغانستانرا نمی‌دهد .

پس‌ازامضای معاهدهٔ گلستان دولت‌ایران بمساعدتهای دولت‌انگلستان‌مطمئن بودوانتظارداشت قسمتی ازاراضی ایران که پس‌ازامضای پیمـان صلح بتصرف دولت روسیه‌درآمده‌بدولت‌ایران‌مسترد گرددولی‌متأسفانه‌تقاضای مکررمیرزاابوالحسنخان سفیرایران و کمکهای لرد کاتکار(۱) نمایندهٔ دولت‌انگلستان دردربارسن‌پطرزبرگ بنتیجه‌ای نرسید .

درفصل دوم معاهدهٔ گلستان که مربوط بمسائل ارضی‌وسرحدی‌است مقرربود بمهندسین ونمایندگان معتمد دو دولت مأموریت داده شود که پس ازامضای پیمان صلح بمسائل مبهم ومتنازع فیه رسیدگی کرده وبارضایت طرفین خاتمه‌دهند.

آلکساندریرملوف(۲) حاکم‌جدید گرجستان‌وفرمانده کل قوای قفقازبسمت سفیرفوق‌العاده مأموریت یافت که بتهران آمده واختلافات موجوده‌را برطرف‌سازد . یرملوف پس ازدوماه اقامت در تفلیس و قره‌باغ که جهت رسیدگی باوضاع نواحی متصرفی‌جدید خود مصروف‌داشت‌درتاریخ ۱۷ شعبان ۱۲۳۲ (۲ژوئیه ۱۸۱۷)بتهران وارد شد.

---

1 - Lord Cathcart

2 - Alexandre Yermoloff

سفیر دولت روسیه پیشنهاد کرد معاهدهٔ اتحادی میان دو دولت بامضاء برسد و از فتحعلیشاه تقاضا کرد بادولت روسیه متفقاً بخاك دولت عثمانی حمله کند ولی پادشاه ایران راجع بپیشنهاد دولت روسیه تعمق کرد . فتحعلیشاه ازجریان روابط خود با دولتین فرانسه وانگلستان درس خوبی گرفته بود وی کاملا بخاطر داشت که دولت فرانسه درتیلسیت(۱) برای جلب دوستی تزارمنافع ایرانرا پایمال کرد . و همچنین خوب متوجه بود که عمال دولت انگلستان بادرنظر گرفتن اوضاع اروپا منافع حیاتی دولت ایران‌را فدای سیاست اتحاد اروپا نمودند . بااین رفتاردولتهای بیگانه که یك حس عدم اعتماد درفتحعلیشاه نسبت باروپائیان تولید کرده بود پیشنهاد سفیر دولت روس برای دولت ایران قابل قبول نبود بهمین مناسبت فتحعلیشاه بدون تردید تقاضای شرکت‌درجنك بادولت عثمانی‌را رد کرد .

یرملوف همچنین تقاضا کرد که لشکریان ایران بخوارزم رفته به‌تاخت وتاز های ازبکان که بتجارروس صدمه وارد میآوردند خاتمه دهددرصورتیکه دولت‌ایران با این‌اقدام موافقت نکنند بدولت‌روس اجازه داده شود که دراسترا باد قوا پیاده کرده وازآنجا برای‌قلع وقمع وخاتمه‌دادن بغارت ازبکان مبادت ورزد .فتحعلیشاه‌جوابداد که‌درفصول یازده گانهٔ‌معاهدهٔ گلستان‌چنین‌وضعی پیش‌بینی‌نشده وبنابراین نمیتواند بااین پیشنهاد موافقت کند. ولی بسفیرروس اطمینان‌داده شد بمجرد اینکه‌اغتشاشات هرات خاتمه پیدا کند دولت ایران بااین لشگر کشی مبادرت خواهد کرد .

بازهم بدون اخذ نتیجه سفیردولت روس تقاضد کردیك نمایند گی‌تجارتی در رشت‌دایر گرددوهمچنین‌پیشنهاد نمودازطرف‌دولت‌روس افسرانی‌برای تعلیم‌سپاهیان ایران اعزام گردد .

درمقابل‌رفتاردولت‌ایران هنگامیکه‌راجع‌بموادارضی معاهدهٔ گلستان‌مذاکره شدسفیرروس فوق‌العاده سخت گیری کرده واظهارداشت که وی‌حتی‌بااسترداد یك‌متر زمین که بانیروی قوای روس بدست آمده موافقت نخواهد کرد .

---

1 - Tilsit

بااین اظهاربامیدواریهای دربارایران برای بدست آوردن قسمتی از متصرفات قدیم خاتمه داده شد .

بالاخره تقاضا کرد که مطابق فصل دوم معاهدهٔ گلستان سرحد ناحیهٔ طالش تعیین وتحدید گردد . دولت ایران انجام این مأموریت را بعهدهٔ عباس میرزا واگذارنمود . یرملوف اظهارداشت حضور کمیسرهای دودولت جهت تعیین حدود الزامی است دولت ایران بسفیرروس پیشنهاد کرد که پس ازمراجعت به تفلیس نمایندهای بادستور مشروح مأموریتش بایران اعزام دارند .

سفیر دولت روسیه که باتجلیل تمام درتهران ازوی پذیرائی شده بودباهدایای گرانبهائی که ازطرف دولت ایران تقدیم امپراطور گردید بدون کمترین موفقیت دیپلوماسی پایتخت ایران را ترك گفت وهمین عدم موفقیت کینه‌ای برضد ایرانیان درقلب سفیرروس ایجاد کرد .

فتحعلیشاه که بوسیلهٔ یرملوف ازنقشه‌های دولت روس برضد دولت عثمانی اطلاع حاصل کرده بود دراواخرشوال ۱۲۳۳ (اوایل سپتامبر ۱۸۱۷) محب علیخان حاکم ساوه‌را باسلامبول نزد سلطان محمد روانه کردوآندولت ایران‌را ازامکان یك حملهٔ ناگهانی دولت روسیه مستحضر گردانید. نمایندهٔ دولت ایران درضمن پیشنهاد کرد درصورت وقوع حمله‌ای ازطرف روسها درسرحدات دوکشور متحداً از طرف دولتین اقدام شود .

بارفتارمحکم دولت ایران ورد کلیهٔ پیشنهادهای یرملوف تجدید مخاصمات میان دودولت روس وایران پیش‌بینی میشد .

پس ازمراجعت ژنرال یرملوف تزارالکساندر افکارونیات خودرا ضمن صدور بیانیهٔ مورخ ۱۶ ژانویهٔ ۱۸۱۸ باطلاع ملت قفقازرسانیدواعلام اینکه پیمان گلستان بیك معاهدهٔ قطعی بشمار میرود تمام امیدواریهای زمامداران ایـران را نقش بـر آب کرد .

«صلح باایران امنیت‌را درسرحدات شرقی امپراطوری ماتأمین کرده.این صلح

قطعیت داشته‌و هنگامی بامضاء رسیده که در آن زمان‌مقدرات اروپا تعیین‌شده‌و کلیهٔ آرزوهارا پاداش بخشیده است .

پس ازبرقراری این وضع جدید ملتها ازمزایـای صلح عمومی برخوردارند. روابط دوستی میان ایران وروس درظرف چهارسال اخیربیش ازپیش تحکیم یـافته وبراساس خلل ناپذیری ازطرف دودولت تقویت میشود .

بااعلام این‌خبرخوش بررعایای باوفای خود که نتیجه ونشانهٔ یك‌هم‌آهنگی و آرامش کامل مورد اطمینانست امردادیم متن معاهده‌ای‌را که بادولت ایران درتاریخ ۱۲ اکتبر۱۸۱۳ درگلستان منعقد گردیده منتشر نمایند»

سن پطرزبرگ ۱۶ ژانویه ۱۸۱۸ آلکساندر(۱)

دولت انگلستان که بوسیلهٔ سفیردولت روسیه ازنیات تزارنسبت‌بدولت عثمانی اطلاع پیدا کرده بودازپیشنهاد یرملوف برای انعقادپیمان اتحادبادولت‌ایران‌بمنظور حمله بخاك عثمانی بسیارنگران بود . نمایندهٔ دولت بربطانیای کبیردرتهران جدیت داشت که‌ازپیشرفت نفوذ ونقشه‌های دولت‌روسیه دردربارایران جلوگیری کند. باید دانست که دولت انگلستان ازیکطرف‌باامضای معاهدهٔ تهران در سال ۱۸۱۶ که در واقع پیمان اتحادی بود و بانفوذ زیادی که در دربارعثمانی داشت از طرف دیـگر میخواست بهرقیمتی که‌باشد ازوقوع جنك‌میان دومتحدخود ممانعت نمایدویالااقل عندااللزوم بتواند میانجی گری کند .

ازوقتی که یرملوف بدون اخذ نتیجه برای ایجاد جنك میان دو دولت‌ایران وعثمانی تهران‌را ترك گفت نمایندگان دولت روس لحظه‌ای درتعقیب سیاست‌دولت خود دردربار ایران بیکارننشستند ــ عمال تزار بخصوص مازاروویچ(۲) نایب سفارت دولت سن پطرزبرگ درایران دامن زدن بآتش نفاق میان دولتین ایران و عثمانی اعمال نفوذ فوق‌العاده‌ای دردربارایران کردند ــ مازاروویچ که تمام هم خودرابرای

1 - Demartens: supplement au recueil des principaux traitésT . VIII p·95.

2– Mazarowitch

کاشتن تخم اختلافات مذهبی مصرف کـرد و سعی‌داشت تحقیروسرافکندگی ملت ایران‌را ازعدم موفقیت و شکستهای ناشی ازجنك ایران وروس را جبران کند . از ضعف امپراطوری عثمانی‌استفاده کرده وموقع‌رابسیارمناسب‌تشخیص‌داد که‌درطبیعت جاه طلب‌عباس میرزااعمال نفوذ نمایدووی‌راباشغال‌متصرفات عثمانی ترغیب‌وتحریص کند . تابالاخره حمایت حاکم ارز روم ازدوایل چادرنشین‌ایرانی که آذربایجان‌را ترك گفته ودرخاك‌عثمانی اقامت گزیده بودند برای اعلان جنك بدولت عثمانی بهانه بدست دولت ایران داد . تعقیب این سیاست ازطرف نمایندگان دولت روس از متن نامهٔ مورخ ۱۳ فوریهٔ ۱۸۲۵ هانری‌ویلوك [۱] نایب سفارت انگلستان در تهران بـه ژورژکانینك[۲] روشن میگردد[۳] بامشاهدهٔ تیرگی روابط دولتین ایران وعثمانی هانری ویلوك تصمیم گرفت درمقابل مساعی روس ازنفوذ دولت انگلستان دفاع کند وبامتابعت ازمیل دولت خود سعی کرد بلکه ولیعهد ایران‌را به‌تعقیب یك سیـاست مسالمت‌آمیزوادارد و وی‌را از شروع بجنك بادولت عثمانی منصرف سازد . بهمین منظور پیشنهاد کرد مقداری وجه از کمك مالی که دولت انگلستان مطابق‌معاهدهٔ تهران متعهد گردیده است پرداخت کند .

ولی‌اقدامات نمایندهٔ بریطانیا بنتیجه‌ای نرسیدوچنانکه ذکرشد نمایندگان روس‌بخصوص‌مازارووییچ ولیعهدرابشروع جنك تشویق میکردند. درحقیقت‌میتوان گفت که نمایندهٔ دولت روسیه عباس‌میرزا ولیعهد ایران‌را عامل ووسیلهٔ‌خوبی‌برای اجرای سیاست دولت خود تشخیص داده بود زیرا پس ازشکست اصلان‌دوز و قبول معاهدهٔ ننگین گلستان عباس میرزا در نظر داشت بلکه با اقدام باین عمل نفوذ وقدرت خودرا تحکیم نماید ــ جنك بادولت عثمانی که از۱۲۳٦ تا۱۲۳۸ (۱۸۲۱ـ ۱۸۲۳) بطول انجامید بافتح دولت ایران وامضای معاهـدهٔ ارزروم خاتمه پذیرفت . بااین ترتیب میتوان گفت که جنك ایران وعثمانی ازنتایج مستقیم معاهدهٔ گلستان درروابط ایران وعثمانی بشمارمیرود .

---

1 - Henry-willolk

2 - G· Canning

۳ـ نامهٔ مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری ویلوك به کانینك

London:P.R.O.P.F.o 6o.T.XXV

قسمت سوم

دورهٔ فترت میان دو جنگ

فصل اول

۱ - علل سیاسی و اجتماعی جنگ دوم ایران و روس

۱۲۴۱ ۱۲۴۳ (۱۸۲۶ - ۱۸۲۸)

علل سیاسی و اجتماعی را که دراین فصل بیان خواهیم کرد نباید یگانه علل بروز جنگ دوم ایران و روس شمرد. گفتیم که سیاستمداران روس برای تکمیل فتوحات خود درایران ورسیدن بسرحد رودارس چنین تشخیص داده بودند که اعمال یك سیاست تجاوزکارانه درحق کشورایران ضروریست. حوادثی که مابیك نظراجمالی درپیرامون آن مطالعه و به‌بحث خواهیم پرداخت درواقع علل دور و ثانوی جنگ دوم ایران و روس بشمارمیرود وازهمین لحاظ حائزاهمیت میباشد :

دیدیم که باامضای معاهدهٔ گلستان دولت‌ایران ایالات گرجستان وایمرسی و مینگرلی ودربندوباکو وشیروان وشکی و گنجه وقره‌باغ ومغان وقسمتی ازطالش را بدولت‌روسیه واگذار کرد سکنه‌سه‌ناحیهٔ‌اولی‌مسیحیان گرجی وپیروان کلیسیای ارتودوکس ارامنه بودند. ولی اکثریت سکنه سایرنواحی اشغالی بامسلمانان بود.

دراین نواحی یك رژیم سیاسی واداری ازقدیم برقراربود که مابنکات‌برجستهٔ آن‌دراینجااشاره‌میکنیم.هریك‌ازاین‌ایالات ازدوران‌حکومت صفویه بوسیلهٔ یکنفر والی اداره میشد. درنتیجهٔ‌مأموریت طولانی واعمال نفوذ شغل و الیـان این نواحـی بالاخره موروثی شده بود . هریك ازپادشاهان ایران که بقدر کافی قدرت ونفوذ پیدا میکرداین‌حکام نیمه‌مستقل‌را ملزم مینمودسوگندوفاداری یاد کنند.حکام همچنین موظف‌بودندسالیانه مالیاتی بپادشاه ایران‌بپردازند ونظربانیکه درحوزهٔ فرمانروائی خود قدرت مطلقه داشتند همواره‌پی‌فرصت می گشتند بلکه خودراازسلطهٔ‌حکومت مرکزی برهانند وهمینکه بقدر کفایت‌قدرت می‌یافتند خودرا مستقل میخواندند.

بهمین‌علت بود که والیان وفرماندهان مستقل این نواحی ازپادشاهان باقدرت صفوی اطاعت کرده وازفرمانبرداری‌سلاطین ضعیف این‌سلسله استنکاف میورزیدند چنانکه درزمان حکومت ضعیف شاه‌سلطانحسین، پطر کبیر دربند وباکووقسمتی‌ازشیروان‌را اشغال کرد. این‌ایالات تاظهور نادرمطیع‌روسها وعثمانیها بودند وبااستقرارقدرت‌نادر شاه افشار مجدداً باطاعت دولت ایران درآمدند.

باهرج‌ومرجی که پس‌ازمرگ نادر درایران رخداد حکومت گرجستان خودرا مستقل کرده وازاطاعت حکومت ایران سر باز زد وقتی آغامحمدخان بقدرت رسید این‌ناحیه‌را مطیع ساخت ولی قتل‌ناگهانی‌سلطان‌قاجار دامنهٔ فتوحات وی‌را نـاقص گذاشت وباوقوع این‌حادثه نقشه‌های‌روسیهٔ تزاری نسبت بایالات شمالغربی‌ایران در نهایت سرعت وسهولت انجام یافت.

بایددانست کلیهٔ نواحی که‌بموجب‌معاهدهٔ گلستان‌بدولت‌روسیه واگذار گردید بوسیلهٔ قوای نظامی‌آندولت فتح نشده بود. مثلاهراکلیوس‌حاکم گرجستان که‌برای استخلاص‌خود ازاستبداد ومظالم دربارایران‌حمایت‌تزاررا درخواست کرد وساکنین ناحیهٔ اردوباد تصور کردند که با تقاضای حمایت دولت روسیه از تعدیات واجحافات حـاکم ایران نجات خواهند یافت . بنابراین پادشاهان قاجار بعلت وضع اسف‌آور سازمانهای‌اداری‌موفق‌نشدند رضایت وموافقت سکنهٔ ناحیهٔ قفقازرا نسبت‌بخود جلب کنند.درمقابل‌روسهاکه خودرا ناجی‌ملل‌قفقازمعرفی کرده‌بودندناراضیان‌و یاغیان‌را برضد دربار تهران برانگیختند. سکنهٔ این‌نواحی‌بـامید اینکه مداخلهٔ دولت‌روسیه درامور داخلی قفقاز یک‌امر موقتی‌خواهد بود خبط مللی‌را مرتکب شدند که برضد دشمن‌خانگی‌ازبیگانه‌یاری‌میطلبند. اشغالگران‌تامدتی‌درنواحی‌متصرفی‌خوشرفتاری کردند ووالیان وفرماندهان که قسمتی‌ازامتیازات‌موروثی‌خودرا محفوظ‌داشته‌بودند تصورمیکردند این‌امتیازات را باعقاب خود بارث واگذار خواهند کرد. ولی بارژیم جدیدی که پس‌ازامضای معاهدهٔ گلستان بوجودآمد اساس‌تشکیلات اداری وسیاسی این‌نواحی بتدریج تغییریافت بمرور افسران روسی نفوذ رؤسای محلی‌را ازبین برده

وحکومت خودرا محکمتر ساختند. کینهٔ روسها دردل خوانین ایرانی جای گرفت و عکس العمل آن با ایجاد تحریکات واخلال برضد حکومت استبدادی روس که خود قبول کرده بودند ظاهر گشت روسها بااعمال زور وزجر وشکنجه باقدامات حکام و رؤساء محلی قفقاز جواب دادند درنتیجه کلیه رؤسای مسلمان املاك ومتصرفات خود را ترك گفته وبایران پناه بردند.

اگر حکام ورؤساء موفق شدند بسهولت ازمناطق نفوذ روس دورشوند خوانین ونجبای محلی درمناطق مسکونی منافع زیادی داشتند ونمیتوانستند بآسانی اوطان خودرا ترك گویند بتدریج که قدرت ونفوذ آنان تحت الشعاع نفوذ وقدرت زمامداران روسیه قرار گرفت نتوانستند حتی عایدات املاك خودرا نیز وصول کنند بعدها نیز برای ادامهٔ زندگی، جزئی اندوختهٔ خودشان را ازدست دادند. بدرفتاری ولحن آمرانهٔ افسران روسی حیثیت آنان را جریحه دار ساخت وبدون امید نجات درمیان عامهٔ مردم ناپدید گردیدند. ورود بخدمات دولتی تنها درمحل تولد مجاز بود وترقیات آنان خیلی محدود بود. دخول درارتش روس موکول بود به چشم پوشی از کلیهٔ مزایای حقوقی، آنانکه وارد خدمت نظام میگردیدند مجبور بودند عادات محلی وبعضی ازمعتقدات مذهبی خودرا نیز ازدست بدهند تابتوانند باافسران روسی معاشرت کنند. ولی این قبیل محرومیتها و فداکاریها نیز زندگی آنانرا آسانتر نساخت بطوریکه حتی ارامنهٔ مسیحی غیرارتودوکس و گرجیان ازسختگیریهای زمامداران روس برای قبولاندن عادات ورسوم روسی بستوه آمدند

باقبول عادات ورسوم دولت غالب ازطرف مسلمانان، مانند پوشیدن لباس وتطبیق رفتار زنان وکودکان باعادات ورسوم روسی بدگمانی روسها نسبت بساکنین نواحی اشغالی برطرف نشد بلکه نارضایتی‌ها باز هم شدت یافت.

نسلی که درحال رشد بود نظر باینکه ازوضع گذشته اطلاعی نداشت نفوذ روس را متحمل میشد ولی قبول این وضع برای نسل حاضر نهایت دشوار ونامطبوع بود. از قرنها باینطرف دراغلب ایالات متصرفی تنها طبقهٔ مسلمان صاحب نفوذ وامتیاز بود ووضع اجتماعی مسیحیان نسبت بمسلمانان پست‌تر بود ولی با تحکیم واستقرار نفوذ دولت روسیه وضع مسیحیان تغییر یافت ومسلمانان حتی درتحت فشار قرار گرفتند.

مکرر مسیحیان بآداب مذهبی مسلمانان اهانت کرده و آنرا مورد استهزا قرار دادند وحتی خواستند ازانجام تشریفات مذهبی مسلمانان جلوگیری کنند. وقتی علمای دینی ملاحظه کردند که نفوذ شاه بتدریج کاسته میشود ومنافعشان درخطر است ناچار بارژیم روس آغاز مخالفت کردند. روسها باین موضوع بی اعتنائی کامل بخرج دادند و علما سعی داشتند کینهٔ معتقدین خودرا برضد دولت روس شدیدتر نمایند. متنفذین مذهبی تحمل ظلم اجنبی واطاعت ازبیگانه وغیرمسلمان را که باعث وهن وسرافکندگی بود اساس تبلیغات وشکایات خود قراردادند. روحانیون نه تنها بهپیروان خود زیاده‌رویهای عمال تزاررا گوشزد کردند بلکه بی اعتنائی وحس بدبینی واقدامات اصولی و خطرناك آنانرا برضد اسلام اعلام داشتند.

رفتار افسران روسی وافراد نظامی وحتی رفتار دولت روس شایستهٔ رفتار یك دولت غالب نبود . سکنهٔ نواحی متصرفی که برای زیارت مشاهد متبرکه مسافرت میکردند بدرفتاری های عمال روسی راشرح میدادند وازخطرات متوجه بافراد مسلمانی که زیر یوغ دولت تزاری روس قرار گرفته بودند صحبت میکردند باادامهٔ این وضع روزبروز وحشت علمای شیعه زیادتر میگردید. اخراج دسته جمعی مسلمانان کریمه برنگرانی روحانیون افزود واین رفتار دولت روس شاهد بارز پیش بینی های آنان قرار گرفت .

بااینکه قدرت دردست دولت روس بود وحکام ایرانی که مانع تحولات بنفع دهقانان بودند نواحی اشغالی را ترك گفته بودند، بهیچوجه دروضع دهقانان تغییری حاصل نشد واقدامی بنفع آنان ازطرف دولت روس بعمل نیامد ووضع زندگی دهاتیها دررژیم استبدادی دولت تزاری بهتر ازحکومت خوانین قفقاز نگردید.

نظر باینکه خدمت درایالات جنوبی قفقاز ازطرف دولت روس یکنوع تنبیهی تلقی میشد لذا دولت سن پطرزبرگ کارمندان فاسد ونالایق را برای اشتغال باین ناحیه اعزام میداشت. افسران جزء ارتش معمولا بی سواد وبی تربیت ونسبت بزیردستان بیرحم بودند جمع آوری مالیات دراین نواحی بدست این قبیل افراد بالطبع باعث ایجاد تعدیات

و بدرفتاریها میشد ودهقانان بیچاره دائماً در تحت فشار مأمورین خشن دولت روس قرار داشتند.

اجحافات ورفتار بی رویهٔ مأمورین دولت روس که باعث تنفر مردم در ایالات متصرفی گردیده‌بودازهمان‌سال ۱۲۳۰(۱۸۱۵) سکنهٔ این نواحی‌را تکان‌داد وبالاخره درسال ۱۲۴۱(۱۸۲۶) مبدل بیك‌شورش وهیجان عمومی گردید که بانیات وسیاست انتقام‌جویانه زمامداران ایرانی تطبیق میکرد.

۲ـ علل آنی جنك دوم ایران وروس

مذاکرات درباره تعیین سرحدات

درموقع تنظیم پیمان گلستان روسها تعهد بخرج دادند که حتی الامکان ازاتخاذ تصمیم قطعی برای تعیین سرحدات میان دودولت جلوگیری کنند. اتخاذ این رویه و تعقیب چنین سیاستی ازطرف زمامداران دولت روس اختلافاتی میان دو کشوربوجود آورد که نتیجهٔ آن منتهی به آغاز جنك دوم ایران وروس از سال ۱۲٤۱ تا ۱۲٤۳ (۱۸۲٦ــ۱۸۲۸) گردید.

هنگام حرکت ازتهران ژنرال یرملوف وعده داده بود نماینده‌ای برای حل مسائل متنازع فیه میان دودولت تعیین واعزام دارد. بهمین مناسبت در سال ۱۲۳۳ (۱۸۱۸) مازاروویچ بعنوان نمایندهٔ دولت روسیه بایران آمد وپس ازاقامت خیلی کوتاه درتهران به‌تبریز مسافرت کرد تاازنزدیك باعباس میرزا که‌ازطرف دولت ایران برای حل اختلافات سرحدی نمایندگی داشت درتماس باشد. عباس میرزا نمایندگانی ازطرف خود جهت تعیین وتجدید حدود ومناطق متنازع فیه تعیین کرد. هنگامیکه نمایندگان طرفین درمحل حضور یافته وازنزدیك وضع مناطق مورد اختلاف را بازدید کردند بااشکالات جدید مواجه شدند.

نمایندگان دولت روس موادارضی پیمان گلستان رابنفع دولت خودتعبیر میکردند ونمایندگان دولت ایران ازواگذاری مناطقی که بعقیدهٔ آنان بدولت ایران تعلق داشت امتناع میورزیدند. بااین ترتیب حل اختلاف مشکل بنظر میرسیدونمایندگان ایران هنوز ازحدود قره‌باغ جلوتر نرفته بودند که ازطرف ولیعهد احضار شدند.

هنگامیکه مذاکرات جهت تعیین سرحدات ادامه داشت دولت روس درناحیهٔ گوگچه واقع درطول سواحل شمالی وشمالغربی دریاچهٔ گوگچه وهمچنین درسرحدات قره‌باغ مشغول تأسیس پاسگاههای نظامی بود.

1 – Mazarowitch

پس از شکست مذاکرات، عباس میرزا در سال ۱۲۳۵ (۱۸۲۰) مهندس میرزا مسعود یکی از منشیان خود را جهت حل اختلافات و ملاقات ژنرال یرملوف به تفلیس فرستاد ولی فرمانده کل قوای روس حاضر نشد بهیچوجه تغییری در تصمیمات دولت خود نسبت بمواد معاهدهٔ گلستان قائل شود. نظر باینکه دولت روسیه هنوز از گرفتاریهای اروپا آسوده نشده بود و قصد تعرض بر ضد دولت عثمانی را داشت لذا برای گذراندن وقت و بدست آوردن فرصت مناسب تری ژنرال یرملوف شروع مذاکرات را به سال بعد موکول نمود.

پس از مراجعت نمایندهٔ دولت ایران مکاتبات زیادی تا شروع جنگ ایران و عثمانی ۱۲۳۶-۱۲۳۸ (۱۸۲۱-۱۸۲۳) میان عباس میرزا و فرمانده کل قوای گرجستان مبادله گردید.

درأثنای جنگ ژنرال یرملوف از فرصت استفاده کرده چندین نقطه از اراضی ایران را اشغال و بعد در سال ۱۲٤۰ (۱۸۲٤) دولت روسیه نواحی بالغلو و گونی و گوگچه را متصرف گردید.

دولت ایران رسماً بدست اندازیهای جدید دولت روسیه اعتراض کرد. نمایندگان دو دولت لاینقطع و بدون هیچ نتیجه برای تعیین نقاط سرحدی و حل اختلاف بمحل حرکت میکردند.

مازاوویچ نمایندهٔ دولت روسیه در برابر اعتراضات دولت ایران برای حل اختلافات سرحدی پیشنهادهائی تسلیم کرد که مورد موافقت فتحعلیشاه و عباس میرزا قرار گرفت ولی هنگامیکه ژنرال یرملوف از اقدامات نمایندهٔ خود در تهران اطلاع حاصل کرد اظهار داشت تعهدات مازاوویچ خارج از حدود اختیارات وی بوده و مورد قبول دولت روسیه نیست، وقتی عباس میرزا از رد پیشنهادهای مازاروویچ مطلع شد فتحعلیخان حاکم تبریز را در تاریخ ۱۱ جمادی الثانی ۱۲٤۰ (ژانویه ۱۸۲۵) بنمایندگی از طرف دولت ایران به تفلیس روانه کرد[1]. در تفلیس موافقت نامه‌ای میان ژنرال یرملوف و نمایندهٔ دولت ایران بامضاء رسید. فتحعلیخان پس از ورود به تبریز گزارش مأموریت خود را

۱ـ نامهٔ مورخ ۵ فوریه ۱۸۲۵ هانری و بلوك به ژورژ کانینك
London : p. R. o. p. Fo. 60. T. xxv

بعباس‌میرزا داد ولی نظر باینکه موادموافقت‌نامه نظریات دولت ایران‌را تأمین‌نمیکرد بتصویب نرسید.

درماه رجب ۱۲٤۰ (فوریهٔ ۱۸۲۵) مذاکرات مجدداً آغاز شد وملاقاتی میان عباس‌میرزاو ژنرال یرملوف بعمل آمد. دراین‌ملاقات قرارشدفتحعلی‌خان‌دوباره برای‌حل اختلاف به‌تفلیس نزدژنرال یرملوف فرستاده شود(۱). درنتیجهٔ این‌مذاکرات نمایندهٔ ایران برای بار دوم به تفلیس رفت ودرتاریخ ۸شعبان ۱۲٤۰ (۲۸ ماه مارس ۱۸۲۵) موافقت‌نامه‌ای‌باحضورژنرال‌ویلهینوف(۲) ومدداوف(۳) بامضاءرسید که‌ما آنراقرارداد تفلیس خواهیم خواند. نمایندهٔ ایران قرارداد تفلیس‌را بشرطی‌امضاء کرده بود که‌از طرف دولت ایران مورد قبول واقع گردد(٤).

مطابق‌مواد قرارداد تفلیس ناحیهٔ گوگچه بدولت روسیه تسلیم‌ودرمقابل، دولت روسیه ناحیهٔ‌قپان‌را بدولت‌ایران‌واگذارمیکرد. ولی‌درحقیقت‌قراردادتفلیس یك‌نیرنك سیاسی بیش نبود زیرا ناحیهٔ گوگچه وناحیهٔ قپان هردو متعلق‌بایران بود وروس‌ها درمقابل اشغال یکی ازنواحی‌ایران واگذاری ناحیهٔ دیگری‌راکه‌آنهم‌متعلق‌بدولت ایران بود پیشنهادمیکردند بااین‌وصف عباس‌میرزا وفتحعلیشاه ناچارازتأییدقرارداد تفلیس خودداری کردند(۵)

دولت روسیه ازنیل بمقصود وحصول نتیجه ناامید نبود بطوریکه درماه شوال ۱۲٤۰ (اواخر ماه مه) مازاروویچ بتهران‌آمد تاازفتحعلیشاه تأیید قرارداد تفلیس‌را تقاضا کند، جلسات مشورتی برای مطالعهٔ مواد قرارداد در تهران تشکیل گردید و عباس‌میرزا نیز برای شرکت دراین‌جلسات بتهران احضار شد.

۱ــ نامهٔ مورخ ۱٦/۲٦ ژوئیه منچیکوف به قائم‌مقام
London : P. R. O. p. FO. 60. T. XXVII
2– Wilheminoff
3– Madadoff
٤ــ ترجمهٔ نامهٔ ژنرال یرملوف به‌عباس‌میرزا
London : p. R. O. p. Fo. 60. T.xxv
۵ــ نامهٔ مورخ ۱٤ اکتبر ۱۸۲۵ هانری‌ویلوك به کانینك
London : p. R. O p. Fo. 60. T.xxv

حسن‌خان صاری‌اصلان برادر حاکم ایروان نیز که درجنگ اول‌ایران‌وروس شرکت کرده بود بتهران‌خوانده شد تانظریات وتجارب وی مورد استفاده‌قرار گیرد. وی که بنواحی‌سرحدی ایروان آشنائی کامل‌داشت ثابت کرد که ادعای دولت روسیه مورد ندارد وباواگذاری ناحیهٔ گوگچه امنیت شهرایروان‌درخطرخواهد بود. دربار ایران بالاخره پس ازمباحثات طولانی عدم امکان قبول مواد قرارداد تفلیس‌را رسماً باطلاع نمایندهٔ دولت روسیه رسانید.

دربرابر تصمیمات راسخ دولت ایران ژنرال‌یرملوف باتکاء قرارداد تفلیس یك هنك سرباز ۱۸۰۰ نفری‌روس‌را باچهارعراده توپ برای اشغال وتصرف ناحیهٔ گوگچه واخراج سکنهٔ ایرانی آن ناحیه مأمورساخت(۱).

فتحعلی‌شاه که درمقابل عمل انجام‌یافته قرار گرفته بود میرزا صادق مروزی وقایع‌نگار دربار‌را مأمور کرد که درمعیت مازاروویچ بملاقات ژنرال‌یرملوف برود. نمایندگان دودولت دراواخر ماه شوال ۱۲٤۰ (ژوئن ۱۸۲۵) تهران را ترك گفتند. نمایندهٔ دولت ایران مأموریت داشت باشغال‌اراضی‌ایران ازطرف قوای روس اعتراض کرده ودر صورت لزوم بدربار سن پطرزبرگ مراجعه و شکایت خود را تسلیم امپراطور کند.

پس‌ازورود به‌تبریز نمایندهٔ دولت روس پیش‌دستی کرده وقبل‌ازنمایندهٔ‌ایران به‌نزد ژنرال‌یرملوف رفت تاوی‌را ازجریان مذاکرات تهران مسبوق سازد. درنتیجه زمامداران‌روس‌تصمیم گرفتندقبل‌ازورودنمایندهٔ دولت‌ایران‌ناحیهٔ بالغ‌لو‌رانیز‌بوسیلهٔ قوای‌قراکلیسا اشغال کنند.این‌بود که‌درشب۲۵صفر ۱۲٤۱(۱۹اکتبر ۱۸۲۵)یکدسته از سربازان روس با دو عراده توپ بدهکدهٔ بالغ‌لو وارد شده ایلات ایرانی را بیرون کرده ومحل‌های مسکونی آنانرا خراب کردند(۲) ولی باورود قوای سردار ایروان

۱ـ نامهٔ مورخ ۲۸ نوامبر ۱۸۲۵ هانری‌ویلوك به کانینك
London : p R.O.p.Fo 60 T.xxv

۲ـ نامهٔ مورخ ۱ کتبر ۱۸۲۵ عباس‌میرزا به‌ژنرال‌یرملوف
Lodon : p.R.O.p.Fo.60 T.XXVII

روسها مجبور شدند ناحیهٔ بالغلو را تخلیه کنند.

میرزاصادق مروزی درتاریخ ۱۰ ربیع‌الاول۱۲٤۱(۲۳ اکتبر۱۲۸۵) ازتبریز حرکت کرد ودرتاریخ۱۱ربیع‌الثانی۱۲٤۱(۲۳نوامبر۱۲۸۵) واردتفلیس گردید[۱].

قبل‌ازورود نمایندهٔ ایران ژنرال‌یرملوف تفلیس‌را ترك گفته بود. میرزاصادق مروزی ازطرف ژنرال‌ویلهمینوف که مأمور رسیدگی‌باختلاف سرحدی‌بود پذیرائی شد مذاکرات میان نمایندگان دودولت بجائی نرسید ومرك آلکساندراول درتاریخ ۱۹ ربیع‌الثانی۱۲٤۱ اول‌دسامبر۱۸۲۵ باعث قطع‌مذاکرات گردید[۲]،نمایندهٔ ایران پس‌ازدوماه اقامت درتفلیس‌تقاضا کردوی‌را ازتصمیمات دولت روسیه مستحضردارند ژنرال ویلهمینوف ضمن یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲٦(۱۲جمادی‌الاول) اطلاع داد که ژنرال‌یرملوف فرمانده کل‌قوای گرجستان‌نمیتواند بدون اجازهٔ امپراطوری اراضی اشغال‌شده را بدولت ایران مسترد دارد[۳] بالاخره نماینده دولت ایران بدون موفقیت واخذ کمترین نتیجه تفلیس را ترك گفت ودر رمضان ۱۲٤۱ (مارس۱۸۲٦) وارد تهران گردید[٤]

پس‌ازمرك آلکساندراول تغییری‌درسیاست‌عباس‌میرزا پدیدآمد ولیعهدایران که تا این تاریخ سیاست سازش ومسالمت‌آمیزی نسبت بدربار سن‌پطرزبرگ پیش گرفته بود درنتیجهٔ دخالت مأمورین‌سیاسی‌درتبریز تغییرروش‌داد واین‌تغییرسیاست آغاز جنك دوم ایران وروس را تسریع کرد.

۱ـ نامهٔ مورخ ۲٤ اکتبر هانری‌ویلوك به‌کانینك
London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۲ـ نامه مورخ۱۷ فوریه هانری‌ویلوك به کانینك
London : p.R.o.p.Fo.6oT.XXVII

۳ـ یادداشت مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۲٦ ویلهمینوف به‌میرزاصادق مروزی
London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

٤ـ نامهٔ مورخ ۳۱ مارس ۱۸۲٦ هانری‌ویلوك به‌ژورژکانینك
London : p.R.O.p.Fo.60.T. XXVII

۲- تغییر سیاست عباس‌میرزا پس‌ازمرگ آلکساندر اول و اعلان جهاد

اشغال نواحی گوگچه وبالغلو و گونی‌ازطرف روسها توأم‌باانواع آزاروشکنجه نسبت به‌مسلمانان آن نواحی بود وچنانکه بدان اشاره شد ظلم وفجایع دولت روسیه علمای مسلمان را درمشاهد متبرکه سخت مضطرب ونگران ساخته بود. دیپلماسی انگلستان برای اقدام برضد نفوذ روزافزون وتهدیدآمیز دولت روس از این فرصت مناسب استفاده کرد.

گفتیم که عباس‌میرزا نسبت برفتار ناهنجار عمال‌دولت‌روس بامسلمانان‌نواحی اشغالی بژنرال‌یرملوف وسایر فرماندهان قوای قفقاز اعتراض کرد. ولی نظربا ینکه ولیعهد ایران پس‌ازامضای معاهدهٔ گلستان مستقیماً تحت نفوذ دولت سن‌پطرزبرگ قرارداشت نمیتوانست درمقابل‌روش‌دولت روس‌اقدام‌مؤثروجدی کند[1]. عباس‌میرزا درجریان‌مذاکرات برای‌تحدید حدود سرحدات، تمام هم‌خودرا صرف کرد تاروابط میان دودولت‌قطع نگردد ودیدیم که نمایندگان‌وی بکرات جهت حل‌اختلافات نزد فرمانده کل قوای گرجستان رهسپار شدند.

سیاست وآرزوی تزار این‌بود که متصرفات روسیه را تاسرحد ارس بسط دهد بدین‌منظوردرمعاهدهٔ گلستان قید شده‌بود ازمیان پسران‌شاه‌آنکه‌جانشین‌تاج‌وتخت ایران تعیین شود ازطرف روسیه نیز برسمیت شناخته خواهد شد.

دولت روسیه بااین‌عمل درحقیقت تعهدمیکرد که ازعباس‌میرزادرمقابل‌برادر ارشدش‌محمدعلی‌میرزای دولتشاه حمایت وجانبداری کند تزار باطرفداری‌وحمایت ازمنافع ولیعهد درواقع یکنوع حق نظارت درسیاست داخلی‌ایران تحصیل کرده و

۱- گزارش سیاسی مورخ ۱۳ فوریه ۱۸۲۵ هانری‌ویلوک به‌کانینگ

London : p.R.O.p.Fo.60.T.xxv

امیدوار بود عباس‌میرزا بنوبهٔ خود از پیشرفت سیاست دولت روسیه در ایران طرفداری نماید. پس عباس‌میرزا با اینکه نمیخواست بهیچوجه خودرا کاملا تحت نفوذ تزار قرار دهد مجبور بود قدرت ونفوذ دولت روسیه را بحساب بیاورد.

در مکاتبات عباس‌میرزا با تزار ودولت روسیه مشاهده میشود که ولیعهد ایران سعی و کوشش دارد احترام وقدرت واختیارات خودرا بابکاربردن عناوین وتعارفات رسمی تشریفاتی که معمول دیپلماتهای ایران آنزمان بود حفظ کند.

محمدعلی‌میرزا در سال ۱۲۳۷ (۱۸۲۲) در حین جنك ایران وعثمانی در گذشت وبا مرك وی عباس‌میرزا جانشین بلامعارض تاج وتخت ایران گردید وبااین ترتیب کمك تزار برای تعیین ولیعهد ایران دردرجهٔ دوم اهمیت قرار گرفت.

درتاریخ شعبان ۱۲٤۱ (مارس ۱۸۲٦) شاهزاده منچیکوف[۱] بعنوان نمایندهٔ فوق‌العاده بدربار ایران اعزام گردید[۲].

سفیر دولت روسیه مأموریت داشت که جلوس نیکولای اول را رسماً باطلاع دولت ایران برساند ولی در حقیقت منچیکوف موظف بود باختلافات سرحدی دو دولت خاتمه داده ودولت ایران را برای امضای معاهدهٔ اتحادی برضد دولت عثمانی حاضر کند.

وقتی دولت روسیه طالب اتحاد بادولت ایران بود دولت انگلستان بوسیلهٔ اقدامات وفعالیت مأمورین سیاسی خود دردربار عباس‌میرزا جدیت داشت تشبثات دولت روسیه را عقیم سازد ونفوذ سیاسی خودرا محکمتر ومؤثرتر بکند. ماژور هارت[۳] ودکتر کرومك[٤] عمال انگلیسی که جریان حوادث نیزبآنان کمك میکرد اطمینان شاهزاده عباس‌میرزا رابخود جلب کرده بودند وازمرك آلکساندر اول برای تغییر سیاست عباس‌میرزا استفاده نمودند.

1- Menchikoff

۲ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس هانری‌ویلوك به کانینك

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

3- Major Hart

4- Cromk

(باید تذکر داد که علاوه‌برمرگ محمدعلی میرزادولتشاه در گذشت میرزابزرگ قایم‌مقام نیز درسال ۱۲۳۷(۱۸۲۲) که یکی ازرجال‌سرسخت ضد سیاست انگلستان دردربارعباس‌میرزا بود درپیشرفت سیاست انگلستان فوق‌العاده تأثیر داشته ووظیفهٔ عمال انگلیسی‌را بی‌نهایت آسان میکرد) .

هانری‌ویلوك درنامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲٦ (۱۰ شعبان۱۲٤۱)بوزارتخارجه انگلستان گزارش‌میدهد که درنتیجهٔاقدامات‌مأمورین‌انگلیسی‌وقتی‌پرنس‌منچیکوف به‌تبریزرسید یکنفرنمایندهٔ طرف‌اطمینان ازطرف شاهزاده‌عباس‌میرزا اعزام گردید که شاه را برای اعلان جنگ برضد دولت روس تشویق کند.

هانری‌ویلوك کاردار سفارت انگلیس‌درهمین‌نامه تذکرمیدهد که‌ورود پرنس منچیکوف وضع‌جدیدی دردربار عباس‌میرزا بوجود آورده‌است.ولیعهدایران معتقد است مادامیکه قبلاازمذاکرات‌درتبریزنتیجه‌ای گرفته‌نشود ودولت‌روسیه حاضر به تخلیهٔ ناحیهٔ گوگچه‌نگرددنمایندهٔروسیه نباید بطرف‌تهران‌حرکت کند[۱].کاردار سفارت درهمین‌نامه اضافه میکند که پادشاه تردید دارد آیا بجنگ مبادرت ورزد یا ناحیهٔ گوگچه‌را بتصرف روسها بدهد ولی‌توسل‌بجنگ حتمی‌بنظرمیرسد زیرادرنظر زمامداران ایران استقرارروسهادرناحیهٔ گوگچه وایجادپاسگاهها درنزدیکی‌ایروان حفظ وحراست این‌ایالات ثروتمند را بخطر خواهدانداخت[۲].

پس از ورود منچیکوف آقاسیدهاشم مجتهد برای تحریك احساسات مذهبی مردم پایتخت برضد روسها درتاریخ ۱۷شوال ۱۲٤۱(۲۵ مه ۱۸۲٦) وارد تهران شد تافتحعلیشاه را بجنگ وادار کند[۳].

۱ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲٦ هانری‌ویلوك به کانینگ

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۲۰ مارس ۱۸۲٦ هانری‌ویلوك به‌کانینگ

London : p.R.O.p.Fo.60.T.XXVII

۳ـ دراسناد وبایگانی‌وزارتخارجهٔ انگلستان برای روشن کردن این‌مطلب که‌آیا رؤسای ایالات وعلمای مذهبی بمیل‌خود میخواستند که جنگ بین دولتین روس‌وایران را

بقیهٔ‌حاشیه درصفحهٔ ۲۰۹

چنانکه گفته شد مکاتبات وتقاضاهای زیادی‌ازطرف ساکنین نواحی سرحدی وپیشوایان‌مذهبی بدولت‌ایران رسیده‌بود که درخواست میکردند دولت ایران برای رفع‌اهانتهائی که ازطرف دولت‌روسیه‌بدین‌اسلام واردآمده‌بود اقداماتی‌بعمل بیاورد.

هنگامیکه درتبریز میان پرنس منچیکف و عباس میرزا و وزیرش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام مکاتبات زیادی راجع‌باختلافات سرحدی مبادله‌میشد[1] فتحعلیشاه بمناسبت فصل تابستان‌تهران راترك وبسمت سلطانیه حرکت کرد شوال۱۲٤۱(ژوئن ۱۸۲۶) شاه که‌ازجریان حوادث بسیار مضطرب بود برای تعیین‌خط مشی سیاسی تصمیم گرفت ضمن کنفرانسی نظرمشاورین خودرا جلب کند.

دراین کنفرانس‌هانری ویلوك کاردارسفارت انگلستان‌به‌فتحعلیشاه توصیه کرد روش‌مسالمت‌آمیزی اختیار کند وآقاسیدمحمدمجتهدراکه‌ممکن‌است گرفتاریهائی

بقیه ازحاشیهٔ صفحهٔ قبل

بیك جنك مذهبی مبدل کنند باانیکه‌مأمورین‌یك‌دولت‌بیگانه‌دراین‌موردفعالیت‌بخرج‌میدادند سندی بدست‌نیامد ولی درمکاتبات سیاست مداران دولت روسیه علایم واشاراتی موجود است که سیاست‌نخست‌وزیرانگلستان رادراینمورد روشن میسازد: چنانکه کنت‌دونسلرود Conte-de-nesslrode صدراعظم‌دولت روسیه درجلد ششم صفحهٔ ۲۵۹ مجموعهٔ‌مکاتبات خود چنین بیان میکند : بنظرمیآید کانینك وزیر خارجهٔ انگلستان‌که ازنفوذ وشهرت ژنرال یرملوف مضطرب ومتحیربود میخواست ایرانرا بجنك برضد ما وادار کند وقتی وزیرانگلستان ازسیاست مسالمت‌آمیز امپراطور آلکساندر اطمینان حاصل نمود مصمم گردید ازاحساسات ضدروسی ایرانیان جلوگیری کند ولی جلوگیری ازغلیان احساسات ملی برای‌وی غیرمقدور بود . همچنین‌دوشرودر De-shrœder که درنیمهٔ اول‌قرن‌نوزدهم ازطرف وزارتخارجهٔ روسیه مأموریتهای مختلف سیاسی داشته راجع بسیاست‌انگلستان نسبت بیونان و ایران چنین مینویسد : « بنظر میآید که سیاست انگلستان با ایجاد جنك جدیدی میان‌دولتین روسیه وایران دوهدف راتعقیب‌میکندتاازیکطرف ازپیشرفت‌روسها بطرف مشرق ایران درسمت هندوستان جلوگیری کند از طرف دیگر برای تزار که در مسئلهٔ یونان گرفتاراست اشکالاتی تولید نماید تابالاخره وی را مجبورکند که ازدولت انگلستان کمك طلبد وبالنتیجه موضوع بنفع دولت انگلستان خاتمه پذیرد» ،

۱ـ مکاتبات عباس میرزاومنچیکف نامهٔ مورخ ۹ذیقعدهٔ۱۲٤۱ (۱۵ژوئن ۱۸۲۶) میرزا ابوالقاسم قایم مقام به منچیکف London·P·R·O·Fo·60.T.XXVII

برای‌دولت‌ایران ایجادنمایدبحضور نپذیرد. هانری‌ویلوك درواقع‌یك‌سیاست دوجانبه بازی میکرد . رسماً فتحعلیشاه را باتخاذ رویهٔ محتاطی توصیه میکرد در صورتیکه نمایندگان وی‌ماژورهارت ودکتر کرومك درتبریزشاهزاده عباس میرزا رابجنك با دولت روسیه تحریك میکردند .

درنامهٔ مورخ ذیقعدهٔ ۱۲۴۱(۲۷ ژوئن ۱۸۲۶) هانری ویلوك به‌ژورژ کانینك نظرسیاستمداران ایرانی‌رانسبت‌بدولت‌روسیه چنین‌شرح‌میدهد: «درنتیجهٔ‌مذاکرات سری که بااللهیارخان‌آصف الدوله داشتم وی مایل بجنك نیست‌ولـی مجبوراست از نظرشاهزاده تبعیت کند ...میرزا عبدالوهاب وزیرخارجهٔ سابق که درموارد مهم باوی مشورت میشود وشاه بعقیدهٔ اواهمیت فوق‌العاده‌ای میدهـد مایل است روابط بادولت روسیه اصلاح شود(۱)

فتحعلیشاه مایل‌بود سیاست عباس‌میرزا راتعقیب کند ولی وزراء توصیه کردند که نمایندهٔ دولت روسیه راپپذیردوالاممکن است‌باعث رنجش امپراطور جدید کـه دراعزام نماینده‌پیشقدم بوده است گردد . بنابراین درتاریخ۴ذیحجه۱۲۴۱(۱۰ژوئیه ۱۸۲۶) پرنس منچیکوف بقرارگاه سلطانیه وارد شد(۲)

پس ازسه روز ورود، فتحعلیشاه‌به‌پرنس منچیکوف اجازهٔ شرفیابی‌داد: دراین شرفیابی پنج‌تن ازوزرا: آصف‌الدوله وامین‌الدوله ومعتمدالدوله ومیرزا ابوالحسن خان ومیرزا ابوالقاسم قایم‌مقام حضور داشتند(۳) . مذاکرات باحضورشاهزاده عباس میرزا آغاز گردید(۴) نمایندهٔ‌دولت روسیه‌اظهارداشت که وی‌نمیتواند ازموادقراردادتفلیس

۱ـ نامهٔ مورخ۱۷ ژوئن۱۸۲۶ هانری ویلوك به‌ژورژ کانینك ازسلطانیه
Londn : P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۱۷ژوئن ۱۸۲۶ هانری ویلوك به‌ژورژ کانینك ازسلطانیه
London:P.R.O.P.Fo.60.T XXVII

۳ـ نامهٔ مورخ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به‌کانینك
London: .P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۴ـ نامهٔ مورخ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به‌کانینك
London: P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

مورخ ۸ شعبان ۱۲۴۰ (۲۸ مارس ۱۸۲۵) عدول کند. بااین ترتیب مذاکرات به‌نتیجه‌ای نرسید وجواب صریح نمایندهٔ دولت سن پطرز برك، تمام طرفداران صلح رامأیـوس کرد[۱] یکنوع احساسات هیجان آمیزی تمام کشوررافرا گرفت وسیاست عباس میرزا که‌بطورمؤثری‌درتحت‌نفوذ کتر کرومك‌وماژورهارت‌قرارداشت‌قرین‌توفیق گردید.

افکارمردم بحداعلا بـرضد روسیه تهییج شـده بود . ملت وروحانیون واغلب زمامداران تقاضای اعلان‌جنك برضد دولت روسیه داشتند . درتاریخ ۵ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ (۱۱ژوئیه ۱۸۲۹) آقاسیدمحمد مجتهد بهمراهی یکصدتن ازروحانیون واردسلطانیه شد دستهٔ دیگری ازاهالـی بسر پرستی ملااحمد نراقی نزد فتحعلیشاه آمدند وبـه تظاهرات پرداختند[۲]

چندتن ازوزراء که طرفدارصلح بادولت روسیه بودند درحال یاس ونا امیدی. آخرین باربا منچیکوف مذاکره وبوی خاطرنشان کردند که اگر دولت روسیه از استرداد گوگچه منصرف گردد جنك‌بطورقطع شروع‌خواهد شد، زیرا امنیت ناحیهٔ ایروان بااشغال گوگچه که ظاهراً بی‌اهمیت بنظرمیآید درمخاطره خواهد افتادولی منچیکوف درروش خود تغییری نداد .

بالاخره در مجمع وزراء تصمیم گرفته شد در مقابل تظاهرات مردم وبمنظور حفظ حیثیت دربار سعی شود موافقتی ولوبی اهمیت هم باشد ازنمایندهٔ دولت روسیه تحصیل گردد . منچیکوف اظهارداشت مذاکرات راقطع کنند تاوی از دولت خـود دستورات جدیدی دریافت‌داردوبآصف‌الدوله پیشنهاد کرد هیئتی برای‌حل اختلافات ازطرف دولت ایران بسن‌پطرزبرگ فرستاده شود[۳]

دولت‌ایران موقتاً قطع‌مذاکرات‌راقبول کرد واصراروزید تاوصول دستورات

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۴/۲۶ ژوئیه ۱۸۲۶ پرنس منچیکوف
London:P.R.O.P.Fo 60.T.XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ ۱۵ ژوئیه هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London:P.R O.P.Fo.T:XXVII

۳ـ نامه مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۸۲۶-۱۳ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ منچیکوف بآصف الدوله
London:P.R.O.P.Fo 60.T.XXVII

ازطرف دولت‌روسیه ناحیهٔ گوگچه تخلیه گردد ودولت ایران تعهد کرد که تاوصول دستوراز طرف دولت روسیه این ناحیه را اشغال نکند. منچیکوف بدون اجازه نمیتوانست پیشنهاد دولت ایران راپپذیرد.

درجریان این مذاکرات اعمال‌نفوذ نمایندگان‌سیاسی ودیپلماتهای‌انگلستان فوق‌العاده مؤثر بود. زمامداران بریطانیای کبیربا ایجاد جنگ میان دولتین ایران و روس در نظر داشتند دولت روسیه رابا جنگ خسته کننده‌ای در سرحدات شمالغربی ایران مشغول سازندتابتوانند ازفعالیت روسها درمشرق ایران که برای دولت هند خطرناك بودبکاهند. این نظریه ازمطالعهٔ یادداشتهای سری سرجان ملکم که راجع بپیشرفتهای دولت‌روسیه درآسیا نوشته شده‌روشن میگردد. بنظرملکم‌فعالیت‌روسها درمشرق‌ایران‌ازسمت‌افغانستان‌بتدریج‌شدت‌می‌یافت‌واین‌فعالیت‌برای‌سیاست‌انگلستان فوق‌العاده خطرناك‌بنظرمیرسید(۱) همچنین دونامهٔمورخ دسامبر۱۸۲۵هانری ویلوك یکی‌بعنوان ویلیام پیت‌لردآمرست(۲) فرمانفرمای کل هندوستان ودیگری بعنوان ژورژ کانینك‌نشان میدهد که چگونه دولت انگلستان از نفوذروزافزون‌وپیشرفتهای دولت روسیه‌درایران وحشت ونگرانی داشت‌بالاخره درتعلیماتی که‌ازطرف‌لرد کاتکار سفیر انگلستان درسن پطرزبرگ بکاردار سفارت انگلستان در تهران داده شد این نگرانی ظاهر میشود(۳)

۱- یادداشتهای سری سرجان ملکم راجع به‌پیشرفتهای دولت روسیه درآسیا که بیشتر مربوطست بنواحی افغانستان وخراسان وترکستان وکرانه های دریای خزر
London:P.R.O.P.Fo.60.T.XXV

2- William, Pitt-Lord-Amhurst.

۳- نامه‌هانری ویلوك به‌ویلیام پیت‌لردآمرست London:P.R.O.P.Fo.60T.xxv
دراین‌نامه هانری‌ویلوك ازفعالیت روسها دربخارا و افغانستان صحبت کرده و باقدامات ژنرال یرملوف درخراسان وتوسعه و پیشرفت نفوذ دولت روس در مشرق ایران اشاره میکند ودرضمن تمایل رؤسای مستقل نواحی‌شمالشرقی ایرانرا به‌همکاری بادولت‌روسیه شرح میدهد هانری ویلوك همچنین درنامهٔ مورخ۲۳ دسامبرخود به‌ویلیام‌پیت‌لردآمرست اشاره میکند که لرد کاتکار Lord-cathcart سفیرانگلستان درروسیه ازاقدامات دولت سن‌پطرزبرك درنزد عباس میرزا بسیارنگران ومضطرب است

دولت ایران که ازهرطرف درتحت فشار قرار گرفته بود و اطمینان داشت که سکوت درمقابل تعدیات مأمورین دولت روس باعث سرافکندگی خواهد بود و از اجحافات‌دولت روسیه در آینده فوق العاده نگرانی داشت بالاخره تصمیم گرفت جنك كند.

بااینکه موقتاً مذاکرات میان دودولت قطع شده بود هانری ویلوك‌مأموریت یافت که مذاکرات‌رابا نمایندهٔ دولت روسیه‌ادامه دهد(۱) ولی نظربا ینکه‌فتحعلیشاه امیدی باین اقدامات نداشت بدون انتظاربنتیجهٔ مذاکرات‌هانری ویلوك‌ومنچیکوف درتاریخ۱۵ ذیحجهٔ۱۲٤۱ (۲۱ژوئیه ۱۸۲٦) ازسلطانیه بسمت اردبیل حرکت کرد تابصحنهٔ عملیات نزدیك شود(۲)

بالاخره منچیکوف بدون اخذ نتیجه در تاریخ ۱۸ذیحجه (۲٦ژوئیه ۱۸۲٦) اقامتگاه سلطانیه راترك گفت وهانری ویلوك کاردار سفارت انگلیس نیزباردبیل نزد فتحعلیشاه رهسپارشد(۳)

بروحانیون وپیشوایان مذهبی‌دستورداده شد احساسات مذهبی مردم رابرضد روسها تحریك کنند وجنك دوم ایران وروس باصدور فتوای جهاد آغاز گردید .

برای اینکه صحنه های مختلف جنگی روشن تربیان گردد جنك دوم ایران وروس را درسه‌مرحله بیان میکنیم :

مرحلهٔ اول : پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجهٔ ۱۲٤۱ تا آخر محرم ۱۲٤۲ (ژوئیه ۱۸۲٦ سپتامبر ۱۸۲٦) دراین مرحله تمام نواحی که مطابق معاهدهٔ گلستان

۱ـ نامهٔ مورخ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك
London:P R.O P Fo 6o.T XXVII

۲ـ نامهٔ مورخ۲۳ ژوئیه هانری ویلوك به کانینك
London:P R O P Fo 6o.T.XXVII

۳ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت۱۸۲٦ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London:P R O.P Fo 6o T XXII

تسلیم روسها شده بود ازطرف قوای ایران اشغال شد .

مرحلهٔدوم: شکستهای ایران ازصفر۱۲٤۲ تاسقوط دژعباس‌آباد ۲۷ ذیحجهٔ ۱۲٤۲ (سپتامبر۱۸۲٦ - ۲۲ژوئیه ۱۸۲۷)

مرحلهٔسوم: سقوط ایـروان و تبریـز معـاهدهٔ تـرکمانچای شعبان ۱۲٤۳ (فوریه۱۸۲۸) .

قسمت چهارم

جنگ دوم ایران و روس از

(۱۲۴۱-۱۲۴۳) (۱۸۲۶-۱۸۲۸)

فصل اول

مرحلهٔ اول: پیشرفتهای عباس میرزا از ذیحجهٔ ۱۲۴۱ تا آخر محرم ۱۲۴۲ (ژوئیه ۱۸۲۶ سپتامبر ۱۸۲۶) دراین مرحله تمام نواحی که مطابق معاهدهٔ گلستان تسلیم روسها شده بود ازطرف قوای ایران اشغال گردید.

هنگامیکه مذاکرات بانمایندگان دولت روس درسلطانیه ادامه داشت هزاران نفرداوطلب بسلطانیه آمده وبقرارگاه عباس میرزا که بفرماندهی کل قوای ایران در جنگ منصوب شده بود متوجه گردیدند.

باید دانست که جنگ بدون اعلان رسمی آغازشده بود. پس ازشکست مذاکرات ویلوك منچیکوف نمایندهٔ دولت روسیه قرارگاه سلطانیه راترك گفت وشاهزاده عباس میرزا بطرف تبریز حرکت کرد تا در رأس لشگریان تحت فرماندهی خود قرار گیرد.

اسمعیل میرزا یکی ازفرزندان فتحعلیشاه که باپانزده هزارنفر بکمك عباس میرزا مأموریت یافته بود بدستورولیعهد بسمت ارس حرکت کرد[1] عباس میرزا درتبریز اسکندرمیرزا نوهٔ هراکلیوس، مصطفی خان شیروانی ومحمد حسینخان شکی، رؤسای نواحی اشغالی ازطرف روسها راکه ناراضی بودند بحضورخود پذیرفت. این سه نفر پس از مشورت باعباس میرزا واخذ تصمیمات باوطان خود مراجعت کردند تابمنظور مقاومت در مقابل روسها بایاغیان وناراضیان همکاری نمایند. اقدامات این اشخاص فوق العاده مفید ومؤثرواقع شد[2]

۱- نامهٔ مورخ ۱۵ ژویه ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازسلطانیه به کانینك
London: P·R·D·P. Fo·60·T·X.XVII

۲- نامهٔ مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London: P·R·O·P·Fo·60·T·XXVII

عباس‌میرزا تصمیم‌داشت که رود ارس را ازپل خداآفرین عبور کند وقبل از آنکه ژنرال مدداوف بقره باغ مراجعت کرده و بمقاومت بپردازد وارد قره‌باغ گردد .

همچنین لازم بود هرچه زودتر قلعهٔ شوشی ازطرف لشگریان ایران اشغال گردد واین مسئله نهایت اهمیت‌را داشت که سپاهیان ایران قبل از آنکه وسائل دفاعی قلعه تکمیل گردد آنرا بتصرف خوددرآورند . قبلا نیز سکنهٔ ناراضی نواحی قره‌باغ وعده داده بودند بمجرد رسیدن قوای ایران قلعه‌را تسلیم خواهند کرد .

لشگریان عباس میرزا ازرود ارس عبورنکرده بودند که عملیات جنگی در سواحل دریای خزر آغاز شد . میرحسنخان رئیس طوالش مصمم‌بودبه‌تسلط روسها در آن ناحیه خاتمه دهد بدینمنظور خودرا بادولت ایران درتماس گذاشت. فرمانده قوای‌روس درلنکران که ازرابطهٔ میرحسنخان بادولت‌ایران ظنین‌شده بودهمسروی را بعنوان گروگان درساری محبوس کرد (۱)

میرحسنخان درمقابل این‌رفتار دولت روس علناً برضدقوای‌روس قیام کرد و یکدسته‌ازسربازان دشمن‌را که بسمت لنکران درحرکت بودند موردحمله‌قرارداد. بااین اقدام میرحسنخان‌جنگ درطالش آغاز گردید. میرحسنخان قوائی‌جمع آوری کرده وازدولت ایران تقاضای کمک نمود . پس‌ازوصول این‌خبر به‌محمدخان قاجار دستورداده شد که‌باعده‌ای سربازوچهارعراده توپ برای کمک بقیام کنندگان‌بقوای میرحسنخان بپیوندند - ولی میان میرحسنخان ومیرعباسخان که طرفدار روسها بود اختلاف ورقابتی وجودداشت(۲) میرعباسخان ازفرمانده قوای روس در لنکران کمک خواست وقوای امدادی‌روس بسمت طالش حرکت کردند . ولی پس‌ازرسیدن قوای محمدخان قاجار وقتی میرعباسخان تشخیص داد قادربمقاومت نیست به پسر

---

۱ - نامهٔ مورخ ۱۰ اوت ۱۸۲۶ هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك

London :P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

۲ - نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك به کانینك ازاردبیل

London:P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

عموی خود پیشنهاد کرد حاضراست بندرلنکران را تسلیم کند . بندرازسمت خشکی تحت محاصرهٔ قوای ایران درآمد روسها مجبور شدند درتاریخ ۱۹ ذیحجه ۱۲۴۱ (۲۵ ژوئن ۱۸۲۶) شبانه بندرراتخلیه کنند ودرنتیجه شش عراده توپ ومقدارزیادی اسلحه ومهمات بدست ایرانیان افتاد (۱) باتخلیهٔ لنکران تمام ناحیهٔ طالش آزادشد. پس ازعزیمت روس‌ها میرحسنخان ومیرعباسخان که درناحیهٔ طالش نهایت قدرت و اقتداررا بدست آورده بودند بامردم ناحیه بنای بدرفتاری را گذاشتند و بدین جهت مورد خشم وغضب رؤسای قبایل شدند .

عباس میرزا پس ازعبور ازرود ارس بجای اینکه بسرعت بسمت قلعهٔ شوشی که بهیچوجه قادر بدفاع نبود حرکت کند وقت خودرا چندین روز بیهوده تلف کردو با ناراضیان تماس گرفت . ولیعهد بپسرارشد خود محمدمیرزا دستورداد ازبیراهه از طریق نخجوان بسمت قره‌باغ حرکت کند . کلنل رویت (۲) که درغیاب ژنرال مدداوف عهده‌دارفرماندهی بود ازفرصت استفاده کرده وبرای محافظت وتقویت مدافعین قلعهٔ شوشی قوای امدادی گسیل داشت . دستهٔ دیگری ازسپاهیان ایران درتحت فرماندهی اسمعیل میرزا برای کمك به محمدمیرزا بسمت قره‌باغ متوجه گردید . درنتیجهٔ فعالیت شورشیان قره‌باغ دویست نفرازروسها کشته شده و ۷۵۰ نفراسیر گردیده‌بودند واهالی قره‌باغ برای ادامهٔ مقاومت ازعباس میرزا تقاضای کمك کرده بودند .

درتاریخ ۲۲ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ (۲۷ ژوئیهٔ ۱۸۲۶) اسمعیل میرزا درخط سیرخود با یکدسته ازسربازان روسی که بسمت شوشی درحرکت بودند در ناحیه خنزیرك روبرو شد . افراد اسمعیل میرزا باکمك ساکنین ناحیه ازپیشروی روسها ممانعت کردند . قوای روس بسختی مقاومت نمودند ولی بالاخره درنتیجه فشاروخستگی و

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك به کانینك ازاردبیل
London:P.R.O.P Fo.60.T XXVII

2 — Colnel Reuit

۳ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London:P.R.O.P.Fo 60.T XXVII

شدت گرما تسلیم شدندواسلحه خودراتحویل دادند .

پس ازاین موفقیت عباس میرزا مصمم گشت برای تسخیرقلعه شوشی‌پیشروی کند ولی‌دراینمدت کلنل رویت وسایل دفاعی قلعه‌را تکمیل کرده بودبدین ترتیب اقدامی که در آغاز عملیات ممکن بود با موفقیت انجام یابد اکنون محکوم بشکست‌بود .

بمحض اینکه سپاهیان ایران درسمت قره‌باغ پیش رفتند نواحی گـو گچه و بالغ‌لوازطرف لشگریان ایران‌مأمورایروان‌اشغال گردید[1] وسردارایروان‌دستجات روسی‌مأموراین دوناحیه‌را مورد حمله قرارداد روسها باآنکه خوب مقاومت کردند بالاخره مجبور بتسلیم گردیدند . این ناحیه درسرراه تفلیس دارای موقع نظـامی حساس و محکمی بود که درآنجا ژنرال سواردزامیدزوف[2] فرمانده ناحیهٔ پمبك پس ازتخلیه قره کلیسا خودرابرای دفاع آماه کرده بود . حسنخان که درمسیرخود تمام ناحیه را تانزدیکی اردوگاه روس ویران کرده‌بودشیوهٔ جنك و گریزرا بکار برد وبادستبردهای‌مداوم خود مانع‌شد که قوای‌سواردزامیدزوف‌باتفلیس‌مرکزفرماندهی روس ارتباط برقرار کند .

هنگامیکه لشگریان ایران بسمت شوشی‌پیشروی میکردند به‌ژنرال‌مدداوف فرمانده قوای روس در گنجه دستور داده شد تعداد زیادی از اهالی را بداخل قلعه گنجه پذیرفته وسپس باعمده قوای پادگان گنجه به کمك ژنرال سواردزامیدزوف که‌باپنجهزارنفرپیاده وتعداد کمی‌سواردرمقابل قوای حسنخان قادربمقاومت‌نبودند بشتابـد .

همینکه پادگان شهر گنجه ضعیف شد اهالی که بدستورژنرال مـدداوف در داخل قلعه جمع شده بودند قیام کرده و قسمت عمدهٔ افراد روسی‌رابقتل رسانیدند

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك
London : P.R.O.P.Fo.60.T.XXVII

2 - Swardzamidzoff

چندتن از فراریان که بزحمت نجات یافته بودند خود را بتفلیس رسانیدند (۱) اهالی گنجه که بنوبهٔ خود بشهر تسلط یافته بودند ازعباس‌میرزا که مشغول محاصره بود استمداد کردند.

برای کمك باهالی گنجه بمحمدمیرزا دستور داده شد با پنجهزار نفر بسمت گنجه حرکت کند. امیرخان سرداراغورلوخان‌پسرداودخان‌ازرؤسای قدیم و محلی گنجه دررکاب محمدمیرزا بودند ـ اغورلوخان ازطرف عباس میرزابحکومت شهر گنجه منصوب گردید(۲)

دراواخرمحرم ۱۲۴۲ (اواخراوت ۱۸۲۶) شاهزاده شیخعلی میرزا حکمران ملایریکی ازپسران فتحعلیشاه بایکدسته سوار درسرحد طالش بمحمد خان ملحق گردید. شیخعلی‌میرزادرحین عبورازرود کر بوسیله پل متحرکی جزیرهٔ سالیان‌را که درآنجا روسها آذوقهٔزیادی ذخیره کرده بودند بتصرف درآورد. سپس درسمت شیروان‌پیشروی کرد تاباقیام کنندگان آن‌ناحیه بسرپرستی‌مصطفی‌خان که در آغاز مخاصمات بدستور عباس میرزا بشیروان‌رفته بودهمکاری کند مصطفی‌خان‌درشیروان بایجاد مقاومتی‌در برابر روسها توفیق یافته بود و این اقدام مصطفی‌خان برای قوای ایران بسیارمفید بود زیرا درنتیجهٔ کمك شورشیان و فشار لشگریان ایران روسها مجبور شدند شیروان را تخلیه کرده وبه‌سمت تفلیس عقب‌نشینی کنند

قیام‌واغتشاش بتمام‌ایالات‌مسلمان نشین‌قفقازسرایت کرد. کوه‌نشینان‌داغستان بصحرا آمده و دستجات روسی را مورد تعقیب قرار دادند روسها مجبور شدند برای تجدید سازمان بشهرهای مستحکم دربند و باکوپناه ببرند. ولی شورشیان بسرپرستی‌سرخای‌خان لزگی‌وابراهیم‌خان بادکوبه‌ای‌روسهارادراین‌دوشهرمحاصره کردند.

---

۱ ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك

London: P.R O.P.Fo.6o.T.XXVII

۱ـ نامهٔ مورخ ۱۰ اوت‌هانری ویلوك ازاردبیل به کانینك

London: P.R.P.Fo.6o.T.XXVII

درظرف سه‌هفته سپاهیان ایران موفق شده بودند اغلب نواحی‌را که بموجب معاهدهٔ گـلستان تسلیم روسها شده بود پس‌بگیرند . لشگریان که ازنقاط مختلف حرکت کرده بودند موفق شدند بایکدیگرتماس یابند ودرمحرم ۱۲۴۲(آخراوت ۱۸۲٦) خط زنجیری تشکیل دادند که ازایروان وقره‌باغ وشیروان وشکی وطالش میگذشت .

برای اینکه اشغال این نواحی مکمل گردد لازم بود قلعهٔ شوشی نیزبتصرف قـوای ایران درآید وسپس تمام لشگریان ایران بمقصد اصلی خود تفلیس کـه لشگریان‌روسی‌به آنجا عقب‌نشینی کرده بودند متوجه گردند . بنابراین عباس‌میرزا مصمم شد درتسلیم قلعه شوشی که درمحاصرهٔ لشگریان ایـران بود تعجیل کـند . مذاکرات باکلنل رویت آغاز گردید وفرمانده روسی وعده‌داد درظرف شش‌روزقلعه را تسلیم کند برای تضمین این‌قرار گروگانهائی ازطرف روسها دراختیارقوای‌ایران قرارداده شد .

ولی بزودی مسلم گردید که کلنل رویت فقط برای امراروقت این‌وعده‌راداده وبهیچوجه خیال تسلیم قلعه‌را ندارد .

جریان حوادث بسرعت مناظرصحنه جنك‌را تغییرداد .

فصل دوم

مرحله دوم : جنك ایران وروس

۱ ـ شکستهای ماه صفر ۱۲۴۲ (سپتامبر ۱۸۲۶) تاسقوط قلعهٔ عباس آباد ۲۷ ذیحجهٔ ۱۲۴۲ (۲۲ ژوئیهٔ ۱۸۲۷)

همینکه پیشروی لشکریان ایران آغاز شد ژنرال یرملوف تمام پستهای مقدم ارتش روس را فرا خواندو کلیهٔ پاسگاه‌های سرحدی‌را تخلیه کـرد وبچند دسته از سپاهیان روس که در ایالات اشغالی مقاومت میکردند دستور داد بسمت تفلیس عقب‌نشینی کنند.

این‌تصمیم فرماندهی کل قوای روس علت‌اصلی پیشروی‌سهل‌وسریع‌لشگریان ایران درآغاز مخاصمات میباشد . این موفقیتهای سریع روحیهٔ سربـازان ایران را تقویت کردو آنان‌را که‌معتقد بودند جنك بادولت‌روسیه جزشکست واضمحلال‌نتیجه دیگری ندارد امیدوارساخت .

تأخیرولیعهد ایران دربرابرقلعه‌شوشی بفرماندهی کل قوای‌روس‌درتفلیس‌وقت کافی‌داد تاسازمان نظامی‌خودرا تکمیل‌وتجدید کند وقوای امدادی وافسران کاردان وورزیده ازمسکو دریافت دارد . لشگریان ایران درحین پیشروی ازقتل وغارت و تعدی وبدرفتاری نسبت بساکنین نواحی کوتاهی نکرده بودند این رفتارقوای ایران باعث انزجار اهالی گردید بطوریکه دربعضی نقاط حتی از عـزیمت سپاهیان روس متأسف‌بودند واین پیش‌آمدوضع سپاهیان‌ایران‌را دشوارساخت ولطمه‌شدیدی‌بوجهه عباس‌میرزا واردآورد .

دراواخر محرم ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۶) پنجاه هزارنفرازلشگریان‌روس‌درتفلیس

متمرکز شد ومقدمات یك حمله عمومی ودامنه‌داری ازهرجهت آماده شده‌بود.اولین دسته ازلشگریان روس مرکب ازچهارهزارنفرپیاده که بوسیلهٔ توپخانه وعده‌ای‌سوار تقویت میشد بسمت دهکدهٔ شمخورواقع درنزدیکی گنجه حرکت کرد .

محمدمیرزا که عهده‌دار فرماندهی قوای گنجه‌بود خودرا برای‌مقابله‌باروسها آماده ساخت ـ قوای طرفین درناحیهٔ شمخورتماس حاصل کردند ودرتاریخ ۱٤صفر ۱۲٤۲ (۱۷سپتامبر۱۸۲٦) قوای محمدمیرزا بادادن تلفات سنگین باشکست‌سختی مواجه شد وامیرخان سردار دراین زد وخورد بقتل رسید وخودمحمدمیرزابامواجه اشکالات زیادی نجات یافت .

فراریان بسمت گنجه متوجه شدندودرنتیجه‌وحشت واضطراب عجیبی‌درمیان قوای مأمورشهرایجاد شد .

نظرعلیخان‌مرندی که مأمور دفاع قلعه بود بدون‌آنکه حتی ذخیره‌وآذوقه راخارج کند ویاآتش بزند تابتصرف دشمن در نیاید قلعه‌را تخلیه کرد ودرتاریخ ۱٤ صفر۱۲٤۲ ژنرال مدداوف شهر گنجه‌را اشغال وتصرف نمود .

نظرعلیخان مرندی بدستورعباس میرزا تیرباران شد .

فتحعلیشاه که درحین سقوط شهر گنجه دراهر بود پیش‌بینی کرد کـه پس از اشغال شهر گنجه‌قوای روس متوجه قلعهٔ شوشی خواهندشد. برای‌جلوگیری‌ازحملهٔ قریب‌الوقوع سپاهیان روس باالهیارخان‌آصف‌الدوله دستوردادقـوای عباس میرزارا که‌هنوز دربرابرشوشی متوقف‌بودند تقویت کند. با این ترتیب تعدادلشگریان‌ایران درشوشی به‌بیست هزار پیاده وده هزار سوار و بیست عراده توپ رسید با این عـده قلعهٔ شوشی ممکن بود بآسانی مسخر گرددولی عباس میرزا که از نتیجهٔ یك حملهٔ عمومی اطمینان‌نداشت‌چنین دستوری نداد ـ این عمل عباس میرزا یك خبط نظامی بودزیرالشگریان ایران قادربودند بایك‌حمله قلعهٔ شوشی‌را بتصرف درآورده‌وسپس بشهر گنجه‌حمله کنند. وحتی اگرقوای ایران‌درمقابل شهر گنجه باشکست مواجه میشد ممکن‌بود بسهولت‌مجدداً بسمت شوشی عقب نشینی کنند وروسها قادربتعقیب

لشگریان ایران نبودند زیرا فاصلهٔ میان شوشی و گنجه بکلی ویران شده بود و تمام آذوقهٔ موجود دراین ناحیه بمصرف سپاهیان عباس میرزا که چندین هفته دربرابر شوشی معطل شده بودند رسیده بود .

درخلال این مدت قوای مدافع روس درشوشی بوسیلهٔ جاسوسان ارمنی با قوای گنجه ارتباط پیدا کردند . درنتیجه دسته‌ای ازلشگریان روس از گنجه بسمت قلعهٔ شوشی حرکت کرد . نفرات محاصره شدهٔ قلعه که ازرسیدن قوای امدادی اطلاع یافتند بوسیلهٔ شکافی که در دیوارقلعه ایجاد کردند به‌لشگریان عباس میرزا حمله نمودند. درنتیجهٔ این حملهٔ ناگهانی وحشت وبی‌نظمی عجیبی دراردوگاه عباس میرزا رخ داد وسربازان ایرانی فرار کردند - وحشت واضطراب طوری قوای ایران رادرهم شکست که تمام اقدامات برای جلوگیری ازاین پیش آمد بی‌نتیجه ماند و سپاهیان ایران بابی‌نظمی کامل ازرودارس گذشتندوعقب‌نشینی درجلگهٔ اصلاندوزمتوقف شد.

دراصلاندوزعباس میرزا توانست قوای فراری رامتمرکز کند .این شکست روحیه ووضع لشگریان ایران را بکلی مختل کرد . اغلب سربازان کـه تجهیزات وحتی سلاح خودراازدست داده بودند باوطان خود مراجعت کردند .

چندروزپس ازاین شکست ولیعهد در تاریخ اول ربیع‌الاول ۱۲٤۲ (۸ اکتبر ۱۸۲٦) دراهربخدمت فتحعلیشاه رسید که درآنجاآصف‌الدوله وافسران‌ارشد حضور داشتند پس‌ازمباحثات طولانی راجع بعملیات‌نظامی درجبهه‌های جنگ بالاخره‌تصمیم گرفته شد دسته‌جاتی‌را برای حفاظت کرانه‌های ارس مأموربکنند تایك خط دفاعی درمقابل روسها تشکیل بدهند.

فتحعلیشاه‌مقدمات مراجعت خودرابه‌تهران درمعیت کلنل ماکدونالد[۱] وزیر

---

۱ - مطابق نامهٔ مورخ ۲۰ مه ۱۸۲٦ هانری ویلوك به کانینك کلنل ماکدونالد Colenel-Macdonald درتاریخ ۱۱ آوریل به‌بوشهررسیده بود ومطابق نامهٔ ۱٤ اوت ۱۸۲٦ ژورژ کانینك باشارل وین Charles-wyn دربارایران بااین انتصاب که‌از طرف کمپانی هند بعمل آمده بود موافقت نکرده بود . پس از اقدامات زیاد ازطریق

بقیهٔ حاشیه درصفحهٔ بعد

مختاردولت انگلستان تهیه دیده بود . عباس میرزا برای تعیین دستجات محافظ کرانه های ارس قرارگاه سلطنتی را ترك گفت .

در ربیع الثانی ۱۲۴۲ (نوامبر ۱۸۲۶) وقتی عباس میرزا تشخیص داد فصل عملیات مناسب نیست و لشگریان روس مصمم‌اند تمام فصل زمستان را در ناحیهٔ آق‌اوغلان نزدیکی رود ارس دراردوگاه بسر ببرند به‌تبریز مراجعت کرد .

شکست شوشی روحیهٔ سایر فرماندهان نظامی ایران راخراب کرده‌بود بطوریکه اغلب آنان ازمواضعی که بدست آورده بودند عقب‌نشینی کردند : لشگریان مأمور شیروان تا آنطرف رودخانهٔ کرعقب نشستند ولشگریان لوری ازسرحد ایران گذشتند وبالنتیجه دولت ایران تمام نواحی را که از آغاز جنك بدست آورده بود باستثنای طالش ومغان ازدست داد . شروع فصل زمستان باعث وقفهٔ عملیات گردید .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

دیپلماسی بالاخره انتصاب کلنل ماکدونالد مورد تأییددولت ایران قرارگرفته ومطابق نامهٔ مورخ ۱۷ سپتامبر هانری ویلوك به کانینك کلنل ماکدونالد در تاریخ دوم سپتامبر ۱۸۲۶ دراردبیل بحضور فتحعلیشاه باریافته بود

نامهٔ مورخ ۲۰ اوت ۱۸۲۶ ویلوك به کانینك ونامهٔ مورخ ۱۲ اوت کانینك بشارل‌وین
London : P . R . O . P . Fo . 60.T.XXVII

۲ - بی نتیجه ماندن آخرین اقدامات دولت ایران برای استقرار صلح

جنك میان دولتین ایران و روس تازه شروع شده بود که فتحعلیشاه به‌عباس میرزا دستورداد نماینده‌ای برای مذاکره به سن پطرزبرگ بفرستد . داودخان از طرف ولیعهد برای انجام این مأموریت در نظر گرفته شد . چون ژنرال یرملوف اجازه نمیداد که دولت ایران ازطریق گرجستان باسن پطرزبرگ تماس حاصل کند نمایندهٔ ایران در ماه محرم ۱۲۴۲ (اوت ۱۸۲۶) ازطریق قسطنطنیه عازم پایتخت روسیه گردید. داودخان مأموربود چگونگی وعلل اختلافات دودولت را بعرض امپراطور برساندودرقسطنطنیه بانمایندهٔ دولت اطریش ملاقات کرده تقاضا کند که دولت اتریش دررفع اختلاف میان دولتهای ایران وروس میانجی گردد .

نمایندهٔ دولت ایران پس ازورود به‌قسطنطنیه درنامهٔ مورخ ۱ ربیع‌الاول ۱۲۴۲ (۱۷ اکتبر ۱۸۶۶) که‌به پرنس مترنیخ (۱) صدراعظم اتریش نوشت علل اختلافاتی را که‌منتهی بآغازجنك میان دودولت گردیده بودشرح داد . وبخصوص ازاشغال اراضی ایران بدون مجوزوبرخلاف مواد معاهدهٔ گلستان ازجانب لشگریان روس و رفتار نمایندگان آندولت شکایت کرد. داودخان ازصدراعظم اتریش تقاضا کرد که بنمایندهٔ خوددرقسطنطنیه که حافظ منافع دولت روسیه نیزبود دستوردهد گذرنامه‌ای برای مسافرت بروسیه بنمایندهٔ ایران تسلیم کند. داودخان همچنین ازمترنیخ خواهش کرد که‌بنمایندهٔ خوددرسن پطرزبرگ توصیه کند که وسایل پیشرفت مأموریت وی رادر دربارتزارفراهم سازد .

داودخان که در ۲۹ محرم ۱۲۴۲ (اول سپتامبر ۱۸۲۶) واردقسطنطنیه شده بود

---

1 - Metternich

بیش از یکماه در پایتخت دولت عثمانی معطل شد نمایندگان دولت روس بعنوان اینکه جنگ میان دو دولت آغاز گردیده است بوی اجازهٔ مسافرت بسن پطرزبرگ را نمیدادند. نمایندهٔ ایران بالاخره مجبور شد علت و موضوع مأموریت خود را به کنت نسلرود (۱) صدراعظم روسیه اطلاع دهد تاوی دستور تهیه وسائل مسافرت نمایندهٔ دولت ایران را بمأمورین خویش صادر کند. نمایندهٔ ایران نامه‌ای از طرف شاهزاده عباس میرزا به پرنس کنستانتین (۲) داشت که قرار بود آنرا درحین عبور از سرحد لهستان تسلیم نماید.

درمدت اقامت داودخان در قسطنطنیه از طرف دولت روسیه جوابی نرسید پس او پایتخت دولت عثمانی را ترك گفت و بطرف سرحد لهستان حرکت کرد تا در آنجا منتظر وصول جواب دولت روسیه باشد. بالاخره کنت نسلرود در نامه‌ای به ژنرال گراف پلن (۳) حاکم عدسه دستور داد که بتوسط مأمورین سرحدی باطلاع نمایندهٔ ایران برساند که جنگ درجبهه ایران و روس متوقف گشته و مأموری برای شروع مذاکرات ازطرف دولت ایران تعیین شده و قریباً بسرحد خواهد آمد نظر باینکه امپراطور مسئولیت امور مربوط بایران را بعهدهٔ ژنرال فرمانده کل قوای قفقاز محول کرده است مسافرت داودخان بسن پطرزبرگ ضرورت ندارد.

نمایندهٔ ایران در تاریخ ۲۶ جمادی الاول ۱۲۴۲ (۲۶ دسامبر ۱۸۲۶) بدون اخذ نتیجه بایران بازگشت. مأموری که ورود ویرا کنت نسلرود بداودخان داده بود میرزا محمدعلی برادرزادهٔ ابوالحسنخان وزیر خارجه بود. فتحعلیشاه از متارکه جنگ که بعلت فرارسیدن فصل زمستان پیش آمده بود استفاده کرده باصرار و صوابدید سرجون ماکدونالد وزیر مختار انگلستان نماینده‌ای بگرجستان فرستاده بود. میرزا محمدعلی مأموریت داشت که پس از کسب نظریات دولت روسیه بفرمانده کل قوای گرجستان اطلاع دهد درصورتیکه مذاکرات برای صلح آغاز گردد وی بعنوان

---

1 - Comte-ncsselrode

۲ ـ پرنس کونستانتین Prince - constantin دوك ورشوی پسر دوم پول اول امپراطور روسیه بود که پس از آلکساندر بایستی بر تخت نشیند ولی از حقوق و مزایای سلطنتی استعفا داد و از سال ۱۸۱٦ بایبطرف نایب السلطنهٔ لهستان بود.

3-General - Graff-plain

سفیردولت ایران‌بسن پطرزبرگ حرکت‌خواهد کرد. میرزامحمدعلی‌حامل‌نامه‌هائی ازطرف‌وزرای‌ایران به کنت نسلرودبود که درآن نامه‌ها به‌تمایل‌زمامداران ایران‌به برقرار گشتن مجدد روابط دوستانه میان‌دودولت اشاره شده بود . فتحعلیشاه بـرای اثبات‌حسن‌نیت‌خوددستورداد ۳۰۰نفرازاسیران جنگی روس‌هم‌بهمراهی‌میرزا محمد علی‌حرکت کنند ودرسرحدتسلیم زمامداران دولت روس شوند

میرزا محمدعلی درماه جمادی‌الاول ۱۲۴۲ (دسامبر۱۸۲۶)ازتهران حرکت کردومدتی‌درتبریزمعطل شدزیرابرخلاف انتظار، ژنرال‌مدداوف دراواسط‌ماه‌دسامبر دربحبوحه سرما که معمولا انجام عملیات نظامی‌متوقف‌میشدباشش‌هزارنفرازسپاهیان روس ازرود ارس گذشت وبجانب تبریز پیش‌آمد . این اقـدام روسها عباس میرزا را متعجب ساخت زیرانظربشدت‌سرماولیعهد ایران‌اطمینان‌داشت که‌تاپایان‌فصل‌زمستان لشکریان روس ازقرارگاه خودتجاوزنخواهند کرد وبهمین گمان‌فرمانده‌قوای‌ایران قسمت‌اعظم سربازان پیاده وتمام لشکریان‌سوار خودرا درفصل زمستان مرخص کرده بود وشهرتبریزقوای کافی برای دفاع نداشت .

درچنین‌وضعی‌بعلت اشکالات موجوده عباس‌میرزا بهیچوجه نمیتوانست‌درمدت کمی‌قوای کافی دربرابرپیشرفت‌دشمن تجهیز کند. درمقابل‌پیشرفت‌سپاهیان‌مدداوف تهیه وسایل دفاعی شهرتبریزباشدت وسرعت هرچه‌تمامترآغازشد . وقتی‌اهالی‌تبریز اطلاع‌یافتند ناحیه مشگین که بوسیلهٔ قوای‌نیرومند شاهسون‌دفاع‌میشدسقوط کرده وبتصرف روسهادرآمده‌است وافرادایل‌شاهسون بادشمن همکاری نموده او را بتصرف تمام‌ایالت آذربایجان ترغیب‌وتحریص میکنندمضطرب‌ومتوحش‌شدند. هرگاه‌روسها ازاین‌ضعف‌وهرج‌ومرج واضطراب استفاده میکردندوبه پیشروی خود ادامه‌میدادند قطعاً شهرتبریز بایك حمله سقوط میکردوبتصرف روسها درمیآمد . ولی فرماندهی قوای روس نتوانست ازاین‌فرصت‌مناسب و برتری قوای نظامی خویش‌استفاده کند . پیشروی روسها خیلی بتأنی انجام گرفت . تعلل روسها وتأخیرپیشروی ایشان‌روحیه اهالی‌راتقویت کرده‌وعباس‌میرزاموفق‌شدباکمك‌اهالی عدهٔ کافی‌برای‌دفاع‌تجهیز کند.

ولیعهد با اقدامات خود علاوه بر اینکه از پیشروی قوای ژنرال مدداوف ممانعت کرد روسها را با دادن تلفات سنگین بعقب نشینی وادار ساخت و بآنسوی رود ارس راند. جمادی الثانی ۱۲۴۲ (ژانویه ۱۸۲۷)

بلافاصله پس از عقب نشینی قوای روس میرزا محمدعلی بهمراهی اسیران روس بسمت تفلیس حرکت کرد. پس از ورود بآنشهر با ژنرال یرملوف ملاقات نمود و نامه‌های کنت نسلرود را تسلیم وی کرد. از مذاکرات طولانی میان ژنرال یرملوف و نمایندهٔ دولت ایران نتیجه‌ای حاصل نشد و بالاخره میرزا محمدعلی مجبور شد بژنرال دبیچ (۱) که از سن پطرزبرگ بتفلیس آمده بود مراجعه کند.

در تاریخ شعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) ژنرال دبیچ و فرماندهان قفقاز اظهار داشتند درصورتیکه دولت ایران بقبول شرایط زیر رضایت دهد انعقاد پیمان صلح امکان‌پذیر خواهد بود:

۱ ــ دولت ایران متارکه جنگ را برای مدت پنج هفته امضاء کند

۲ ــ تمام نواحی واقع درشمال رود ارس که ازطرف لشگریان تزار اشغال شده بدولت روس واگذار گردد.

۳ ــ دولت ایران هفتصد هزار تومان بابت غرامات جنگی بپردازد

اظهارات ژنرال دبیچ و نظریات فرماندهان قوای قفقاز شرایط سنگین معاهدات ترکمانچای را که دولت ایران بایستی پس از دوسال جنگ تحمل کند نشان میداد

میرزا محمدعلی مجاز نبود چنین شرایطی را مورد بحث قرار دهد. نمایندگان دولت روس اطمینان دادند که جواب مراسلات ایران پس از وصول از طرف کنت نسلرود بدولت ایران ارسال خواهد شد و تا دریافت دستور از سن پطرزبرگ بهیچیک از سفرای ایران اجازهٔ مسافرت بپایتخت روسیه داده نمیشود

باین ترتیب میرزا محمدعلی نیز مانند داودخان بدون اخذ کمترین نتیجه‌ای از مأموریت خود درشعبان ۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) بایران بازگشت. درموقع حرکت از تفلیس بوی وعده دادند که درمقابل عمل دولت ایران ۳۰۰ نفر از اسیران جنگی ایران

1- General - Debytch

آزاد خواهدشد پس‌ازمراجعت میرزامحمدعلی کنت نسلرود درنامه‌ای بوزیر خارجهٔ ایران‌اطلاع‌داد که‌تعلیمات‌لازم برای‌شروع‌مذاکرات‌بفرمانده کل قوای‌روس درقفقاز داده‌شده وراجع به استرداد اسرای جنگی ایران اعلام میداشت که دولت روسیه‌خود را باقدام متقابل ملزم نمیداند .

شکست مأموریت نمایندگان ایران نشان میداد که دولت‌روسیه مشغول تهیه قوای تازه‌است ودرپایان زمستان عملیات‌جنگی‌را مجدداً آغاز خواهد کرد

۳ ـ آغاز مجدد عملیات جنگی

دولت سن‌پطرزبرگ کندی عملیات نظامی را بفرمانده کل قفقاز ایرادمیگرفت بهمین‌مناسبت درماه رمضان ۱۲۴۲ (اوریل ۱۸۲۷) ژنرال یرملوف وعدهٔ زیادی از افسران تحت فرماندهی‌وی بسن‌پطرزبرگ احضار گردیدند وفرماندهی کل قوای قفقازبعهدهٔ ژنرال پاسکویچ[1] محول شد.

دولت روسیه قوای امدادی معتنابهی بگرجستان فرستادو آذوقه ومهمات از بنادربحرخزر ودریای سیاه بداخلهٔ قفقاز ارسال گردید. این اقدامات دولت روسیه وتهیهٔ تدارکات آغازعملیات جنگی‌را پیش‌بینی میکرد.

ژنرال دبیچ‌دراوایل‌ماه شوال ۱۲۴۲ قلعهٔ سردار آباد ایروان‌رامحاصره کرد.

ژنرال بنکندورف[2] که‌درایران باسم منخروف معروفست باهفت هزارپیاده وسه‌هزارسوار و۱۸عراده توپ درناحیه باش‌آپاران ازسرحد گذشته‌بی‌آنکه‌قراولان ایران‌ازاین‌اقدام اطلاع حاصل کنند بسمت‌اوچ‌کلیسا(اچمیادزن) پیشروی کرد ودر اوایل‌ماه شوال‌این‌شهررا اشغال کردوبتهیه استحکامات پرداخت.

پس‌ازآنکه‌بیمارستان وآذوقه ومهمات افراد خودرا درصومعه اوچ‌کلیسادور ازدستبردلشگریان‌ایران قرارداد درتاریخ ۸ شوال ۱۲۴۲(۵مه ۱۸۲۷) بسمت‌ایروان پیشرفت- پس‌ازسه روز زدوخورد مختصری دشت‌ایروان بتصرف قوای روس درآمد (۱۱شوال) ومقدمات سقوط شهروقلعه ایروان فراهم‌شد.

حسینخان سردار بایکدسته سواربراردوگاههای روس حمله بردوسعی داشت رابطه لشگریان روس‌را قطع کندومانع رسیدن مهمات وقوای امدادی‌بسمت‌ایروان گردد. روسهاسواران حسینخان سرداررا مورد حمله قرار دادند واو ناچار بساحل

---

1 – Paskewitch

2 – Benkendorff

راست رودخانهٔ ارس عقب‌نشینی کرد . درتاریخ ۲٤ شوال ۱۲٤۲ (۲٦مه۱۸۲۷) قوای قره باغ تحت فرماندهی ژنرال مدداوف تصمیم گرفت ازپل خداآفرین که نصف آن خراب شده بود ازرود ارس عبور کند .

بدین‌منظورروسها اقدام‌بتعمیرومرمت پل کردند ولی درنتیجه عملیات‌توپخانه ایران که این‌نقطه‌را زیرآتش قرارداد مجبورشدند ازتصمیم خود چشم بپوشند.

دراوایل ذیحجهٔ۱۲٤۲(ژوئن۱۸۲۷) یکدسته‌ازسربازان‌روسی مأمورمحاصرهٔ قلعه ایروان برای حمله بدستجات‌حسینخان‌سردار از رودارس گذشتندحسینخان که ازاین اقدام روسها بموقع باخبرشده‌بود خودرا بدامنه کوههای‌آرارات‌رسانیدوموقع دفاعی‌محکمی‌انتخاب کردبهمین سبب‌وقتی‌روسها بلشگریان‌وی‌حمله کردندشکست خوردندومجدداً بسمت ایروان عقب نشستند .

فتحعلیشاه چون ازغبورلشگریان روس ازرود ارس اطلاع یافت برای نزدیك شدن بصحنه‌جنك‌بطرف سلطانیه‌حرکت کردوبرای تقویت قوای ایران‌درجبهه‌جنك بهمه سپاهیان دستورداده‌شد که درچمن سلطانیه متمرکزشوند. ولی قحطی عمومی که‌درنتیجه خشکسالی وخرابی محصول بخصوص درنواحی تبریز وتهران حکمفرما بود تهیه‌آذوقهٔ افراد و علوفهٔ دواب را فوق‌العاده مشکل کرده بود و بهمین مناسبت تمرکزقوی درچمن سلطانیه‌بتأخیرافتاد . فتحعلیشاه دراوایل ذیحجه (ژوئن ۱۸۲۷) بدشت‌اوجان‌پنجاه کیلومتری تبریزآمدوسپس بسمت خوی‌حرکت کرد .

دراین مدت عباس میرزا لشگری ازافراد زبده فراهم‌آورده وستاد خودرا در ناحیهٔ چورس واقع میان خوی وعباس‌آباد دایر کرده بود .

فتحعلیشاه‌ازاوجان حرکت کرد ولی هنوزوارد خوی نشده بود که‌خبر رسید ژنرال پاسکویچ در رأس لشگریان روس بسمت قلعهٔ ایروان درحرکت است .ژنرال پاسکویچ پس‌ازورود بدشت ایروان دستورداد قلعه وشهررا بسختی‌بمباران کنندولی چون‌این‌اقدام نیزبنتیجه‌نرسید در۱۱ذیحجه فرمانداد ازمحاصرهٔایروان‌دست‌بردارند پس ازآن بهمراهی قوای ژنرال نبکندوزف بسمت‌عباس‌آباد قلعهٔمستحکم نخجوان

متوجه شد. احسان‌خان پسر حاکم سابق نخجوان که مأمور حفظ قلعه بود ژنرال پاسکویچ رابااین اقدام‌دعوت کرده بود . هنگامیکه عباس میرزا متوجه شد که‌خطر بزرگی قلعهٔ عباس آباد راتهدید میکند بسمت خوی مقر فتحعلیشاه حرکت کرد.در آنجا جلسهٔ مشورتی باحضور ولیعهد ایران تشکیل یافت وتصمیم گرفته شد تمام قوا درناحیهٔ چورس مرکزفرماندهی عباس میرزامتمرکزشوند واز آنجا برای‌نجات‌قلعهٔ عباس آباد حرکت کنند. درنتیجه وقتی‌شاهزاده علینقی میرزا پسر فتحعلیشاه حاکم قزوین بادوازده هزار نفر وارد خوی شد بلافاصله بسمت چورس حرکت کرد . آصف‌الدوله نیز با سواران‌خود دنبال شاهزاده علینقی‌میرزا بمحل‌تمرکزقوی‌رهسپار گردید. قوای حسینخان‌سردارهم که مأمور مراقبت لشگریان‌روس درایروان‌بودند پس ازپایان یافتن محاصرهٔ ایروان ازرود ارس گذشتند و بقوای متمرکز درچورس ملحق شدند.

بااین ترتیب عدهٔ سپاهیانی که برای استخلاص قلعهٔ عباس آباد درمرکزستاد عباس میرزا تمرکز یافته بود به ۲۵ هزارنفر میرسید . این عده بااستفاده ازدره های سمت راست رودخانهٔ ارس شروع به‌پیشروی کردند . وقتی ژنرال پاسکوویچ ازنقشهٔ عباس میرزا اطلاع حاصل کرد دستورداد یکدسته سواربا توپخانهٔ سبك وپنج هنك پیاده نظام روس با کمك‌آتش توپخانه بوسیلهٔ پلهای متحرك ازرود ارس عبور کنند. عباس میرزا که درقلب سپاه ایران قرارداشت دریك‌تپهٔ نسبتاً مرتفعی باعدهٔقلیل‌پیاده وسوار موضع گرفته بود . جناح راست لشگریان ایران بوسیلهٔ سواران‌آصف‌الدوله که دردره‌ای مستقرشده بود حمایت میشد ودستجات حسینخان سردارجناح چپ‌را حفظ میکردند .

روسها باتأنی پیشرفت میکردند ـ توپخانهٔ عباس میرزا شروع بفعالیت کرد ـ نفرات حسینخان سردارنه تنها مواضع خود را حفظ کردند بلکه چندین بارحمله کردند وروسها رامجبور بعقب نشینی ساختند . دراین نبرد خونین مادامیکه روسها باسواران آصف الدوله که درجای تنك و دره‌ای موضع گرفته بودند تماس حاصل

نکرده بودند ازشدت گرما وعطش درزحمت بودند ووضع جنك روشن نبود .

همینکه روسها باقوای آصف‌الدوله تماس گرفتند و سواران وی‌را درتنگنای دره زیر آتش توپخانه قراردادند سواران ایرانی که وسعت کافی برای انجام عملیات نظامی نداشتند ازشدت آتش توپخانهٔ دشمن متوحش شدند ودر کمال هرج ومرج و بدون نظم درتمام جهات فرار کردند . چون قدرت‌جنگی سواران آصف الدوله‌درهم شکست وازمیدان جنك خارج شدند وضع جبهه تغییر کرد . وحتی‌عقب نشینی‌عباس میرزا بسمت چورس فوق‌العاده دشوارشد .

نتایج این شکست‌برای ایرانیان فوق‌العاده وخیم وسنگین بود . درنتیجهٔاین پیش آمد دژمستحکم عباس‌آباد سقوط کرد ودرتاریخ ۲۷ذیحجه (۲۲ژوئیه۱۸۲۷) بدست احسان‌خان تسلیم ژنرال پاسکویچ گردید . شیخعلی خان برادر احسان خان فرمانده ساخلواردوبادنیزپس ازاستماع این خبربتقلید برادرخود شهروقلعهٔ اردوباد را تسلیم دشمنان ایران کرد .

فصل سوم

مرحلهٔ سوم جنگ ایران وروس

سقوط ایروان و تبریز و آغاز مذاکرات صلح

باوجود فتوحاتی که نصیب لشگریان روس شده بود فرمانده کل قوی قفقاز از موقع استفاده نکرده وموفقیتهای خودرا جداً تعقیب ننمود . اگر روسها به پیشروی خود ادامه میدادند بسهولت میتوانستند بدون برخورد باشکال، خوی اردوگاه سلطنتی رااشغال کنند. سقوط خوی ممکن بودهرج ومرج وبی‌نظمی عمومی درارتش ایران ایجاد و بالنتیجه انعقاد پیمان صلح را تسریع کند . بر عکس ژنرال پاسکویچ قلعهٔ عباس آبادرااشغال کردوساخلوی برای حفاظت آنجا گماشت وبرای اینکه لشکریانش مدتی استراحت کنند بسمت سرحد عقب نشست .

شاهزاده عباس میرزا که مایل بود جنگ خاتمه یابد میرزا صالح[1] نمایندهٔ مورد اطمینان خود را برای شروع مذاکرات نزد پاسکویچ فرستاد . میرزا صالح همچنین حامل نامه‌ای ازطرف سرجون ماکدونالد به ژنرال پاسکویچ بود .

ازمذاکرات نمایندهٔ ایران وفرمانده کل قوای روس نتیجه‌ای حاصل نشدولی

۱ـ میرزا صالح ازجوانانی بودکه ازطرف عباس میرزا برای تحصیل بانگلستان فرستاده شده بود کلنل دارسی D,Arcy افسر توپخانهٔ سلطنتی و وابستهٔ نظامی سفارت انگلستان درایران موقع مراجعت بانگلستان درسال ۱۸۱۵ بنابخواهش عباس میرزا و برخلاف میل سرگوراوزلی وزیرمختار انگلستان پنج نفراز جوانان ایرانی را درمعیت کلنل دارسی برای تربیت وادامهٔ تحصیلات بانگلستان فرستاد ـ این محصلین پس‌ازپنج سال اقامت درانگلستان بدون آنکه نتیجه‌ای ازمسافرت خودگرفته باشند ودر رشته‌ای تحصیل کرده باشند درسال ۱۸۱۹ بایران مراجعت کردند .

براثراقدام میرزا صالح ژنرال پاسکویچ ، گریبایدوف[1] را بـرای ادامهٔ مذاکرات بایران فرستاد. نمایندهٔاعزامی‌دولت روسیه‌برای انعقادپیمان صلح شرایط‌پنجگانه‌ای راکه درتاریخ شعبان۱۲۴۲ (مارس ۱۸۲۷) ازطرف ژنرال دبیچ به میرزا محمد علی پیشنهاد شده بود پایهٔ مذاکرات قرارداده و اظهار داشت که دولت ایران تمام نواحی اشغالی درشمال رودارس رابدولت روسیه واگذار کندوهفتصد هزارتومان بابت‌غرامت جنگی بپردازد . عباس میرزا که نمیتوانست شرایط پیشنهادی دولت روسیه‌رااساس پیمان صلح قراردهد ازادامهٔ مذاکرات خودداری کرد و نمایندهٔ ژنرال پاسکویـچ بدون اخذ نتیجه مجبوربمراجعت شد .

عباس میرزا ادامهٔ عملیات جنگی را درطول‌جبهه‌ای که ازقره بـاغ تا طالش امتداد داشت بعهدهٔ فرماندهان مسئول واگذارنمود و بهمراهی سردار حسینخان در محرم۱۲۴۳ (ژوئیه۱۸۲۸) برای سرکشی باوضاع ایروان ازچورس حرکت کرد . درایروان پس ازرسیدگی بوسائل دفاعی شهروقلعه ، ولیعهدوسردار حسینخان برای محاصرهٔ شهراوچ کلیسا (اچمیادزن) عزیمت نمودند . در ضمن محاصرهٔ شهراطلاع رسید که‌فرماندهی‌روس ازساخلوقوای‌عابران تقاضای کمك کرده‌است ، برای‌ممانعت از رسیدن قوای امدادی دشمن ، عباس میرزا چهار هزار نفر ازافـراد خودرا مأمور محاصرهٔ شهراوچ کلیسا کرد وباعده‌ای بمقابلهٔ لشگریان روسی که ازعابران‌حرکت کرده بودند شتافت ودر ناحیهٔ اشترك درده کیلومتری اوچ کلیسا بالشگریان‌ژنرال کراکوفسکی[2] مواجه شد .

پنجهزارنفر پیاده وپنجهزار نفرسوار و۱۸ عراده توپ همراه عباس میرزا بود عده ونفرات ژنرال روسی عبارت بود ازچهارهزار نفرپیاده ودو هزار نفرسـوار و۲۰ عراده توپ . دستجات حسینخان سردارنبرد را آغاز کردند وآتشبار توپخانهٔ ایران که‌بوسیلهٔافسران‌انگلیسی‌اداره میشدمؤثرواقع‌شدوروسهارامجبوربعقب‌نشینی کرد. توپخانهٔ ایران سپاهیان روسی رادرحین عقب نشینی زیرآتش خودقرارداد و

1- Gribaydoff
2- Krakofsky

قوای عباس میرزا بکمك توپخانه، لشگریان روسی را تعقیب کردند ودرصفر ۱۲٤۲ (اوت۱۸۲۷) شکستسختی بسپاهیان با انضباط روسی وارد آوردند تلفات دشمن در نبرد اشترك به۱۲۰۰ نفر رسید . درتعقیب این پیشرفت لشگریانایراندرخنزیركدر حوالینخجوان درجریان نبرد خونینی قوای ژنرال اریستوف(۱)رانیزدرهمشکستند

برایاینکهعباسمیرزابتواندفتوحاتخودراتعقیت کنداحتیاجبه کمكفتحعیشاه داشت زیرا ولیعهدبهتنهائی قادرنبود سنگینی تمام هزینۀجنگرابدوش بگیرد. عباس میرزا بطور دقیق وروشن وضع جبهههای جنك رابهفتحعلیشاه گزارش داد واز ویتقاضای کمك کرد ، ولی اصراراودرخواستهای مکررولیعهد دربرابرخستولئامت پدرش که نمیخواست بخزائن خود دست بزند مؤثر واقــع نشد وفتحعلیشاه ازابراز مساعدتی کهممکنبود وظیفۀ پسرش راتسهیل کند رسماً خودداری کرد وبااینعمل فعالیتهای خستگی ناپذیرعباس میرزا رامانند همیشه عقیم گذاشت وبرای اینکه از صحنۀ عملیات جنگی دورباشد فتحعلیشاه درجریان ماه صفر ۱۲٤۲ قرارگاه خودرا ترك گفت ودرتاریخ۱۲ ربیعالاول (۱۳ اکتبر۱۸۲۷) بتهران بازگشت .

باقطع کمكمالیازطرففتحعلیشاهعایداتعباس میرزامنحصربوصولمالیاتهای ایالت آذربایجان شد. بادرنظر گرفتن اینکه قسمتاعظماینایالت درجنك اولایران وروس ویران شده و نواحی معمور آن بدست روسها افتاده بود وضع خزانۀ ولیعهد فوقالعاده بدبود . چنانکه درنتیجۀ اینپیشآمد ، عباس میرزا مجبورشدقسمتعمدۀ لشگریان تحت فرماندهی خودرا مرخص کند . اجرای این تصمیم ساخلوشهرتبریز راضعیف کرد وپایتخت ایالت مهمآذربایجان بلادفاع ماند .

فرمانده ساخلو قلعۀ سردار آباد نیزدر نتیجۀ تقلیل تعداد سربازان ناچار شد سردارآباد راتخلیه کندودرتاریخ۹ربیعالاول۱۲٤۳ دژمحکم ایروان بدون مقاومت بتصرف روسها درآمد. پسازسقوطسردارآباد وعباسآباد ورسیدنپنجهزارنفرسرباز تازه نفس وتعداد زیادی توپ ، ژنرال پاسکویچ یکبار دیگرشهرایروان راکهبکلی مجزی شده بودتحت محاصره درآورد . ایروان تنها نقطهای بود که بااشغال آن تمام

1- Aristoff

ایالات واقع درشمال رودارس بتصرف روسها در میآمد .

مدافعین شهر ایروان که از آغاز جنك دوم ایران وروس دربرابر حملات دشمن مقاومت کرده بودند پس ازمحاصرهٔ مجدد وفعالیت شدید آتش توپخانهٔ دشمن بسیار خسته وفرسوده بودند. رفتارناپسند تهران وبیعلاقگی فتحعلیشاه اهالی غیورایروان رانا امید کرده بود . پس از۸ روزنبرد های خونین ، شهری که اینهمه دربرابـر تمام فعالیتهای ارتش روس پافشاری کرده وشاهد اینهمه فتح وپیروزی بود در تاریخ ۱٤ ربیع‌الاول ۱۲٤۳ (۱۵ اکتبر۱۸۲۷) تسلیم دشمن گردید .

موازنهٔ عملیات جنگی‌درسال۱۲٤۳ (۱۸۲۷) بضرر وشکست قوای‌دولت‌ایران بود . این شکست بیشترمدیون ضعف و سستی وبیعلاقه گی فتحعلیشاه بود و قریحهٔ نظامی فرماندهان ارتش روس دراین موفقیتها تأثیرزیادی نداشت ودرحقیقت‌میتوان گفت بدون خیانت فرماندهان ساخلوهای نقاط مختلف وفعالیت جاسوسان ارمنی و بعضی ازصاحبمنصبان ایرانی هیچگونه تغییری دروضع جبههٔ جنك بنفع ارتش‌روس حاصل نمیشد . سعادت با ژنرال پاسکویچ یاری کرد وخیانتهای پی‌درپی وخودداری فتحعلیشاه‌ازدادن کمك‌شکست‌سپاهیان‌ایران وپیشرفت‌سربازان روسی‌راتسهیل‌نمود.

کشیش اوچ کلیسا که ازسن پطرزبرگ فرستاده شده وازطرف دولت روس حمایت میشد بوسیلهٔ جاسوسان ارمنی از اوضاع آذربایجان باخبرمیشد و اطلاعات خودرا دراختیار فرمانده کل قوای روس قرارمیداد . بـدین نحوژنرال پاسکویچ از نواقص وسایل دفاعی‌آذربایجان اطلاع یافت . چنانکه گفته شد نظرعلیخان مرندی بعلت خیانت بدستور عباس میرزا اعدام شده بود . اهالی مرند که ازاین پیش آمـد مضطرب ومتوحش بودند باژنرال آریستوف رابطه پیدا کردند و وی رابهمکاری و اشغال شهرتبریز دعوت نمودند .

اللهیارخان آصف‌الدوله از۱۱٤۳ (۱۸۲۷) باینطرف حاکم شهر تبریز بود . اهالی تبریز ازاین انتخاب ناراضی بودند زیرا مردم آذربایجان که قسمت‌مهم‌هزینه وصدمات جنگ اول ایران وروس راتحمل کرده بودند احتیاج بحاکمی داشتند که بتواند اوضاع مالی رابهبود بخشد وازفقر وپریشانی اهالی جلوگیری کند. برعکس

نتظارسکنهٔ آذربایجان آصف‌الدوله بدرفتاری کرد ومردم راتحت فشارقرار داد واز هرگونه اجحافی درحق آنان خودداری ننمود . وقتی ژنرال آریستوف بسمت تبریز حرکت کرد آصف‌الدوله مصمم‌شد درمقابل سپاهیان‌روس مقاومت کند ووسایل‌دفاع شهررا آماده سازد . ولی اهالی که از رفتار حاکم تبریز فوق‌العاده ناراضی‌وخشمگین بودند حاضر بهمکاری باوی نشدند . بطوریکه وقتی سربازان روسی بدو کیلومتری تبریز به آجی‌چای رسیدند آصف الدوله نتوانست اقدام مؤثری برای جلوگیری از پیشرفت ایشان بکند . میرفتاح خائن وماجراجو مردم تبریزرا تحریك کرد که در برابر روسها مقاومت‌نکنندوباین عمل نیزاکتفانکرده همراه‌عده‌ای ازاهالی شهر نزد ژنرال روسی رفت وسربازان روسی را بورود شهر دعوت کرد . بااین ترتیب ژنرال آریستوف درتاریخ‌سوم‌ربیع‌الثانی۱۲۴۳ (۲٤ اکتبر۱۸۲۷)بدون برخوردبکمترین مقاومتی شهرتبریزرا اشغال کرد .

عباس‌میرزاپس‌ازاینکه‌ازتصمیم‌ژنرال آریستوف‌اطلاع‌یافت‌بتمرکزقواپرداخت وازخوی بسمت تبریزحرکت نمود . وچون خبرخیانت میرفتاح وسقوط شهرتبریز بوی رسیدچنین تشخیص داد که پیشروی بسمت‌تبریزبی‌نتیجه خواهدبودلذابسلماس رفت ومقرفرماندهی خودرا درآنجا دایرساخت ومشغول جمع آوری قواشد .

ژنرال آریستوف پس ازورود به‌تبریزارتفاعات قلعهٔ تاریخی ارك علیشاه راکه کاملا مسلط بشهرمیباشد اشغال کرد وگزارش‌اقدامات خودرا به‌پاسکویچ فرستاد.

ساکنین شهرتبریز که فریب خورده وکورکورانه تسلیم نظریات میرفتاح ماجراجو گردیده بودند وقتی باهمیت موضوع پی‌بردند وازخطری که تمامیت‌ایران راتهدید میکرد مطلع‌شدندسربازان وافسران‌روسی را درکوچه‌های شهرموردحمله قرارداده بقتل رسانیدند ولی‌چند روزبعد ژنرال پاسکویچ بعجلهٔ هرچه تمامترجهت تقویت قوای ژنرال آریستوف به‌تبریزآمد وازاهالی دلجوئی کرد .

باسقوط شهرتبریز استقلال ایران در خطر بود و دولت روسیه تهدید میکرد که به‌پیشروی خود تاتهران ادامه خواهد داد .

نتیجهٔ آنی سقوط شهر تبریز بروز قیام وانقلاب عمومی رؤسای ایلات درسراسر کشور بود . رؤسای ایل که بنفع پسران ونواده های فتحعلیشاه قدرت ونفوذ خود را ازدست داده بودند پی فرصت مناسب میگشتند که مزایا وامتیازات سابق خودرامجدداً بدست بیاورند .

اغلب رؤسای ایلات آذربایجان بهمین منظوربا روسهاهمکاری کردند.قسمت اعظم ایالات آذربایجان یعنی خوی و مرند وقره باغ وتبریز ومشگین و سراب ومیانه وگرمرود وقسمتی ازمراغه وخلخال بدست روسها افتاده بود . عباس میرزابامشاهدهٔ این وضع فتحعلیخان وسپس میرزا ابوالقاسم قائم مقامرابرای مذاکرات مقدمات صلح نزد پاسکویچ فرستاد ودر نتیجه مقرر گردید ولیعهد و پاسکویچ همدیگررا برای تشکیل کنفرانس صلح درتاریخ ۹ ربیع الثانی (۹ نوامبر) دردهخوارقان (آذرشهر) ملاقات کنند .

عباس میرزا بهمراهی آصف الدوله بدهخوارقان رفت وپس ازمذاکرات زیاد بالاخره فرمانده کل قوای روس اظهارداشت که دولت روسیه شهرهای ایروان ونخجوان واردوباد رامسترد نخواهدداشت ورودارس سرحد دو کشورخواهد بود بعلاوه دولت ایران باید ایالات مغان وناحیهٔ طالش رابدولت روسیه واگذار کند و۱۵ کرورتومان (حدود ۵۲۵۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی) بعنوان غرامات جنگی بپردازد .

شرایط پیشنهادی فرمانده کل قوای روس بتهران اطلاع داده شد ولی فتحعلی شاه که در تحت تلقینات دولت عثمانی قرار داشت امضای معاهده رابر اساس شرایط پیشنهادی دولت روسیه رد کرد . ضمناً بدون آنکه عباس میرزا راازاقدام خود مطلع گرداندقوائی تهیه نمودودرجمادی الثانی ۱۲۴۳ (ژانویه ۱۸۲۸ بسمت قزوین حرکت کرد

عباس میرزا که ازتصمیمات فتحعلیشاه بی خبر بود میرزا ابوالقاسم قائم مقام راازطرف خودو کلنل دالقورسکی را[1] بنمایندگی ازطرف ژنرال پاسکویچ برای جلب رضایت فتحعلیشاه جهت امضای معاهدهٔ صلح بتهران فرستاد.دراین هنگام درتهران شایع بود که فتحعلیشاه ناراضی ازاقدامات وتصمیمات عباس میرزا وی را از ولایت عهد خلع

۱- Dalgoursky

وحسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه‌را بجانشینی خود انتخاب کرده‌است .

کلنل دالقورسکی‌پس ازورود بتهران فرمانده کل‌قوای روس‌راازاوضاع‌مطلع گردانیدوچون ازفتحعلیشاه جوابی نرسید کنفرانس دهخوارقان بدون اخذ نتیجه پایان پذیرفت . عباس‌میرزا به گروس مراجعت کرد. ژنرال‌پاسکویچ و آصف‌الدوله نیزبسمت تبریزرفتند. ژنرال پاسکویچ پس‌ازورود به‌تبریزبکلیهٔ فرماندهان‌دستورداد مجدداً عملیات جنگی‌راآغاز کنندودرتمام جبهه‌هابه پیشروی خودادامه‌دهندهدف نهائی سپاهیان روس تهران پایتخت ایران بود .

بفرمان ژنرال پاسکویچ لشگریان روس ازتبریزتاپای قافلانکوه پیش رفتند. قوای مأمور گیلان‌درطول کرانهٔ دریای‌خزرتاناحیهٔ طالش را متصرف‌شدند.یك‌لشگر روسی اردبیل‌رااشغال کردومقبرهٔ شیخ‌صفی و کتابخانهٔ‌مهم وگرانبهای‌آن‌موردنهیب وغارت سربازان روسی قرار گرفت وآثاروتألیفات قیمتی‌آنجا باعث ازدیاد ثروت و شهرت موزه‌های سن‌پطرزبرگ گردید .

پیشروی‌وتهدید لشگریان‌روس سرجان‌ماکدونالد نمایندهٔ بریطانیای کبیررا مضطرب کرده‌بودوی بخوبی‌متوجه‌بود که‌اینهمه فتوحات‌وموفقیتهای ارتش روس در ایران بالنتیجه امنیت مستعمرهٔ بریطانیای کبیررا درهندوستان تهدید میکند(۱)

بنابراین‌برای‌جلوگیری ازپیشرفت‌روسها نمایندهٔ‌انگلستان‌میانجیگری خود رابه‌فتحعلیشاه پیشنهاد کردوحتی‌پرداخت دویست هزار تومان از غرامات جنگی را تعهد کرد مشروط‌براینکه مواد۳و٤ معاهدهٔ‌ایران‌وانگلیس مورخ‌سال۱۲۲۸(۱۸۱۳) لغو گردد : فتحعلیشاه باپیشنهاد نمایندهٔ دولت انگلستان موافقت کرد. این اقدام در واقع یك‌موفقیت‌سیاسی برای سرجان‌ماکدونالدبود زیراوی‌بدین‌وسیله‌خطربزرگی راکه مستعمرهٔ هندوستان را تهدید میکردمرتفع ساخته بود(۲)

---

۱ - نامهٔ‌مورخ ۱۲مارس سرجان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان
London . P . R . O . P . FO . 60 . T. XXX

۲ـ نامهٔ‌مورخ ۱۲ مارس سرجان ماکدونالد بفرمانفرمای کل هندوستان
London : P . R . O . P . FO . 60 T . XXX

گرفتاریهای دولت روسیه در یونان و در بالکان که در آن نقاط مسیحیان از حمایت و پشتیبانی دول معظم اروپائی برخوردار بودند وظیفهٔ نمایندهٔ دولت انگلستانرا آسان میکرد بخصوص انعقاد پیمان اتحاد مثلث لندن در تاریخ ۱٦ ژوئیهٔ ۱۷۲۷ که مسیحیان بالکانرا از قید اسارت دولت عثمانی نجات داد باعث شد کــه نمایندگان دولت روس با پیشنهادهای سرجان ماکدونالد موافقت کنند . پس از حصول توافق میان فرماندهی کل قوای روس و نمایندهٔ بریطانیای کبیر ماک نیل[1] عضو سفارت انگلستان بتهران آمد تا موافقت و رضایت فتحعلیشاه را برای امضای پیمان صلح جلب کند .

فتحعلیشاه بالاخره حاضر شد مبلغی را که بعنوان غرامات جنگی از طرف دولت روسیه تعیین شده بود بپردازد بشرطی که نمایندهٔ بریطانیای کبیر تضمین و تعهد نماید که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد را مراعات کرده و محترم خواهد شمرد .

سرجان ماکدونالد تقاضای فتحعلیشاه را قبول کرد و مقرر گردید مذاکرات مجدداً درمیانه درقریهٔ ترکمانچای که محل ملاقات نمایندگان مختار دو دولت تعیین شده بود آغاز گردد .

---

1 – Mac-Neill

فصل چهارم

۱ـ معاهدهٔ ترکمانچای

وقتی سرجان ماکدونالد اطمینان داد که ژنرال پاسکویچ شرایط قرارداد پیشنهادی را محترم خواهد شمرد ماکنیل و میرزا ابوالقاسم قایم‌مقام درماه رجب ۱۲۴۳ (اواخر ژانویهٔ ۱۸۲۸) ازتهران بسمت ترکمانچای حرکت کردند . میرزا ابوالحسنخان وزیر خارجه نیزدرزنجان بآنها پیوست وعباس میرزا برای شرکت در کنفرانسی که قرار بود باحضورژنرال پاسکویچ درترکمانچای تشکیل گردد از گروس حرکت نمود.

دراواخر رجب (اوایل فوریه) نمایندگان دودولت در قریهٔ ترکمانچای واقع درچند کیلومتری میانه جمع شدند .

دواطاق درخانهٔ مشهدی محمد برای پذیرائی ولیعهد وژنرال پاسکویچ آماده شده بودو درهمین خانهٔ محقر بود که سرنوشت کشور ایران در قرن نوزدهم تعیین گردید زیراپس ازامضای قراردادصلح ترکمانچای درتمام معاهداتی که‌دولت ایران بادول بیگانه منعقد کرد مواد معاهدهٔ ترکمانچای مورد استنادقرار گرفت . پس‌از تهیه وتنظیم پیمان صلح بلافاصله یك معاهدهٔ تجارتی مکمل‌فصل دهم‌همان پیمان‌و یك‌صورت‌مجلس دایربچگونگی‌تشریفات‌پذیرائی سفراومأمورین دیپلماسی‌خارجی مکمل فصل‌نهم پیمان‌صلح بامضاءرسید . معاهدات ترکمانچای به‌پیمان‌صلح‌ومعاهدهٔ تجارتی وصورت مجلس منضم بمعاهدات اطلاق میگردد .

پیمان‌صلح‌ترکمانچای‌شامل شانزده‌فصل‌است. این‌پیمان‌مانندمعاهدهٔ گلستان دارای مقدمه‌ایست دایربه‌خاتمه دادن بجنك ومیل دوپادشاه به‌برقراری مجددروابط حسنهٔ همجواری میان دودولت .

فصل اول برقراری صلح را میان دودولت تصریح میکند.

درفصل دوم بالغاء مواد معاهدهٔ گلستان اشاره شده است.

فصول سه‌وچهار وپنج مواد ارضی پیمان صلح ترکمانچای را تشکیل میدهد. مطابق فصل‌سوم این معاهده «اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران ازطرف‌خودواخلاف ووراث خود خانات ایروان‌را که درروی رودارس واقع است ونیزخانات نخجوان‌را بملکیت مطلقه بدولت روس واگذارمیکند» بااین ترتیب دولت‌ایران شهرها ونواحی‌ایروان ونخجوان‌را که نمونهٔ اینهمه‌دلاوریها وشاهداینهمه صحنه‌های زدوخوردهای خونین بود برای همیشه ازدست داد. در فصل چهارم سرحد جدید میان دو دولت بشرح و تفصیل‌ذکرشده‌ودرفصل‌پنجم چنین قید گردیده که: «اعلیحضرت‌شاهنشاه‌ایران‌محض اثبات دوستی خالصانهٔ که نسبت باعلیحضرت امپراطورکل روسیه دارندبموجب‌همین فصل ازطرف خود وازطرف وراث واخلاف خود واضحاً وعلناً تصدیق مینمایند که ممالك وجزایریکه مابین خط تحدیدی‌فصل اخیروتیزهٔ جبال قفقازودریای‌خزراست وهمچنین اهالی بدوی وغیره این‌نواحی متعلق بدولت روسیه است».

فصل هشتم مربوطست بمقررات کشتی‌رانی دردریای خزر. مفادآن کاملاشبیه بمفاد مادهٔ ٦ معاهدهٔ گلستان میباشد: «سفاین تجارتی روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطورآزادی دردریای خزر ودر امتداد سواحل آن سیر کرده وبکناره های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحرخزر سیر نموده و بسواحل روس بروند ودرصورت غرق وشکست‌هم بآنها کمك و امداد خواهد شد.

امادرباب کشتیهای جنگی چون‌آنهائیکه بیرق نظامی روس‌دارندازقدیم‌الایام بالانفراد حق سیردربحرخزررا داشته‌اند حال‌هم بدین سبب‌این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهدبود بطوریکه بغیراز دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که‌سفاین جنگی دردریای خزرداشته باشد»

بااین ترتیب دولت مغلوب تسلط کامل دولت تزار را در دریای خزر قبول میکرد و در نتیجه آخرین نشانهٔ قدرت و نفوذ دولت ایران در این دریا بکلی از میان رفته، نواحی شمال ایران در برابر تعرضات احتمالی دولت مقتدر روسیه کاملا بی‌دفاع میماند

مطابق فصل هفتم پیمان صلح ترکمانچای موضوع جانشینی تاج و تخت ایران درشخص عباس‌میرزا محرز میگردد .

«چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس‌میرزا همایون فرزند خودرا وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانهٔ خودرا مکشوف و میلی را که درمساعدت باستحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند متعهد میشوند که ازامروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث و ولیعهد دولت ایران شناخته وایشان را ازجلوس بتخت سلطنت سلطان حقهٔ این مملکت بدانند».

فصول ۱۲ و ۱٤ و ۱۵ مربوطست بوضع اسرای جنگی و نقل وانتقالات افراد و فراریها ومتارکهٔ جنك .

درفصل شانزدهم پایان مخاصمات میان طرفین وامضای پیمان صلح رسماً ازطرف دودولت اعلام شده .

دولت ایران باامضای این معاهده علاوه براینکه زرخیزترین وثروتمندترین نواحی خودرا ازدست میداد وبرای همیشه حق کشتیرانی را دردریای خزرازخودسلب میکرد بموجب فصل ششم متعهد میشد غرامات جنگی بدولت روسیه بپردازد: «محض تلافی مصارف کثیره که از این جنك بین‌الدولتین برای روسیه حاصل شده است و در عوض خسارات و ضرر هائیکه بدین جهت باتباع روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه‌خسارتی تأدیه کرده مصارف وضررهای مزبور را جبران نمایند .

طرفین معظمین معاهدین این وجه‌خسارت را بده کرورتومان رایج یابیست ملیون

مناط[1] نقره تعیین کرده ومقرر میدارند که ترتیب اقساط وتضمین تأدیهٔ آن در قرارداد مخصوص مرتب شود . اعتبار واستحکام قرارداد مزبور کانه لفظ بلفظ درهمین عهدنامه درج شده باشد».

فصل یازدهم مربوط بدعاوی اتباع طرفین است کـه بعلت وقوع جنك بعهدهٔ تعویق افتاده اعم ازاینکه این دعاوی مربوط بمطالبات اتباع طرفین ازیکدیگر ویا ازخزانهٔ دولتی باشد .

فصل دوازدهم مقرر میدارد که اموال غیرمنقول اتباع طرفین بایستی درمدت سه سال بفروش رسیده ویامعاوضه گردد ولی اعلیحضرت امپراطور کل روسیه «حسینخان سردارسابق ایروان وبرادرش حسنخان وکریمخان حاکم سابق نخجوان را ازانتفاع مداول شرط مزبور مستثنی میدارد »این کینهٔتزار نسبت بسردار حسینخان وبرادرش حسن خان و کریمخان حاکم سابق نخجوان بعلت فداکاریها ورشادت هائی بود که این اشخاص درحق ایران کرده ومدتها لشکریان نیرومند روسی را در مقابل شهر ودژ ایروان مستأصل کرده بودند .

فصل نهم مربوط بتشریفات ومقررات نمایندگان سیاسی است که: «برای انجام مأموریت موقتی وخواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود ومطابق شأن وحیثیت طرفین ومطابق مودت واتحاد بین الدولتین ونیز برحسب عادت مملکتی مورد اعزاز واحترام شوند . علیهذا درباب تشریفاتی که بایدازطرفین ملحوظ ومنظورشود دستورالعملی مخصوص مقرر خواهدشد».

برای شرح وتفسیر وتکمیل همین فصل است که صورت مجلسی درباب تشریفات پذیرائی سفرای کبار ومأمورین سیاسی درتر کمانچای بامضاء رسید. مطابق این صورت مجلس مقرراست : «بمحض اینکه وزیران ازورور سفیر کـبیر روس به تفلیس رسماً مطلع گردیدند بدون اتلاف وقت شخصی که رتبهٔ اومناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تاسرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد این شخص که درمتن صورت مجلس

۱ــدر حدود سه ملیون وپانصد هزار لیرهٔ انگلیسی

مهماندار نامیده شده مسئول حفظ جان و عزت و احترام سفیر کبیر خواهد بود در هر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و چند نفر از معارف است با من تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد».

درهر شهری که سفیر کبیر توقف میکند هیئت مذکور در تحت ریاست حاکم بسفیر کبیر تبریك ورود خواهد گفت واگر سفیر کبیر در شهری توقف کند که حاکم آنجا یکی از فرزندان شاه باشد شاهزاده وزیر خود را برای استقبال وعرض تبریك نزد سفیر کبیر خواهد فرستاد.

درمسیر سفیر کبیر قوای نظامی درحق وی احترامات نظامی معمول خواهند داشت «وقتیکه سفیر کبیر بآخرین منزل پایتخت یا به آخرین منزل اردوی همایونی رسید شخص معتبر مشارالیه را از طرف اعلیحضرت همایونی خواهد پذیرفت».

«درنیمهٔ راه الی پایتخت یا نیمهٔ راه اردوی همایونی هیئت محترمی ازطرف اعلیحضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار باستقبال جناب معزی الیه خواهد آمد و عساکر ساخلوی شهر یا عساکر اردو بجناب معزی الیه پیش فنك زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت ورئیس مستقبلین همایونی فی الفور سفیر کبیر را بمنزلی که برای مشارالیه مهیا شده ودر آنجا گارد دونور گذاشته شده است راهنمائی خواهد نمود. فردای ورود سفیر کبیر، وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی الیه خواهند آمد وپس فردای آن جناب سفیر کبیر بحضور همایونی مشرف خواهد شد»

این بود مراسم ومقرراتی که زمامداران درتر کمانچای انجام آن را بنمایندگان ملت مغلوب تحمیل کردند.

درفصل دهم پیمان صلح تر کمانچای حقوق نمایندگان سیاسی وتجار روسی تعیین شده ومواد شکایت از کنسول ونمایندگان روس شرح داده شده ومقرراتی بمنظور حمایت تجار وضع گردیده است.

برای تکمیل همین فصل است که معاهدهٔ تجارتی درنه ماده متعاقب پیمان صلح

ترکمانچای درهمان تاریخ بامضاءرسید .

باامضای همین‌معاهدهٔ تجارتی‌است که دولت روسیه منظورسیاسی‌خودرا کاملا تأمین کردوپایه واساس قضاوت کنسولی‌را درایران استوارساخت وبرای‌نمایندگان خود حقوق واختیارات خارج ازسرحد (برون مرزی) یارژیم قضاوت کنسولی رادر ایران دایرنمود .

در موقع مطالعهٔ نتایج پیمان صلح ترکمانچای دراین مورد مفصلا بحث خواهیم کرد .

۳ ـ نتیجهٔ معاهدات ترکمانچای

مواد وشرایط معاهدات ترکمانچای درتمام جریانات تاریخی ایران در قرن نوزدهم مؤثربود . درداخلهٔ کشور پس‌ازعقد پیمان صلح احساسات مردم براثرخفت وتوهینی که نسبت بملت ومردم ایران واردآمد برضددولت روسیه برانگیخته شد بطوریکه درتهران رفتار وحرکات بی‌رویهٔ گریبایدوف سفیردولت روسیه و قتل وی نزدیك بود صلح میان دودولت را مختل سازد . درولایات رؤساءِ طوایف و ایلات که همواره برای رهائی از نفوذ دولت مرکزی پی فرصت می گشتند ازضعف وناتوانی دولت‌مرکزی استفاده کردندوبخصوص درمشرق‌ایران انقلاباتی برپاساختند.معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای ازیکطرف بتجارت وعواید گمرکی ایران صدمه زد وازطرف دیگریك رژیم قضاوت کنسولی را درایران برقرارساخت .

***

حادثهٔ قتل گریبایدوف : چند ماه پس ازامضای معاهدات ترکمانچای‌دربار سن‌پطرزبرگ گریبایدوف‌را بعنوان سفارت بایران فرستاد وبوی‌مأموریت دادسواد معاهداتی راکه بامضای تزارنیکولای اول رسیده تسلیم دولت ایران کند .

سفیردولت روسیه ازراه تبریزعازم محل مأموریت خود گردید . گریبایدوف پس ازورود به تبریزتصمیم گرفت چندروز دراین شهر توقف کندولی رفتار ناپسند وحرکات تندوخشن همراهان وی درتبریز شاهزاده عباس‌میرزارا فوق‌العاده نگران ومضطرب کرد. برای جلوگیری ازوقوع حادثهٔ ناگواری ولیعهد بوسیلهٔ مهماندار بسفیرروس‌اطلاع داد که اعمال ناشایست همراهان وی ممکن‌است عواقب‌وخیمی در برداشته باشد .

گریبایدوف درتاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۲۴٤ (۲۰ دسامبر ۱۸۲۸) بهمراهی

چهل نفر خدمهٔ خود شهر تبریز را ترك کرد . همراهان سفیر روس که نظم وانضباطی نداشتند در مسیر خود در شهرها و قصبات از انجام اعمال ناپسند و بی‌رویه بهیچوجه خودداری نکردند . رفتار ارمنیها و گرجیان بخصوص فوق‌العاده زننده و ناپسند بود(۱)

گریبایدوف در تاریخ ۵ رجب ۱۲۴٤ (۱٦ ژانویهٔ ۱۸۲۹) وارد تهران شد. درتهران بمناسبت ورود سفیر، استقبال شایانی بعمل آمد ومهمانیهای مجللی بافتخاروی داده‌شد فردای ورود خود، سفیر کبیر سواد معاهدات امضاء شده‌را تقدیم فتحعلیشاه کرد.

بااینکه گریبایدوف در تبریز ودرعرض راه ازرفتاروحرکات ناپسند مأمورین سفارت اطلاع داشت درمدت توقف خوددرتهران اقدامی بعمل‌نیاورد که تغییری در رفتار آنان حاصل گردد . همراهان سفیر بحدی بامردم پایتخت‌باخشونت‌رفتار کردند که نزدیك بود چندین‌بار نزاع و کشمکش فوق‌العاده شدید میان مردم ومأمورین سفارت رخ‌دهد . قزاقها وپیشخدمتهای سفارت درحال مستی‌دربازارها ومعابرهرنوع خفت وبی‌احترامی درحق مردم روامیداشتند .

۱-منشی مهماندار راجع بحرکات ناشایست اطرافیان گریبایدوف وتقاضاهای بیمورد آنان چنین مینویسد :

« ...سفیر روس برای غذای روزانهٔ خودو کسانش یك گاوویك گوساله وسی‌مرغ ودو بیست تخم‌مرغ و پنجاه کیلو برنج و ۱۵ کیلو کره و ۱۸ کیلو ماست و ٦ کیلو پنیر و ۱۲ کیلو قند و یك کیلوو نیم ادویه ویکصدو بیست کیلو نان ودو کیلو مغز بادام و ۹ کیلو پیاز و ۹ کیلو شمع و ۵ کیلو شیر ومیوه‌جات مختلف و سیصد لیتر مشروبات مختلف و هزار و هشتصد کیلو کاه برای علیق اسبها تقاضا کرده بود. ارزش تمام این اجناس به ٦۰ تومان یا ۷۵ دکای Ducats هلندی بالغ میشد.

البته این مقدار جنس خیلی بیش از حدمصرف روزانه بودو اغلب آنها در دهات پیدا نمشد، رستم بیك رئیس پیشخدمت‌ها بهای اجناس نایاب ومواد‌یرا که اضافه برمصرف غذای روزانه بود وبهای آن به ۱۰ تا ۱۵ تومان بالغ میشد نقداً دریافت میداشت.

دریکی ازدهات مسیر راه‌رستم بیك ازاین بابت پانزده تومان مطالبه کرد پیرمردی بهزاز زحمت ومشقت توانست هفت تومان تهیه کند-رستم بیك که‌ازاین عمل نهایت ناراضی وغضبناك بودضربه‌ای بسر پیرمرد وارد آورد این‌رفتار رستم بیك نزدیك بود شورش و انقلابی بر پا کند...»

گریبایدوف ازمهاجرین نواحی جدیدی که بموجب پیمان صلح ترکمانچای بدولت روسیه واگذارشده بود حمایت میکرد.

میرزا یعقوب ازاهالی ایراوان خزانه‌دار وناظرومباشر جواهرات حرمسرای فتحعلیشاه سی‌تاچهل هزارتومان پول دزدید وبه بهانهٔ اینکه مایل است بایروان‌موطن اصلی خود مراجعت کند بسفارت روس پناهنده شد .

دربار ایران چندین مرتبه تسلیم میرزا یعقوب‌را ازسفارت تقاضا کرد وچون سفیر روس بدرخواست های مکرر دربار ترتیب اثرنداد فتحعلی شاه دستورداد خانهٔ میرزا یعقوب را اشغال ومهروموم کنند . گریبایدوف شبانه بکسان‌خود دستور داد تا مهر ها را شکسته و مایحتاج و اثاثیهٔ میرزا یعقوب را از خانه‌اش خارج سازند . ولی درنتیجهٔ مقاومت وجلوگیری مستحفظین ، مأمورین سفارت موفق بانجام مقصود نشدند .

قضیهٔ میرزایعقوب هنوزخاتمه نیافته بودومذاکرات میان دربارو سفارت‌روس جریان داشت وقتی گریبایدوف تقاضا کرد زنانی که ازایالات متصرفی روس درتهران اقامت دارند باید نزد سفیررفته واطمینان بدهند که برضای خود مایلند در تهران اقامت کنند .

گریبایدوف بخصوص اصرارداشت که دونفر زن ازاهالی ایروان که درخانهٔ آصف‌الدوله اقامت داشتند بوطن اصلی خود مراجعت کنند . برای اجرای دستور مأمورین سفارت روس بخانهٔ آصف‌الدوله رفتند واز دونفر زن‌سؤال کردند آیامایل بترك تهران‌هستند یانه ؟ زنان مورد توجه‌سفارت اظهارداشتند مایلند درتهران‌اقامت کنند. گریبایدوف که ازاین پش‌آمد ناراضی بوددستورداد بزوردونفرزن‌را بسفارت روس جلب کنند تاسفیرشخصاً ازصحت اظهارات وتمایل آنان‌اطمینان حاصل کند. این اقدام سفیرروس‌جنبش وهیجان عمومی درتهران ایجاد کرد - دولت که‌ازجریان قضیه وخشم وغضب مردم باخبربود چندین بار اقدام کرد بلکه سفیر ازاقدام خود و نگهداری زنان در سفارت منصرف گردد ولی گریبایدوف بهیچوجه وقعی باین

تقاضاها ننهاد .

درنتیجه احساسات مذهبی نیز برضد مأمورین دولت غالبی که اینهمه توهین و خفت دربارۀ ملت مغلوب روا میداشت اضافه گردید .

علما ومجتهدین درروز دوم شعبان ۱۲٤٤ (۷ فوریۀ ۱۸۲۹) برهبری میرزا مسیح مجتهد درمسجد اجتماع کردند واعلام داشتند که اجحافات واقدامات خلاف رویۀ مأمورین سفارت روس مردم را بستوه آورده است . اجتماع کنندگان تصمیم گرفتند هیئتی بنمایندگی مردم نزد شاهزاده علیشاه حاکم تهران بفرستند وبوی اطلاع دهند اگر سفیر روس میرزا یعقوب ودونفر زن را تسلیم مقامات ایرانی نکند مردم مستقیماً اقدام کرده وآنانرا ازسفارت خارج خواهند کرد. حاکم تهران تقاضا های هیئت اعزامی را باطلاع سفارت روس رسانید ولی گریبایدوف حاضر نشد مطلقاً این تقاضاهارا اجابت کند . وقتی که اجتماع کنندگان درمسجد ازبی‌اعتنائی سفیر روس اطلاع یافتند سیل جمعیت خشمگین وناراضی ومتعصب بهتهییج وتشویق میرزا مسیح بسمت سفارت روانه گشت وساختمان سفارت ازطرف مردم محاصره شدتابزور میرزا یعقوب وزنان را ازآنجا خارج کنند.

فتحعلی‌شاه که ازجریان قضیه بسیار مضطرب ونگران بود علیشاه و چندنفر ازشاهزادگان را مأمور کرد بلکه با وعده ونصیحت ازشدت احساسات مردم بکاهند وآنانرا بسکوت وآرامش دعوت کنند .

ولی جمعیت بطرزبدی ازفرزندان فتحعلیشاه استقبال کرد فریاد زنان آنهارا مخاطب قرارداده ومیگفتند :

«بروید زنان خودرا تسلیم روسها کنید چنین رفتار، لایق ریشی است که پدرشما هرروز باآب گلاب آنرا معطر میکند» .

بالاخره مردم بداخل سفارت حمله برده گریبایدوف و۳۷نفر ازهمراهان ویرا بقتل رسانیدند .

تنها مالتسوف(۱) منشی اول سفارت ازاین کشتارجان بسلامت برد.

دربارفتحعلیشاه‌ازوقوع‌این حادثه‌بسیارمضطرب ونگران بودوبرای‌جلوگیری ازعواقب وخیم این‌پیش‌آمد به‌عباس میرزا دستور داده شداقدام لازم بعمل بیاورد - دراین هنگام عباس میرزا تصمیم گرفته بود میرزا مسعودمستوفی‌رابرای تقدیم‌نشان شیروخورشید به‌ژنرال پاسکویچ به‌تفلیس بفرستد.

میرزا مسعود در ماه شعبان ۱۲۴٤ از تبریز حرکت کرد. وی حامل دو مکتوب ازطرف عباس میرزا یکی بعنوان امپراطورودیگری بعنوان فرماندهٔ کل قوای قفقاز بود که درآن نامه ها از پیش‌آمد حادثهٔ ناگواروتاثرآور گریبایدوف معذرت خواسته بود.

مالتسوف‌بخصوص دراین مورد نهایت مساعدت راکرد وبدولت متبوع خود خاطرنشان‌ساخت که رفتاروحرکات‌ناشایست گریبایدوف واطرافیانش‌علت‌بروزاصلی این حادثهٔ ناگواربشمارمیرود.

دولت روسیه که دراین زمان بادولت عثمانی برسرقضایای بالکان‌اختلاف‌داشت برای اینکه مبادا مجدداً میان دولتین ایران وروس قطع رابطه گرددیکنوع‌سیاست سازش‌وملایمی‌نسبت بایران اتخاذکردودرنتیجهٔ اقدامات عباس‌میرزاومسافرت‌میرزا مسعود واظهارات مالتسوف، امپراطوربوسیلهٔ سفیرجدید خودژنرال دالگوروکی(۲) که‌پس‌ازقتل گریبایدوف بایران‌آمدتوصیه‌نمود که‌دولت‌ایران یکنفرازشاهزادگان درجهٔ اول را برای عذرخواهی بدربار سن پطرزبورگ اعزام داردو یکنفر از مسببین اصلی قضیه‌را اعدام کند ومیرزا مسیح مجتهد محرك این پیش آمدرا تبعید نماید.

دولت ایران پیشنهاد های دولت روسیه را پذیرفت و خسرو میرزا

---

1 – Maltsoff

2 – Dalgouroki

پسرعباس میرزا بعنوان سفیرفوق‌العاده درماه ذیقعده ۱۲٤٤ بسمت مسکو حرکت کرد . محمدخان امیرنظام و محمد حسینخان ایشیك‌آقاسی‌باشی ومیرزا باباحکیم باشی ومیرزاتقی‌خان‌فراهانی که بعدهاامیرنظام‌وامیر کبیرشد همراه شاهزاده‌خسرو میرزا بودند .

نمایندهٔ دولت ایران کـه حامل نامه های معذرت خواهی فتحعلیشاه و عباس میرزا بود بـا تجلیل و احترامات فراوان از طرف دولت روس مورد استقبال قرار گرفت. علاوه براینکه امپراطورازتعقیب قضیهٔ گریبایدوف صرف نظر کردحاضرشد حتی دو ملیون روبل از بقیهٔ چهار میلیون روبل غرامات جنگی را بـدولت ایـران تخفیف دهد .

انقلابات مشرق ایران پرداخت غرامات‌ومبالغ زیادی که برخلاف میل فتحعلیشاه صرف هزینه‌های‌جنگی‌شده بود خزانه را ورشکست کرده بود . رؤسای قبائل وایلات که همواره برای مقاومت درمقابل قوای مرکزپی فرصت مناسب میگشتند ازبحران مالی وشکست قوای نظامی و گرفتاری های‌دولت‌استفاده کرده ودرمشرق ایران برضد حکومت مرکزی قیام کردند .

درسال ۱۲٤۲ (۱۸۲٦)هنگامیکه دولت ایران گرفتارجنك بادولت روس بود محمد قاسم‌خان دربم‌علم طغیان برافراشته‌بودولی قوائی که درتحت سرپرستی محمد ولی‌میرزا بآن صفحات اعزام گردید به‌فتنهٔ محمد قاسمخان پایان داد .

در۱۲٤٤ (۱۸۲۹) پس ازامضای معاهدات ترکمانچای انقلابات دامنه داری درتمام مشرق ایران برپا شد وقدرت ونفوذ دولت درنواحی یزدوکرمان و خراسان بکلی ازمیان رفت .

عباس میرزا برای فرونشاندن انقلابات مشرق ایران مأموریت یافت‌ودررمضان ۱۲٤٦ (۱۸۳۱) ازتهران حرکت کرد . ولیعهد در ۱۱ شوال ۱۲٤٦ (مارس ۱۸۳۱) یزدرا اشغال کردوپس ازاستقرار امنیت درآن ناحیه بسمت کرمان رهسپارشد ،ودر تاریخ ۲۲ شوال (٥آوریل) وارد کرمان شد . یاغیان و گردنکشان درمقابل‌اقدامات

عباس میرزا ازدر اطاعت درآمدند ودرنتیجهٔ فعالیت وپیشرفت قوای دولتی شورشیان کرمان متواری گردیدند وسلطه ونفوذ دولت درآنسامان نیز تقویت یافت.

عباس میرزا پس‌ازفراغت از کار کرمان متوجه خراسان گردید تادرآنجا بـه انقلابات ترا کمه خاتمه دهد .

قلعهٔ سلطان میدان‌واقع‌درمیان‌سبزوار ونیشابور که درآنجارضاقلیخان‌وسایل مقاومت خودرا فراهم کرده بوددرتاریخ ۵ رجب ۱۲٤۷ (۱۰ دسامبر ۱۸۳۱) بآسانی اشغال شد. سپس ولیعهد بسمت مشهدپایتخت خراسان حرکت کرد و در تاریخ ۸ شعبان ۱۲٤۷ (۱۲ ژانویهٔ ۱۸۳۲) وارد مشهد گردید ودرمدت شش‌ماه‌تابستان‌وخزان سال ۱۲٤۷ــ ۱۲٤۸ قوای تحت فرمان عباس‌میرزا ، قلعهٔ‌امیرآباد وشهرهای ترشیز و خبوشان وسرخس وتربت حیدریه‌را گرفتندونظم‌وآرامش رادرتمام صفحات خراسان برقرارساختند .

درسال ۱۲٤۸(۱۸۳۳) اقدامات وعملیات نظامی درمشرق‌ایران‌خاتمه‌پذیرفت وعباس میرزا درمدت دوسال درسایهٔ فعالیت خستگی ناپذیرموفق‌شدتمام شورشیانرا مطیع و منکوب کـرده نواحی مشرق ایرانرا از وجود یاغیان و گـردنکشان پاك سـازد .

قضیهٔ هرات و افغانستان

بجریانات‌داخلی واغتشاشات مشرق‌ایران موضوع‌افغانستان نیز اضافه شد. دولت ایران که شهرهراترا مرکزوپایتخت واقعی ناحیهٔ خراسان میدانست نمیتوانست نسبت باین شهر بیعلاقه‌باشد . درآغازقرن نوزدهم بعقیدهٔ زمامداران دولت انگلیس اشغال افغانستان ازطرف دولت ایران ازنظر امنیت امپراطوری هندوستان اقدام بس مفیدی بـود و چنانکه دیدیم فتحعلیشاه باتشویق‌وپشتیبانی‌فرستادگان فرمانفرمای کل‌هندوستان دوبار بسمت افغانستان لشگر کشید. ولی بعد ازسال ۱۲۲۸(۱۸۱۳) وبخصوص‌پس‌از انعقاد معاهدات ترکمانچای در۱۲٤۳ (۱۸۲۸) کـه نفوذ دولت روسیه در ایـران فوق‌العاده تقویت یافت بنظرزمامداران‌انگلستان وعمال‌آندولت‌درهندوستان تصرف

و اشغال افغانستان از طرف دولت ایران برای مستعمرهٔ بریطانیای کبیر عمل بس خطرناکی بود. باید تصدیق کرد که دولت تزار بخوبی متوجه این نکته بود که دولتی که درمشرق ایران نفوذ پیدا کند بسهولت خواهد توانست سلسله جبال هندوکش را دور زده و بجنوب قندهار ویا جنوب کشمیر دست رسی یابد. بنابراین کشور ایران بنظر زمامداران دولت روسیه وانگلستان بمنزلهٔ کلید هندوستان بود. بهمین مناسبت است که دولت بریطانیای کبیر وفرمانفرمای کل هندوستان پس ازامضای معاهدات گلستان وترکمانچای میان دولتین ایران وروس چنین تشخیص دادند بهر قیمتی که باشد افغانستان را ازحیطهٔ نفوذ روس وایران دورنگه دارند.

از ۱۲۲۸ تا ۱۲۷۳ (۱۸۱۳ـ۱۸۵۷) زمامداران ایران که ازطرف سن پطرزبرگ حمایت وپشتیبانی میشدند توجه خودرا بسمت هرات معطوف ساختند. عمال دولت روس مناسب وصلاح میدانستند که ازمیل طبیعی زمامداران دولت ایران پشتیبانی کنند تا بتوانند درازاء ایالاتی که درشمالغرب ازدست داده بود متصرفاتی در مشرق ایران بدست بیاورد وحیثیت ازدست رفتهٔ خودرا جبران کند. بااین ترتیب دولت روسیهٔ غالب سیاست عاقلانه‌ای درحق دولت مغلوب تعقیب مینمود و باتشویق دولت ایران به‌پیشروی درسمت افغانستان نقش مطمئنی بازی میکرد.

زمامداران دولت روس متوجه بودند اگر دولت ایران موفق باشغال شهرهرات گردد بلافاصله بتصرف شهرهای کابل وقندهار خواهد پرداخت دراینصورت اگر دولت انگلستان دربرابر اقدام دولت ایران سیاست بیطرفی پیش گیرد امنیت هندوستان بخطر خواهد افتاد وبطورقطع نفوذ دولت روس در سرحدات هندوستان زیاد خواهد شد؛ بالعکس هرگاه دولت انگلستان که همواره باسترداد ایالات ازدست رفتهٔ ایران اظهار تمایل کرده؛ دفاع هرات ووسائل استقلال افغانستان رافراهم کند احساسات ملی ایرانیان را برضد خود جلب خواهد کرد. بنابراین پس ازآنکه عباس میرزا خطهٔ خراسان را امن کرد بکامران میرزا حاکم هرات دستورداد بدولت ایران مالیات بپردازد. دربرابر پاسخ نامساعدی که ازطرف کامران میرزا رسید ولیعهد به‌پسرخود محمد میرزا مأموریت

داد بهرات رفته وآنشهررا محاصره نماید.

لشگریان محمدمیرزا دربرابرشهرهرات بودند که خبررسید عباس‌میرزا براثر ناخوشی کبد درتاریخ ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۲۴۹ (۱۵اکتبر۱۸۳۳) درسن ۴۸سالگی پس ازسی‌سال خدمت بایران درخراسان درگذشت.

فتحعلیشاه در سال ۱۲۰۳ یعنی در سن ۱۸ سالگی دارای چهار پسر شد که بترتیب عبارتند از: محمدعلی میرزا دولتشاه، محمدقلی میرزا ملك‌آرا، محمدولی میرزا، عباس میرزا.

عباس‌میرزا با بزرگترین برادرخود بیش از ۸ ماه اختلاف سن نداشت ولـی چون ازبطن دختر فتحعلیخان قاجار دولوبود بنابروصیت آغا محمد خان بولیعهدی برگزیده شد.

ازنتیجهٔ مشاهدات وقضاوتهای نمایندگان خارجی ومستشاران نظامی ومسافرین بیگانه چنین استنباط میشود که عباس میرزا یکی ازشاهزادگان لایق وشایان‌توجه وباشخصیت‌خانوادهٔ قاجاربود. فریکان (۱) مستشار در بارسن پطرزبرگ که‌درتاریخ ۲۰ جمادی الاول ۱۲۲۷ (مه ۱۸۱۲) بعنوان نمایندهٔ دولت روسیه برای مذاکرات صلح به‌تبریزآمد راجع به‌عباس میرزا چنین اظهارنظرمیکند: «این شاهزاده قیافه نجیب ومردانه‌ای داشت. توانا وباراده وآتشین ومتین وفرزانه وباحزم واحتیاط که درکمترشخصی یافت میشود، ازمزایای اخلاقی بود که درو‌جود عباس میرزا جمع بود. دارای احساسات نجیب وافکاربلند، حریص یاد گرفتن تمام عواملی بود کـه باعث سیرسریع ترقیات دراروپا شده‌بود. نهایت سادگی را دررفتار وحرکات خـود رعایت میکرد. بی‌باك وباتقوی، عباس میرزا نجیب‌ترین شخصیت خانوادهٔ قاجاربود» بااینکه روزگار اوبیشتر بجنگ ولشگرکشی گذشت ازهنر وادب نیز بی‌بهره نبود خط نستعلیق را زیبا می‌نوشت ونظم ونثررا نیك میدانست.

پس‌ازمرك ولیعهد محمدمیرزا ازمحاصرهٔ شهرهرات منصرف گردیدوبتهران

1- freygang

احضارشد وبسمت ولیعهدوجانشین فتحعلیشاه تعیین گشت .

فتحعلیشاه یکسال پس ازمرك فرزند خوددر ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۲۵۰ (۲۳ اکتبر۱۸۳٤) در۶۸ سالگی در گذشت وشصت پسرو۴۸ دخترو۱۵۸ زن ارخودباقی گذاشت در دوران سلطنت این پادشاه شهوت پرست و متکبر و خسیس وخودخواه بدبختی های فراوان برای کشور ایران روی داد . فریکان راجع بصفات فتحعلیشاه چنین‌میگوید: «ضعیف وبی‌اراده وسست وبیحال بود. دائماً درعیش وطرب‌غوطه‌ور بود. از کارو فعالیت بیزار وتنفر داشت. دردوران سلطنت‌طولانی۳۷ سالهٔ وی‌مهمترین وحاصلخیزترین ایالات ایران ازدست رفت .

فتحعلیشاه بحدی در ادارهٔ کشور ناشایستگی بخرج داد که نژاد قاجار مورد انزجاروتنفرعمومی قرار گرفت. نالایق در ادارهٔمملکت ، فاقد ذوق‌نظامی،خوشحال بود که شعر میگویدوبتاریخ وادبیات علاقه دارد.»

قضیهٔ هرات بامرك فتحعلیشاه خاتمه نیافت . سیمونیچ(۱) نمایندهٔ دولت روس درتهران که نفوذ فوق‌العاده‌ای درشخص محمدشاه داشت بنوبهٔ خوددر۱۲۵۳ (۱۸۳۷) محمدشاه‌را بمحاصره هرات تشویق کرد ولی پادشاه قاجار ازاقدام خودطرفی نبست وبدون اخذ نتیجه ازمحاصرهٔ هرات دست کشید . بالاخره ناصرالدین شاه در ۱۲۷۲ (۱۸۵۶) هرات را اشغال کرد ولی دربرابر تهدید دولت انگلستان در جنوب ایران ناچارشد ازتصرف هرات منصرف گردد ودرتاریخ ۸ رجب ۱۲۷۳ (۱٤ مارس۱۸۵۷) معاهده‌ای‌میان دولتین ایران وانگلستان درپاریس‌بامضاء رسید که مطابق آن معاهده استقلال افغانستان برسمیت‌شناخته شد ودولت‌ایران ازتمام دعاوی خود درافغانستان صرف نظر کرد .

☆☆☆

1- Simonich

تجارت وعواید گمرکی

امضای معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای صدمهٔ زیادی بتجارت ایران وارد آورد وعواید گمرکی ایرانرا فوق العاده تقلیل داد. درحقیقت معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای برای مدت یکقرن تمام پایه واساس روابط دولت ایران بادول بیگانه قرار گرفت . درطی این قرن دولت ایران استقلال قضائی خودرا از دست داد و دول خارجی با ما ، مانند دولت ضعیف و مغلوبی معامله کردند . امضای معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای آغاز دوره‌ای رادر تاریخ ایران نشان میدهد که ما این دوره را دوران معاهدات تحمیلی و یکجانبه مینامیم .

دولت ایران قبل از انعقاد معاهدات گلستان وترکمانچای ازمال‌التجاره های وارده حقی دریافت نمیکرد وفقط دونوع مالیات یکی باسم دروازه‌بانی درموقع‌ورود اجناس بشهرها ودیگری باسم عوارض راه داری درسر راه‌و گذرپلها ازمال‌التجاره ها گرفته میشد . این عوارض بدون تشخیص مبدأ ومقصد مال‌التجاره ازاجناس‌وارداتی وصادراتی وترانزیتی وصول میشد ومنبع عایدی بزرگی راتشکیل میداد . مطابق این اصل عوارض سنگین فوق‌العاده ازمال‌التجاره‌هائی که بنواحی دوردست ارسال میشد دریافت میگردید . وجود این عوارض داخلی وهزینهٔ بسیار گران حمل ونقل ازعلل عمده‌ای بود که ازرقابت مال‌التجاره‌های روس‌درجنوب‌و اجناس انگلیسی در شمال‌ایران‌جلوگیری‌میکرد.

با امضای معاهدهٔ گلستان مقررات موجود ازمیان رفت و درسرحدات ایران وروس ۵./٪ قیمت اجناس بعنوان عوارض گمرکی ازمال‌التجاره های وارده و صادره وصول شد. مادهٔ سوم معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای طرز وصول ۵./٪ عوارض گمرکی را چنین تأیید کرد : «ازمال‌التجاره‌ای که اتباع روس بایران وارد و ازآن مملکت خارج میکنندونیز ازامتعهٔ ایران که اتباع دولت علیه ازراه بحرخزر و یا از سرحد خشکی بین‌الدولتین بمملکت روسیه حمل می‌نمایند وهکذا ازمملکت روسیه و از طریق فوق‌الذکر خارج‌میکنند کمافی‌السابق حقوق‌صدی‌پنج فقط یکدفعه در موقع

ورود یا خروج دریافت شده وعلاوه بر آن هیچ حقوق گمرکی مطالبه نشود .»
این ماده که اخذ هرگونه مالیاتی را از مال‌التجارهٔ روس در داخلهٔ ایران جلوگیری کرد وضع تجارت روسیه‌را درایران ممتاز کرد وبآن مساعدت نمود و رونق بسیار بخشید .

این امتیازی که دولت ایران با عقد قرارداد مخصوصی نسبت بتجارت اتباع روس قائل شد لطمهٔ زیادی‌بموقعیت تجارتی انگلستان واردساخت ولی‌طولی نکشید که دولت انگلستان نیزهمان امتیازات را نسبت بتجارت اتباع خود در سال ۱۲۵۲ (۱۸۳۶) بافرمان محمدشاه‌بدست آورد. پس ازدولت انگلستان سایردولتهای‌خارجی ذینفع درتجارت ایران‌بتدریج امتیازاتی شبیه بامتیازات تجاری دول‌روس وانگلیس درایران‌تحصیل کردند.

بابرقراری رژیم گمرکی عایداتی که دولت ایران بابت عوارض از مال‌التجاره های وارده وصادره دریافت میکرد از میان رفت وعواید ۵./٪ دریافتی از واردات و صادرات بمراتب کمتر ازعایدات عوارض داخلی بود که درسابق دریافت میشد .

دولت روسیه ازمال‌التجاره‌های ایرانی که بنواحی ماورای بحر خزر بخارا و ترکستان روس فرستاده میشد ۵./٪ عوارض گمرکی دریافت ولی از مالتجاره های بمقصد روسیه اروپا ٪۲ ۱/۲ علاوه بر۵./٪ دریافت میکرد .

دولت روسیه برای رقابت وممانعت از دایربودن راه ترانزیت طرابوزان بتمام وسایل متشبث شد . بهمین منظور امتیازات مخصوصی بمال‌التجاره‌هائی که به‌بنادر دریای سیاه میرسیدقائل شد وراههای شوسه بداخلهٔ کشور ایجاد کرد . وحتی بعدها مال‌التجاره‌های ایران‌را که ازطریق عشق آباد یاسایرایستگاههای ماوراء خزر به‌مقصد اروپا حمل میشد بدون عوارض گمرکی بطور ترانزیت قبول میکرد .

دولت روسیه بااتخاذ این تدابیر ، تمام تجارت ترانزیت را که سابقاً از طریق آسیای صغیر بعمل میآمد بطرف روسیه جلب کردودرنتیجه تمام تجارت‌شمال‌ایران ازاواسط‌قرن‌نوزدهم دراختیار وتسلط کامل دولت روسیه درآمدومقدرات‌تجارایرانی در تحت ارادهٔ زمامداران روس قرار گرفت . چنانکه اولیای دولت روسیه بعدها

اشکالات و اختلافات زیادی در تجارت ایران ایجاد کردند .

امتیازات کنسولی

گرچه شرایط تجارتی و گمرکی معاهدهٔ تجارتی ترکمانچای فوق العاده سنگین و برای اقتصادیات ایران زیانبخش بود ولی مضار امتیازات قضائی معاهدهٔ مزبور بمراتب بیشتر بود . زیرا دولت روسیه باتحمیل این مواد ، حتی استقلال ایران را بخطر انداخت .

مادهٔ ۷ معاهدهٔ تجارتی حقوق برون مرزی برای دولت و اتباع روس در ایران قائل بود . مطابق این ماده بایستی بتمام اختلافات وامور متنازع فیه میان اتباع روس بوسیلهٔ مأمورین روس ومطابق قوانین روس قضاوت ورسیدگی شود .

اختلافات و یا محاکمه میان اتباع ایران واتباع روس بحاکم مراجعه میشد . رسیدگی وصدور حکم بایستی درحضور دراکومان سفارت یا کنسول بعمل آید: « تمام امور متنازع فیها ومرافعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین ورسوم دولت روسیه فقط برسیدگی وحکم سفارت یاقنسولهای اعلیحضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد .

وهمچنین است اختلافات ودعاوی واقعه مابین اتباع روس واتباع مملکت دیگری درصورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نماید .

اختلافات ومرافعاتیکه مابین اتباع ایران وروس بظهور میرسد مراجعه بحاکم شده رسیدگی وحکم آن باید درحضور دراکومان سفارت یاقنسولگری بعمل آید » .

مطابق مادهٔ ۸ معاهدهٔ ترکمانچای رسیدگی به تخلفات جنائی و جنجه‌ای که میان اتباع روس ویامیان یکنفر تبعهٔ روسی ویکنفر ازاتباع دول بیگانه درایران رخ میداد ازصلاحیت محاکم ایرانی خارج بود : « چون وزیر مختار وشارژدافر وقنسول

حق قضاوت دربارهٔ هموطنان خود دارند لهذا درصورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمهٔ آن راجع بمشارالیهم خواهد بود .

اگر شخصی ازاتباع روس بااتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردیدمورد هیچگونه تعرض ومزاحمت نخواهد بود مگر درصورتیکه شرکت او درجنایت مدلل وثابت شود ودراینصورت و نیز درصورتیکه تبعهٔ روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضورمأموری ازطرف سفارت یاقنسول روس نباید بمسئلهٔ جنایت رسیدگی کرده وحکم دهندواگردرمحل وقوع جنحه سفارت یاقنسولگری وجود ندارد کارگذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که درآنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد . حاکم وقاضی محل استشهاداتی را که برعلیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده وامضاء مینماید واین دوقسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و بمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی محسوب خواهدشد مگراینکه شخص مقصر خلاف وعدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کماهوحقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده وحکم صادر شد مومی الیه بوزیر مختار یاشارژدافر یاقنسول روس تسلیم خواهدشد که بروسیه فرستاده شده ودرآنجا موافق قوانین سیاست شود . »

باتحمیل این دوماده درمعاهدهٔ تجارتی ترکمانچای پایه واساس رژیم قضاوت کنسولی درایران گذاشته شد. بتدریج ملل دیگر که باایران روابط دیپلماسی داشتند بااستفاده ازوضع حاضر همان امتیازاتی را که روسها وسپس انگلیسها تحصیل کرده بودند بوسیلهٔ عقد معاهدات جداگانه بدست آوردند و درمدت قریب یکقرن روابط ایران باملل بیگانه براساس رژیم متقابلی که امتیاز بیگانگان را تأمین میکرد استوار گردید. استقرار رژیم قضاوت کنسولی در ایران بتمام دول حق دخالت در تدوین و اجرای قوانین ایران داد .

درمدت یکقرن فعالیت تجارتی ایران فلج شد. استقلال گمرکی ایران ازدست

رفت وباستقلال قضائی ایران عملا خاتمه داده شد بطوریکه در آغاز قرن بیستم نزدیك بود کــه ایران حتی استقلال ظاهری خودرا نیزازدست بدهد . در نتیجهٔ اقدامات و مجاهدات اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تغییرات مهمی در روابط خارجی ایران رخ داد که کشورمارااز پرتگاه خطر نجات بخشید. این تغییرات مهم لایق ملت کهنسالی بود که سوابق وتمدن درخشانی داشت ودرجریان تاریخ فعالیتهای فوق العاده‌ای ازخود بروزداده بود .

دولت ایران هفت سال پس ازجلوس اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر برژیم قضاوت کنسولی درایران خاتمه داد .

درسال ۱۹۲۰ دولتین چین وافغانستان حقوق وامتیازات کنسولی خودرادرایران لغو کردند . دولت روسیهٔ شوروی این امتیازات رابامضای معاهدهٔ ۲٦ فوریه ۱۹۲۱ ازبین برد بالاخره درتاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ بوسیلهٔ یادداشتی که ازطرف کفیل وزارت امورخارجه ایران ارسال شده بدول امضاء کنندهٔ معاهدات یکجانبه که به آنان حق قضاوت کنسولی درایران میداد اعلام داشت که تمام این معاهدات لغووبلااثر بوده و پس ازانقضای یکسال ازتاریخ ارسال یادداشت هیچگونه حقی بدول خارجی درایران قائل نخواهد بود.

نتیجه

ضعف وتجزیهٔ دول اسلامی درقرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) یکی‌از مسائل مهم و جالب توجه سیاسی جهان میباشد . موهوم پرستی ورضا بقضا و قدر و تلقینات مضر دردنیای باعظمت اسلام که پایه واساس آن برروی فضیلت وتقوی‌وسعی وعمل نهاده شده رخنه کرده وبتدریج مسلمانان را ازجادهٔ حقیقت که‌ازارکان‌مذهب اسلام‌بشمارمیرود منحرف ساخت. تاوقتیکه اروپائیان مترقی‌توجه خودرا فقط‌باروپا معطوف ساختند دنیای اسلام صدمه‌ای ندیدوهمچنان بزرك ماند.ولی‌تماس بااروپا درقرن سیزدهم برای کشورهای اسلامی رقت‌بار وفوق‌العاده زیان‌بخش‌بود. این‌تماس علاوه بررقابتهای سیاسی ونظامی صحنه‌های رقابت جدید درپیشرفت سیاست‌انبساط ارضی درخارج ازقارهٔ اروپا بوجودآورد .

چنانکه گفتیم قرن سیزدهم دوران انحطاط ممالك اسلامی بشمارمیرود . علل اساسی این انحطاط تاحدی مربوط بمعتقداتی است که ازجبروتقدیر وتفویض الهام میگیرد . این انحطاط مواجه با جریان ترقیات فوق‌العاده وتمدن ملل مغرب زمین میگردد که در نتیجهٔ علم و عمل قدرت عظیم صنعتی آنان روز بروز افزایش می‌یابد .

زمین میان مردان‌بااراده‌ای که علم وعمل وقدرت ، آنان‌را باوج‌ترقی‌رسانیده تقسیم میگردد وغلبهٔ علم وصنعت جدید درپیشرفت سیاست انبساط ارضی اروپائیان درعالم‌اسلام شایدبیشترازسایرجاها مشهودمیباشد . دولتی مانندایران دورهٔفتحعلی‌-شاه که وسائل کهنه وقدیمی دراختیاردارد وازرموز وفنون جنگی بی‌بهره است در برابر حملات‌قوای مسلح اروپائی که جنگهای انقلابی‌وسپس جنگهای ناپلئون‌آنان را تعلیم داده وورزیده کرده است قادر بمقاومت نیست . «مسئلهٔ مشرق» یا تاریخ

تجزیهٔ امپراطوری عثمانی یکی ازمسائل مهم سیاسی‌قرن‌سیزدهم هجری است . در این‌قرن موضوع مهم سیاسی‌دیگری نیزوجود دارد که مربوط است باوضاع ایران‌ـ درصورتیکه درمسئلهٔ‌مشرق تمام دول معظم‌اروپا ذینفع هستنددرموضوع‌ایران‌رقابت و اختلاف دو دولت انگلیس و روس روشن تر وشدیدتر از مسئلهٔ بالکان نمایان می‌شود .

دولت روسیهٔ تزاری درسیاست انبساط ارضی خود مواجه با سیاست تعمیم نفوذ و بسط تسلط دولت انگلستان میشود . رفته رفته دربرابر تزار که خودراحامی مسیحیان‌مینامد دولت بریطانیای کبیر قدعلم میکند وخودراپشتیبان ملل‌مسلمان میخواند .

بنوبهٔ‌خود بناپارت که مصمم بود بدولت انگلستان درمصر تعرض کند زمینهٔ مساعدی برای اجرای این تصمیم یعنی ادامهٔ جنك برضد بریطانیای‌کبیر در ایران که بادولت روسیه درجنك است پیدا میکند . با سقوط ناپلئون جنك مجدداً میان دودولت متحد سابق یعنی‌روسیه وانگلستان ادامه می‌یابدو رقابت میان‌آنان شدیدتر میشود .

باوضعی که دولت ایران‌داشت قادربجلو گیری ازحرص‌وولع‌دولت‌روسیه‌نبود. فتحعلیشاه درقصرفقط بدرباریان وحرمسرا حکومت میکرد . این مردخسیس‌وعیاش وفاسدالاخلاق معنی ومفهوم دولت‌وحکومت‌را طوردیگردرك وتعبیرمیکرد. بدون ابراز کمترین علاقه بوظایف سنگین وپرمسئولیت مقام سلطنت میخواست ازتمام مزایای حکومت استفاده کند .

اطرافیان وی جزجمع کردن وحفظ ثروت منظور وهدف دیگری نداشتند . علاوه‌براین‌،طلای‌انگلستان نیز آنان‌را ازجادهٔ راست‌منحرف ساخته‌بکلی فاسد کرده بود . افکاورفتار عباس میرزا ولیعهد ایران جلوس سلطان بزرگی‌را برتخت‌سلطنت ایران نوید میداد . وی شاید قادربودوموفق میشد که باوجود چنین دربار فاسدی سیاستی‌را تعقیب کند که بامنافع ایران منطبق باشد متأسفانه بامرگ نابهنگام وی

کشور ایران نتوانست از افکار بلند شاهزادهٔ قاجار بهره‌مند گردد.

البته وظیفهٔ سنگین بعهدهٔ عباس میرزا محول بود زیرا در آغاز قرن سیزدهم در ایران تشکیلات دولتی بمفهوم واقعی وجود نداشت هیچ قوه‌ای اختیارات شاه را تعدیل نمیکرد مگر نفوذ چند نفر رئیس ایل که در رأس طوایف چادرنشین، شهر یا ایالت یا ناحیه‌ای را در تحت سلطهٔ خود قرار میدادند. شاه نیز گاهی این عمل را رسماً تأیید کرده و آنان را درمنطقهٔ نفوذ خود بحکومت منصوب میکرد ولی غالباً همینکه قدرت مرکزی ضعیف میشد این رؤسا که در کمین نشسته و در پی فرصت مناسب بودند علم طغیان بر افراشته وتمام مساعی خودرا برای رهائی از نفوذ وقدرت شاه بکار میبردند.

با آنکه سربازان ایرانی بردبار وجسور وقانع ومتحمل بودند ودرارزش انفرادی آنان تردیدی نبود فتحعلیشاه باوضع نظامی موجود نمیتوانست بلشگریان روس فایق آید. بی‌انضباطی افراد و رؤسای آنان، بی‌بصیرتی فرماندهان نظامی ازفنون جنگی که درایران ازقرنها باینطرف تغییری نکرده بود بسهولت علاج پذیر وقابل ترمیم نبود.

بالاتر ازتمام این معایب، ایران آنزمان تشکیلات اداری منظمی نداشت وخزانهٔ دولت وخزانهٔ شاه باهم مخلوط بود.

فتحعلیشاه هیچگاه ندانست ونتوانست هزینه‌های ضروری را تشخیص داده و بالنتیجه سیاست روشنی را اتخاذ وتعقیب کند؛ اتخاذ وتعقیب سیاست روشن ومناسبی لازمهٔ این بود که زمامداران ایران اطلاعات وتجارب سیاسی کافی داشته باشند ولی متأسفانه رجال آن زمان فاقد اطلاعات سیاسی بودند وبارموز دیپلماسی و بازی های دقیق سیاستمداران مغرب زمین آشنائی نداشتند. از آنجاست که بی‌تجربگی وعدم بصیرت واعتماد کورکورانهٔ آنان دربرابر اظهارات مأمورین دول بیگانه اغلب باعث حیرت وتعجب است.

فقدان نیروی نظامی، فقدان مردان بزرك سیاسی، فقدان يك تشکیلات محکم

ومنظم کشوری علل اساسی شکستهای پی‌درپی دولت ایران بشماره‌یرود . بی‌اطلاعی زمامداران ایران از سیاست جهانی ، کشور مارا دراین دوره بازیچهٔ سیاستمداران اروپائی گردانید . یکبارناپلئون بامیدواهی ایجاد یك اتحاد دائمی بـا دولت روسیهٔ تزاری ایرانرا فدای سیاست جهانی خود کرد . باردیگردولت بریطانیای کبیرباابراز دوستی واغفال رجال ایران رضای خاطر متحدخود دولت‌روسیه‌را جلب‌نمود. بالاخره زمام داران انگلستان ایران‌را وسیلهٔ دفاع مستعمرهٔ پرارزش هندوستـان قراردادند و مطابق سیاست روز ، کشور ما را بر ضد افغانستان یا برضد روسیه وادار به جنك کردند .

درنتیجهٔ این سیاست‌ها و کشمکشها ، دولت ایران‌مستعدترین وثروتمندترین ایالات خودرا ازدست داده ونفوذ واعتبارش‌صدمه دیدوازهرحیث ضعیف وناتوان شد ودرنتیجه زمینهٔ پیشرفت رقابت‌های دول بیگانه در کشور ما تاسال ۱۳۴۰ (۱۹۲۱) بآسانی فراهم گردید .

ضمائم

I ـ معاهدات

II ـ منابع و مآخذ

III ـ فهرست اسامی

الف ـ اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

ب ـ اسامی امکنه و بلاد

۱ ـ معاهدات منعقده بادولتین روس و انگلیس

از ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۳

عهدنامهٔ مجمل (۱)

صورت عهدنامهٔمبارکهٔ میمونه که‌بوکالت سرهرفردجانس ایلچی مختاردولت انگلیس دردارالخلافهٔطهران صانهاالله عن‌الحدثان سمت‌تحریریافته باجناب‌صدراعظم میرزا شفیع وحاجی محمد حسینخان نظام‌الدوله .

چون دراین اوان‌سعادت نشان‌سفیربی‌نظیرروشن ضمیرصائب تدبیرصاحب‌نشان همایون‌هوالله عثمانیه عالیجاه عمدةالاعاظم المسیحیه سرهرفردجانس برونت‌ازجانب سعادت جوانب شهریار کامکار خیروعدل گسترمکارم شعارنظم آرای بناظم کشورستانی صدرنشین ارایك سلطنت وتاجداری شرف افزای سپهرجلالت وبختیاری خدیو باذل عادل دارای ابـر کف دریا دل پـادشاه والاجاه فلك دستگاه ممالك فسیح المالك انگلستان وهندوستان ادام‌الله تعالی ایام سلطنةالباهره برسم سفارت با نامهٔ همایـون پادشاهی وارد آستان سپهرنشان وشرف اندوزتقبیل عتبهٔ علیهٔ اعلیحضرت قدرقدرت قضا همت گردون حشمت جهاندارخدیومکرم فلك یاورخسرو اعظم بلنداخترداور انجم خدم مالك رقاب الامم غوث الاسلام والمسلمین عون الملة والدین قهرمان الماء والطین‌شهریارعجم‌اقتدار کشورخجسته‌ایران وتوران‌لازالت‌شارق‌اقباله مطاع کواکب الاجلال گردیده موافق وکالت نامچهٔ معتبرهٔ میمونهٔ ممهوره بمهر مهر آثـار پادشاه والاجاه معظم‌الیه‌درتشیید مبانی یکجهتی‌والفت دولتین علیتین وکیل مطلق‌ومعتمد مختاربودازطرف بهی‌الشرف شاهنشاه سپهربارگاه‌ممالك ایران نیزعالیجاهان‌جلالت ونبالت پناهان مجدت‌وحشمت‌همراهان‌مقربی‌الخاقان‌صدرالوزراء الفخام‌معتمدالدولة العلیة الباهره میرزا محمدشفیع وزیروامیرالامراء العظام امین‌الحضرت‌البهیة‌القاهره

۱ــ وزارت خارجهٔ ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرورفتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اداری دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

حاجی محمد حسین خان مستوفی الممالك دیوان همایون از قرار فرمان اشرف جداگانه وکالت مطلقه تعویض رفته که باعالیجاه ایلچی مشارالیه بتمهید شرایط مودت و یکجهتی و وفاق دولتین پرداخته ارکان اتحاد حضرتین را بنحوی که متضمن صلاح طرفین باشد مستحکم و مشید ساخته باشند لهذا عالیجاهان مشارالیهم بعد از انعقاد مجالس عدیده وطی مقالات و مکالمات لازمه باستصواب ورضای یکدیگر بنای عهد و میثاق و ادای شروط یگانگی و وفاق فیمابین دولتین باصول مفصلهٔ ذیل گذاشته بر اولیای هردو دولت ثابت داشتند که ازین پس هریك بنهج مسطور عمل را متروك و مهمل نگذارند.

فصل اول - چون تفصیل شروح و توضیح و تعیین مقاصد جانبین موقوف میبود بمکالمات گوناگون ومجالس متعدده عجالةالوقت این وثیقهٔ میمونه که عهد نامهٔ مجمل است مرقوم میگردد تا کاخ دوستی واتحادرا بنیادی متین باشد مکنونات ضمایر جانبین بنیانی مبین و قرار اینکه من بعد عهدنامهٔ مفصلی مشتمل بر جمیع مقاصدو حاکی تمامی شرایط وضوابط مرقوم وبخط ومهر وکلاء ثلاثه مختوم گردد ومدار یکجهتی دولتین بر آن باشد.

فصل دوم - باید که این عهد خجسته که در میان دو دولت بصدق و راستی بسته‌اند ازهر گونه تغییروتبدیل مصون وروزبروز ملزومات ومقتضیات یگانگی در میانه افزون باشد و پیوند مواحدت و موافقت بین این دوپادشاه زاده همالله ملکا و سلطاناً و ولیعهد و فرزندان واحفاد و امجاد ایشان ووزراء وولات وحکام ولایات و سرحدات مملکتین ابدالاباد استوار ماند.

فصل سوم - اولیای دولت علیهٔ ایران برخود لازم داشته که ازتاریخ این عهد نامه هر عهد و شرطی که باهریك از دولتهای فرنك بسته‌اند باطل سازند و لشکر فرنك را ازحدود متعلقهٔ بخاك ایران راه عبور بطرف مملکت هندوستان وسمت بنادر نخواهند داد

فصل چهارم - دراینصورت که لشکری ازطوایف فرنك بمملکت ایران آمده

باشد یادرصورتیکه بیاید پادشاه انگلستان قشون وتدارك واسباب یادرعوض وجه نقد توپ وتفنك ومعلم وعمله بقدری که صلاح دولتین باشد بخدمت شهریار سپهراقتدار ایران بفرستدودررفع ودفع ایشان بلشکر یا پول کمال اعانت وامداد نمایند وبعد از این قشون بامبلغ وجه و مقدار تدارکات واسباب ازقراریست که در عهدنامهٔ مفصل مشخص ومعین خواهد شدواگر احیاناً بنای مصالحه فیمابین الطایفه فرنك کهبادولت ایرانجنك دارند بااولیای دولت انگلیس اتفاق افتد پادشاه والاجاه ممالك انگلستان کمال سعی ودقت واهتمام نماید که فیمابین ایران و آنطایفه نیزرفع دشمنی شده صلح واقع گردد واگرخدا نخواسته این سعی بجائی نرسد شاه انگلستان بطریقیکه مرقومشده درعهدنامهٔمفصل تشخیص داده خواهد شد قشون ولشکریا وجهنقدواسباب بکومك ایران بدهند واین اعانت و کومك را مادام که جنك فیمابین ایرانوانطایفه باشد داده تاهنگامیکه رفع جدال بشود وانطایفه با دولت ایران صلح نماید مضایقه دردادن کومكننمایند وهرگاه افاغنه هندوستانرا بااولیای انگلیس نزاعی وجدالی باشد اولیای دولتایران ازاینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولتانگلیساعانت وامداد نمایند ازقراریکهدرعهدنامه مشخص خواهد شد .

فصل پنجم ـ اگر از سواحل هندوستان قشون ولشکر وارد بحرالعجم شده باشد قبل ازاذن ورخصت اولیای دولتایران درجزیره خارك یاجای دیگرازسواحل عمان نزول کرده باشد بهیچوجه منالوجوه دخلی وتصرفی درآنجا نکرده از تاریخ عهدنامهٔ میمونه قشون مذکوره درتحت اختیاراولیای دولت ایران باشداگرعالیجاه حشمتدستگاه فرمانفرمای هندوستانقشون مزبوررابرای حراستحدود هندوستان ضرور نداشته باشد و اولیای دولت ایران خواهند برای ادارهٔ خود همان قشون را نگاهدارند واگرنخواهند روانهٔ هندوستان نمایند ودرعوض قشون بطریقی که سبق ذکریافت ودرعهدنامه مفصلمشخص خواهد شد وجه نقد برای اخراجات وتدارکات بازیافتبنمایند .

فصل ششم ـ اگر قشون مذکور بخواهش اولیای دولت ایران در جزیرهٔ خارك یاجای دیگر ازسواحل عمان توقف نمایند بایدازجانب کارگذاران ایران کمال شفقت ومهربانی نسبت بایشان بعمل آید وبحکام ومباشرین بنادر فارس قدغن نمایند که هرقدر سیورسات وآذوقه برای قشون مذکور ضرور باشد بنرخ وتسعیرعادلهٔ وقت بایشان فروخته قیمت بازیافت بنمایند .

فصل هفتم ـ اگرجنك ونزاعی فیمابین ایران وافغان اتفاق افتد اولیای دولت انگلیس رادرآن میان کاری نیست وبهیچ طرف اعانت وامداد نخواهد کرد مگراینکه بخواهش طرفین واسط صلح گردند .

فصل هشتم ـ این عهد نامچهٔ میمونه برسم معنی بجهة محافظت مرقوم و در ضمن العهدشرط رفت که مادامیکه این عهد جاویدمشروط مقرره مفصله بین الدولتین برقرار است اولیای دولت دوران مدت ایران عهدوشرطی که مخالف دوستی انگلیس وباعث اهانت واضرارایشان درحدود هندوستان شود باهیچیك ازطوایف فرنك ننماید امید که این عهد همایون خجسته تاابدپایدارواین پیوند میمون بااولیای هردو دولت محاسن وفوایدآثار گردد ماکه وکلا میباشیم براستی واستحکام این عهدنامهٔ میمونه دستخط ومهر گذاشته ایم بتاریخ دوازدهم ماه مارچ هزاروهشتصدونه عیسویه مطابق بیست وپنجم شهرمحرم الحرام سنه ۱۲۲٤ من هجرةالمصطفویه .

عهد نامه مفصل

صورت عهدنامهٔمبارکهٔ میمونه که بوکالت سر کوراوزلی برونت ایلچی‌مختار انگلیس‌درثانی‌بطریق‌مشروح مفصل دردارالخلافهٔ طهران‌صانهااللّٰه‌عن‌الحدثان‌بوکالت جناب صدر اعظم میرزا محمد شفیع وحاجی محمدخـان نظام‌الدوله فیمابین دولت علیه ایران ودولت بهیه انگلیس بسته شد .

الحمدللّٰه الوافی‌الکافی امـا بعد این خجسته اوراق دسته گلیست که از گلزار بیخار وفاق رسته وبدست و کلای حضرتین علیتین برسم عهدنامهٔ مفصل‌برطبق‌خلود پیوسته میگردد چون قبل ازاینکه عالیجاه زبدةالسفرا سرفردجنس برونت ازجانب دولت علیه انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولتین وارد دربار شهریاری شده بود عهد نامهٔ مجملی فیمابین وکلای دولت ایران اجل‌الکفات الفخام صدرالوزراء العظام شرفـاًللصدارة والوزارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم وامیرالامراء الکرام‌المؤتمن‌الحضرت العلیةالعالیه امین‌الدولة البهیه‌السنیه قواماً للجلالة و النباله حاجی محمد حسین خان مستوفی‌الممالك دیوان معظم بامشارالیه‌که وکیل وسفیر دولت انگلیس بود بشروط چند که تعیین وتبیین آن بعهد نامـهٔ مفصل رجوع شده مرقوم گردیده بودند حال که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و فخامت همراه شهامت و صداقت اکتناه فطانت ودرایت آگاه دولتخواه بلااشتباه سر کوزاوزلی برونت ایلچی بزرك دولت مزبور بـرای انجام عهود و اتمام مقاصد دولتین شرفیاب التزام درگاه خلایق پناه‌پادشاهی‌میباشد وازجانب آن‌فرخنده دولت‌وکیل‌وکفیل مهمات‌یکجهتی است و کلای این‌همایون‌حضرت قاهره بصلاح و صوابدید مشارالیه شروع در تفصیل

۱ـ وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اولیای دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

عهود کردن وتفصیل مقاصد ازقراریست که درفصول لاحقهٔ دوازده گانه شرح داده خواهد شد واموره متعلقه بتجارات ومعاملات ازقراریست که درعهدنامهٔ تجارنامه مفصل خواهد گشت .

فصل اول ـ اولیای دولت ایران برخود لازم دانستند که ازتاریخ این عهدنامهٔ فیروز هرعهد وشرطی که بهریك ازدولتهای فرنك بسته‌اند باطل وساقط سازند و لشکرسایرطوایف فرنگستان‌را ازحدود متعلقهٔ بخاك ایران‌راه عبوربطرف هندوستان وسمت بنادر ندهند واحدی ازاین طوایف را نگذارند که داخل مملکت ایران‌شوند واگرطوایف مزبور خواهند که ازراه خوارزم یا تاتارستان وبخارا و سمرقند وغیره عبوربمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی‌المقدورپادشاهان ووالیها و اعیان آن ممالك را مانع شوند وازراه طوایف مزبوررا بازدارند خواه ازراه تهدید وتخویف و خواه ازروی وفق ومدارا .

فصل دوم ـ اگردشمنی ازطوایف فرنك بمملکت ایران‌آمده باشد یابیاید واولیای دولت ایران ازدولت انگلیس خواهش‌اعانت وامداد نمایند فرمانفرمای‌هند ازجانب دولت انگلیس هرگاه امکان وقدرت داشته باشد بقدری که خواهش اولیای دولت ایران است عسکروسپاه ازمملکت هندوستان روانهٔ سمت ایران نمایند و اگر بعلت بعضی گرفتاریها فرستادن سپاه امکان نداشته باشد هرساله مبلغ دویست هـزار تومان بجههٔ اخراجات سپاه بسرکار دولت ایران بدهند مادام کـه جنك وجدال بـا طوایف مزبوره در میان باشد وجوه مزبور برقرار کارسازی شود و چون وجوه نقد مزبور برای‌نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت انگلیس‌را لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضرومطلع وخاطرجمع شود و بداند که درخدمت مرجوعه صرف می‌شود .

فصل سوم ـ اگراحیاناً طایفه فرنك‌را که با دولت ایران نزاع وجدال دارند بادولت انگلیس مصالحی اتفاق‌افتدپادشاه انگلستان کمال سعی ودقت‌نماید که‌فیمابین آنطایفه نیزدفع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد واگراین سعی بجائـی نرسد پادشاه ذیجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شد ازمملکت هند سپاه بکومـك ایـران

مأمور نمایدیا آنکه دویست‌هزارتومان مقرره را برای خرج لشکر و غیره کارسازی دولت ایران نمایند و این اعانات و امداد را مادام که جنگ فیمابین دولت ایران و آنطایفه باشدورفع جدال نشودآنطایفه بااولیای دولت ایران صلح ننمایند مضایفه ننمایند و بشروط مرقومهٔ مفصله‌دراین امداد کوتاهی ننمایند و درصورتیکه صلح فیمابین آنطایفه ودولت انگلیس اتفاق‌افتد بازهر وقت‌اولیای دولت علیهٔ ایران‌خواهند وجنگ‌وجدال باانطایفه رفع‌نشودمعلم‌وغیره بجهة تعلیم‌وتعلم‌سپاه‌ایران‌خواهنداولیای دولت انگلیس بشرط فراغت وی بقدرمقدور البته مضایقه ننمایند .

فصل چهارم - چون قرارداد مملکت ایران‌این است که مواجب قشون شش ماه بششماه پیش داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض سپاه ازدولت انگلیس داده شده چنین شد که تنخواه مزبور را ایلچی‌آندولت هرچه ممکن شود زودتروپیشتر مهمسازی نماید .

فصل پنجم - هرگاه افاغنه را با اولیای دولت انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران سپاه تعیین نموده بقسمی که‌مصلحت‌دولتین باشدبدولت انگلیس اعانت وامداد نمایند ووجه‌اخراجات آنرا ازاولیای دولت انگلیس بگیرندازقراریکه اولیای دولتین قطع وفصل خواهند کرد .

فصل ششم-اگرجنگ جنگ‌ونزاعی فیمابین‌ایران‌وافغان‌اتفاق‌افتداولیای‌دولت انگلیس‌را درآن میان‌کاری نیست وبهیچ طرف کومك وامدادی نخواهد کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند .

فصل هفتم - درصورتیکه درسواحل دریای قلزم چـوب و اسباب مهیا شود وشاهنشاه ایران‌خواهش‌فرمایند که درحوزه‌های بحرمزبور کشتیهای جنگی‌بسازند پادشاه انگلستان اجازت بمعلم وعملهٔ کشتی سازوغیرهم ازدارالسلطه‌لندن‌وهم‌ازبندر بنبائی (بمبئی) نمایند که بخدمت شاهنشاهی ایران حاضر وبخدمت مرجوعه مأمور شوند ومواجب واخراجات آن باسرکارپادشاه دولت ایران بروفق قراری که باایلچی دولت انگلیس داده خواهد شد .

فصل هشتم - اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود اورا گرفته روانه ایران نمایند و درصورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی از امنای دولت ایران درباره او بحاکم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرود آمدن ندهند وبعد از ممانعت اگر آنکس فرود آید اورا گرفته روانهٔ ایران نمایند .

فصل نهم - اگر در بحر العجم اولیای دولت ایران را امدادی ضرور شود اولیای دولت انگلیس بشرط امکان و فراغبال در آنوقت کشتی جنگی وقشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آنوقت قطع وفصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بسر آن حوزه‌ها ولنگرگاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند و ازجای دیگر بیرخصت وضرورتی عبور نکنند .

فصل دهم - مواجب صاحبان ومعلم و عمله و غیره را امنای دولت انگلیس خواهند داد لکن چون شاهنشاه ایران نخواسته که کسی که بخدمت ایشان مشغول باشد از عنایات خسروی بی‌بهره باشد لهذا از وفور عنایت بموجب تفصیل علی‌قدر مراتبهم مواجب در وجه هریك برقرار فرمودند لئونتان ۳٦۰۰ تومان میجر جنرال ۲٦۰۰ اکواندجنرال ۱۵۰۰ تومان صاحبان ومعلمان که اکنون در رکاب ظفر انتساب شاهنشاه جمجاه ایران حاضر ومشغول خدمت میباشند هریك از صاحبان مرتبه‌های مفصلهٔ حشو که بعدازاین حاضر شوند ازقراریکه درحشو مشخص شده‌است موافق رتبه بهریك انعام داده خواهد شد و هریك از ایشان که برسایر ملتزمین وحاضرین بزرگتر وحکمران باشد نصف آنچه موافق مرتبه برای او مقرر شده است علاوه انعام داده خواهد شد که مرحمت شود و اگر خدا نخواسته یکی از ایشان درخدمت مرجوعه کوتاهی نماید بمجرد اظهار آن بایلچی ازخدمت رانده خواهد شد .

فصل یازدهم - چون منظور دوپادشاه آن است که اینعهد جاوید ابدالاباد بین اولاد و احفاد امجاد پایدار و برقرار بماند از هردو طرف بهی‌الشرف قرارداد

چنین شد کـه هریك از کواکب فروزان سپهر پادشاهی که ولیعهد دولت و زینت- بخش سریر سلطنت باشد بادولت دیگر عهود یکجهتی ودوستی را پایدار نداشته این طریق رامرضی ومعمول دارندوهر گاه ولیعهد یکی ازدولتین علیتین محتاج باعانت جدیدی ازدولت دیگر گردد بطریقیکه پیشرفت وصلاح دولتین ومملکتین و مقدور طرفین باشد مضایقه وکوتاهی درامداد واعانت ننمایند وامدادی که الحال ازقرار تفصیل فصول سابقه دراین عهدنامه میمونه مشخص شده است باید باولیعهد مستمر وبرقرارباشد .

فصل دوازدهم - چون ازقراریکه براولیای هردودولت واضح و از مکنون دل وضمیر یکدیگر واقف شده‌اند منظور این عهددوستی ازدیاد قوت هردو دولت و وسعت هردو مملکت است و هریك ازپیشنهاد خاطراین است که تقویت بیکدیگر کرده برمملکت یکدیگرافزوده باشندومطلب وخواهش امنای دولت انگلیس این است که دولت ایران روزبروز زیاده قوی ومستحکم گردد وازخارج کسی نتواند دخل درمملکت مزبور نماید وبامداد دولت انگلیس دولت مملکت ایران قوی و فسیحتر گردد اگربرسرامور داخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان وسردارها مناقشتی روی دهد دولت انگلیس را درآن میان کاری نیست تاشاه وقت خواهش نماید واگر احیاناً احدی ازمشارالیهم ولایتی وجائی ازخاك متعلقه مملکت ایـران را بآندولت بهیه بدهند که بازای آن کومك واعانتی نمایندهرگزاولیای دولت انگلیس باین امر اقبال نکرده پیرامون آن نخواهد گشت ودخل و تصرف در مملکت متعلقه بایران هرگزنخواهند فرمود تمت الفصول بالیمن والسعادت امید که اینعهد میمون خجسته بافواید ونتایج نیك تا ابد منعقد وپیوسته ماند این عهدنامه میمون‌را ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم بصداقت و راستی مشحون بفصول دوازده گانه مستحکم و منعقدداشته دستخط ومهر گذاشته‌ایم بتاریخ چهاردهم‌ماه‌مارچ هزاروهشتصدودوازده عیسویه مطابق بیست و نهم شهرصفرالمظفر سنه ۱۲۲۷ علی‌هاجرهـا السلام والتمة تحریراً في دارالخلافه طهران صانهاالا عن‌الحدثان .

سواد عهد نامه دولت ایران با دولت انگلیس که در ثانی مستر الیس بسته است (۱)

بتاریخ ذیحجة الحرام ۱۲۳۹

صورت عهدنامه‌مبارکه میمونه که‌عالیجاه‌مستر الیس و مستر موریه‌و کیل مختار دولت‌بهیه‌انگیز باو کلای‌دولت علیه‌ایران ودر دارالخلافه طهران‌صانهاالله عن‌الحدثان دومرتبه بسته شده

الحمدلله‌الوافی اما بعد این خجسته اوراق دسته گلی است که از گلزار بیخار وفاق رسته وبدست اتفاق وکلای حضرتین علیتین برسم عهد نامهٔ مفصل صدق خلود پیوسته میگردد چون‌قبل ازین که عالیجاه زبدةالسفراء سر هرفرجانس هردنه که‌از جانب دولت‌اعلیه انگلیس‌بجهة تمهیدمقدمات یکجهتی دولتین‌علیتین‌وارددر بارسپهر اقتدار شهریاری‌شده‌بود عهدنامه‌مجملی فیمابین‌وکلای‌دولت علیه ایران اجل‌الکفاه الفخام صدرالوزراءالعظام نظاماً للصدارة والاحتشام میرزا محمد شفیع صدراعظم و وامیرالامراء الکرام مؤتمن الحضرت‌العلیه العالیه امین‌الدوله السنیه قواماً للجلاله و النباله حاجی محمد حسین خان‌مستوفی الممالك دیوان معظم بامشاراله که وکیل وسفیر دولت بهیه انگلیزه مصدق وممضی آمده بعد که عالیجاه رفیعجایگاه فطانت و همراه عمدة الاکابر سر کوزاورلی برونت ایلچی بزرگ دولت مزبور برای اتمام عهودوانجام مقاصد حضرتین شرفیاب التزام درگاه خلایق پناه پادشاهی گردید و از جانب آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات یکجهتی بوده وکلای این همایون خصلت قاهره بصلاح وصوابدید مشارالیه عهدنامهٔ مفصله‌مشتمله‌برفصول وشروطمعینه

۱ــوزارت خارجهٔ ایران عهد نامجات شاهنشاه مبرورفتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اداری دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

مرقوم ومشروح ساخته بعداز آنکه عهدنامهٔ مزبورمنظوردولت بهیه انگلیزه گردیده بود چند فصل از آن‌را باتعبیرات چند بمقتضای‌مراسم یکجهتی واتحاد دولتین انسب دانسته عالیجاه رفیع جایگاه شهامت ودرایت آگاه معتمد آندولت بهیه هنری‌الیس‌را روانه و درطی نامهٔ دوستانه خواهشمند تعبیرات مزبوره گردیده بودنــد لهذا مجدداً جناب‌صدرالوزراء العظام نظاماً للصدارة والاحتشام‌صدراعظم معزی‌الیه‌ومقرب‌الخاقان نایب‌الوزارة میرزا بزرگ قائم مقام و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی‌الممالك دیوان همایون و کلای دولت علیهٔ ایران عالیجاه رفیعجایگاه عــزت ومناعت همراه زبدةالکبرا مستر موریه ایلچی جدید دولت بهیهٔ انگلیزه و عالیجاه مشارالیه شروع درتفصیل شروط وعهود کرده مقاصد معاهدهٔ میمونه از قراریست کــه بعدازتعبیرات مزبوره درفصول لاحقهٔ یازده گانه شرح داده خواهد شد و امــور متعلقه بتجارات و معاملات‌مملکتین‌ازقراریست که‌درعهدنامهٔ تجارجدا گانه‌معین ومفصل‌خواهد گشت .

فصل‌اول ـ اولیای‌دولت علیهٔ ایران‌برخودلازم‌داشتند که ازتاریخ اینعهدنامه فیروز هرعهد و شرطی که بهریك از دولتهای فرنك که با دولت بهیهٔ انگلیزه در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته‌اند بـاطل و ساقط دانند و لشکر سـایر طـوایف فـرنگیان از حدود متعلقه بخاك ایـران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بـنادر هند نـدهند واحدی ازین طوایف کـه قصد هندوستان و دشمنی با دولــت انگلیزه باشد نگذارند که داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا وسمرقند وغیره عبوربممالکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی‌المقدور پادشاهان و والیها واعیان‌آن ممالك را مانع‌شوند واز راه دادن طوایف مزبور باز دارند خواه ازراه تهدید و تخویف و خواه از روی رفق ومدارا .

فصل دوم ـ چون این عهد خجسته که در میان دو دولت ابد مدت بدست صدق و راستی بسته‌اند امید چنان است که بخواست خدای یگانه از هر گونه تغییر و تبدیل مصون و روز بروز ملزومات و مقتضیات یکجهتی ویگانگی درمیانه‌افزون و پیوند مواحدت وموالفت میان این دو پادشاه جمجاه فلك دستگاه زادهماالله تعالی

ملكاً وسلطاناً و وليعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و ولات و حکام‌ولایات وسرحدات مملکتین‌ابدالآباد برقراروا‌ستوارباشد پادشاه والاجاه‌انگلیس قرارداد مینماید که اگربرسراموروداخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان با امرا و سردارها مناقشتی روی دهد دولت بهیهٔ انگلیس را درآن میان کاری نیست تاشاه وقت خواهش نماید واحیاناً اگر احدی ازمشارالیهم ولایتی وجائی از خاك متعلقه بایران‌را بآندولت بهیه بدهند که‌بازای‌آن کومك واعانتی نمایندهرگزاولیای‌دولت بهیهٔ انگلیس باین امر اقبال نکرده پیرامون‌آن نخواهند گشت و دخـل وتصرف در ممالك متعلقهٔ بایران هرگز نخواهند نمود .

فصل سوم ـ مقصود کلی ازاین عهدنامه آنستکه دو دولت قـوی شوکت از جانبین امداد وکومك بیکدیگر نمایند بشرطیکه دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند ومنظور این است که ازامداد جانبین بیکدیگرهردودولت قـوی ومستحکم گردند واین عهدنامه محض‌ازبرای نمودن دشمنان درنزاع وجدال استقرارپذیرفته ومرادازسبقت تجاوزنمودن ازخاك متعلقه بخودوقصدملك خارج ازملك‌خود کردن است وخاك متعلقه بهریك ازدولتین ایران وروس از قراریست کـه باستصواب دولت علیهٔ ایران وانگلیزه ودولت روس بعدازاین مبین ومشخص خواهد گشت .

فصل چهارم ـ چون دریك فصل ازفصول عهدنامهٔ مجمله که فیمابین دولتین علیتین بسته شده قراردادچنین است که اگرطایفهٔ ازطوایف فرنگیان بممالك ایران بعزم دشمنی بیایند دولت ایران از دولت انگلیس خواهش امداد نماید فرمانفرمای هند ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس خواهش مزبور را بعمل‌آورده ولشکربقدرخواهش باسرداروا‌سباب واساسه‌جنك ازسمت هندوستان بایران بفرستد واگرفرستادن‌لشکر امکان نداشته باشد بعوض‌آن ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس مبلغی وجه نقد که قـرار آن درعهدنامهٔ مفصله که من‌بعد فیمابین دولتین‌قویتین وقویمتین بسته میشودمعین خواهد شد والحال مقرراست که مبلغ ومقدارآن دویست هزارتومان سالیانه خواهد بودواگردولت علیهٔ ایران‌قصد ملکی‌خارج ازخاك خود نموده درنزاع وجنك‌سبقت

نموده وباطایفهٔ ازطوایف فرنگستان نمایندامداد مذکوره ازجانب دولت بهیهٔ انگلیس بهیچوجه داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیهٔ انگلیس را لازم است که ازرسیدن آن بقشون مستحضر وخاطرجمع شود وبداند که درخدمات مرجوعه صرف میشود .

فصل پنجم - هرگاه دولت علیهٔ ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنك معلم بایران بیاورند مختارند که ازمملکتی ازممالك فرنك که با دولت بهیهٔ انگلیزه نزاع وجدال نداشته باشد معلم بگیرد .

فصل ششم - اگر کسی ازطوایف فرنك که درحالت مصالحه بادولت بهیهٔ انگلیس میباشد نزاع وجدال با دولت علیهٔ ایران بنمایند پادشاه والاجاه انگلستان بطریقی که مرقوم شده ازمملکت هند عسکر وسپاه بکومك ایران مأمور کنند یااینکه دویست هزارتومان مقرره را برای خرج عساکر وسپاه وغیره کارسازی دولت علیهٔ ایران نمایند این اعانت وامدادرا مادام که جنك فیمابین دولت علیهٔ ایران و آنطایفه باشدواولیای دولت علیهٔ ایران صلح ننمایند مضایقه ننمایند .

فصل هفتم - چون قرارداد مملکت ایران این است که مواجب قشون ششماه بششماه داده میشود قرارداد تنخواهی که بعوض عساکر ازدولت بهیهٔ انگلیس داده میشود چنین شد که تنخواه مزبوررا ایلچی آندولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر وپیشتر مهمسازی نمایند .

فصل هشتم - هرگاه طایفهٔ افاغنه را بادولت بهیهٔ انگلیس نزاع وجدالی باشد اولیای دولت علیهٔ ایران ازینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت دولتین باشد بدولت بهیهٔ انگلیس امداد واعانت نمایند ووجه اخراجات آنرا ازاولیای دولت بهیهٔ انگلیس بگیرند ازقراریکه اولیای دولتین قطع وفصل خواهندکرد .

فصل نهم - اگرجنك ونزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را درآن میان کاری نیست وبهیچ طرف کومك وامدادی نخواهدکرد مگراینکه بخواهش طرفین واسطهٔ صلح گردند .

فصل دهم - اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشارت امنای دولت ایران آنکس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود اورا گرفته روانهٔ ایران نمایند و درصورتیکه پیش از رسیدن آنکس بولایات مزبور اشارتی از امنای دولت ایران دربارهٔ او بحاکم آنحدود رسد آنکس را رخصت فرودآمدن ندهند وبعد ازممانعت اگر آنکس فرود آید اورا گرفته روانه ایران نمایند وهمچنین ازجانب دولتین معلوم است که شرایط این فصل مذکور از طرفین استقرار پذیرفته .

فصل یازدهم - اگر دربحر العجم دولت ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگلیس بشرط امکان وفراغبال درآنوقت کشتی جنگی وقشون بدهند واخراجات آنرا موافق برآورد آنوقت قطع وفصل نموده بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور بر آن حوزه‌ها ولنگرگاهها عبور نمایند که امنای دولت ایران نشان بدهند وازجای دیگر بیرخصت وضرورتی عبور نکنند .

ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم این عهدنامهٔ مفصله را که سابقاً فیمابین وکلاء دولتین علیتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حال تغییرات چند که منافی دولتین میبود واصلاح حضرتین انسب مینمود (منافی دوستی ویکجهتی دولتین بود و بصلاح حضرتین انسب مینمود) بفصول یازده گانه تقریر وتبیین یافته دستخط و مهر گذاشتیم بتاریخ بیست وپنجم‌ماه نوامبر سنه ۱۸۱٤ عیسوی مطابق دوازدهم شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۲۹ هجریه مصطفویه علیه‌السلام تحریراً فی‌دارالخلافه طهران صانهاالله تعالی عن‌طوارق‌الحدثان . بندهٔ درگاه محمدشفیع العبد علی عبدالوهاب

عبدالوهاب العبد علی بندهٔ درگاه محمدشفیع

صورت احتجاجی که مستر الس ایلچی دولت انگلیس بسته است [1]

احتجاجی که جناب قائم‌مقام مستر الس و مستر موریه درحین آمدن مشارالیهما درباب تعبیر عهدنامه فرموده‌اند.

مارا بآن عالیجاهان که ایلچیان دولت بهیهٔ انگلیزه و متکفل مهمات دوستی دولتین میباشند درلزوم قراردادی ومعلم سه حجت‌است :

حجة اول – مبنای این حجت ما همان عهدنامهٔ مبارکهٔ مجمله ومفصله است بیان این سخن‌را چنین میکنم که مادامیکه صلح حقیقتاً واقع نشود باید دولت بهیهٔ انگلیزه ازعهدهٔ تنخواه‌قراردادی برآیند واین‌صلح مجمل مابارو‌سیه حقیقتاً‌مشروط باسترداد ولایات‌است ایلچی مابپایتخت روسیه‌رفته است عهدنامهٔ مفصله درمیان‌است تاایلچی برگرددوعهدنامهٔ‌مفصله بسته‌شود حقیقتاً صلح مشخص نشده‌است‌ومامستحق اخذ تنخواه تاهنگامیکه این‌امرمبهم ونامحقق است خواهیم بودوشاهدمابراینمعنی که مصالحهٔ ما با روسیه مشروط باسترداد ولایات است و هنوز باتمام نرسیده است همان کاغذهای ایلچی بزرگ شماست وحجتی که او سپرده وصریحاً در آن نوشته است که تا عهد نامه مفصله نرسد تنخواه را از عهده برآید دلیلی است واضح برعدم تحقق مصالحه واتمام‌آن واین سخن شما که حجت تنخواه سپردن ایلچی‌بی‌امضای دولت برای ما که ایلچیان‌جدیدیم حجت نیست واگر فرضاً مسلم باشد جواب این سخن ما نمیشود چراکه مابحجت ایلچی مطالبه تنخواه ازشما نمیکنیم بلکه‌بحکم فصل چهارم ودویم عهد نامه مفصله تنخواه را مطالبه مینمائیم وحجت ایلچی‌ودیگر

۱ـ وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرورفتحعلیشاه طاب ثراه‌ورسایل اولیای دولت‌علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

کاغذهای اورا شاهد عدم تحقق مصالحه و اتمام آن قرارداده‌ایم .

حجة دویم – مبنای این حجت ، برسخنان ایلچی بزرگ شمااست ، که ایلچی بزرگ دولت انگلیزه‌را موافق اختیارنامهٔ پادشاه ذیجاه مختارمطلق و وکیل آندولت بهیه درطی مهمات یکجهتی دولتین عموماً یافته‌ایم ونامهٔ مبارکهٔ پادشاه وکاغذهای وزرای دولت که دردست‌هست براختیار وعزتشان ووکالت مطلقه او دلیلی است‌واضح واینمعنی برهمهٔ ایران وروس‌وصاحبان شما که درآنجا بوده‌است آشکار است که‌مارا درسال گذشته هیچ رأیی بمصالحه با روسیه نبود بلکه درجنك اصرار زیاد داشتیم ایلچی شما مایل وبانی مطالحه وواسطهٔ صلح ومصرترك جنك‌شد وسخن درین بود که دولت انگلیزه خواهان این صلح میباشند واین صلح‌را برای دولت خود ودولت ایران افاقه میدانند شمااین صلح‌را مجملا قبول ننمائید (کنید) و درقید قرار ومدار استرداد ولایات باسردار روسیه در عهد نامه مجمله نباشند و خاطر جمع دارید که مقصود اصلی‌وشرط کلی مصالحه که استردادولایات است بتوسط دولت انگلیزه‌بعمل خواهدآمدکاغذی های اوبراینمعنی شاهد است واز آنجا که دولت انگلیس درراستی عهدودرستی‌قول مسلم ومشهورعالم است سخن ایلچی بزرگ هم بحکم اختیار نامه پادشاه فلك جاه ومراسلات‌وزرای بزرگ باسخن دولت تفاوتی ندارد ماقبول‌مصالحه مجمله وشروط کردیم خاطرجمعی ما بآندولت وسخنان ایلچی بزرگ آندولت‌بوده وگرنه به‌چنین صلحی بی‌سرانجام اقبال نمودیم (نمینمودیم) وبحکم همین کاغذها که ازایلچی‌دردست داریم‌استرداد ولایات واتمام‌مصالحه‌راازدولت انگلیزه‌میخواهیم وتاولایات استرداد نشودوعهدنامهٔ مفصله بطریقیکه ایلچی بزرگ آندولت باما قرار داده است باتمام نرسد تنخواه‌را مطالبه مینمائیم .

حجة سیم – دراین‌حجةقطع نظرازتفصیلهای گذشته میکنیم وهمین میگوئیم ما ازایلچی‌بزرگ آندولت که بحکم اختیارنامه قائم‌مقام پادشاه فلك جاه‌است‌حجتی صریح دردست داریم که تا عهدنامه مفصله نرسد تنخواه را ازعهده برآیدوانصاف دولت انگلیزه را ازاین بیشترمیدانیم که حجة ایلچی‌بزرگ را که در حقیقت حجة

دولت است انکار نمایند شما که حال ایلچیان معتمد آن دولت بهیه اید و بحکم اختیار نامه کفیل مهمات یکجهتی دولتین میباشید بمراتب مرقومه انصاف خواهید داد مارا بآن عالیجاهان که ایلچیان معتمد دولت بهیهٔ انگلیز هاند درباب معلمین انگلیس سخن این است که البته بر شما ظاهر است که نظام آلات بانظام دولت علیهٔ ایران دراین سالها بقانون دولت بهیهٔ انگلیس منتظم گشته وهمواره معلمین انگلیس متوجه تعلیم آنها بوده اند واگر دراینوقت معلمین انگلیس ترك تعلیم آنها نمایند شیرازهٔ نظام آنها مختل خواهد شد واینهمه خسارت ومرارت که دراینمدت برای این نظام رسیده است ضایع وباطل خواهد شد (بود) دولتین هم درحکم دولت واحد است و در حقیقت نقصانها بآندولت میرسد و تفاوتی ندارد و اگر سخن شما این است که دراصلاندوز برخلاف قانون معلمین انگلیس بجنك سپاه روس کرده اند البته گوشزد شما شده است که در آن هنگام وهنگامیکه وضعی اتفاق افتاد که غیرت فتری معلمین انگلیس تاب تحمل نیاورد وبعضی خود باختیار نه بحکم کارپردازان این دولت علیه اقدام بجنك کردند روزنامهٔ نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه که بدولت انگلیس مرقوم شده دراین باب شرحی نگاشته وانشاءالله تعالی من بعد ازاینگونه امور روی نخواهد داد واهتمام والتفاتی زیاده درانتظام این مهام خواهد بود ویقین است که انعالیجاهان مضایقه از قرار معلم نخواهند نمود وبه نقصان وخسارت دولتین راضی نخواهند شد.

مواد احتجاجی که مستر الس ایلچی دولت انگلیس بسته است تاریخ ندارد.

مواد عهدنامۀ گلستان[1] که فیمابین دولتین علیتین روسیه و ایران بسته‌شده بوکالت عالیجاه میرزا ابوالحسنخان و ینارال لیدنانه[2] نیکولای ردیشخوف بتاریخ ۱۲۲۸

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت قضا قدرت رأیت پادشاه جمجاه و امپراطور اکرم عالی دستگاه ممالك بالاستقلال کل ممالك امپریه اروسیه اعلیحضرت قدر قدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه ممالك بالاستقلال ممالك شاهانه ایران بملاحظۀ کمال مهربانی واشفاق علیتین که دربارۀ اهالی ورعایای متعلقین دارند بدفع ورفع امورعداوت ودشمنی که برعکس رأی شوکت آرای ایشان استطالب وباستقرارمراتب مصالحۀ میمونه‌ودوستی جواریت سابقۀ مؤکده رادر بین الطرفین راغب میباشند باحسن الوجه رأی علیتین قرار گرفته در انجام این امور نیك و مصوبه ازطرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و ایمپراطور بالاستقلال کل ممالك روسیه بعالیجاه معلی جایگاه جنرال لیدنانه روسیه سپهسالار روسیه و مدیر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان ناظم امورو مصالح شهریه ولادت غوغانای و گرجستان وقفقازیه وحاجی طرخان و کارهای عالی ثغوروسرحدات این حدودات وسامان امرفرمای عساکرسفاین بحرخزرصاحب حمایل الکسندرنویسکی ذیحمایل مرتبۀ اولین آتابای مرتبه‌دار رابع عسکریه مقتدره حضرت گیورکی صاحب نشان وشمشیر طلاالمرقوم بجهت رشادت وبهادری (نیکولای رایشخوف) اختیار کلی اعطاشده اعلیحضرت کیوان رفعت والارتبت پادشاه اعظم بالاستقلال ممالك ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرك دولت ایران که مأمور دولتین روس وانگلیس

---

(۱)- وزارت خارجۀ ایران عهد نامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳ خطی

2 – Lieutenat – General

بودند عمدةالامراء والاعیان مقرب در گاه ذیشان ومحرم اسرارنهان ومشیراکثرامور دولت بهیهٔ ایران ازخانوادهٔ دودمان وزارت وازامرای واقفان حضوردرمرتبهٔ دوم آن صاحب عطایای خاص پادشاهی خودازخنجروشمشیروکارد مرصع و استعمال ملبوس واسب مرصع یراق میرزا ابوالحسنخان‌را که دراین کارمختار بالکل نموده‌اند حال درمعسکر روسیه رودخانه‌زیروه[1] من‌محال گلستان متعلقه ولایت قراباغ ملاقات وجمعیت نمودند. بعدازابرازومبادله مستمسك مأموریت‌واختیار کلی‌خود بیکدیگر وملاحظه وتحقیق‌امورمتعلق مصالحهٔ مبار که بنام‌نامی پادشاهان عظام قراروبموجب نامجات طرفین قیود وفصول وشروط مرقومه‌را الی‌الابد مقبول و منصوب و استمرار میداریم .

فصل اول - بعد ازاین امورجنك وعداوت ودشمنی که تاحال‌دردولتین‌روسیه وایران بود بموجب این عهدنامه الی‌الابد مقطوع و متروك و مراتب مصالحه‌اکیده دردوستی ووفاق شدید فیمابین اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم امپراطور ممالك بالاستقلال کل ممالك روسیه واعلیحضرت خورشید رأیت پادشاه داراشوکت ممالك ایران و وارث ولیعهدان عظام و میانــه دولتین علیتین فخام ایشان پایـدار و سلوك خواهد بود .

فصل‌دوم - چون بیشتربموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا دربین دولتین شده است که‌مراتب مصالحه دربنای اسطاطسکواوپرزندیم باشد یعنی‌طرفین درهرموضع وحالی که الی قرارداد مصالحةالحال بوده است از آن قرارباقی و تمامی اولکای ولایات خوانین نشین که تاحال درتحت تصرف وضبط هریك از دولتین بوده کماکان درضبطواختیارایشان بماند لهذادربین‌دولتین علیتین روسیه وایران‌بموجب خط مرقومه‌ذیل مستوروسرحدات‌مستقروتعیین گردیده است از ابتدای ارضی آدینه بازار بخط درست ازراه صحرای مغان تابه معبریدی بلوك رود ارس وازبالای کـنار رود ارس تااتصال والحاق رودخانهٔ کپینك چای‌به‌پشت کوه مقری وازآنجاخطحدود

---

۱ - زیوه

سامان ولایات قراباغ ونخجوان وایروان ونیزرسدی ازسنور گنجه جمع و متصل
گردید بعد از آن حدود مزبور که بولایات ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و
شمس الدین لورا تامکان ایشك میدان مشخص ومفصل میسازد وازایشك میدان نیزاز
بالای سر کوههای طرف راست طرق ورودخانه‌های حمزه چمن وازسر کوههای پنبك
الی گوشه محال شوره گل واز گوشهٔ شوره گل ازبالای کوه برف الدا گوز گذشته از
سرحد محال شوره گل ومیانه حدود قریهٔ سدره وارنیك برودخانهٔ آرپه چای ملحق
ومتصل شده معلوم ومشخص میگردد وچون ولایات خان نشین طالش درهنگام عداوت
ودشمنی دست بدست افتادلهذا بجهت زیادهٔ صدق وراستی حدود ولایات طالش مزبور
را ازجانب انزلی واردبیل بعد ازتصدیق این صلحنامه ازپادشاهان عظام معتمدان و
مهندسان مأموره که بموجب قبول ووفاق یکدیگر وبمعرفت سرداران جانبین جبال
و رودخانه ها ودریاچه‌ها و امکنه ومزارع طرفین تفصیلا تحریر و تمیز و تشخیص
میسازند آنرا نیز معلوم و تعیین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در
تصرف جانبین باشدمعلوم نمودآنوقت خط حدودولایت طالش نیز دربنای اسطاطسکو
اوپرزندیم مستقر ومعین ساخته هریك ازطرفین آنچه‌درتصرف داردبرسر آن خواهدماند
وهمچنین درسرحدات مزبورهٔ فوقا گرچیزی ازخط طرفین بیرون رفته‌باشدمعتمدان
و مهندسان مأمورهٔ طرفین هریك طرف اسطاطسکوا و پرزندیم رضاخواهد داد .

فصل سوم ـ اعلیحضرت کیوان رفعت قدر قدرت پادشاه اعظم مالك ممالك
ایران بجهت دوستی و وفاقی که به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور
کل ممالك روسیه دارند به این صلح نامه بعوض خود وولیعهدان عظام تخت شاهانه
ایران وولایات قراباغ و گنجه که الان موسوم بهایالی سابط پول است والکای خوانین
نشین شکی وشیروان وقبه ودربندوباد کوبه وهرجا ازولایات طالش را باخاکی که
الان درتصرف دولت اروسیه است وتمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و
آچوق باشی و کورنه ومنکریل وابخاز وتمامی اولکاء واراضی که در میانهٔ قفقازیه‌و
سرحدات معینه‌الحالیه‌بوده‌ونیز آنچه از اراضي واهالی قفقازیه الی کنار دریای خزر

متصل است مخصوص ومتعلق بممالك آنمپریهٔ روسیه میدانند .

فصل چهارم ـ اعلیحضرت خورشید رأیت امپراطوروالاشوکت ممالك روسیه برای اظهاردوستی واتحادخود نسبت به اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالك ایران وبجهت اثبات این معنی که بنابرهم جواریت طالب وراغب است که در ممالك شاهانه‌ایران وارث استقلال‌واختیارپادشاهی‌را دربنای‌اکیده مشاهده وملاحظه‌نمایند لهذا ازخودوازعوض ولیعهدان عظام اقرارمینمایند که هریك ازفرزندان عظام‌ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین مـیگردد هرگاه محتاج باعانت یاامدادی از دولت علیهٔ روسیه باشند مضایقت ننمایند تاازخارج کس نتواند دخل وتصرف در مملکت ایران نماید وبه اعانت وامداد روس وایران مستقرومستحکم گرددواگر درسرامور داخلهٔ مملکت ایران فیمابین شاهزادگان مناقشتی روی نماید دولت علیهٔ روس را درآن میانه‌کاری نیست تاپادشاه وقت خواهش نماید .

فصل پنجم ـ کشتیهای دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر ترددمینمایند بدستورسابق مأذون خواهند بود که بسواحل وبنادرجانب ایران عازم ونزدیك شوند وزمان طوفان وشکست کشتی ازطرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به‌آنها بشودو کشتیهای جانب‌ایران بدستورالعمل سابق‌مأذون خواهند بود که بـرای معامله روانـه سواحل روسیه شوند بهمین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت ویاری دوستانه دربارهٔ ایشان معمول گردد ودرخصوص کشتیهای عسکریهٔ جنگی روسیه بطریقی‌که در زمان دوستی ویا درهروقت کشتیهای جنگی دولت روسیه باعلم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند حال نیزمحض دوستی اجازه داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند .

فصل ششم ـ تمامی اسرائی‌که در جنگها گرفته شده‌اند یااینکه از اهالی طرفین اسیر شده از کریستیان یا هر مذهب دیگر باشند الی وعدهٔ سه ماهه هلالی از تصدیق و خط‌گذرادن در این عهد نامه از طرفین مرخص و رد گردیـده هر یك

از جانبین خرج و مایحتاج به اسرای مزبوره داده به قراکلیسا رسانند و و کلای سرحدات طرفین بموجب نشر اعلامی که درخصوص فرستادن آنها بجای معین بیکدیگر مینمایند اسرای جانبین را باز یافت خواهند کرد. کسانیکه برضا و رغبت خود ارادهٔ آمدن داشته باشند و آنانکه بسبب تقصیر یا خواهش خود از مملکتین فرار نموده‌اند داده شود که بوطن اصلی خود مراجعت نمایند و هر کس از هر قومی چه اسیر وچه فراری که نخواسته باشد بیاید کس را بـا اوکاری نیست و عفو تقصیرات از طرفین نسبت بفراریان عطا خواهد شد .

فصل هفتم ـ علاوه از اقرار و اظهار مزبوره بالا رأی اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کـل ممالك روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت پادشا اعظم ممالك ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور دارالسلطنهٔ جانبین میشوند بروفق لیاقت رتبه و امورکلیه مرجوعـه ایشان را حاصل و پرداخت ومسجل نمایند وبدستورسابق و کلائی که ازدولتین بخصوص حمایت ارباب معاملات دربلادمناسبه طرفین تعیین وتمکین گردیده بهاحوال ایشان هیچگونه زحمت نرسیده بلزحمتی که برعایای طرفین عاید گردد بموجب عرض واظهارو کلای رعایای مزبور رضائی بستمدیدگان جانبین داده شود .

فصل هشتم ـ درباب آمد وشد قوافل وارباب معاملات درمیان ممالك دولتین علیتین اذن داده میشود که هر کس ازاهالی تجار بخصوص بثبوت اینکه دوست رعایا وارباب معاملات متعلق بدولت علیهٔ روسیه یا تجارمتعلق بدولت بهیهٔ ایران میباشند ازدولت خود یاازسرحد داران تذکره ویا کاغذ راه دردست داشته باشند ازطریق بحر وبربجانب ممالك این دودولت بدون تشویش آیند وهر کس هر قدرخواهد ساکن و متوقف گشته باموررمعامله وتجارت اشتغال نمایند وزمان مراجعت آنها باوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنهٔ ممالك روسیه بـولایات ایران ونیز ازطرف ایران اگربممالك روسیه ببرند بمعرض بیع رسانیده و یا معاوضهٔ بمال واشیاء دیگر نمایند درمیان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه

وادعائی باشد بموجب عادت مألوفه به‌نزد و کلای طرفین یاازروی صداقــت مراتب ادعای ایشان‌را مشخص ومعلوم کرده خودیابمعرفت دیگرقطع وفصل کار را ساخته نگذارندتعرض وزحمتی بارباب معاملات عایدشودوارباب تجار طرف ممالك اروسیه که وارد بممالك ایران میشوند مأذون خواهند بود که اگرخواهند باتنخواه‌واموال خودشان بجانب ممالك پادشاهانه دیگردوست ایران باشند بروندطرف دولت ایران بی‌مضایقه تذکرات را بایشان بدهندوهمچنین ازطرف دولت علیهٔ اروسیه نیزدرمادهٔ اهالی تجار جانب دولت ایران که ازخاك ممالك اروسیه بجانب سایرممالك‌پادشاهان که دوست اروسیه باشند میروند معمول خواهدشد . وقتی یکی از رعـایای متعلقهٔ دولت علیهٔ اروسیه درزمان وقف وتجارت درمملکت ایران فوت شد و املاك واموال اودرایران بماند چون مابعرف اوازمال رعایای متعلقهٔ دولت است لهذا میباید اموال مفوت بموجب قبض‌الواصل شرعی‌ردوتسلیم ورثه مفوت گرددونیزاذن‌خواهندداد که املاك‌مفوت‌رااقوام‌اوبفروشند چنانکه این معنی‌درمیان ممالك اروسیه‌ونیزدرممالك پادشاهان دیگردستورورعایت بوده متعلق بهردولت که باشد مضایقه نمینمایند .

فصل نهم ـ باج‌وگمرك اموال‌تجارطرف دولت بهیهٔ اروسیه که به‌بنادر وبلاد ایران میآورند ازیکتومان مبلغ پانصددینارد‌ریك بلده گرفته ازآنجااموال مذکور بهرولایت ایران که بروند چیزی مطالبه گردد وهمچنین ازاموالی که‌ازممالك‌ایران بیرون بیاورندآنقدر گرفته زیاده بعنوان‌خرج وتوجیه و تحصیل و اختراعات چیزی ازتجارروسیه با شر وشلتاق مطالبه نشود و بهمین نحودریك بلده باج و گمرك تجار ایران که به‌بنادر بلادممالك اروسیه میبرندویابیرون بیاورندبدستور گرفته اختلافی بهیچ وجه نداشته باشند .

فصل دهم ـ بعد ازنقل اموال تجاربه‌بنادر کناردریا ویاآوردن ازراه خشکی به‌بلاد سرحدات دولتین علیتین اذن واختیاربه ارباب تجار وارباب معاملات طرفین داده شد که اموال و تنخواه خودشانرافروخته واموال دیگرخریده ویامعاوضه کرده دیگرازامنای گمرك ازمستأجرین‌اذن ودستوری نخواسته باشندزیراکه‌برذمهٔ‌امنای گمرك ومستأجرین لازم‌است که ملاحظه نمایند که تامعطلی وتأخیردرکار تجارت

ارباب‌معاملات وقوع نیاید. باج خزانه‌را ازبایع یاازمبیع هرنحو که‌درمیانهٔ‌خودشان سازش مینمایند حاصل وبازیافت دارند .

فصل یازدهم ــ بعد ازتصدیق وخط گذاردن دراین‌شرط نامچه‌بو کلای‌مختار دولتین علیتین بلاتأخیر به‌اطراف جانبین اعلام واخبارو امرا کیدبخصوص‌بالمره‌ترك وقطع امور عداوت ودشمنی بهرجا ارسال خواهند کرد این شروط نامه‌الحاله کــه بخصوص‌استدامت مصالحهٔ دائمی‌طرفین‌مستقر ودوقطعهٔ‌مشروحه باترجمان‌خط‌فارسی مرقوم ومحرر از و کلای مختارمأمورین دولتین مزبوره بالا تصدیق وبا خط و مهر مختوم گــردیده مبادله بایکدیگرشده است میبایست ازطرف اعلیحضرت خورشید رتبت پادشاه اعظم‌امپراطوراکرم ممالك روسیه وازجانب اعلیحضرت‌قدرقدرت‌پادشاه والاجاه ممالك ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد وچون‌این صلحنامه مشروحــه مصدقه میباید از هردو دولت پایدار بو کلای مختاربرسد لهذا از دولتین علیتین‌درمدت سه‌ماه هلالی وصول گردد. تحریرفی‌معسکر اروسیه و رودخانهٔ زیوه من‌محال گلستان متعلقه بولایات قراباغ بتاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق هجریه ۲۱ اکتبر۱۸۱۳ عیسوی من مولود حضرت عیسی سمت تحریریافت .

وکیل‌دولت‌ایران‌میرزاابوالحسن‌خان- ژنرال‌لیدنانه نیکولای‌ردیسخوف سپاردنی‌الك

عهدنامه[1]

صلح مابین ایران وروسیه درترکمان چای بتاریخ ۱۰/۲۲فوریه۱۸۲۸مطابق پنجم شهرشعبان ۱۲۴۳ امضی‌شد.

فهرست مندرجات

فصل اول ـ صلح ومودت .

فصل دوم ـ فسخ عهدنامهٔ گلستان بواسطهٔ وقوع جنگ

فصل سوم ـ ایالاتی که بروسیه داده‌شده است .

فصل چهارم ـ خط جدید سرحدی .

فصل پنجم ـ اراضی ونواحی جدیدی که بروسیه تعلق‌یافته است .

فصل ششم ـ وجه خسارت جنگ ـ تضمین‌واقساط وترتیب تأدیهٔ آن .

فصل هفتم ـ در باب عباس میرزا نایب‌السلطنه .

فصل هشتم ـ سیرسفاین تجارتی مملکتین دربحرخزر ـ شکست و غرق کشتی

فصل نهم ـ شرایطی که راجع به‌سفاین جنگی است .

فصل دهم ـ حفظ مناسبات تجارتی و حمایت اتباع‌طرفین ـ قنسول و وکلای تجارتی ـ درباب شکایت دولت علیه ازقنسول یامأمورروسیه .

فصل یازدهم ـ تسویه دعاوی معوقه ـ وصول ویاایصال مطالبات .

فصل دوازدهم ـ اشخاصی که دردوطرف رود ارس دارای اموال غیر منقوله هستندومهلتی که بجهت انتقال آن بمومی الیهم داده شده است ـ کسانی که استثنائاً

---

(۱)وزارت‌خارجهٔ ایران‌عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل دولت‌علیه سنه ۱۲۳۴ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳خطی

ازانتفاع این مهلت محروم هستند .

فصل سیزدهم - اسرای جنگی .

فصل چهاردهم - شرایطی که راجع بفراریان است .

فصل پانزدهم - عفو وبخشش دربارهٔ اشخاصیکه درمدت جنگ و بعد از آن مرتکب ببعضی اعمال شده‌اند ــ اموال منقوله وغیرمنقولهٔ معفوین ومهلتی که ازاین بابت باموهی‌الیهم داده شده‌است ــ کسانیکه ازعفوواغماض محروم هستند .

فصل شانزدهم - ترك مخاصمات ــ تصدیق عهدنامه .

بنام خداوند متعال

چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت قوی شوکت معظم نامدار امپراطور وصاحب اختیار کل ممالك روسیه بالسویه وازصمیم قلب مایل هستند که برصدمات محاربه که مخالف میل طرفین است نهایتی داده ومجدداً روابط قدیمهٔ حسن همجواری ومودت را مابین مملکتین بوسیلهٔ صلحی که فی حدذاته متضمن اساس امتداد ودافع مبانی اختلافات و برودت آتیه بوده باشد برپایه و بنائی محکم استوار دارند لهذا وزرای مختار خود را که برای این امر سودمند مأمورهستند ازاینقرار معین داشتند

از طرف اعلیحضرت امپراطور کل روسیه ژان پاسکیه ویچ آجودان جنرال وسرتیپ پیاده نظام فرمانده اردوی قفقازیه کفیل امورغیر نظامی گرجستان وحاجی ترخان وقفقازیه رئیس قوهٔ بحریهٔ دریای خزر دارای نشان آلکساندرنوسکی مکلل بالماس ونشان سنت آن از درجهٔ اول مکلّل بالماس وسن ولادیمیر ازدرجهٔ اول و سن ژرژ از درجهٔ دوم ودو شمشیر افتخاری که یکی مرصع ودیگری طلا که روی آن اینطور نوشته شده (برای شجاعت) ودارای نشان عقاب قرمز ازدرجهٔ اول ونشان هلال عثمانی وغیره وآلکساندر ابروسکوف کنسیه‌دتا (۱) وپیشخدمت اعلیحضرت امپراطور دارای نشان سن ولادیمیر ازدرجهٔ سوم وسن استانیسلاس (۲) لهستان ازدرجهٔ دوم سن ژان بیت المقدس وازطرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا .

وزرای مختار طرفین پس از آنکه درتر کمان‌چای اجلاس کرده واختیارنامهای

(۱) Conséiller - d,' Etat (۲) Saint - Stanislas

خودرا مبادله و آنرا موافق قاعده ومرتب به‌ترتیبات شایسته‌یافتند فصول ذیل‌رامنعقد وبرقرارداشتند .

فصل اول – از امروز به‌بعد مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روسیه ونیز مابین ممالك ووراث واخلاف واتباع اعلیحضرتین صلح و وداد ومودت برقرار خواهدبود .

فصل دوم – چون‌مخاصمهٔ‌طرفین‌معظمین ، که‌بسعادت امپراطورباختتام‌رسید تعهدات عهدنامهٔ گلستان را باطل‌میدارد لهذا اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران واعلیحضرت امپراطور کل‌روسیه چنین صلاح دیدند که بجای‌عهدنامهٔ‌مزبور موادوشرایط‌ذیل‌را که مبنی بر ازدیاد و استحکام روابط آتیهٔ مودت و صلح مابین روسیه و ایران است برقرار نمایند .

فصل سوم – اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود واخلاف و وراث خود خانات ایروان را که در دوطرف رودارس واقع‌است ونیز خانات‌نخجوان را بملکیت مطلقه‌بدولت‌ارس واگذارمیکند بناءعلیهذا اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران متعهدمیشوند که دفاتر واسنادیکه راجع بحکومت واداره خانات فوق‌الذکر است منتها درظرف ششماه‌ازامضای این‌عهدنامه بمأمورین‌روس تسلیم‌نمایند .

فصل چهارم - دولتین‌معظمتین معاهدتین‌قبول نمودند که خط سرحدی مابین دولتین‌ازاینقرار ترسیم‌شود .

این‌خط ازنقطهٔ سرحد دولت عثمانی که بخط‌مستقیم نزدیکترین راه‌بقلهٔ کوه آغری کوچك است شروع شده بقلهٔ مزبور رسیده وازآنجا بسرچشمهٔ رود قراسوی سفلی که‌ازدامنهٔ جنوبی آغری کوچك جاری‌استفرودمیآید پس‌ازآن خط‌سرحدی طول مجرای این‌رود الی‌محل التقای‌آن باروردارس که محاذی شروراست طی‌نموده و ازاینجا مجرای رود ارس را متابعت کرده وبقلعهٔ عباس آباد میرسد از استحکامات خارجی این قلعه که درساحل راست ارس است خطی که طول‌آن نیم‌آقاچ یعنی سه ورست‌ونیم روسی بوده‌باشد به‌تمام جهات کشیده خواهدشد وتمام اراضی که درحدود این‌خط واقع میشود منحصر بدولت روس‌بوده ودر ظرف دوماه ازتاریخ امروز بطور

دقت تخطیط خواهد شد از محلی که طرف شرقی این خط متصل برود ارس میشود خط سرحدی مجرای رود مزبوررا الی گداریدی بلوك متابعت میکند وخاك ایران از این نقطهٔ اخیر الی سه آقاج یعنی بیست ویك ورست روس در طول مجرای ارس ادامه میابد بعد از وصول باین محل خط سرحدی جلگهٔ مغان را بطور مستقیم گذشته بمحلی ازمجرای بالها رود خواهد آمد که درسه آقاجی یعنی بیست و یك ورست پائین تر از ملتقای دورود آدینه بازار وساری قمیش واقع است پس از آن خط سرحدی از ساحل چپ بالهارود الی ملتقای دورود مزبور آدینه بازار وساری قمیش صعود کرده واز آنجا درساحل راست رودخانهٔ آدینه بازار شرقی الی سرچشمهٔ آن ممتد واز سرچشمهٔ مزبور الی قلهٔ تپه های جگیر میرسد بطوریکه تمام آبهائیکه بطرف دریای خزر جاری است متعلق بروسیه بوده وتمام آبهائیکه جریانشان بطرف ایران است تعلق بدولت علیه خواهد گرفت .

چون دراینجا (۱) حدوددولتین بواسطهٔ تیزه کوهها محدود میشود لهذا مقرر است که دامنهٔ این کوهها که بسمت دریای خزر تمایل دارد متعلق بدولت روس بوده ودامنهٔ آنطرف کوهها اختصاص بایران خواهدداشت .

ازتیزهٔ تپهای جگیر خط سرحد کوههائی را که فاصل بین طالش و ارشق است متابعت نموده وبقلهٔ کمرقوئی میرسد وقللی که فاصل دامنه وطرف کوههای مزبوراست دراینجا تحدید حدودمینماید بهمان قسم که درباب مسافت بین سرچشمهٔ آدینه بازار وقلهای جگیر ذکرشد .

پس از آن خط سرحد ازقلهٔ کمرقوئی تیزهٔ کوههائی که بلوك زوند رااز ارشق جدامینماید متابعت نموده وبمحلی که حدود بلوك ولیکیج است میرسد وترتیبی که درباب جریان آب ذکرشده است مراعات خواهدشد واز اینقرار بلوك زوند باستثنای قسمتی که درآنطرف قلهٔ کوههای مزبوراست متعلق بروسیه خواهدبود ،

ازمحلی که حدودبلوك ولکیج است خط سرحد بین الدولتین قلل کوه کلوپوتی وقلل سلسلهٔ عمدهٔ کوههائی که ازبلوك ولیکیچی میگذرد متابعت نموده وبسرچشمهٔ

۱ - یعنی ازسرچشمهٔ رودآدینه بازار الی قله تپهای جگیر

شمالی رودخانه‌موسوم بآستارامیرسد واینجاهم مسئلهٔ‌جریان آب چنانچه درفوق‌ذکر شده‌است مرعی‌میباشد ؛

ازآنجا خط سرحدی مجرای آستارا را الی مصب آن دردریای خزرطی نموده وحدودخاك دولتین‌را باتمام‌میرساند .

فصل پنجم - اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران محض اثبات‌دوستی خالصانه که‌نسبت به‌اعلیحضرت امپراطور کل روسیه‌دارند بموجب همین فصل از طرف‌خود واز طرف وراث واخلاف‌خود واضحاً وعلناًتصدیق مینمایند که ممالك وجزایری که مابین‌خط تحدیدی فصل‌اخیر وتیزهٔ جبال قفقاز ودریای خزراست وهمچنین اهالی بدوی وغیره این‌نواحی متعلق بدولت‌روسیه میباشد .

فصل‌ششم - محض تلافی مصارف کثیرهٔ که از این جنگ بین‌الدولتین برای مملکت روسیه حاصل‌شده ودر عوض خسارات وضررهائیکه بدین‌جهت باتباع‌روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تأدیه کرده مصارف وضررهای مزبوررا جبران‌نمایند .

طرفین‌معظمین‌معاهدین‌این‌وجه خسارات‌رابده کرور تومان‌رایج‌یابیست‌ملیون مناط نقره معین کرده ومقرر میدارند که ترتیب اقساط و تضمین تأدیهٔ آن در قرارداد مخصوصی مرتب‌شود اعتبار و استحکام قرارداد مزبور بحدی خواهد بود که کانه لفظ بلفظ درهمین‌عهدنامه درج شده‌باشد .

فصل‌هفتم - چون اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران چنین صلاح دیدند که حضرت اشرف عباس‌میرزا فرزندخودرا وارث وولیعهدفرمایند لهذااعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانهٔ خودرا مکشوف ومیلی‌راکه درمساعدت باستحکام این‌نوع وراثت‌دارد مشهودخاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران‌نمایند متعهدمیشوند که ازامروز شخص حضرت عباس‌میرزا راوارث و ولیعهد دولت ایران شناخته وایشان‌را ازحین‌جلوس بتخت‌سلطنت سلطان‌حقهٔ این‌مملکت بدانند .

فصل‌هشتم - سفاین‌تجارتی روس‌مثل سابق‌حق خواهند داشت که‌بطورآزادی

دردریای خزرودرامتداد سواحل آن سیر کرده وبکنارههای آن فرود آیند ودرموقع شکست وغرق درایران معاونت وامدادخواهند یافت .

وسفاین تجارتی ایران هم حق خواهند داشت که بقرارسابق دربحرخزرسیر نموده وبسواحل روس بروند ودرصورت غرق وشکست هم بآنها کمك وامداد خواهدشد .

امادرباب کشتی های جنگی چون آنهائیکه بیدق نظامی روس دارندازقدیم الایام بالانفراد حق سیر دربحرخزر راداشته اند حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر بهمان کشتیها خواهدبود بطوریکه بغیراز دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی دردریای خزر داشته باشد .

فصل نهم - چون مکنون خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت امپراطور کل روسیه است که دراستحکام روابطی که بسعادت ومیمنت مجدداً مابین دولتین استقرار یافته است سعی و کوشش نمایند مقرر میدارند که سفراء کبار ووزراء مختار وشارژ ـ دافرهائیکه خواه برای انجام مأموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود وموافق شأن وحیثیت طرفین و مطابق مودت واتحاد بین الدولتین و نیز برحسب عادات مملکتی موردا عزاز و احترام شوند علیهذادرباب تشریفاتی که بایدازطرفین ملحوظ ومنظورشود دستورالعملی مخصوص مقرر خواهدشد .

فصل دهم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران واعلیحضرت امپراطور کل روسیه استقرار وتوسعهٔ روابط تجارتی مابین دودولت را ازنخستین فواید اعادهٔ صلح میدانند صلاح دیدند که ترتیباتی که راجع بهحفظ تجارت وامنیت اتباع دولتین است دریك مقاوله نامهٔ علیحده بطور مرضی الطرفین نگارش یابد واین مقاوله نامه که مابین وزرای مختارطرفین انعقاد وباین عهدنامه انضمام خواهدیافت مثل اینستکه جزو متمم همین عهدنامهٔ صلح بوده باشد .

اعلیحضرت پادشاه ایران بدولت روس حق میدهد که کما فی السابق هرجا که بجهت حفظ منافع تجارتی لازم باشد بآنجا قونسول وو کیل تجارتی بفرستند ومتعهد میشوند که این قونسول وو کلای تجارتی را که من تبع هریك زیاده ازده نفر نخواهد

بود از حمایت و احترامات و امتیازاتیکه لازمهٔ سمت رسمیت آنهاست بهره‌مند سازد اعلیحضرت امپراطور روسیه‌هم وعده‌میدهد که رفتاربمثل‌را درمادهٔ‌قونسول وو کلای تجارتی‌اعلیحضرت شاهنشاهی منظوردارد .

درصورت‌شکایت حقهٔ‌دولت ایران ازیکی ازمأمورین یاقونسولهای روس وزیر مختار یاشارژدافری که دردربار‌دولت علیهٔ‌ایران‌اقامت وباین‌اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارالیه‌را ازمأموریت خودخلع کرده وموقتاً کفالت کار اورا بهر کس صلاح دانسواگذار خواهد کرد .

فصل یازدهم - پس از حصول صلح بامور و دعاوی اتباع طرفین که بواسطهٔ وقوع‌جنگ درعهدهٔ‌تعویق مانده‌بود مراجعه‌شده وازروی عدالت قطع وفصل‌خواهد-شد ومطالباتیکه اتباع‌طرفین ازیکدیگر یااز خزانهٔ جانبین‌دارند بالتمام‌عاجلاً تأدیه خواهد شد .

فصل‌دوازدهم - طرفین‌معظمین معاهدین نظر بمنافع اتباع‌خود متفق‌الرای شدند که برای‌اشخاصی که دردوطرف رودارس دارای‌اموال‌غیر منقوله هستندمهلتی سه‌ساله قراردهند که مومی الیهم بتوانندآنرا بطور دلخواه بمبایعه ومعاوضه‌برسانند ولی‌اعلیحضرت امپراطور روسیه تاحدی که این‌شرط راجع بخوداوست حسین خان سردارسابق ایروان وبرادرش حسن‌خان و کریم‌خان حاکم‌سابق نخجوان‌را ازانتفاع مدلول‌شرط مزبوره مستثنی‌میدارد .

فصل‌سیزدهم - تمام اسراء جنگی راکه طرفین درهنگام محاربهٔ اخیره ویا قبل‌ازآن دست‌گیر کرده‌اند وهمچنین‌اتباع دولتین که دراوقات‌سایره اسیراً گرفتار شده‌باشند درظرف چهارماه مسترد خواهندشد .

بعد ازآنکه باین اشخاص ارزاق و اشیاء لازمه داده شد مومی‌الیهم را بطرف عباس‌آباد حرکت‌داده ودرآنجابه کمیسرهائیکه ازطرفین برای‌استرداد وتهیهٔ‌اعزام باوطان‌ایشان مأمورشده‌اند تسلیم خواهند کرد .

دربارهٔ اسراءجنگی واتباع‌دولتین که باسیری گرفتارشده وبسبب‌بعدمکان‌آنها ویابعلت دیگری‌درظرف مدت‌فوق مستردنشده‌اند طرفین‌معاهدین همین ترتیبات‌را

مرعی‌ومجری خواهندداشت .

دولتین‌ایران وروس‌مخصوصاً این‌حق‌رابرای‌خود قرارمیدهند که ای‌وقت کان این‌قبیل اشخاص‌را مطالبه نمایند وملتزم میشوند که هروقت‌خود اسراء اظهار کرده یااز طرفین مطالبه‌شدند مومی‌الیهم‌را مستردسازند .

فصل چهاردهم - دولتین‌معظمتین معاهدتین اخراج فراری‌ها وترانس‌فوژ - هائی‌را(۱) که‌قبل ازجنگها یادرمدت‌آن بتحت‌اطاعت وحکومت‌طرفین آمده‌باشند مطالبه نخواهند کرد .

ولی چون‌مناسبات خفیهٔ‌بعضی ازترانس‌فوژها باتابعین‌وهموطنان سابق‌موجب حصول‌نتایج مضره میشود لهذا محض دفع وجلوگیری این نتایج دولت علیهٔ ایران متعهد میشود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصیکه‌الحال‌یابعدهابه‌اسمه‌مشخص‌خواهندشدروانداردومقصوداز‌حدوداز‌یکطرف رود ارس وازطرف دیگر خطی است که بواسطهٔ رود جهریق و دریاچهٔ ارومی وورود جقتورورود غزل‌اوزن الی‌مصب‌آن دردریای‌خزر ترسیم میشود .

اعلیحضرت‌امپراطور کل روسیه‌نیز وعده‌میدهد که درخانات‌قراباغ‌ونخجوان ودر قسمت خانات ایروان که درسمت راست ارس واقع است ترانس فوژهای ایرانی نگذاردتوطن وسکنانمایند.

ولیکن‌مقرراست که این‌ماده‌صورت لزوم‌نخواهدیافت مگردربارهٔ اشخاصیکه طرف رجوع‌عامه یادارای بعضی‌مقامات دیگرهستند ازقبیل‌خوانین وبیکهاورؤسای روحانی یعنی‌ملاها که باعمال‌شخصی وتحریك ومناسبات خفیهٔ ایشان باعث سوء اثر دربارهٔ‌هموطنان‌وتابعین قدیم‌آنهامیشود وامادرخصوص‌نفوس عامه‌مملکتین مقرراست که‌اتباع‌دولتین که‌بممالك‌یکدیگر رفته یادرآتیه‌بروندآزادهستند که‌درهرجائیکه آن‌دولت یعنی‌دولتی که این‌اشخاص درحیطهٔ حکومت واقتدارآن درآمده‌اند صلاح داندتوطن‌وسکنانمایند .

فصل پانزدهم - چون قصدسلیم ونیت‌خیریت عمیم‌اعلیحضرت‌شاهنشاه‌ایران

---

۱ - کسیکه ازاردوی خود باردوی خصم رفته باشد

این است که ممالك خودرا مرفه‌الحال واتباع دولت علیه‌را ازتشیید مصائب وصدمات حاصلهٔ این جنگ که بسلم‌وسعادت ختم شده‌است مصون ومحفوظ دارد لهذا دربارهٔ تمام‌اهالی‌و کار گذاران آذربایجان عفوی کامل‌ورحمتی‌شامل مبذول‌میدارند‌بطوریکه هیچیك ازاین‌اشخاص چه‌بجهت‌عقاید ونیات‌وچه‌ازحیث‌رفتار و کرداری که درموقع جنگ‌یادرمدت تصرف‌ایالات مزبوره ازایشان بظهوررسیده مورد تعرض واذیت واقع نخواهدشد وعلاوه‌براین‌ازامروز مهلتی‌یکساله بآنهاداده‌میشود تااینکه بطور آزادی ازممالك‌ایران باکسان خود بممالك روسیه‌بروند واموال منقولهٔ خودرا بخارج‌حمل نموده وبفروش‌برسانند بدون‌اینکه دولت‌علیهٔ‌ایران یاکار گذاران محلی‌اندك‌ممانعتی نموده واز اموال واشیائیکه فروخته یابخارج حمل‌میشود حقوق ومرسومی دریافت یاتکلیفی درمورد آن بگذارند امادرباب اموال غیرمنقول بمومی‌الیهم پنج‌ساله مهلت داده‌میشود که اموال مزبوره‌را بفروش برسانند یابطور دلخواه انتقال وانتزاع نمایند

کسانیکه‌دراین مدت یکساله مجرم‌به‌جنحه‌وجنایت (کریم) (۱) ومستوجب سیاست‌معمولهٔ‌دیوانخانه‌شوند ازاین عفومستثنی خواهندبود.

فصل شانزدهم - وزرای‌مختار طرفین‌بمجرد امضای این‌عهدنامه صلح عاجلاً بتمام‌نقاط‌اعلام واحکام‌لازمه خواهندفرستاد که مخاصمه‌را بلاتأخیر ترك‌نمایند.

این‌عهدنامه که به‌نسختین وبه‌یك‌مدلول نوشته‌شده وبامضاءومهر وزرای‌مختار طرفین رسیده‌است بتصویب‌وتصدیق شاهنشاه‌ایران واعلیحضرت امپراطور کل‌روسیه خواهدرسید وتصدیق‌نامجات معتبره که دارای امضای ایشان‌بوده‌باشد درظرف چهار ماه‌ودرصورت امکان‌زودتر بتوسطوزرای مختارطرفین مبادله خواهدشد.

بتاریخ‌دهم ماه‌فوریه سال‌خجسته‌فال سنه۱۸۲۸ مطابق‌پنجم‌شعبان سنه۱۲٤۳ هجری‌درتر کمانچای تحریرشد.

---

1 – Crime

عهدنامه (۱)

تجارتی مابین ایران و روس در ترکمانچای

بتاریخ ۲۲ - ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۲۴۳ منعقد شده

فهرست مندرجات

فصل اول - تذکره ـ تجارت اتباع دولتین ـ ترتیبات راجعه به متروکات تبعهٔ روس .

فصل دوم - کنترات وسایر قراردادهای کتبی تبعهٔ دولتین و ترتیباتی که بآن راجع است ـ درباب تعهداتیکه مابین اتباع طرفین بوقوع میرسد ـ افلاس و رشکستگی

فصل سوم - مال التجاره دولتین وحقوقی که بآن تعلق میگیرد .

فصل چهارم - آزادی تجارت درصورت جنگ یکی از دولتین بادولت ثالثی

فصل پنجم - حقی که درتملیك بعضی مستغلات باتباع روس داده شده است ـ مصونیت خانه و مأوای تبعهٔ روس و ترتیباتی که درصورت تفحص باید معمول شود .

فصل ششم - بعضی اشیاء مأمورین روس که از حقوق گمرکی معاف است ـ درباب اتباع ایران که درخدمت مأمورین روس هستند .

فصل هفتم - محاکمات مرافعه مابین اتباع روس درایران - مرافعه مابین اتباع روس واتباع خارجه ـ مرافعه اتباع ایران و روس ـ ترتیباتی که در صورت تجدید رسیدگی بمرافعه باید منظور شود .

فصل هشتم - محاکمهٔ امور جنایتی اتباع روس درایران .

فصل نهم - مسئولیت کارگذاران دولتی درصورت تخلف از مداول عهدنامه .

---

۱ ـ وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل اولیای دولت علیه سنه ۱۲۲٤ لغایت ۱۱۳۹ نمره ۳۰ خطی

بنام خداوند متعال

فصل اول ـ چون طرفین معظمین معاهدین مایل هستند که اتباع خودرا از کلیه فواید ومنابعی که از آزادی تجارت حاصل میشود بهرمند سازند لهذا تفصیل ذیل را مقرر داشتند اتباع روس که دارای تذکرهٔ صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط ایران به تجارت اشتغال ورزیده ونیز بدول همجوار آن مملکت بروند درازای آن رعایای ایران هم میتوانند که از دریای خزر ویا ازسرحد خشکی که فاصل بین دولتین است مال التجارهٔ خودرا بروسیه وارد کرده وبمعاوضه رسانند ونیز درروسیه متاع دیگر خرید کرده وبخارج حمل کنند.

مومی الیهم درممالك اعلیحضرت امپراطور روس ازتمام حقوق وامتیازاتی که برعایای دول کاملة الوداد داده شده است بهرمند خواهد بود.

درصورت وفات یکی ازاتباع روس در ایران اموال منقوله وغیر منقولهٔ او نظر به تعلّق برعیت دولت دوست بالتمام باقوام وشرکاء او داده میشود ومشارالیهم درصورتیکه صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال وانتزاع دهند.

درصورت فقدان اقوام یاشرکاء اختیار اموال مذکوره بسفارت یاقونسول روس مقیم ایران واگذار خواهد شد بدون اینکه ازطرف کارگذاران محل ممانعتی بظهور رسد.

فصل دوم ـ کنترات وبروات وضمانت نامه وسایر قراردادهای کتبی که راجع بامور تجارتی است ومابین رعایای طرفین منعقد میشود در نزد حاکم (قاضی عرف) وقونسول روس ودرجائی که قونسول نباشد فقط درنزد حاکم ثبت خواهد شد تا اینکه درصورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازمه را بعمل آورده وعدلا رفع اختلافات نمود.

اسنادیکه بطور فوق الذکر تصدیق ونگاشته شده باشد درهرمحکمهٔ عدلیه معتبر خواهد بود واگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواهد باطرف مقابل ترافع نماید وبغیر ازشهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد شد مگر اینکه مدعی علیه اقامهٔ شهود اورا قبول کند.

تعهداتیکه بترتیب فوق الذکر مابین رعایای دولتین وقوع مییابد بدون کم و کسر مرعی ومعمول خواهد گردید واگر یکی ازطرفین ازاجرای مدلول آن امتناع کرده وباعث ضررطرف مقابل شود باید خسادت وارده را عهده نماید .

درصورت ورشکستی یکی ازتجار روس در ایران حقوق ارباب طلب ازاموال واشیاء شخص ورشکست داده میشود ولی اگر ازوزیر مختار وشارژدافر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق کرده ومعلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشار الیهم نباید درتحقیق این مسئله مساعی جمیلهٔ خودرا مضایقه دارند .

ترتیبات مقررهٔ دراین فصل بالمقابله درموردرعایای ایران که درروسیه درتحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت مینمایند مرعی ومعمول خواهدبود .

فصل سوم - محض اینکه تجارت اتباع مملکتین ازمنافعی که موضوع شروط سابق الذکر است بطور محکم بهرمند شوند مقرر میشود که از مال التجارهٔ که اتباع روس بایران وارد واز آن مملکت خارج میکنند ونیز ازامتعهٔ ایران که اتباع دولت علیه ازراه بحر خزر ویاازسرحد خشکی بین الدولتین بمملکت روسیه حمل مینمایندو هکذا از مال التجارهٔ روس که اتباع ایران از مملکت روسیه واز طرق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوق صدی پنج فقط یکدفعه درموقع ورود یاخروج دریافت شده وعلاوه بر آن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود .

دولت روس تعهد مینماید که درصورتی هم که لازم دانست دستورالعمل گمرکی وتعرفهٔ جدید برقرار نماید معهذا برحقوق صدپنج فوق الذکر چیزی نیفزاید .

فصل چهارم - اگر دولت ایران یاروس بادولت دیگری درمقام جنگ بوده باشدرعایای مملکتین ممنوع نخواهندبود ازاینکه بامال التجارهٔ خوداز خاك یکدیگر عبور کرده وبمملکت محارب روند .

فصل پنجم - چون موافق رسوم جاریهٔ مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه ومغازه وامکنهٔ وضع مال التجاره برای اجاره پیدامینمایند لهذا اتباع روس علاوه برحق اجاره مجاز میباشند که خانهٔ برای سکونت ومغازه وامکنه برای وضع مال التجاره

بحیطۀ ملکیت درآورند کارگذاران دولت علیۀ ایران مأذون نیستند که عنفاً داخل خانه‌ومغازه‌وامکنۀ مزبوره‌شوند درصورت‌لزوم بایدباستیذان وزیرمختار یاشارژدافر یاقونسول‌روس مراجعه کنند ومشارالیهم درکمان (۱) یایکی ازاجزاء خودرا مأمور خواهند کرد که درموقع معاینۀخانه یامال‌التجاره حضور بهمرسانند .

فصل ششم – چون وزیرمختار و شارژدافر اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت وقونسلها ودرگمانها اشیائی که متعلق بملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت‌معیشت آنها لازم‌است درایران‌پیدانمیکنند علیهذا مأذون‌هستند که بدون ادای‌حقوق وسایر تکالیف اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند .

دربارۀ مأمورین‌رسمی اعلیحضرت شاهنشاه ایران مقیمین ممالك روسیه‌رفتار بمثل‌ازاین حیث کاملاً منظور خواهدبود .

اتباع ایران که جزومن‌تبع وزیر مختار و شارژدافر یاقونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند مادامیکه درنزد ایشان هستند مانند اتباع روس و بالسویه ازحمایت آنها بهره‌مند خواهندبود .

ولی‌اگر یکی ازاین‌اشخاص مرتکب جنحه وبدین‌سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یاحاکم ودر صورت فقدان او کارگذاران محلی که حق‌این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسولی که شخص مظنون درخدمت اواست تسلیم‌مومی الیه‌را خواهند خواست واگر این‌عنوان مبنی‌بردلایلی است که تقصیر شخص‌متهم‌را ثابت‌مینماید وزیرمختار یاشارژدافر یاقونسول درقبولی این‌خواهش نبایدهیچگونه اشکالی‌نمایند .

فصل هفتم – تمام امور متنازع فیها ومرافعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق‌قوانین ورسوم دولت روسیه فقط برسیدگی وحکم‌سفارت یاقونسولهای

---

(۱) Drogman

اعلیحضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد (۱).

وهمچنین است اختلافات ودعاوی واقعه مابین اتباع روس واتباع مملکت دیگری درصورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نمایند.

اختلافات ومرافعاتی که مابین اتباع ایران وروس بظهور میرسد مراجعه بمحاکم شده رسیدگی وحکم آن بایددرحضور درگمان سفارت یاقونسولگری بعمل آید.

باین قبیل دعاوی که بروفق قانون عدالت ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود واگرتجدید رسیدگی لزوماً اقتضانمود بایدباستحضاروزیرمختاریاشارژدافر یاقونسول روس ودر حضور درگمان سفارت قونسولگری دریکی از دفتر خانهای اعلیحضرت شاهنشاه ایران که درتبریزودرطهران منعقداست تجدیدرسیدگی بعمل آمده وحکم داده شود.

فصل هشتم — چون وزیر مختار و شارژدافر و قونسول حق قضاوت در مادهٔ هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمهٔ آن راجع بمشارالیهم خواهد بود.

اگرشخصی ازاتباع روس یااتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید مورد هیچگونه تعرض ومزاحمت، نخواهد بود مگر درصورتیکه شراکت او درجنایت مدلل وثابت شود،

ودراینصورت ونیز درصورتیکه تبعهٔ روس بشخصه منسوب بمجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری ازطرف سفارت یاقونسول روس نباید بمسئلهٔ جنایت رسیدگی کرده وحکم دهند واگر درمحل وقوع جنحه سفارت یاقونسولگری وجودندارد کارگذاران آنجا مجرم را بمحلی اعزام خواهند داد که درآنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه بر قرار شده باشد حاکم وقاضی محل استشهاداتی را که برعلیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده وامضا منماید واین دوقسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده وبمحل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشتهٔ معتبر دعوی

۱ — مقصود این است که مرافعات مابین تبعهٔ روسیه باید رجوع بسفارت یاقونسول شود ومشارالیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده وحکم دهند.

محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کما هوحقه تقصیر شخص مجرم بثبوت رسیده و حکم صادر شد مومی الیه به‌وزیر مختار یاشارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که به‌روسیه فرستاده‌شده ودر آنجا موافق‌قوانین سیاست‌شود .

فصل نهم - طرفین معظمین معاهدین اهتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق‌النعل بالنعل‌معمول ومجری گردد حکام‌ولایات و رؤسا وسایرمأمورین دولتین درهیچ‌موقع از مفاد آن تمرد نخواهندنموو والا جداً مسئول و در صورتیکه مجدداً ازمفادآن تخلف کرده و کما هوحقه خلاف‌ایشان محقّق گردید مستلزم‌عزل خواهند بود .

علیهذا ما امضی کنندگان ذیل وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت‌امپراطورروس‌شرایط‌مندرجۀاین‌عهدنامه‌رامنعقدومقررداشتیم‌واین‌شرایط که‌متمّم‌فصل‌دهم عهدنامۀعمده است که امروزدرترکمان چای منعقد شده است همان اعتبارواستحکام‌را خواهدداشت کانه لفظ‌بلفظ درهمانجا درج‌شده‌باشد .

بناءعلیهذا این قرارداد جداگانه به‌نسختین نوشته شده بامضی ومهر ما رسید و مبادله گردید .

در ترکمان چای بتاریخ دهم فوریه سال نیکو فال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان‌سنۀ ۱۲٤۳ هجری

صورت مجلس (۱)

در باب تشریفات پذیرائی سفراء کبار و مأمورین سیاسی

در ترکمانچای بتاریخ ۱۰-۲۲ فوریه امضی شده است

وزرای مختار ایران و روس طبق فصل نهم عهدنامهٔ عمده امروز اجلاس کردند که برای پذیرائی سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرهائیکه از طرفین بدربار یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل ذیل را مقرر داشتند

بمحض اینکه وزیر ایران از ورود سفیر کبیر روس به تفلیس رسماً مطلع گردید بدون اتلاف وقت شخصی که رتبهٔ او مناسب شأن سفیر بوده باشد منتخب نموده تا سرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سر کردهٔ کل گرجستان را از عزیمت مهماندار یعنی شخصی که برای همراهی سفیر کبیر معین شده است مطلع داشته وروز ورود اورا بسرحد تخمیناً معین مینماید سفیر کبیر هم اهتمام کرده و مسافرت خودرا بطوری ترتیب خواهد داد که مقارن ورود مهماندار بسرحد برسد از وقتی که مهماندار سفیر کبیر را ملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت و عزت و احترام مقتضیه جناب معزی الیه خواهد بود .

درهر منزل استقبالی یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و چند نفر از معارف است با من تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد .

اگر سفیر کبیر درحاکم نشین ایالتی مکث نماید هیئت مذکوره در تحت ریاست خود حاکم خواهد بود و مشارالیه بجناب سفیر کبیر تهنیت و تبریك ورود گفته و معزی الیه را الی منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید .

---

(۱) وزارت خارجه ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه ورسایل دولت علیه سنه ۱۲۲۳ لغایت ۱۲۳۹ نمره ۳۰ خطی

درصورتیکه‌سفیر کبیر دریك‌شهری مکث نماید که‌حاکم آنجافرزنداعلیحضرت همایونی است حضرت معظم الیه وزیر خودرا برای تبریك و خوش آمد به استقبال معزی‌الیه میفرستد .

اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم‌الیه‌آید مشارالیه وتمام‌اشخاصیکه‌جزو سفارت‌هستند دعوت‌بجلوس‌شده وبجناب سفیرصندلی داده‌خواهدشد .

دررهگذر جناب‌سفیر هرجائی که قشون موجود است باید تحت‌السلاح بوده احترامات‌نظامی معموله‌را دربارهٔ معزی‌الیه مرعی‌دارند .

مهماندارا‌هتمام کرده ووزارت رابموقع ازورودسفیر کبیرمطلع‌خواهدساخت تااینکه وزارت‌بتواند تدارکات‌لازمهٔ ورودوپذیرائی رسمی‌مشارالیه‌را بعمل‌آورد .

وقتی که‌سفیر کبیر به‌آخرین منزل‌پایتخت‌یابه‌آخرین منزل‌اردوی‌همایونی رسیدشخص معتبری مشارالیه‌را ازطرف اعلیحضرت‌همایونی خواهدپذیرفت .

در نیمهٔ راه الی پایتخت یانیمهٔ راه ازاردوی همایونی هیئت محترمی ازطرف اعلیحضرت‌شاهنشاهی بریاست‌یکی‌ازرجال‌درباراستقبال جناب‌معزی‌الیه‌خواهدآمد

وعساکرساخلوی‌شهر یاعساکراردوبجناب‌معزی‌الیه‌پیش‌فنگ‌زده واحترامات نظامی لازمه‌را معمول‌خواهندداشت ورئیس‌مستقبلین‌همایونی فی‌الفور سفیر کبیررا بمنزلی که برای مشار الیه مهیا شده و در آنجا گارد دونور (۱) گذارده شده است راهنمائی خواهد نمود فردای ورود سفیر کبیر وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی‌الیه خواهندآمد وپس‌فردای آن‌جناب سفیر کبیررسماً بحضورهمایونی مشرف خواهدشد .

ایشیك آقاسی‌باشی در ساعت مقررآمده وبجناب معزی‌الیه اطلاع‌خواهدداد که‌برای‌پذیرائی‌او همه‌چیزمهیاست پس‌ازآن جناب سفیر کبیربترتیب ذیل‌حرکت خواهد کرد .

فراشان شاهی در جلو و عقب آنها یك‌قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود

---

(۱) گارداحترام

سفیر کبیر درحالتیکه اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یااسب خودرا سوار میباشند یکنفر ازمیرآخوران همایونی درجلوی معزیالیه وهیئت سفارت درطرف دست راست و ایشیك آقاسی باشی درطرف دست چپ وشاطران سرکاری در جنبین حرکتمینمایندبلافاصله قسمتیاز گاردیاازپیشخدمتانخودجنابمعزیالیهودرعقب آنهافراشان همایونیمیآیند .

عساکریکه در درون قصر یا درارد وی همایونی الی محل دخول بحیاطهای خلوت یاسراپرده گذاردهمیشوند بسفیر کبیرپیشفنكخواهندزد وایشیكآقاسیباشی کهدرجلوسفیر کبیرمیرود سعیخواهد کرد که تماماشخاصیکه درمدخل گذرجناب معزیالیههستندسرپاایستند .

سفیر کبیر درمحل دخولبحیاطهای خلوت یاسراپرده پیادهشده بمنزلوزیر اول یابچادر سپهسالار رهنمائی شده ودر آنجا تا بیرون آمدن اعلیحضرت همایونی منتظرمیشود .

پس از آن ایشیك آقاسی باشی جلو افتاده و جناب سفیر کبیر بامنتبعخود بحیاطهای خلوت یاسراپرده داخلمیشود .

گاردیاپیشخدمتانجنابسفیر کبیر درمحوطهٔخارجیماندهوایشیكآقاسیباشی ورود سفیر کبیر را بعرض رسانیده وازطرف اعلیحضرت همایونی معزی الیهراتکلیف بجایگاه مخصوص یاچادرمینماید .

جناب سفیرباتمام منتبعمجاز بدخولخواهدبود ودرهیچمورد نهبسفیر کبیر ونهباتباع معزیالیه تکلیف نخواهدشد که لباسی را که دربردارند تغییر دهند لیکن جناب معزی الیه ومنتبع اوسعی کرده و گالشیبرایخود تحصیل خواهند نمود که درمحلدخول بجایگاهمخصوص یاچادر بیرونآورند .

اعلیحضرتهمایونی بعدازنطقسفیر کبیرایشانرادعوت بجلوسفرمودهوصندلی بجنابمعزیالیه دادهمیشود بعداز ختممجلس سفیر کبیر بهمان ترتیبی که آمدهاست مراجعت خواهندنمود بدوناینکه بمنزلوزیر اعظمیاسپهسالار داخلشود پس ازاین شرفیابی ازکسانیکه بدیدناو آمدهاند بازدیدخواهد کرد .

برای وزیر مختار یاشارژدافر روس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحبمنصبانی که باستقبال ایشان فرستاده میشوند دررتبهٔ پستتر واجزاء آنها درعده کمتر خواهند بود و تمام ساخلو برای مشارالیهم بیرون نخواهد آمد فقط عساکر قراولخانه بمشارالیهم پیش فنگ میزنند .

وزیر اول اعلیحضرت همایون درملاقات سبقت نمیکند ولی بدون تأخیر درروز بعد ببازدید ایشان خواهد رفت .

اگر سفیر کبیر یاوزیر مختار وشارژدافر حامل نامهٔ ازطرف سلطان خود بوده باشد اعلیحضرت همایونی آنرا بدست خودشان ازاو خواهند گرفت .

همین تشریفات نیز درروسیه دربارهٔ سفرای کبار ووزرای مختار وشارژدافرهای ایران که بسمت مأموریت بدربار پطرسبورغ میروند مرعی ومجری میشود لیکن تفاوت رسومات جاریهٔ مملکتین هم منظور خواهد بود .

اینصورت که به نسختین نوشته شده وبامضی ومهر وزرای مختار طرفین رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در عهد نامهٔ عمدهٔ امروز مندرج شده باشد .

در ترکمان چـای دهم فوریه سال نیکو فال سنهٔ ۱۸۳۸ مطابق پنجم شعبان سنهٔ ۱۲٤۳ هجری .

II ـ منابع ومآخذ

۱ ـ اسناد رسمی

الف ـ وزارت خارجهٔ ایران : اسناد رسمی وزارت خارجهٔ ایران عهدنامجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه طاب ثراه و رسایل اولیای دولت علیه سنهٔ ۱۲۲۴ لغایت ۱۲۴۹

نمرهٔ ۳۳ خطی

ب ـ وزارت خارجهٔ فرانسه : اسناد رسمی وزارت امور خارجهٔ فرانسه تا ۱۸۷۱ (۱) :

پروندهٔ شمارهٔ ۸ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۵ مکاتبات اسلامبول ـ بغداد ـ بصره حلب وغیره .

پروندهٔ شمارهٔ ۹ ایران از ۱۷۵۸ تا ۱۸۰۸ ژوبر وروميو مأمورین اعزامی از طرف دولت فرانسه مکاتبات اسلامبول وبغداد و بصره و حلب وغیره

پروندهٔ شمارهٔ ۱۰ ایران از آوریل تا دسامبر ۱۸۰۸ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی ژنرال گاردان

پروندهٔ شمارهٔ ۱۴ ایران از ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹ اسناد و مکاتبات هیئت اعزامی گاردان

ج ـ اسناد بایگانی ملی فرانسه : قسمت وزارت امور خارجه دورهٔ کنسولی وامپراطوری (۲) .

---

1) ARCHIVES DU MINISTERE DES AFFAIRES ETRANGERES : Etât numérique des fonds de la correspondance politique de l' origine à 1871 . Paris , Imprimerie Nationale MXXXVI , Inventaire des Archives du Ministére des Affaires Etrangéres .

2) ARCHIVES NATIONALES; Fonds de la Secrétairerie d'Etat. Consulat et Empise R . F . IV . 1686 .

د ـ **اسناد بایگانی ملی دولت انگلستان :** لندن تالار مطالعات و تحقیقات ادبی بخش ۳ فهرست اسناد وزارت امور خارجه تا ۱۸۷۸ (۱) .

جلد اول ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۸ سر هارفورد جونس و مسائل مختلف مربوط با وضاع داخلی

جلد دوم ۱۸۰۹ « « « « « « «

جلد سوم ۱۸۱۰ « « « « « « «

جلد پنجم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ « « « « « «

جلد ششم ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۲ از ژوئیهٔ سر گور اوزلی

جلد هفتم ۱۸۱۲ از اوت تا دسامبر « «

جلد هشتم ۱۸۱۲ سر گور اوزلی و مسائل مختلف داخلی

جلد بیست و پنجم ۱۸۲۵ هانری ویلوك

جلد بیست و هفتم ۱۷۲۶ « «

جلد سی ام ۱۸۲۷ ـ ۱۸۲۸ مسائل داخلی صادق بیك و مسائل مختلف

۲ ـ کتب و مجلات فارسی

ابوالقاسم حسینی فراهانی قائم‌مقام : منشآت چاپ تهران شعبان ۱۲۸۰

حاج میرزا حسن حسینی : فارسی نامه ناصری تهران ۱۳۱۳

رضاقلیخان هدایت : روضة‌الصفا ناصری تهران ۱۲۶۹

عبدالرزاق ابن نجفقلی : مآثر سلطانیه چاپ تبریز ۲۱۴۱

محمدتقی سپهر لسان‌الملك : ناسخ‌التواریخ تهران ۱۲۶۷

محمدحسن خان اعتمادالدوله : منتظم ناصری تهران ۱۲۹۸ ـ ۱۳۰۰

محمدحسن خان صنیع‌الدوله : مرآت البلدان ناصری تهران ۱۲۹۴

محمدصادق مروزی خراسانی : تاریخ جهانگشای مروزی

---

1 : PUBLIC RECORD OFFICE : London , Litterary search room Departments3 L · II List of Foreign Office records TO 1978 Persia FO 60 .

مولوی ابوالوالی: وقایع تسلط روسیه بر آسیا و ولایات خان‌تر کستان چاپ بنگال ۱۲۰۰

مجلهٔ آینده :

مجلهٔ کاوه : مقالات مربوط بروابط ایران و روس بقلم آقای جمال‌زاده

۲ ـ کتب و مجلات خارجی

1-OUVRAGES

ALEXANDER J.E.—Travels from India to England, comprehending a visit to Burman Empire and a journey through Persia, Asia Minor, European Turkey, etc,, in the years 1825-26. London, Allen and C°, 1827 in 8°.

DEHERAIN Henry— Lettres inédites de membres de la mission Gardane en Perse (1807-1809) Revue de l'Histoire des colonies françaises, 1923, XVI. IV, en trimestre

DROUILLE Gaspard.—Voyage en Perse fait en 1912 et 13. Paris La Librai. Nationale et Etrangère, 1825 deux volumes in 8°.

DUPRE Adrien,—Voyage en Perse fait dans les années 1807-08 et 09. Paris, Paris, J.sG. Dentu, Imprimeur Libraire 1819, 2 vol. in-8°.

FERRIER (J. P.—Voyage en Perse, dans l'Afghanistan, le Béloutchistan et Turkestan, Paris, E'Dentu 1860 9 vol. in-8°.

FEUVRIER (D).—Trois ans à la Cour de Perse: Imprimerie Nationale, 1906, in-8°.

FLANDIN Eugène.—Voyage en Perse. Paris, 1843-54, Deux volumes in-8°.

FRFYGANG Fredirika et Wilhelm Von.—Lettres sur la Caucasie et la Géorgie, suivies d'une relation d'un voyage en Perse 1802 (traduit de l'allemand par M. de Sreve, Ministre de Russie à Hambourg), Hambourg, Purthes et Bresser, 1816. in-8°.

GARDANE (Comte Alfred de).—Mission du Général Gardane en Perse sous le Premier Empire. Paris Librairie de A'-D. Lainé, 1865, in 8°.

GARDANE (Général) Journal d'un voyage dans la Turquie d,Asie et la Perse, fait en 1865, in 8 Paris le Normand, 1809, in-8°.

GOBINEAU (Comte de).-Trois ans en Asie de 1855 à 1858. Paris Hachette, 1859, in-8° Edit 1905.

JAUBERT P. Amédée.—Voyage en Arménie et en Perse fait dans les années 1805 et 1806 Pélicier, 1821, in 8°.

JOHNSON (Lt-Colonel John).—A Journey from India to England, Persia, Georgia, Russia, Poland and Prussia, in the year 1817-London, Longmans 1818, in-8°.

MORIER Jacques (James).—Voyage en Perse, en Arménie, en Asie Minieure et à Constantinople, fait dans les années 1808 et 1809. Traduit de l'nn-glais par M. X-., Paris, Nepveu Librairie, 1815, 2 sol. in-8°.

MORIER Jacqûes (James).—Second voyage en Perse, en Arménie et dans l'A-sie Minieure, fait de 1810 â 1816, Traduit de l'anglais par M,N,..Pa-ris, Librairie de Gide Fils 1818.

NESSELRODE (Comte de).—Letters et papiers du Chancelier Comte de Nes-selrode, extraits de ses archives, publiés et annotés, avec une introduc-tion par le Comte A de Nesselrode. Paris, A Lahure 1908-1912). XI vol. in-8°

OUSELEY (Sir William).—Travels in various countries of the East, more particularly in Persia, 1810-12, London, 1823, 4 vol. in-foi.

BERARD Victor.—La révolte de l'Asie, Paris, A, Colin. 1904, inè8°.

—L'Empire Russe et Tsarisme Paris Armand Colin, 1905 in-8°.

—Rêvolutions de la Perse, les provinces, les peuples et le gouverne-ment du Roi des Rois, Paris, A Colin, 1910.

BLOCHET E —Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Natio-nale de Paris, 4 vol. Paris, 1905 1934,

BROWNE E.G,— A history of Persian Literature in modern Times. A.D. 1500 1924. Cambridge. At the University Press. 1924 in-8°.

CHAMPOLION FIGEACE,—Histoire de la Perse. Paris 1859, in-8°.

CROZIER (Comte de).—Les intéréts européens en Asie, Paris 1873, in-7°.

CURZON (Lord George Nataniel).—Persia and Persian Question, London, Longmans, 1892, 2 vol. in-8°.

DARMESTETER James.—Coup d'oeil sur l'histoire de la Perse. Paris, E.Le-roux, 1885, in-8°.

DEBIDOUR A.—Histoire diplomatique de l'Europe. Paris, F. Alcan, 1931' 2 vol. in-8°.

DEMORGNY Gustave.—La question persane et la guerre' Paris, Le Renier, 1916. in-16°.

DICTIONNAIRE DIPLOMATIQUE.=Puhlié sous la direction de A-F. Fran-guilis, Paris, 1933, 2 vol. in-4°.

DRIAULT (J. Edouard.—Napoléon à Finkenstein (avril-mai 1807), Paris, Plon, 1899. in-8°.

—La quesrion d'Orient depuis ses origines jusqu'à nos jours. Paris, Fe-lix Alcan. 1921, in-8°.

DUBEAUX Louis.—La Perse. Paris, Firmin-Didot Frères, 1841, in-8°.

DUMAS (Général J.B.).—Un fourrier de Napoléon vers l'Inde„ Paris, Henri.

Charles Lavauzele, éditeur militaire, 1915, in-8°
DUMONT.—Supplément au corps universel diplomatique du droit des gens. Amsterdam, 1739.
DUTEMPLE Edmond.—Les Kadjars. Paris, Dentu, 1773, in-8°.
ENCYCLOPEDIE DE L'ISLAM.—Lerden, 1913.
FONTANE F.—La Russie en Asie Minieure. Paris 1840, in-8°.
FRASER James B.—An histörical and descriptive account of Persia from the earliest ages to the present times. Including a description of Afghanistan and Beloutchistan. Edinburg Cabinet Library, Edinburg, 1834, 1866, in-8°.
GILLET Damiette.—La Perse dans l'équilibre politique universel Paris, F. Dupont, 1866, in-8°.
GRANDE ENCYCLOPEDIE.—1885-1901. Paris H. Lamirault et Cie, 31 vol. in-4°.
GROUSSET René.—Histoire de L'Asie Paris, 1914, 3 vol. in-8°.
JOURDAIN A.M.—La Perse ou Tableau de l'histoire du gouvernement, de la religion, de la littérature, etc., de cet Empire. Des mœurs et coutumes de ses habitants. Paris, Ferra Librairie 1814, 5 vol. in-S°.
KLOPROTHE Jules.—Tableaux historiques, ethnographiques et politiques du Caucase et des Provinces limitrophes entre la Russie et la Perse Paris, Ponthieu, etc., 1827, in-8°.
LA MAMYE DE CLAIRAC C.A.—Histoire de Perse depuis le commencement de ce siècle. Paris. 1750, 3 vol.
LAVISSE et RAMBAUD E.—Histoire Gênérale. Paris, A. Colin, 1892-1901 in-8°.
LE BRUN RENAUD (Capitaine).—La Perse politique et militaire au XIX° siècle Histoire de la dynastie des Kajars (1703-1804) Paris, L. Boudoin, 1894, in-8°.
LEFEBVRE Georges.—Napoléon. Peuples et civilisations, Histoire Générale, T. XIV. Paris, Félix Alcan, 1935, in-8°.
MACKENZIE (Sir D. Wallace).—Tarik-rouss of Persian translation of «Russia» Laknau, 1888 (D.M. 14773 F. 9). Département de manuscrits du du British Museum, in-8°.
MALCOLM (Sir John).—Histoire de la Perse. Paris, 1821. Pillet Aîné, 4 vol' in-8°.
MALCOLM (Sir John).—Histoire de la Perse. Paris 1821. Pillet Aîné, 4 vol.
MARKHAM Clément R.—A general sketch of the history of Persia, London, Longmane, Green and C°, 1884, in-8°.

MAHAN L. T.—The Problem of the Asia and its effects upon internatio-nal policies. London, S.Low, 1900. in-16°.

MARTIN DAFTARI.—La suppression des capitulations en Perse, Paris, 1930, (Thèse).

MELICOT Jean-Louis (D). La Révolution russe et les nouvelles républiques Transcaucasiennes: Paris, Félix Alcan 1920, in-8°.

MELIOUKOV P., SEIGNOBOS Ch. EISENMANN L.—Histoire de la Russie Paris, Librairie Ernest Leroux, 2 tomes in-8°.

MINORSKY V.—Esquisse d'une histoire de Nader-Chah. Pub. de la S.E.I., Paris, 1934, in-8°.

PAWLOVITCH M.—La brigade russe en Perse. Paris, F. Leroux, 1911 in-8°.

PERRIN Narcisse.—La Perse ou l'histoire, mœurs et coutumes des habitants de ce royaume. Paris Nepveu Librairie. 1825, 7 vol. in-16°.

PRENTOUT Henri.—Histoire de l'Angleterre. Paris Hachette 1920, 3. édition, 2 vol. in-16°.

RAFFENEL C—D.—Résumé de l'Histoire de la Perse depuis I. origine de l'Empire des Perse jusqu'à ce jour. Paris Lecointe et Durey, 1825. in-12°.

RAMBAUD Alfred.—Histoire de la Russie depuis les origines jusqu'à l'année 1813, in-80°.

RAWLINSON (Sir Hénry) Major général.—England and Russia in the East. London, 1813, in-8°.

RECLUS Elisée.—Nouvelle géographie universelle. La terre et les hommes. Tome IX, Asie, Antérieure, Paris, Hachette, 1884, grand in-8°.

RIEU Ch.—Caralogue of Persian manuscripts in the British Museum. London, 1879-95. 4 vnl.

SAINT YVES G.—A l'assaut de l'Asie, Paris 1901, in-8°.

SYKES (Sir Percy) Brigadier Général.— A History of Persia. London, Macmillan and C°. in two volumes, third edition, 1930, in-8°.

THIEURY Jules—Documents pour servir à l'étude des relations entre la France et la Perse, suivis des traités de commerce conclus entre ces deux pays, Evreux, Imprimerie Auguste Herissey. 1866, in-4°.

VAMBERY Arminius.—The coming struggle of Russia in central Asia. London, 1885. in'8°.

VIDAL DE LABLACHE P. et L. GALLOIS. Géographie universelle. Tome VIII. Asie occidentale, par Raoul Blanchard. Paris Armand Colin. 1936 in-8°.

WATSON Robert Grant.—A History of Persia from the beginnin gof the

XIXth century to the years 1858, with a review of the principal events that led to the establishment to the Kadjar dynastic. London, 1860, in-8°.

WUSTENFELS MAHLER'SCHE VERGLEUCHUNGS—Tabellen der Mohammedanischen ung Christlichen Zeitrecherung. Leipzig 1926, Deutsche Morgenlandische Gesellschaft.

WILSON (Lt-Colonei) Sir Arnould.—Persia Loudon, 1909.

A Bibliographie of Persia. Oxford, 1930. in-8°.

V—*Revues consultées.*

Ayendeh.

Blackwood's Edinburg Magazine.

Calcuta Revinw (The).

Colburn's United Service Magazine.

Kaveh.

Nouvelles Annales des Voyages et des Sciences géographiques.

Quarterly Review

Review Britannique.

Revue de France (La).

Revue de l'Histoire des Colonies françaises.

Revue du Monde mumulsan.

Shatq.

B. *Principaux articles.*

ABOL-QASSEM-QAIM-MAQAM.—Letters d'Abbas Mirza à l'Empereur de Russie, publiées dans la Revue Ayendeh. revue politique et littéraire persane Par le Dr. Afchar T.H. Esfand, 1936.

BLACKWOOD'S EDINBURGH MAGASINE.—War between Persia and Russia, Vol. XXII, April 1828.

CALCUTTA REVIEW (THE).—Our political relations with Persia. From:

1. Progress of Russia in the East. 2nd Ed. 1838.
2. Quarterly Review, n° CXXVII, art. 7.
3. Foreign Office Correspondance relating to Persia and Afhanistan, presented to both Houses of Parliament by her Majesty's command, 1839.
4. Records of the Indian Government,
S. The «Bombay Times». Etc.

Vol. 2XII, Sie 3, Calcutta, July 1849.

DEHERAIN Henri,—Lettres inéedites de Membres de la Mission Gerdane en Perse, publiées dans la Revue de l'Histoire des Colonies Françalses.T.

XVI. Paris, 1123.

DERLIEU André.—Une Ambassade française sous l'Empire, 1806, Publié dans Revue Britannique. T. XX. 7° Sie. Paris mars 1154.

DJAMAL ZADEH.—Ravabet-Irano Russe. Publié dans le revue Kaveh (persan) Djamal Zadeh. écrivain persan, a fait ses études de droit en France. Il est l'auteur de Guandj_Chaïguan. ouvrage économique sur la Perse ses articles, très bien informés, il fait l'histoire des relations russo-iraniennes depuis l'époque moscovite jusqu'en 1135 H.L. (Moharram): (Octobre 1622), chute de Shah-Sultan-Hossein.

NOUVELLES ANNALES DES VOYAGES ET DES SCIENCES GEOGRAPHIQUES.—Relations du meurtre de Gribidoff, t. 48 de la collection et t. 18 de la 2° série, 1830

PASKE (Colonel) E.H,). The relations of Persia with Russia, publié dans Colburn's United Service Magazine, Old Sie vol. CXIX, n° 714. New Sie, vol. L, n° 1, Octobre 1888.

POZZI Jean.—La France et l'Iran, publié dans la Revue de France, janvier 1937.

QAHRAMAMI.—Série de documents historiques publiée dans la revue Sharq T.I. Mehr-Farvardin_Tir-Chahrivar- Azar 1310.

SHELL Lady.—Persia, publié dans Quarterly Review (The). 101, n° 201—02. London, April 1857.

X...—La situation politique de la Perse, dans la «Revue du monde Musulman» T. XXVII. Paris (Juin 1914,) in 8°.

TAKAICHVILI M.—La Géorgie et la Perse au XVII° siècle, Publié dans la «Revue du monde Musulman», T.X. Paris, janvier 1910.

III اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

III. اسامی اشخاص و طوایف و معاهدات

حرف «الف»

ابدالیها : ۱۵
ابراهیم‌خان ،۲۲۰،۹۶،۲۷
ابراهیم‌شاه:۲۹
البصوف : ٦٧
ابوالفتح خان بختیاری : ۲۹،۲۱
ابوالحسن‌خان : ۲۲۷
احمد پاشا : ۲۹،۲٤
احمدخان ابدالی : ۲۹
احمدخان درانی : ۲۹
احمد حسینی : ٦۵
احسان خان :۲۳۳
اخته خان :٤٦
آدریس : ٦٧
آدرین دوپره: ۷۵
ارامنه :۱۳
ارتمی‌والنکی :۱٤،۱۳
اردلان :٦٤
ارکلی :٤٤،٤۳،٤۱،٤۰،۳۹،۳۸،۳۷
ازبکان:۱۹۱،٤۸،٤۵،۳۳،۱۸
۱ ـ استراتفورد کانینک :۱۵٤،۱۵۵،
۱٦۳،۱۵۷،۱۵٦
۲ ـ اسحق‌خان قرائی: ۱۸۵،۱۷٤
اسکالن :۱۲۰،۱۰٦
اسکندر میرزا :۲۰۸،۱٦۷
اسمعیل بیك :۲۰
اسمعیل‌میرزا :۲۱۷،۲۰۸
اشاقه باشی : ۳٤،۳۳
اشرف :۲٤،۲۳،۲۲،۱۷
اصانلو :٦۹
آصف‌الدوله :۲۳۳،۲۲٤،۲۱۱،۲۱۰
۲۵۱،۲٤۰
اصلانی :٦٦
آغامحمد خان: ٤٤،٤۳،٤۲،۳۲،۳۱،۲۸
۱۰٦،۲۵۷،۵۳،۵۲،۵۰،٤۸،٤٦،٤۵
۵٤،۸۷،۸۸،۹۱
افاغنه :۳۹،۳۳،۲۹،۲٤،۱٦،۱۳،۱۱ -
۲۸۳،۲۷۷
افشار :٦۹،٦٦،٦٤
اکراد باباجانی (ایل) :٦٤
آلبعبش (ایل) :٦٧
البصوف (ایل) :٦٧
آلارلو :٦۹
الکساندر : ۱۵٦،۱٤۸،۱۳۸،۱۳٤،۸۹
۲۰۹،۱٦۳،۱٦۲،۱۵۹،۱۵۸،۱۵۷
۱۸۲،۱۹۲،۲۰۵،۲۰٦،۲۰۷
الکساندریرملوف:۱۹۰
ال کثیر(ایل) :٦٧
الله‌یارخان :۲۱۰
الیزابت پول :۹۲
الیزه رکلو :٦۲
امامقلی میرزا :۲۸
امپراطریس کاترین :٤۹
امیرالدوکرس :۱۱۹
امیرخان :۲۳۳،۲۲۰

امین‌الدوله : ۲۷۵
آنتونی جنکینسن :۹
اوانس پیت کارن :۱۰۹
اورنك زیب : ٤٥
اوسترمن :٤٢، ٤٩
اوسیوند (ایل)٦٥
اولیویه :٤٦، ٤٧، ٤٨
ایکائو (ایل) : ٦٩
ایلات کرد :٦٤
ایل‌زند :۳۰
ایل قاجار :٤٥
ایل قرائی : ۱۸۵
اینانلو (ایل) :٦٦، ٦٨
ایوان مخوف :۸، ۹
ایوان واسیلویچ :۷

حرف «ب»

بابا احمدی (ایل) :٦٥
باباخان :۵۲
باسری (ایل) :٦٦
باران زائی (ایل) :٦٨
بارون ورد : ۱٤۹
باگراتی : ۱۵
بالاگریوه (ایل) :
بالاوند (ایل) :٦٥
باوی (ایل) :٦٦
بایندر ایل) :٦٨
بایروند (ایل) :٦٨
بایزید : ۱۱۲
بچاقچی (ایل) . ٦٨
بخارست : ۱۵۷، ۱۵۹، ۱٦۰، ۱٦٦
بختیاروند (ایل) : ٦٥
بختیاری (ایل) ٦٥
بدوئی حاجی (ایل) : ٦٨
بدوئی قلعه سنگی (ایل) :٦٨
برآفتابی (ایل) : ٦٦
برتران :۱۲۰
برمان (ایل) :٦٨
برونیر :٤٦، ٤٧، ٤٨
بساطین (ایل) :٦۷
بیگی جان : ٤٦
بگدلی (ایل) :٦٦
بیگزاده حیدری (ایل) :٦۹
بلوچستان : ٦۷
بلوچ گل بخشی : (ایل)٦٨
بن‌تان :۱۲۵
بنی طرف (ایل) :٦۷
بوربن :٤١
بوسکاکوف :۱۸
بویراحمدی (ایل) :٦٦
بهارلو (ایل) ٦٦
بهتوئی (ایل) : ٦٥
بهمن بیگلیو (ایل) ٦٦
بیات سست (ایل) ٦٦
بنیچه (ایل) ٦٦

حرف «پ»

پاولوویچ : ۸۱
پشتکوه : ٦٥
پرنس کنستانتین : ۲۲۷

پطر کبیر :۲۵۳۵
پل اول : ۳۸،٤۹،۵۰،۸۱،۸۹،۱۱۳
پلاتن زوبوف :۵۰

حرف «ت»

تاتار ،۳۹
ترکمانچای:۲٦۲،۲٦۱،۲۵۹،۲٤۸،۲٤۷
۲۲۹،۲٤۳،۲٤٤،۲٤۵،۲٤٦
ترکمن :٤٤،٦۸،۱۸٤
ترکی (ایل) :۳۳
ترموسوف :۱۵۳،۱۵٤
تزار :۱٤۷،۱٤۸،۱٤۹،۲۰٦،۲۰۷،۲۲٦
۲٤۵،۲٤۹،۸٦،۸۸،۱۳۸،۱۳۹
توپال عثمان : ۲۵
تیلکو :٦٦
تیمورتاش (ایل) :۵۵

حرف «ث»

ثمرنیان (ایل) :٦۹

حرف «ج»

جاویدی (ایل)٦٦
جلیل وند (ایل) :٥٦
جمس موریه : ۱۸۸
جمشید زهی (ایل) :٦۸

حرف «چ»

چاکی (ایل) :٦٦
چرام (ایل) : ٦٦
چنانه (ایل) :٦٦،٦۷
چهارگنبدی :٦۸
چهارلنك : ٦۵

حرف «ح»

حاجی ابراهیم :۳٦،۵۲
حاجی بابا :۱٤۵
حاجی میرزا ابوالحسن خان:۱٤۵
حاجی‌میرزا آغاسی :۱۸۱
حاجی یوسف :۱۸٤
حسن‌خان :۲۱۹،۲٤٦
حسن‌خان صاری اصلان :۲۰٤
حسنوند (ایل) :٦۵
حسین خان : ۱۷۲،۲۳۱،۲۳۲،۲٤٦
حسین قلی‌خان :۳٤،۵۲،۵۳،۵٤
حسین‌علی میرزا شجاع السلطنه :۲٤۱
حویزه ٦۷
حیرت افندی : ۱۵۸

حرف «خ»

خامس‌لو :٦۸
خسرومیرزا : ۲۵۳،۲۵٤
خواجوئی : ٦۸

حرف «د»

داماد ابراهیم :۲٤،۲۹
داود خان :۲۲۰
داود خان :۲۲۰
داوید :۸۹
دبیچ :۲۲۹،۲۳۱
دره‌شولی (ایل) :٦۵
دشتی (ایل): ٦۵
دشت یاری :٦۸

دکتر کامپبل :۱۷۵
دکتر کرومك :۲۱۰،۲۱۱
دوك دوسرا کاپربولا :۱٦۳
دوبلانش :۱۱٦
دوبوناك :۲۱
ده‌ناهو (ایل) ٦۸

حرف « ر »

رحیمی (ایل) :٦٦
رضا شاه کبیر : ۲٦٤
رضاقلی خان :۲۵۵
رماوند (ایل)
ریموندور نیناك: ٤٦
روبرت ادر : ۱۵۳
روبرت‌شرلی :۱۰
روبر گوردون :۱٦٦،۱۵۵
روسو :۱۰٦،۱۲۰
رومانف :۱۱
رومیو :۱٤۰،۱۱٤
ریشارد :۹
ریشارد شانسلور ۸
رئیسی (ایل) ٦۸

حرف «ز»

زردکوهی (ایل) ٦۸
زرگراو(ایل) :٦۸
زند :۳۵
زنگنه (ایل) :٦٦،٦۵
زکیخان :۵۳
زمانشاه :٤٦،۵۵
زیروندی (ایل) :٦۸
زنیل وند (ایل) :٦۵

حرف « ژ »

ژان فرانسو اروسو : ۱۰۷
ژرژسوم : ۱٤۵،۱٤٤
ژرژ سیزدهم : ۸۹،۸۸
ژرژ کانیك : ۲۱۳،۲۱۲،۲۱۱،۲۱۰،۲۰۹
۲۰۸،۱٤۵،۱٤۳،۱٤۲
ژنرال آریستوف : ۲۳۷،۲۳۸
ژنرالی پاسکوویچ :۲٤۰،۲۳۹،۲۳۸،۲۳۷
۲۳٦،۲۳۵،۲۳٤،۲۳۳،۲۵۳،۲٤۵
۲٤۳،۲٤۲،۲٤۱
ژنرال پولوچی :۱۵۸
ژنرال نزموسوف : ۱٦۲،۱۵۱،۱۵۰
۱٤۹،۱٤۷
ژنرال چیت چاقوف:۱۵۹
ژنرال حق وردی:۱٦۸،۱٦۷
ژنرال دوریچف :۱۸۵،۱۷۳،۱۷۲،۱۷۱
۱٦۹
ژنرال شفت :۹۵
ژنرال کاردان ۱٤۳،۱٤۰،۱۳۹،۱۳۸
۱۳۷،۱۲۹،۱۱٦،۸۱
ژنرال کراکوفسکی :۲۳٦
ژنرال کلوت : ۸۷۲
ژنرال کوتلوروویسکی ۱۷۵،۸۷۱
ژنرال کودوویچ ۱٤۵،۹٦
ژنرال کوتوزوو : ۱۵۰
ژنرال کولیکسوف :۸۹

ژنرال لیسانیوویچ:۸۷۲
ژنرال نیکولادوریچف :۱۴۷،۱۶۸
۱۶۲،۱۶۶
ژنرال یرملوف :۲۰۹،۲۱۲:۲۲۴
ژوآنن :۱۲۰
ژوبر :۱۴۰

حرف «س»

ساری جعفر(ایل):۶۹
سایکس: ۱۰۸
سرجان‌ملکم : ۴۶،۵۱،۱۲۹
سرخای خان‌لرگی ۲۲۰
سرهار دفورد جونس :۱۴۸،۱۵۵،۱۵۷
۲۸۰ ۱۰۳،۱۰۴،۱،۷،۱۳۰،۱۴۶
۲۷۵
سر کوهی(ایل):۶۸
سرگوراوزلی .۱۴۶،۱۶۳،۱۶۵،۱۶۶
۱۸۱،۱۸۷۱۸۹،۱۹۰
سگوند (ایل) ۶۵
سلطان احمد سوم :۲۱،۲۴
سلطان محمد :۱۹۲
سلیمان خان: ۱۷۲
سنجابی (ایل) :۶۵
سوادزامیدزف: ۲۱۹
سوارسعید(ایل) :۶
سوخته چالی (ایل) :۶۸
سیاه‌خانی (ایل) :۶۸
سید عبدالوهاب افندی :۱۵۸
سیدمحمد مجتهد :۲۰۹، ۲۱۱
سیدلو (ایل) :۶۹

حرف «ش»

شارل دوازدهم :۱۳
شارل موریس تالیران : ۱۲
شاطرانلو (ایل) ۶۹
شامپانی :۱۳۷،۱۴۱
شاه سلطان حسین :۱۴،۱۶،۱۸،۲۷
۱۱،۱۳
شاهسون (ایل) ۲۲۸
شاه‌سلیمان :۲۹
شاهرخ :۳۵،۴۵،۴۶
شاهزاده علیشاه ،۲۵۲
شاه طهماسب ۲۰،۲۱،۲۲،۲۴،۳۴
شاه عباس بزرك :۱۲،۱۴،۳۲
شاه قبادی (ایل) :۶۴
شاملو (ایل) ۶۶
شیخ اسماعیل :۶۵
شیخ علی‌میرزا :۲۲۰
شیخ علیخان :۲۳۴

حرف «ص»

صادق خان شقاقی :۴۱،۴۲،۵۳
صفویه :۱۱،۱۲،۴۷،۵۹
صفی‌خان ۶۶

حرف «ض»

ضیاغمه (ایل) :۴۷

حرف «ط»

طهماسب میرزا :۲۳

طوایف نجد :۱۴۱

طایفه زند :۱۴۱

حرف «ع»

عباس افور (ایل) :۶۵

عباس میرزا :۱۷۰،۱۷۱،۱۰۷،۷۸،۱۵۳
۱۳۹،۱۳۸،۹۲،۸۵،۲۲۸،۲۲۷،۲۲۵
۲۱۸،۲۱۷،۲۱۲،۲۱۱،۱۸۳،۱۷۲
۱۷۳،۱۶۹،۱۳۰،۲۰۱،۲۰۲،۲۰۳
۲۰۴،۲۰۵،۲۰۶،۲۰۸،۲۳۲،۲۲۵
۲۲۶،۲۴۰،۲۳۸،۲۳۵،۲۳۴،۲۳۳
۱۹۲،،۱۳۴،۱۳۲،۱۳۱

عباس لو (ایل) :۶۸

عبدل زهی (ایل) :۶۸

عثمانی :۲۵،۲۴،۲۳،۲۲،۲۱،۲۰،۱۸

عکاشه (ایل)

عسگرخان :۱۳۵

علی بیات (ایل):۶۶

علی قلیخان : ۵۳،۲۸

علی قلیخان عادلشاه :۳۴

علی‌خان مرندی :۲۲۳

علی‌مرادخان :۱۴۱،۳۰،۲۹

عنافچه (ایل) :۶۷

علیشاه :۶۶،۵۳

عهدنامه موصل :۱۸۷

حرف «غ»

غیاثوند (ایل) :۶۹

حرف «ف»

فارسیان :۶۸

فتحعلیشاه :۲۱۱،۱۱۰،۲۰۹،۵۲،۵۳،۵۴
۵۵،۲۵۷،۱۳۸،۱۴۴،۱۰۸،۲۸۴
۱۸۳،۱۸۱،۱۰۵،۲۴۱،۲۴۲،۲۲۳
۲۲۰،۸۹،۱۱۲،۱۸۹،۱۳۰،۱۲۹
۲۰۴،۲۰۸،۲۰۳،۲۰۲،۲۲۶،۲۲۷
۲۲۸،۲۳۲،۱۱۵،۱۵۲،۱۴۵،۲۴۰
۲۳۸،۲۳۷،۲۳۳،۱۹۱

فتحعلیخان قاجار دولو : ۲۵۷،۲۳

فتحعلیخان نوری :۱۳۵

فریکان :۲۵۸،۲۵۷

فنوح (ایل) : ۶۷

فولادلو (ایل) :۶۸

حرف «ق»

قاجار :۲۶۶،۲۵۸،۲۵۷

قراسمیه‌لو (ایل) : ۶۸

قبادی (ایل) ۶۴

قره باغی (ایل) ۶۶

قزل‌باش : ۲۶

قلعه‌ای (ایل) :۶۶

قلعه استراباد :۲۵۵

قلعه سلطان :۲۵۵

قندهار :۱۵

قندعلی (ایل) :۶۵

حرف «ک»

کاترین‌دوم :۸۸،۵۰،۴۲،۴۰،۳۹،۳۸
۳۶،۳۴

کاکاوند (ایل) :۶۹

کبیر کوهی (ایل) ٦٥
کرد بچه (ایل) ٦٩
کراوند (ایل) : ٦٥
کردهای شادلو ٦٨
کرمان :٦٧
کریمخان: ٣٣،٣٤،١٤١،٢٤٦
کاسلره : ١٦٩،١٧٤،١٧٦
کشکولی (ایل)١٦
کلنل دالقورسگی ٢٤٠،٢٤١
کلنل رؤیت :٢١١،٢١٩،٢٢١
کلنل فریقان: ١٦٢
کنت تولستیوی :١٣٧
کنت نسلرود : ٢٣٠،٢٠٩،٢٢٧،٢٢٨
٢٢٩
کو کلان : ١٨٥
کولی(ایل)٦٥
کوهستی (ایل) ٦٩
کوهك(ایل)٦٧
کیشانلو(ایل) ٦٨
کیومرثی(ایل) ٦٦

حرف «گ»

گراف پلن : ٢٢٨
گرجی :٣٩،٤٣،٧٦
گرگینخان :٨٨
گریبایدف:٢٥٠،٢٥١،٢٥٢،٢٥٣،٢٥٤
٢٣٥:٢٤٩
گلستان : ١٩٦،١٩٧،٢٤٣،٢٤٤،٢٥٩
٨٧،١٦٠،١٩٦،١٩٤
گندزلو(ایل)٦٧
گوبنیو :٧٨،٧٩،٨٠،٨١،٨٢
گودوویچ ١٣٤،١٣٥،١٤٦،١٣٨،١٤١،
١٢٠،١٣١،١٣٢

حرف «ل»

لرد ولزلی
لرد مینتو ١٠٥،١٤٠،١٤٢،١٤٤
لازارف :٨٩
لطفعلیخان:١٦
لامی ١٣٢،
لوری : ٢٢٥

حرف «م»

مازارویچ ،١٩٣،١٩٤
ماژورپایف . ١٦٣،١٦٥
ماژوردارسی :١٤٦
ماژورهارت:٢١١،٢١٠
مالستوف ٢٥٣،
مترنیخ :١٥٨
محمد نبی جان : ١٤٣،١٤٠
محمدحسنخان : ٢٩،٣٠
محمد حسن خان شکی :٢٠٨
محمد حسن خان نظام الدوله :٢٧١
محمد حسین خان : ٣٤
محمد حسین ایشیك آقاسی باشی:٢٥٤
محمد حسینخان امیر نظام:٢٥٤
محمد خان :٥٣،٢٢٠
محمدخان قاجار :٢١٧
محمد رحیم خان ١٨٥
محمد رضا خان :١١٨
محمد زمان عزالدین :١٨٥
محمد شاه ٢٥٨،٢٦٠
محمدشفیع: ٢٨٤
محمد علیخان :٢٣٦،١٤١،٣١
محمد علی میرزادولتشاه :٢٥٧،٢٥٨

محمد قاسم خان :۲۵٤
محمد قلی میرزا ملك آراء :۲۵۷
محمد میرزا :۲۱۸،۲۲۰،۲۲۳،۲۵٦
محمد میرزا دولتشاه :۱۵۱،۱٤۹
محمد ولی میرزا :۱۸٤،۱۸۵،۲۵٤،۲۵۷
محمود : ۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲
محمود صالح : ٦۵
محمود میرزا :۲۵۷
مدادوف :۲۰۳،۲۱۸
مرتضی قلیخان: ۳٤
مستر موریه : ۲۸۰،۲۸۱
مستر آلس :۲۷۵
مصطفی خان :۱٦۷
مصطفی‌خان‌طالش: ۱٤۹،۲۲۰
معاهده استانبول :۲۲،۱۸،۲
معاهده انگلیس وایران ۱٤۹
معاهده بخارست :۹۲
معاهده پاسار وو تیز : ۲۰
معاهده ترکمانچای :۱،۲،۳،٤،۷۵٤
معاهده تهران :۱۸۸،۱۹۰،۱۹٤
معاهده تیلیست: ۹۳
معاهده سن پطرز بورك : ۲
معاهده صلح نیستاد :۱۸
معاهده فن کن اشتاین : ۱۳۵
معاهده مفصل:۱۸۹
معاهده گلستان ۱۸۰-۱۷۷-۱۷٤-۱٦۲
۲۸۸-۱۹۰-۱۸۸-۱۸۷-/۸۲
معاهده یاسی ، ٤۸
معتمدالدوله:۲۱۹،۲۸۲
ملا احمد نراقی :۲۱۱
ملك شاهی (ایل):٦۵
ملکم : ۱٤۰،۱٤۱،۱٤۳،۱٤۵،۱٤٦
۵۰،۷۷
ملکه الیزابت ۹
منگور(ایل)٦۹
میرحسن خان : ۲۱۷،۲۱۸
میر سید محمد ۲۹
میرعباس خان : ۲۱۷،۲۱۸
میرعبدالله :۱۷
میرفتاح :۲۳۹
میرمحمود :۱۵،۱٦
میرویس :۱۷
میرزا ابوالحسن خان ۱٦۸،۲۱۰،۲٤٤
۲۸۸،۱۹۰
میرزا ابوالقاسم قائم مقام : ۲٤۰،۲٤۳
۲۰۹
میرزا بزرگ : ۱۵٤،۱٦۸،۱٦۹،۱۷٤
۱۰۵،۱۵۳
میرزا تقی‌خان فراهانی : ۲۵٤
میرزا رضاخان : ۱۰۹
میرزاشفیع: ۱۳٤،۱۳۵،۱٤٤،۲۷۱،۲۸۰
۵۲
میرزا مسیح :۲۵۲،۲۵۳
میرزا صادق مروزی : ۲۰۵،۲۰٤
میرزا صالح :۲۳۵
میرزا محمد خان بیگلربیگی:۵۲
میرزا مسعود :۲٤۳
میرزا یعقوب : ۲۵۱،۲۵۳

« حرف نون »

ناپلئون : ۱۳۰،۱۲۹،۱۸۹،۱۱۳،۱۱۸
،۱٦۵،۱۳۷،۱۰۵،۱٦۹،۱۷۱،۱۷۳
۱۵۷،۱۵۸،۱۵۹،۱٦۲
نادرشاه : ۳٤،۳٤،۳۷،۵۹،۱۹۷،۱۱۳
۲۳،۲٤،۲۵،۳۰
نادرقلی :۲۳

نادرمیرزا ٥٤،٥٥
نپلویف : ٢١
نصرالله میرزا ٢٨

حرف « و »

واسکودوگاما ٧
والرین زوبوف ٢٩،٥٠
وردیه ١٣١
وهابی ١٤١،١٤٣
ویکونت کاسلره ١٦١،١٦٢
ویلیام پیت لرد آمرست ٢١٢

حرف « ه »

هانری آلیس ١٨٨،٢٨١
هانری ویکوك ١٩٤،٢٠٨،٢٠٩
هداوند (ایل) ٦٩
هراکلیوس ٨٨،١٩٧،٢٠٨
هرو (ایل) ٦٥
هفت لنگ (ایل) ٦٥
هی هاوند (ایل) ٦٦

حرف « ی »

یوخاری باش ٤٤
یار احمد زائی (ایل) ٦٨
یکه او (ایل) ٥٥
یورتچی (ایل) ٥٥
یوسفوند (ایل) ٦٥

۱۷ ـ اسامی امکنه وبلاد

IV - اسامی امکنه و بلاد

حرف «الف»

آنجازی ١٨١
آیشوران ٥٩
آذربایجان ٢١،٢٤،٤٩،٥٧،٦٨،١٥٤، ١٨٤،١٦٠،٢٢٨،١٩٤
آجوق باشی ١٨١
ازنا ٦٥
ازمیر ١٣
اروپا ٧٨،٧٧،٧٤،٤١،١٠،٩،١١،١٢، ٥٩،٢٥،١٤٣،٢٤٢،١٩٠،٢٥٤،٢٥٧ ١٦٢،١٤٨،١٦٠،١٩١،١٧٩
ارفورت ١٥٧
اردبیل ٢٤،٦٨،٨٦،٢٠٨،٢١٣،٢٤١
ارسنجان ٦٦
اردکان ٦٦
آرپا چای ٢٦
ارمنستان ٢٥،٣٣
ارس ٤٣،٤٩،٥٠،٩٦،١٧٢،١٧٣،٢٢٥ ،٢٢٨،٢٢٩،٢٣٢،٢٣٣،٢٣٥،٢٣٦ ٢٤٤
آرارات ٥٧،٢٣٢
ارسباران ٥٧
ارزروم ١٩٤
اسلامبول ١٤،٢٦،١٠٦،١٦٩،٢٤،١٩٢ ٤٨
اسپانیا ١٦٢،٤١
آسیا ٩،١١،١٤،١٠٨،١٥٩،٥٩،١٧٩ ٢١٢
استرلیز ٩٦
استرآباد ١٩،٢٣،١٩١
اشرف ٤١
اصفهان ٦٨
اطریش ٢٠،٢١،١٥٨،٢٢٦
اصلاندوز ١٦٩،١٧٠،١٧١،١٦٧،١٦٨ ١٧٤،١٨٤،٢٢٤،١٩٤ ،٢٨٧
افغانستان ١٤،٢٩،١٦،٢٧٣،٢٥٥،٢٥٦ ٢١٢،١٨٦،١٨٨،٥٧،١٩٠
افریقا ٩
آق اوغلان ٢٢٥
آق تپه ١٦٨
اقیانوس کبیر ١١
اقیانوس شمالی ١١
اقیانوس هند ١٢،١٠٥
آلکالسیک ١٥٥
الیشتر ٦٥
آناطولی ١٠٧
انگلستان ١٨١،١٨٢،١٨٣،٢٧٨،٢٧٩ ٢٧٧،٢٧٦،١٥٣،١٥٥،١٥٧،٢٦٢ ٢٦٠،٢٥٩،٢٥٨،٢٧٦،١٦٥،١٦٦، ١٦٣،١٦٢،٢٥٦،١٥٨،١٧٣،١٧١، ١٦٩،١٠٧،١٢،١٠،٩،٢٧١،٢٦٧، ٢٦٥،١٤٩،١٤٨،١٤٧،٢٠٨،٢٠٧، ١٧٦،١٧٥،١٧٤،١٩٠،١٨٩،١٨٧، ١٩١،٣٤،٢١٤،٢١٢،٢٠٩،١٤٢، ٢٨٧،٢٨٤،١٧٥،١٩٤،١٨٣،١٢٠، ٢٤٢،٢٤١،٧٨،١٤،١١،٤٢،٢٧٤،٢٨١
انزلی ٤٩،١٧٣

اهواز ٦٧
اوج کلیسا ۲۳۱،۱۳۸،۹٤
اوجان ۱۷۵،۱۷٤
ایطالیا ۱۱۹،۱۱٦،۱۳٤،۱۳٤
ایلو ۱۱٦،۹٦
الیشك میدان ۱۷٦
الیزایت پل ۱۸۰
البرز ٥٦
ایزدخواست ٦٦،۳۱
اجارور ٦۹
ایروان ۱۳۸،۱۳۷،۲۳۲،۲۳۱،۱۷۲،۲٥
۲۱۹،۲۱،۲٤،۸۹،۱۳۸،۲۱٤،۲۱۱،
۱۲۹،۲٤٦،۲٤٤،۲۳٦،۲۳۳،۲۲۲،
٤۳،۱۳۲،۱۳۰
آلمان ۱٦۲
اهر ۲۲٤،۱۷۱
اترك ۲۸٥،٤۹

حرف «ب»

باب عالی ۱٦۳،۹۲
باکو ۱۹۷،۱۹٦،۲٦،٤۹/۲۰
باش آپاران ۲۳۱
بالکان ۲٦۲،۲٤۲
بالغ لو ۲۰٤،۲۰۲
بحر خزر ۱۷٥،۱۷٤،۱۷۲
بحر العجم ۲۸٤
بحر عمان ٥۸
بجنورد ٦۸
بخارا ٤٦،۲٦۰،۲۷٦
بغداد ۱۱٦،۲٤،
برلن ٤۲
بریتانیا ۱۹۳،۱۹٤،۱۲۹،۱۸۹،۱٤٦،
۱٥۲،۱٥٦،۱۳۹،۱٤۲،۱٤۲،۱٤۰،
۲٥٦،۱۰۷،۱۷٦
بندر بوشهر ۱٤٤،۱٥۳
بمبئی ۲۷۷،۱٤۱
بروجرد ٦٥
بیضا ٦٦
بهبهان ٦٦
بمپور ٦۸
بلوچستان ۱٤
بصره ٥۳
بوشهر ٥۹
بندر طاهری ٥۹
بندر عباس ٥۹،٥۸
بلغار ۱۰٦
بسفر ۱۰۷

حرف «پ»

پل خدا آفرین ۲۱۷
پروس ٤۸،٤۲

حرف «ت»

تاتارستان ۲۸۱،۲٦٦
تبریز ۲٥۰،۲٥۳،۲٤۹،۱٥٤،۱۸٤،۱۸۲
۱٥، ۲۰۸،۱۷۲، ۱۷٥،۱٦٦، ۲۲۸،
۱٦٥،۱٦٤،۲۳۲، ۱۳۹
تربت حیدریه ۲٥٥،٥٥
ترکستان ۲٦۰،٤٦،۲۱۲
تهران ۲۰٥،۲۰٤،۱٤٤،۱٤۳،۱۳٥،
۲۰۸،۱۹۰، ۲۰۹،۳٤، ۲۲۷، ۲٥۲،
۲٥٤،۲۳۲،۲۰۱،۲۰۲، ۲٥۱،۱۷٥،
۱۷٤،۱۰۹،۱۰٥،۱٥۸،۱٤٦،۲٤۷،۲٤۹
۲٥۰،۱۷۲،۱۸۱،۲۸،۲۹،۲۷٤،۲٥۳
۲٥۰،۲٤۹،۱٥٤،۱۸٤،۲۱۰،۱۱۰،
۱۷٤،۱۷۱،۱٥،۱٥،۱٥۳،۱٥۳،۱٥٥
۱۰٥،۱۸۱

تیلسیت : ۱۹۱،۱۳۹
تنگه هرمز : ۵۹

حرف « ج »

جزیره سالیان : ۲۲۰
جزیره الحضر : ۶۷

حرف « چ »

چین : ۲۶۳،۶۰
چهارگنبد : ۶۷

حرف « ح »

حاجی طرخان : ۱۴،۱۹،۴۹،۲۸۸
حلب : ۱۳

حرف « خ »

خارك : ۱۴۳،۱۴۱،۳۰
خراسان : ۵۷،۴۸،۴۶،۴۵،۵۴،۵۶،۵۵
۱۸۵، ۱۸۳،۲۱۲،۲۴،۲۳، ۲۵،۲۹،
۲۵۶،۲۵۵،۲۵۴
خوارزم : ۲۷۶،۲۸۷،۱۸۵
خزر : ۲۴۵،۲۴۴،۲۴۰،۵۹،۵۸،۵۷،
۳۰۹،
خلیج فارس : ۱۲،۱۸۸،۳۹،۵۹،۵۸،۵۷
۹،۱۰،۱۱،۱۴۳،۱۴۲،۱۴۰،۸۳
خیوة : ۱۸۴
خوی : ۲۳۲
خداآفرین ۲۳۲
خرم آباد : ۶۵
خمسه : ۶۶
خلخال : ۶۹

حرف « د »

داراب : ۶۶
دانوب : ۱۵۹،۱۵۸
دانمارك : ۱۵۷
داغستان : ۲۲۰،۱۶،۲۵،۲۸۱
دامغان ۲۴،۲۳
دربند : ۲۲۰،۹۴،۲۶،۹
دلفان : ۶۵
دزفول ۶۸،۶۵
دشتستان : ۶۶
دریای سیاه : ۹۲،۲۳۱،۱۲،۲۶۰
دریای بالتیك ۱۲،۱۱
دره ترك ۱۸
دریاچه گوگچه : ۲۰۱
دهخوارقان ۲۴۱

حرف « ر »

رشت : ۱۹۶،۱۹۷،۳۸،۱۹۱،۹۵،۲۶
رودخانه حمزه چمن ۱۷۶
رودکر ۳۲۵،۲۲۰
رود سیوا : ۱۷۵
روسیه : ۱۴،۱۳،۱۲،۱۰،۱۱،۹،۶۱،۳۳
۳۴،۳۵،۳۶،۳۷،۳۹،۴۰،۳۹،۳۸،۱۶
۸۸ ،۸۷،۸۱،۲۱۴،۲۱۰،۲۰۹،۲۰۸
، ۲۰۳، ۲۰۲،۲۰۱،۱۶۹،۱۷۰،۱۷۱
۱۷۵،۱۷۶،۱۸۷ ،۲۳۰ ،۲۰۶ ،۲۰۴
، ۱۶۲،۱۶۳،۱۶۴،۱۷۲،۱۷۳،۱۷۴
، ۱۸۲،۱۸۴،۲۲۷،۲۲۶،۲۲۵ ،۲۲۸
، ۲۴۹،۲۵۰،۲۵۱،۲۵۴،۲۵۷،۲۶۰
۱۶۵،۱۶۷

حرف « ژ »

ژن : ۸

حرف « س »

ساوچبلاغ مکری ٦٩
ساوه :۲۹،٦۹،۱۹۱
٦۸:
سروستان :٦٦
سالیان : ۱۷۰
سبلان:٥٧
سراب :٥٣
سرخس :٢٥٥،٥٦
سیستان :١٦
سلماس :٦٩
سیمره:٦٥
سبزوار:٢٥٥
سهند :٢٧:٢٩
سمرقند :٢٧٦
سوریه:١٢،٧
سن پطرزبورك : ٤١:٤٨،١٩٣،١٩٠،
٢٠٥،١٣٨،١٣٧،٢٠،١٢٩
سوئد :١٣٢
سنندج :٦٤
سلطانیه ، ٢٠٨،٢٠٩،٢١٠،٢١٢،٢١٣،
٢٠٢

حرف « ش »

شاملو :١٣٣
شام :٣٣
شیراز :٣٠،٢٥،١٧٦
شیروان ٤٣،٢٢٠:٢١،٢٢٥،٢٦،١٩٦
شماخی١٤،١٦،٢٥
شاه کوه :٥٧
شط العرب :٥٩
شوش :٤٣،٤٩
شکی،٩٦،١٧١،١٩٦
شورگل :١٥٨،١٨٠

حرف « ص »

صحرای لوت:٥٧

حرف « ط »

طاق : ٦٥
طالان دشت :٦٥
طالش : ٢١٨،٢٢٠،٢٤٠:٢٢٥،٢٤١،
١٧٠،١٧١،١٧٢،١٦٧،١٩٦
طرابوزان :٢٦٠
طرهان :٦٥

حرف « ع »

عباس آباد ٢١٤،٢٣٢،٢٢٢،٢٢٥
عراق ٢١،٢٤
عربستان ٥٧:١٧٣
عشق آباد :٢٦
عسگران :١٥٣،١٥٤
عثمانی : ١٠،٢١،٢٤،٤،٣،١،٢٤٢،٣٥
٤١،٤٦، ٤٧، ٨٩،١٠٦، ٢٢٨،٢٠٢،
٢٠٧،١٩١، ١٥٩،١٦٠،٢٥٣،٢٦٥ ،
١٥٢،١٥١،١٥٣،١٥٤،١٥٧،١٥٨

حرف « ف »

فارس :٣٠،٣١،٦٥،٢٤
فتح آباد ٢٦
فسا :٦٦
فریدن :٦٧
فلاحی : ٦٦

فین کن اشتاین ۱۸۹،۱۰۶
فرح آباد ۵۹
فرات :۵۹
فرانسه :۱،۲،٤،۳٤،۵۸،۱۳۰،۱۳۱،
۱۲۹،۱۱۸:۳۵،۳۳،۱٤۲

حرف «ق»

قارص : ۱۵۸،۱۵٤
قپه :۱۸۰
قره کلیسا ۲۱۹
قسطنطنیه : ۱۵۵،۱٤۷،۱۵۱،۲۲٦،۲۱،
۱۱٤
قوچان :۲٦
قلزم . ۲۷۸
قندهار ،۲٦،۲۷،۲۹،۲۵٦،۱۵،۳۹،۱۱۸
قزوین ۲۹،۹،۲۰۰،۲۳،۵۲
قریه سدره : ۱۸۰
قره باغ ۱۹۰،۲٤۰،۳۳،۸۹،۲۱،۱۷٦،
۱۹٦،۳۳،۲۰۱،۲۳۲،۱۷۵،۱٦۰
قفقاز : ٤٦، ۸،۳٦،٤۷،٤: ۱،۱٤۸،۱٦۲،
۲۳۱،۲۲۷،۱٤۷،۸۹،۱٤،۱۲،۱٦۵

حرف «ک»

کازرون :٦۷
کابل:۲۵٦،۵۵
کاکارضا ٦۵
کردستان ۵٦
کرد:٤۹،۳۷،۸۹
کویر : ۵۷
کارون ۱۹
کرخه ٦۵

حرف «گ»

گرگان :۳۲،۳٤
گروس ۲٤۱
گیلان : ۵۸،۲۰،۱۳
گلستان ۲۰۸،۲۱۳،۱۵۰،۱۹۳،۱۹٤
۱۹٦،۱۰۷
گرمسیر :۵۹
گناباد :۱،۳،۱۵
گرم رود : ۵۳
گنجه : ٤۱،٦۹،٤۳،۲۱۹، ۲۲۰،۲۲۳،
۲۲٤،۸۹
گواتر۵٦
گرجستان : ۳۹،٤۰،۱۳۹،۲٦،۲٥؛٤۵
۱٦٦، ۱۳۰،۱۳٦،۳۸،۳۷،۵۰،۱۱٦
۱۱۸، ٤۱،٤۲،٤۳،۲۰۵،۲۰٦، ۲۲٦
۲۲۷،۲۳۱، ۱٦۱،۱۷۱،۱۳،۲۰، ۲۱
۸۸،۱۸۳،۱٦۹،۱٦۸،۱٦۷،۱٦٦

حرف «ل»

لارستان :٦٦
لرستان ۲۵،۵۳
لهستان : ٤۱،٤۸،۲۲۷
لنکران :۲۱۸

حرف «م»

مازندران :۵۸،۲۱،۳٦،۲٦،۵۳،٤۸
محمره ۷۷
مسکو ۷،۷،۱٦۷،۹،۱۱،۱۳،۳۳
مرو :۳۳

میانه . ۲٤۰
مغان : ۱:۲٤۰،۱۹٦
مشکین :۲٤۰:۲۲۸،٦۹
مصر : ۱۰۵،۲٦۵
مرند : ۲٤۰،۲۳۷
مهماندوست : ۲۳
مشهد :۱۸٦،۲۹،۳٤،۸۳
مرودشت:٦٦
ممسنی : ٦٦
مکران : ٦۸
مورچه خورت : ۳۱
مراغه : ۱۷٦

حرف « ن »

نخجوان : ۱۷٦،۲۵،۲۳۲،۱۳۱
نعمت آباد : ٦۸
نیمن :۱۱۷

حرف « و »

وان . ۱۵٦
ورشو ۱۱۷
ویزك : ٦٦
وبیز : ۸
وین : ٤۲

حرف « هـ »

هرسین : ٦۵
هرات : ۱۵
هرمز :۱۰۷
همدان : ۱۵
هلیلان ، ٦۵
هندوستان : ۲۸۱،٤۵،۷،۸،۲۷،۱۲،۱۰
۲۷۲،۲۱۲،۲۰۹،۵۹،٦۰،۱۰۵،۱۲۹
،۱٤۱،۱۷۲،۲٦۷

حرف « ی »

یزد : ۱٦،٦٦
یموت : ۳٤
یونان : ٤۱

انتشارات دانشگاه تهران

عنوان	مؤلف
۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ - A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ - آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ - تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰- نقشه برداری (جلد دوم)	» مهندس حسن شمسی
۱۱- گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲- اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول)	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱٤- روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۱٥- تاریخ افضل - بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦- حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷- فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸- راهنمای دانشگاه	—
۱۹- مقررات دانشگاه	—
۲۰- درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱- راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲- راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳- Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤- موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥- حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦- زیست شناسی (۳) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷- هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸- اصول گداز و استخراج فلزات (جلد اول)	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹- اصول گداز و استخراج فلزات (» دوم)	» » »
۳۰- اصول گداز و استخراج فلزات (» سوم)	» » »

٣١-	ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
٣٢-	جنگل شناسی (جلد اول)	» مرحوم مهندس کریم ساعی
٣٣-	اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
٣٤-	فیزیولژی گیاهی (جلد اول)	» » اسمعیل زاهدی
٣٥-	جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
٣٦-	گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
٣٧-	تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
٣٨-	تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
٣٩-	واژه نامه طبری	» » صادق کیا
٤٠-	تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی	» عیسی بهنام
٤١-	تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
٤٢-	جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
٤٣-	Les Connexions Normales	» » هشترودی
٤٤-	کالبد شناسی توصیفی (١) - استخوان‌شناسی	» « امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس - دکتر نائینی
٤٥-	روان‌شناسی کودك	نگارش دکتر مهدی جلالی
٤٦-	اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
٤٧-	ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه (جلد اول)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
٤٨-	اکوستیك « صوت » (١) ارتعاشات - سرعت	» » ضیاء الدین اسمعیل بیگی
٤٩-	انگل شناسی	» » ناصر انصاری
٥٠-	نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
٥١-	هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشك
٥٢-	درس اللغة و الادب (١)	» دکتر محمدی
٥٣-	جانور شناسی سیستماتیك	» » آزرم
٥٤-	پزشکی عملی	» » نجم آبادی
٥٥-	روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
٥ـ	ماماٸی	» » آهی
٥ـ	فیزیولژی گیاهی (جلد دوم)	» » زاهدی
٥ـ	فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
٥ـ	شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
٦ـ	شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
٦ـ	امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرك‌زاده
٦ـ	اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
٦ـ	مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
٦ـ	کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
٦ـ	آسیب شناسی	» دکتر آرمین

۶۶- مکانیک فیزیک	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) ـ مفصل شناسی	» » امیراعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیک نفس
۶۸- درمانشناسی (جلد اول)	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی (» دوم)	» » »
۷۰- گیاه شناسی ـ تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۷۲- اقتصاد جلد اول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- راهنمای دانشگاه	—
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سینتیک گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمندی نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیک گازها	» دکتر غفاری
۸۶- آئین دادرسی دراسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو ـ دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰- میکروب‌شناسی (جلد اول)	تألیف دکتر سهراب ـ دکتر میردامادی
۹۱- میزراه (جلد اول)	» » حسین گلژ
۹۲- » (جلد دوم)	» » » »
۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه (جلددوم)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) ـ عضله شناسی	» دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیک نفس
۹۶- » » (۴) ـ رگ شناسی	» » » »
۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی (جلداول)	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸- هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹- جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» » بیانی

کتاب	مؤلف
۱۰۱ـ کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲ـ تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳ـ آزمایش و تصفیهٔ آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی.
۱۰۴ـ هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵ـ فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶ـ جغرافیای اقتصادی (جلداول)	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷ـ الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸ـ مبادلات انرژی در گیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹ـ تلخیص البیان عن مجازات القرآن	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰ـ دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱ـ شیمی آلی (جلداول) تئوری واصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲ـ شیمی آلی «ارگانیک» (جلداول)	» » شیخ
۱۱۳ـ حکمت الهی عام و خاص	» مهدی قمشهٔ
۱۱۴ـ امراض حلق و بینی و حنجره	» دکتر علیم مروستی
۱۱۵ـ آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱۱۶ـ هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷ـ شکسته بندی (جلد دوم)	» » امیر کیا
۱۱۸ـ باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس شیبانی
۱۱۹ـ اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰ـ فیزیک پزشکی	» دکتر فرهاد
۱۲۱ـ آکوستیک «صوت» (۲) مشخصات صوت. اوله ـ تار	» » اسمعیل بیگی
۱۲۱ـ جراحی فوری اطفال	» » مرعشی
۱۲۱ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲ـ چشم پزشکی (جلداول)	» دکتر ضرابی
۱۲ـ شیمی فیزیک	» » بازرگان
۱۲ـ بیماریهای گیاه	» » خبیری
۱۲ـ بحث در مسائل پرورش اخلاقی	» » سپهری
۱۲ـ اصول عقاید و کرائم اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲ـ تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳ـ کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج‌بخش
۱۳ـ امراض واگیر دام	» » رستگار
۱۳ـ درس اللغة والادب (۲)	» » محمدی
۱۳ـ واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳ـ تک یاخته شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳ـ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳ـ عضله و زیبائی پلاستیک	» » کیهانی.
۱۳ـ طیف جذبی و اشعهٔ ایکس	» » فاضل زندی

عنوان	مؤلف
۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روانشناسی (از لحاظ تربیت)	» » علی اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیک (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیک عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی (جلد اول)	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیک نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی (جلداول)	» سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل بویه
۱۵۱- اندام شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۳)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	» » اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	» بازارگادی
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۳)	» دکتر شیخ
۱۵۶- آسیب شناسی (گانگلیوت استلر)	» » آرمین
۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	» » ذبیح الله صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی اصغر حکمت
۱۵۹- حشره شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه شناسی (علم العلامات) (جلد اول)	» دکتر محمدحسین میمندی نژاد
۱۶۱- نشانه شناسی بیماریهای اعصاب	» » صادق صبا
۱۶۲- آسیب شناسی عملی	» » حسین رحمتیان
۱۶۳- احتمالات و آمار	» » مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسیته صنعتی	» » محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری	» » محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	» » علی اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیک (تابش)	» » روشن
۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	» علینقی منزوی
۱۶۹- » » » » » (جلدسوم-قسمت اول)	» محمدتقی دانش پژوه
۱۷۰- رساله بود و نمود	» محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه عباس اول	» نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه	» » »

۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه دردوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷- فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعهٔ ایکس)	« « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلددوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰- سیرفرهنك در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم-قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸۴- پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلددوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷- یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم‌آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلددوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلداول)	« « مستوفی
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلداول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول)	» مهندس خلیلی
۱۹۲- حساب جامع وفاضل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳- مبدء ومعاد	ترجمه آقای محمود شهابی
۱۹۴- تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلددوم)	» » » »
۱۹۶- درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷- شیمی وفیزیك (جلداول)	« « توسلی
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰- علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲- پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳- علم‌النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴- قواعدفقه	« آقای محمود شهابی
۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷- مخارج الحروف	تصحیح وترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸- عیون الحکمه	ازابن‌سینا - چاپ عکسی

۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق مدنی	« « سید حسن امامی
۲۱۴- ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیک استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیک (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- فیزیک، ترمودینامیک (جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات عصبانی یا نورز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیک‌نفس
۲۲۳- علم‌الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیک عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردگیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول الصرف	« علی‌اکبر شهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران	تألیف دکتر علی کنی
۲۳۰- فیزیک، ترمودینامیک (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه‌النهایه باتصحیح و مقدمه (۱)	« آقای سید محمد سبزواری
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲- پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

عنوان	نگارنده
۲۴۴- اقتصاد کشاورزی	نگارش دکتر احمد هومن
۲۴۵- علم العلامات (جلد سوم)	« « میمندی نژاد
۲۴۶- بتون آرمه (۲)	« آقای مهندس خلیلی
۲۴۷- هندسهٔ دیفرانسیل	« دکتر بهفروز
۲۴۸- فیزیولژی گل و رده بندی تك لپه ایها	« « زاهدی
۲۴۹- تاریخ زندیه	« « هادی هدایتی
۲۵۰- ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)	« آقای سبزواری
۲۵۱- حقوق مدنی (۲)	« « دکتر امامی
۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم)	—
۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)	« ایرج افشار
۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا	« دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار و تناسل - پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)	« « میر بابائی
۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق	« مهندس احمد رضوی
۲۶۰- بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)	« دکتر رحمتیان
۲۶۱- سرطان شناسی (جلد اول)	« « آرمین
۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم)	« « امیر کیا
۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم)	« « بینش ور
۲۶۴- انگل شناسی (بندپائیان)	« « عزیز رفیعی
۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۶۶- دامپروری عمومی (جلد اول)	« « بهرامی
۲۶۷- فیزیولوژی (جلد دوم)	« « علی کاتوزیان
۲۶۸- شعر فارسی (در عهد شاهرخ)	« « یارشاطر
۲۶۹- فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)	نگارش ناصرقلی رادسر
۲۷۰- منطق التلویحات	« دکتر فیاض
۲۷۱- حقوق جنائی	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی
۲۷۲- سمیولوژی اعصاب	« « « « چهرازی
۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹) (دستگاه تولید صوت و تنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۷۴- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو	« « جناب دکتر بازرگان
۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژاد

[illegible] دکتر غلامحسین مصاحب

۲۷۸ـ ویروسها « « فرج‌الله شفا

۲۷۹ـ تالفیت‌ها (آلکها) « « عزت‌الله خبیری

۲۸۰ـ گیاه‌شناسی سیستماتیك « « محمد درویش

۲۸۱ـ تیره‌شناسی (جلددوم) « « پارسا

۲۸۲ـ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی « مدرس رضوی

۲۸۳ـ احادیث مثنوی « آقای فروزانفر

۲۸۴ـ قواعد النحو « قاسم تویسرکانی

۲۸۵ـ آزمایشهای فیزیك « دکتر محمدباقر محمودیان

۲۸۶ـ پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی « « محمود نجم‌آبادی

۲۸۷ـ بیماریهای خون (جلدسوم) « « یحیی پویا

۲۸۸ـ جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول « « احمد شفائی

۲۸۹ـ مکانیك فیزیك (اندازه‌گیری مکانیك نقطه مادی وفرضیه نسبی) (چاپ‌دوم) تألیف دکتر کمال‌الدین جناب

۲۹۰ـ بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه) « « محمدتقی قوامیان

۲۹۱ـ اکوستیك (صوت) چاپ دوم « « ضیاءالدین اسماعیل بیگی

۲۹۲ـ چهار مقاله بتصحیح « محمد معین

۲۹۳ـ داریوش یکم (پادشاه پارسها) نگارش « منشی‌زاده

۲۹۴ـ کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن ـ سلسلهٔ اعصاب مرکزی « « نعمت‌الله کیهانی

۲۹۵ـ درس اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم « « محمد محمدی

۲۹۶ـ سه گفتار خواجه طوسی بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۷ـ Sur les espaces de Riemann نگارش دکتر هشترودی

۲۹۸ـ فصول خواجه طوسی بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۹ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش سوم نگارش محمدتقی دانش‌پژوه

۳۰۰ـ الرسالة المعینیة « « «

۳۰۱ـ آغاز و انجام « ایرج افشار

۳۰۲ـ رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۳۰۳ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش چهارم « « «

۳۰۴ـ حل مشکلات معینیه خواجه نصیر « « «

۳۰۵ـ مقدمه قدیم اخلاق ناصری « جلال‌الدین همائی

۳۰۶ـ بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه) نگارش دکتر امشه‌ای

۳۰۷ـ رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب « مدرس رضوی

۳۰۸ـ مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین « « «

۳۰۹ـ سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی « محمد مدرسی (زنجانی)

۳۱۰ـ فیزیك (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) « دکتر روشن

کتاب هفتم

۳۱۱ـ رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی بکوشش [illegible] دانا سرشت

۱۱ ا ـ راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ —
۳۱۴ ـ احوال و آثار محمد بن جریر طبری — تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ ـ مکانیک سینماتیک — » دکتر احمد وزیری
۳۱۶ ـ مقدمه روانشناسی (قسمت اول) — » دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ ـ دامپروری (جلد دوم) — » » تقی بهرامی
۳۱۸ ـ تمرینات و تجربیات (شیمی آلی) — » » ابوالحسن شیخ
۳۱۹ ـ جغرافیای اقتصادی (جلد دوم) — » » عزیزی
۳۲۰ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترک انسان ودام) — » » میمندی نژاد
۳۲۱ ـ اصول نظریه ریاضی احتمال — تألیف دکتر افضلی پور
۳۲۲ ـ رده بندی دولپه‌ای ها و بازدانگان — » » زاهدی
۳۲۳ ـ قوانین مالیه ومحاسبات عمومی ومطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال — » » جزایری
۳۲۴ ـ کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن (توصیفی ـ موضعی ـ طرز تشریح) — » » منوچهر حکیم و » سیدحسین گنج بخش
۳۲۵ ـ ایمنی شناسی (جلد اول) — » » میردامادی
۳۲۶ ـ حکمت الهی عام و خاص (تجدید چاپ) — » آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ ـ اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱) — » دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ ـ اصول استخراج معادن — » مهندس محمودی
۳۲۹ ـ مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی و مالی — جمع آوری دکتر کی نیا
۳۳ ـ شلیمر — دانشکده پزشکی
۳۳ ـ تجزیه ادرار — مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳ ـ جراحی فك وصورت — تألیف دکتر حسین مهدوی
۳۳ ـ فلسفه آموزش و پرورش — » » امیرهوشمند
۳۳ ـ اکوستیك (۲) صوت — » » اسماعیل بیگی
۳۳ ـ الکتریسته صنعتی (جلد اول چاپ دوم) — » مهندس زنگنه
۳۳ ـ سالنامه دانشگاه —
۳۳ ـ فیزیك جلد هشتم ـ کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیك » دکتر روشن
۳۳ ـ تاریخ اسلام (چاپ دوم) — » » فیاض
۳۳ ـ هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم) — » » وحدتی
۳ ـ آداب اللغة العربیة و تاریخها (۱) — » » محمد محمدی
۳ ـ حل مسائل ریاضیات عمومی — تألیف دکتر کامکار پارسی
۳ ـ جوامع الحکایات — » » محمد معین
۳ ـ شیمی تحلیلی — » مهندس قاسمی
۳ ـ ارادهٔ معطوف بقدرت (اثر نیچه) — ترجمه دکتر هوشیار
۳ ـ دفتر دانش و ادب (جلد سوم) — مقالهٔ دکتر مهدوی
۳ ـ حقوق مدنی (جلد اول تجدید چاپ) — تألیف دکتر امامی

۳۴۸ - آب شناسی هیدرولوژی — تألیف دکتر جنیدی
۳۴۹ - روش شیمی تجزیه (۱) — » » فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ - هندسهٔ ترسیمی — » » جمال عصار
۳۵۱ - اصول الصرف — » علی اکبر شهابی
۳۵۲ - استخراج نفت (جلد اول) — » دکتر جلال الدین توانا
۳۵۳ - سخنرانیهای پروفسور رنه ونسان — ترجمه دکتر سیاسی - دکتر سیمجور
۳۵۴ - کورش کبیر — تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ - فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول) — مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵۶ - اقتصاد اجتماعی — دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ - بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ) — » خبیری
۳۵۸ - بیماریهای مغز و روان (۳) — » حسین رضاعی
۳۵۹ - آئین دادرسی دراسلام (تجدیدچاپ) — آقای محمد سنگلجی
۳۶۰ - تقریرات اصول — » محمود شهابی
۳۶۱ - کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ - عضله شناسی اسب) تألیف دکتر میربابائی
۳۶۲ - الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه — » سبزواری
۳۶۳ - بی‌حسی های ناحیه‌ای دردندان پزشکی — » دکتر محمود مستوفی
۳۶٤ - چشم و بیماریهای آن — » » باستان
۳۶۵ - هندسهٔ تحلیلی — » » مصطفی کامکار پارسی
۳۶۶ - شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم) — » » ابوالحسن شیخ
۳۶۷ - پزشکی عملی — » » ابوالقاسم نجم آبادی
۳۶۸ - اصول آموزش و پرورش (چاپ سوم) — » » هوشیار
۳۶۹ - پرتو اسلام — بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد اول) — تألیف دکتر کاظم سیمجور
۳۷۱ - درد شناسی دندان (۱) — » » محمود سیاسی
۳۷۲ - مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم) — -
۳۷۳ - تیره شناسی (جلد سوم) — » » احمد پارسا
۳۷٤ - المعجم — بتصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ - جواهر الآثار (ترجمهٔ مثنوی) — بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷۶ - تاریخ دیپلوماسی عمومی — تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ - Textes Français — » بانو نفیسی
۳۷۸ - شیمی فیزیك (جلد دوم) — » دکتر علی اکبر توسلی
۳۷۹ - زیباشناسی — » آقای علینقی وزیری
۳۸۰ - بیماریهای مشترك انسان ودام — » دکتر میمندی نژاد
۳۸۱ - فرزان تن وروان — » » بصیر
۳۸۲ - بهبود نسل بشر — » » محمد علی مولو
۳۸۳ - یادداشتهای قزوینی (۳) — ایرج افشار
۳۸٤ - گویش آشتیان — تألیف دکتر صادق کیا

۱۸۱ – ایران بعد از اسلام » عباس خلیلی
۳۸۷ – تاریخ مصر قدیم (جلداول چاپ دوم) » دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ – آرگونیاتها (۱) سرخس‌ها » » خبیری
۳۸۹ – شیمی صنعتی (جلد اول) » » رادفر
۳۹۰ – فیزیک عمومی الکتریسیته (جلد اول) » » روشن
۳۹۱ – مبادی علم هوا شناسی » » احمد سعادت
۳۹۲ – منطق و روش شناسی » » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ – الکترونیک (جلد اول) » » رحیمی قاجار

۳۹۴ – فرهنگ غفاری (جلد دوم) » مهندس جلال‌الدین غفاری
۳۹۵ – حکمت الهی عام وخاص (جلد دوم) » محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
۳۹۶ – گنج جواهر دانش (٤) » حسن آل طه
۳۹۷ – فن کالبد گشائی و آسیب شناسی » دکتر محمد کار
۳۹۸ – فرهنگ غفاری (جلد سوم) » مهندس جلال‌الدین غفاری
۳۹۹ – مزدا پرستی در ایران قدیم » دکتر ذبیح‌الله صفا
٤۰۰ – اصول روشهای ریاضی آمار » » افضلی پور
٤۰۱ – تاریخ مصر قدیم (جلد دوم) » » دکتر احمد بهمنش
٤۰۲ – عده من بلغاء ایران فی اللغة » قاسم تویسرکانی
٤۰۳ – علم اخلاق (نظری وعملی) » دکتر علی اکبر سیاسی
٤۰٤ – ادوار فقه (جلددوم) » آقای محمود شهابی
٤۰۵ – جراحی عملی دهان و دندان (جلد دوم) » دکتر کاظم سیمجور
٤۰٦ – فیزیولژی بالینی » » گیتی
٤۰۷ – سهم الارث » نصر اصفهانی

٤۰۸ – جبر آنالیز » دکتر محمدعلی مجتهدی
٤۰۹ – هوا شناسی (جلد اول) » » محمد منجمی
٤۱۰ – بیماریهای درونی (جلدسوم) » » میمندی نژاد
٤۱۱ – مبانی فلسفه » » علی اکبر سیاسی
٤۱۱ – فرهنگ غفاری (جلد چهارم) » مهندس امیر جلال‌الدین غفاری
٤۱۱ – هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم) » دکتر احمد سادات عقیلی

٤۱ – کالبد شناسی (عضله‌شناسی مقایسه‌ای) (جلد پنجم) » » میر بابائی
٤۱ – سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦ - ۱۳۳۵ –
٤۱ – یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی نگارش دکتر صفا
٤۱ – تئوریهای اساسی ژنتیک » » آزرم
٤۱ – فولاد و عملیات حرارتی آن » مهندس هوشنگ خسرویار
٤۱ – تأسیسات آبی » مهندس عبدالله ریاضی

۴۲۰ ـ بیماریهای اعصاب (جلد نخست) نگارش دکتر صادق صبا

۴۲۱ ـ مکانیك عمومی (جلد دوم) » دکتر مجتبی ریاضی

۴۲۲ ـ صنایع شیمی معدنی (جلداول) » مهندس مرتضی قاسمی

۴۲۳ ـ مکانیك استدلالی » پرفسور تقی فاطمی

۴۲۴ ـ تاریخ فرهنگ ایران » دکتر عیسی صدیق

۴۲۵ ـ شرح تبصرهٔ آیة الله علامهٔ حلی (جلد دوم) » زین العابدین ذوالمجدین

۴۲۶ ـ حکیم ازرقی هروی بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی

۴۲۷ ـ علوم عقلی نگارش دکتر ذبیح الله صفا

۴۲۸ ـ شیمی آنالیتیك » دکتر گاگیك

۴۲۹ ـ فیزیك الکتریسیته (جلد دوم) » » روشن

۴۳۰ ـ کلیات شمس تبریزی باتصحیحات وحواشی آقای فروزانفر

۴۳۱ ـ کانی شناسی (تحقیق دربارهٔ بعضی ازکانهای جزیره هرمز) نگارش دکتر عبدالکریم قریب

۴۳۲ ـ فرهنك غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم) » امیرجلالالدین غفاری

۴۳۳ ـ ریاضیات درشیمی (جلد دوم) » دکتر هورفر

۴۳۴ ـ تحقیق درفهم بشر ترجمه دکتر رضازاده شفق

۴۳۵ ـ السعادة والاسعار بتصحیح مجتبی مینوی

۴۳۶ ـ تاریخ فرهنك اروپا نگارش دکتر عیسی صدیق

۴۳۷ ـ نقشه برداری (جلددوم) » مهندس حسن شمسی

۴۳۸ ـ بیماریهای گیاه (تجدیدچاپ) » دکتر خبیری

۴۳۹ ـ حقوق مدنی (جلد سوم) » دکتر سیدحسن امامی

۴۴۰ ـ سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)

۴۴۱ ـ دردشناسی دندان (جلد دوم) نگارش دکتر محمودسیاسی

۴۴۲ ـ حقوق اساسی فرانسه » » قاسم زاده

۴۴۳ ـ حقوق عمومی واداری » » شیدفر

۴۴۴ ـ پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم) » » میمندی نژاد

۴۴۵ ـ شیمی عمومی معدنی » » شیروانی

۴۴۶ ـ فسیل شناسی » » فرشاد

۴۴۷ ـ فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد ششم) » امیرجلال الدین غفاری

۴۴۸ ـ تحقیق درتاریخ قندسازی ایران » مهندس ابرهیم ریاحی

۴۴۹ ـ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران » دکتر حسین گل گلاب

۴۵۰ ـ جراحی فك وصورت (جلد دوم) » » حسین مهدوی

۴۵۱ ـ تاریخ هرودت » » هادی هدایتی

۴۵۲ ـ تاریخ دیپلماسی عمومی (چاپ دوم) » » حسن ستوده تهرانی

۴۵۳ ـ سازمان فرهنگی ایران (تجدید چاپ) » » علی کنی

۴۵۴ ـ مسائل گوناگون پزشکی » » محمدعلی مولوی

۴۵۵ ـ فیزیك الکتریسته (جلد سوم) » » روشن

۴۵۶ ـ جامعه شناسی یاعلم الاجتماع » » یحیی مهدوی

۴۵۷ ـ اورمه.

٤٥ – بهداشت عمومی (پیش گیری بیماریهای واگیر) — نگارش دکتر اعتمادیان
٤٥ – تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم) — » مرحوم دکتر حسن شهید نورائی
٤٦ – تبصره و دو رسالهٔ دیگر در منطق — بکوشش دانش پژوه
٤٦ – مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم) — نگارش دکتر مولوی
٤٦ – کلیات شمس تبریزی (جزوه دوم) — تصحیح فروزانفر
٤٦ – ارتدنسی (جلد اول) — نگارش دکتر ریاض
٤٦ – یادداشتهای قزوینی (جلد اول) — بکوشش ایرج افشار
٤٦ – فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران — » سایمون جرویس رید